

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خلاصه مقالات

همایش ملی منظر شهری

۸،۷ و ۹ آذر ۸۹

خلاصه مقالات همایش ملی منظر شهری

برگزار کنندگان:

پژوهشکده فرهنگ و هنر جهاد دانشگاهی

پژوهشکده نظر، مرکز تحقیقات هنر، معماری و شهرسازی

با همکاری:

- معاونت اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران (اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی)
- دبیرخانه دائمی منظر شهری
- شهرداری قزوین
- سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور
- استانداری تهران
- مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن
- نهاد برنامه‌ریزی توسعه شهری تهران
- دانشگاه علم و فرهنگ (دانشکده هنر)
- دانشگاه تهران (دانشکده جغرافیا)
- دانشگاه شهید بهشتی (دانشکده معماری و شهرسازی)
- دانشگاه علم و صنعت (دانشکده معماری و شهرسازی)
- دانشگاه تربیت مدرس (دانشکده هنر و معماری)
- دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)
- شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری
- مهندسین مشاور فجر توسعه
- انجمن ایران‌شناسی فرانسه در ایران
- ناشر تخصصی کنفرانس‌های کشور (CIVILICA)

دبیر همایش: دکتر حسین کلاتنری خلیل‌آباد

ویراستار: تهمینه فتح‌اللهی

صفحه‌آرایی: معصومه کیهانی فر - فاطمه قزلو

طراحی جلد: فاطمه قزلو

ناشر: پژوهشکده فرهنگ و هنر جهاد دانشگاهی - مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول

تاریخ انتشار: مهرماه ۱۳۸۹

شورای سیاست‌گذاری

۱. پژوهشکده فرهنگ و هنر جهاددانشگاهی
دکتر حسین کلانتری،
رئیس شورای سیاست‌گذاری
۲. پژوهشکده نظر
دکتر سید امیر منصوری
۳. مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن
دکتر غزال راهب
۴. سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور
دکتر محمدرضا بمانیان
۵. معاونت اجتماعی فرهنگی شهرداری تهران
دکتر سید رضا مصطفوی
۶. استانداری تهران
مهندس محمدرضا صمیمی
۷. پژوهشکده فرهنگ و هنر جهاد دانشگاهی
مهندس محمد کمیلی
۸. دبیرخانه دائمی توسعه شهری (با رویکرد ارتقاء منظر شهری قزوین)
مهندس علیرضا خزائلی
۹. شهرداری قزوین
مهندس مسعود نصرتی
۱۰. دانشگاه تربیت مدرس (دانشکده هنر و معماری)
دکتر کیانوش سوزنچی
۱۱. دانشگاه علم و فرهنگ (دانشکده هنر)
دکتر نیما ورامینی
۱۲. نهاد برنامه‌ریزی توسعه شهری تهران
مهندس حمیدرضا مهملی ابیانه
۱۳. دانشگاه تهران (دانشکده جغرافیا)
دکتر کرامت‌اله زیاری
۱۴. دانشگاه علم و صنعت (دانشکده معماری و شهرسازی)
دکتر احمد اخلاصی
۱۵. دانشگاه شهید بهشتی، (دانشکده معماری و شهرسازی)
مهندس مهدی شیبانی
۱۶. انجمن ایران‌شناسی فرانسه در ایران
لیلی کریمی فرد
۱۷. شرکت فجر و توسعه جهاد دانشگاهی
دکتر مهران علی‌الحسابی

کمیته علمی همایش

۱. دکتر سید امیر منصوری، رئیس کمیته علمی همایش و رئیس پژوهشکده نظر
۲. دکتر حسین کلانتری خلیل‌آباد، رئیس پژوهشکده فرهنگ و هنر جهاددانشگاهی
۳. مهندس مهدی شیبانی، مدیرگروه معماری منظر دانشگاه شهید بهشتی
۴. دکتر احمد پوراحمد، رئیس دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران
۵. دکتر احمد علی فرزین، استادیار گروه معماری منظر دانشگاه تهران
۶. دکتر مجتبی انصاری، رئیس دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس
۷. دکتر مهدی زندیه، مدیر گروه معماری منظر دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)
۸. دکتر محمد میره، استادیار گروه پژوهشی منظر شهری پژوهشکده فرهنگ و هنر
۹. دکتر مصطفی عباس‌زادگان، استادیار طراحی شهری دانشگاه علم و صنعت
۱۰. دکتر اسماعیل ضرغامی، استادیار گروه پژوهشی منظر شهری پژوهشکده فرهنگ و هنر
۱۱. دکتر محمدرضا بمانیان، قائم مقام سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور
۱۲. دکتر ناصر براتی، نهاد برنامه‌ریزی توسعه شهری تهران
۱۳. دکتر مینا سعیدی، انجمن ایران‌شناسی فرانسه
۱۴. دکتر نیما ورامینی، استادیار دانشگاه علم و فرهنگ

کمیته اجرایی همایش

- | | |
|----------------------------------|------------------------|
| رئیس کمیته اجرایی | ۱. مهندس محمد کمیلی |
| مدیر دبیرخانه علمی | ۲. مهندس آیدا آل هاشمی |
| انتشارات و قراردادها | ۳. حمید آیتی |
| برگزاری مراسم | ۴. حمید رضانی |
| پشتیبانی | ۵. هادی سلگی |
| مسئول نمایشگاه آثار دانشگاهی | ۶. مهندس رسول رفعت |
| مسئول نمایشگاه آثار حرفه‌ای | ۷. مهندس امید کیمیایی |
| مسئول نمایشگاه کتب و مجلات تخصصی | ۸. مهندس سارا شعبانیان |
| همکار دبیرخانه علمی | ۹. سمیرا شاوردی |
| همکار دبیرخانه علمی | ۱۰. لیلا زمانی |
| همکار دبیرخانه علمی | ۱۱. اصغر کریمیار |
| روابط عمومی، تبلیغات و تشریفات | ۱۲. محمدرضا یوسفی |
| کارشناس هنری | ۱۳. فاطمه قزلو |
| تدارکات | ۱۴. محمد شجاعیان |
| حمل و نقل | ۱۵. محمد قربان پور |
| خدمات | ۱۶. محمد شیرین کام |

فهرست محور ها و موضوعات همایش

۱. تعریف، مفاهیم و مبانی نظری منظر شهری..... ۷

- ۱-۱. مبانی نظری و فلسفی منظر ۹
- ۲-۱. تاریخ و منظر ۲۵
- ۳-۱. تعاریف و روش‌شناسی ۳۵
- ۴-۱. عناصر منظر شهری ۵۵
- ۵-۱. پایداری و منظر شهری ۷۷
- ۶-۱. هویت و منظر شهری ۹۱

۲. تجربه‌های خارجی و داخلی منظر شهری..... ۱۰۷

- ۱-۲. نوسازی شهری ۱۰۹
- ۲-۲. منظر طبیعی شهر ۱۳۹
- ۳-۲. تجهیزات شهر و منظر ۱۶۱
- ۴-۲. فضای جمعی و منظر شهری ۱۷۵
- ۵-۲. برنامه‌ریزی و مدیریت منظر ۱۸۵
- ۶-۲. منظر راه و خیابان ۲۰۷
- ۷-۲. گردشگری و منظر شهری ۲۲۱

۳. مدیریت منظر شهری در شهرهای ایران..... ۲۲۷

- ۱-۳. قوانین و مقررات منظر ۲۲۹
- ۲-۳. منظر شهری تهران ۲۴۷
- ۳-۳. منظر شهرهای ایران ۲۶۱

فهرست مقالات

پیام دبیر همایش.....	۱
مقدمه.....	۵
۱. تعریف، مفاهیم و مبانی نظری منظر شهری	۷
۱-۱. مبانی نظری و فلسفی منظر	۹
ارزش‌ها و هنجارهای مداخله در طراحی منظر شهری، طیبه ولیان، سحر علی نژاد.....	۱۰
تحلیل کیفی فضا و منظر شهری و الگوی رفتاری استفاده کنندگان از فضا، حبیب رزاقی.....	۱۱
ثبات در منظر شهر، علی عاشوری.....	۱۲
رابطه انسان و منظر شهری، سحر علی نژاد، طیبه ولیان.....	۱۳
زیبایی شناسی منظر شهری در عصر سرعت، حامد زرین کمری، مریم معیری نیا، اسحق رضاراده.....	۱۴
سیمای شهر از منظر هرمنوتیک، علیرضا نوروزی طلب.....	۱۵
عوامل موثر در درک منظر شهری - از کالن تا کولهاس، ستاره فدایی، مریم معیری نیا.....	۱۶
مبانی ادراک منظر شهری، قاسم مطلبی.....	۱۷
مفهوم مکان کیفیت نهفته در منظر شهر، امین حبیبی.....	۱۸
مفهوم و «ماهیت منظر شهری» از دیدگاه معماری منظر، سید حسن تقوائی.....	۱۹
منظر ادراکی شهر، مهدی شیپانی.....	۲۰
منظر شهری چیست؟، محمد آتشین بار.....	۲۱
منظر شهری و خوانایی شهر، حسین کلانتری خلیل آباد، سجاد ابادرلو.....	۲۲
منظر شهری، محل رویارویی مردم با طراحان، عطیه غفوری، محمدرضا مهربانی گلزار.....	۲۳
۲-۱. تاریخ و منظر	۲۵
بررسی تطبیقی منظر در شهرهای اسلامی و غیر اسلامی، زینب فروزان مهر، سیده پریسا سروریان.....	۲۶
تقابل فضاهای سنتی و فضاهای مدرن، حسین حاتمی نژاد، سید عباس رجایی، محسن سلطانی فرد.....	۲۷
جایگاه منظر شهری در ارتباط برقرار کردن انسان و محیط در شهرهای جدید، سحر قاسمیان.....	۲۸
دریچه‌ای به «منظر شهری» در اغماء با ...، مجید منصور رضایی، زهرا عزیزی، مزده عرفانی.....	۲۹
زبان منظر شهر معاصر، وحید پوریاقرانی، یوسف یوسفی.....	۳۰
ضرورت و نقش ثبت عناصر هویت بخش ثبت مناظر شهرها به عنوان میراث شهری، منا مسعود لواسانی.....	۳۱
کشف راز جاودانگی منظر بافت‌های تاریخی، راهی به ...، علی اکبر کوششگران، مرجان منتظری، فاطمه دهقان.....	۳۲
مدیریت تحولات شهری، ابزاری در جهت ...، کیوان خلیجی، محمد صالح شکوهی بیدهندی.....	۳۳
۳-۱. تعاریف و روش‌شناسی	۳۵
آشفستگی‌های بصری مثبت - منفی، محمود قلعه نوعی، فروغ مدنی.....	۳۶

۳۷	بینابینی های جغرافیایی، فرهنگی و منظر شهری، رسول رفعت، عباس صرامی
۳۸	پلاستیک شهر بعد پنهان منظر شهری، زهرا رستگاری، آرزو مومنیان
۳۹	تأملی در حوزه مفاهیم شهری: شکل شهر، شاکله شهر، ... سیدمحمدرضا خطیبی
۴۰	تأثیر ساختمان‌های بلند مرتبه در منظر شهری، مهرداد کریمی مشاور
۴۱	در جستجوی منظر فرهنگی، راضیه رضازاده، سید یحیی خاتمی
۴۲	راهکارهای بهره‌گیری از ویژگی‌های باغ ایرانی در منظر شهری معاصر، وحید حیدر نتاج
۴۳	کاربرد ارگونومی ادراکی در ارتقاء ... محسن حسینی، محمدرضا پورجعفر
۴۴	کمیته‌های سیما و منظر شهری، سید محمد رضا خطیبی
۴۵	متخصصان مداخله کننده در عرصه منظر شهری، سید محمد رضا خطیبی
۴۶	مقدمه‌ای بر روش‌شناسی منظر شهری، سید حسین بحرینی، مازیار عبایی
۴۷	منظر حرکت، صبا مالکی
۴۸	منظر شهری، هویت فرهنگی یا صنعت فرهنگی، رحمت الله فرهودی، ایرج تیموری
۴۹	منظر شهری، طرح یک سؤال و یک پاسخ، مهرنوش محمودزاده خلیلی
۵۰	منظر شهری - مؤلفه‌های کمی و شاخص های هدایت و کنترل اسناد فنی، سید امیر منصوری
۵۱	منظر شهری از منظر استفاده کننده، بهادر زمانی، مرتضی ملکی
۵۲	نظرگاهی به وسعت شهر، امیر احمدی نسب
۵۳	هویت رنگین شهر، شهره جوادی

۴-۱. عناصر منظر شهری

۵۵	اصول، ضوابط و معیارهای مدیریت و برنامه‌ریزی بهینه منظر شهری، علی زنگیآبادی، نازنین تبریزی
۵۶	بررسی تأثیرات صنعت گردشگری بر سیما و منظر شهری در ... صدیقه لطفی، سیده معصومه میرابوطالبی
۵۷	بررسی نقش لبه شهری و ... رحیم بردی آتامراد نژاد، محمود عیوض، فرشته رضایی، داود عیوضلو، سالار عبداللهی
۵۸	بررسی هنر عمومی و نقش آن در منظر شهری، بنفشه خسروی، مجید ابراهیم‌پور
۵۹	برنامه‌ریزی ترنسکت، رهیافتی در مطالعه مورفولوژی شهری، مهرشاد خلج، الهام لشکری
۶۰	تأثیر محور پاسخ‌ده بر درک منظر شهری، گلرخ کوبایی
۶۱	تأثیر ورودی‌ها و بازشوها در سیمای شهر به عنوان ... راضیه رضازاده، صدیقه صفری
۶۲	تأثیر نماهای شهری در چشم انداز شهر، علی مختاریان
۶۳	تبیین نشانه‌های شهری، در رابطه محتوی و کالبد، محسن فیضی، مهدی کیودی، مجید رستمی
۶۴	تعیین معیارهای مکان‌یابی و طراحی نشانه‌های شهری، در ... محمدرضا پورجعفر، مهدی منتظرالحجه
۶۵	جایگاه رنگ در منظر شهری، دکتر محسن شاطریان، امیر اشنویی، محمود گنجی پور
۶۶	روایت شهر و حافظه جمعی، نادر امیری
۶۷	زندگی شبانه، آرزو مومنیان، زهرا رستگاری
۶۸	ساماندهی منظر شهری محلات در نظام شهرها، با ... علی نقوی نمینی، فرشاد کازرونی، نسترن اسماعیل بیگی
۶۹	طراحی فضاهای باز شهری و نقش آن در زیبایی منظر شهری با ... احمد خادم الحسینی، امیر زاهدی یگانه
۷۰	عوامل مؤثر بر ارتقاء کیفیت سیما و منظر بافت در طراحی معماری ابنیه، حمیدرضا نیلی
۷۱	کنش رازآمیز رنگ در سکانس‌بندی‌های منظر شهری، نگار قره‌گزل‌بیگی
۷۲	مدیریت فضای سبز و نقش آن در منظر شهری، امید حسن پور، عبدالمجید احمدی، خلیل رحمانی
۷۳	

- ۷۴ مقایسه تطبیقی مکاتب مطالعات مورفولوژی شهری به ... کیوان خلیجی، محمد صالح شکوهی بیدمندی
- ۷۵ منظر گاه‌های شهری، ساناز نوش آفرین، مریم افشاری کیا
- ۷۶ نمادهای شهری یادآور فرهنگ‌ها، سنت‌ها و خاطرات جمعی، مهدی زندیه

۵-۱. پایداری و منظر شهری

- ۷۷ راهبردهای محیطی در توسعه و ... بیت الله محمودی، هادی سلطانی فرد، رزیتا شریفی پور
- ۷۹ خلق مکان‌های امن، راهی به سوی ایجاد جوامع پایدار شهری، کیومرث حبیبی، امین امینی، محسن هنرور
- ۸۰ جایگاه و اهمیت عناصر و عوامل مؤثر در شکل‌گیری مقیاس‌های منظر در جهت ... سعید ملکی
- ۸۱ ساماندهی منظر شهری محلات براساس رویکرد پایداری، مهرداد کریمی مشاور، صمد نگین تاجی
- ۸۲ طراحی منظر شهری با توجه به ارزش‌های اجتماعی حاکم بر جامعه، لیلا پرهیزکار، مهرناز بوداغ
- ۸۳ کاربرد بام سبز در مدیریت پایدار منظر شهری، آذر شکبیا، رضا رفیعی جوزم
- ۸۴ مداخلات درون شهری سازگار با ساختار طبیعی شهرها، گامی به سوی ... آیدا آل‌هاشمی، شهرزاد خادمی
- ۸۵ منظر شهری پایدار با رویکرد اکولوژیکی، فائزه غفاری، نرگس غفاری
- ۸۶ منظر شهری کم‌کربن، رهیافت شهرسازی پایدار در ... علی اکبر تقوایی، مریم فراهانی، علیرضا کریم پور
- ۸۷ منظر شهری پایدار با تاکید بر ابعاد اجتماعی - فرهنگی، ناصر براتی، مرجان منتظری، زینب عادل
- ۸۸ منظر شهری در خدمت پایداری اقتصادی، شهاب میرزاییان، فرشاد کارزونی
- ۸۹ نقش طراحی منظر در ایجاد محلات پایدار اجتماعی، جلال آزادی سلیمانیه، کاملیا نهچیری
- ۹۰ واحدهای همسایگی سنتی نیو اور بنیستی (TND)، ... شبنم حقیقی، احسان یارس نیا، مرجان اشراقی

۶-۱. هویت و منظر شهری

- ۹۱ ارزیابی کیفیت منظر شهری با استفاده از منطق فازی، مصطفی قدمی، حسین جباری
- ۹۲ بررسی و ارزیابی شاخص‌های تأثیرگذار منظر شهری در ... سید علیرضا نوفل، پارس کلبدادی
- ۹۳ تأثیر مدرنیسم بر هویت و منظر شهرهای ایرانی - اسلامی، علی خلیج، ابوطالب شریفی
- ۹۴ رویکردی بر دگرگونی هویت شهر ایرانی اسلامی در قرن حاضر، اکبر اصغری زمانی، سمیه منافی
- ۹۵ شهر نشانه زیر گام‌های خاطره، وحید پورباقرانی، یوسف یوسفی
- ۹۶ عوامل هویتی منظر در بافت‌های تاریخی (کرمان)، میترا قربی
- ۹۷ منظر شهر - هویت - رفتار، هدی احمدی
- ۹۸ منظر شهری ابزاری برای بازتولید ... رحمت الله فرهودی، ایرج تیموری، مریم جعفری مهرآبادی
- ۹۹ منظر ورودی شهر، مظهر هویت شهر، محمدرضا تقصان محمدی، فاطمه دهقان، مرجان منتظری
- ۱۰۰ نقش معماری منظر در بازآفرینی نشانه‌های حیات و هویت در منظر شهری، مریم دبیری، امیر سعادت فرد
- ۱۰۱ نقش منظر در هویت بخشیدن به شهر، محمد کمیلی
- ۱۰۲ نقش منظرشهری در ارتقاء هویت در شهرهای جدید، ملاح حقیقی، حمید رضانی
- ۱۰۳ نقش و جایگاه منظر شهری در مولفه‌های هویت شهری، سید محمدرضا خطیبی
- ۱۰۴ نقش و جایگاه منظر شهری در هویت بخشی به ... بنفشه یادگارزاده، سید علیرضا ارباب زادگان هاشمی
- ۱۰۵ نگرشی بر شاخصه‌های هویت کالبدی در ... علی اکبر تقوایی، مصطفی شمشیربند، مسعود خادمی
- ۱۰۶

۲. تجربه‌های خارجی و داخلی منظر شهری..... ۱۰۷

۲-۱. نوسازی شهری..... ۱۰۹

- ۱۱۰..... احیاء و بازآفرینی بافت‌های تاریخی و فاطمه مهدی زاده سراج، سید عباس یزدانفر و عاطفه نیکوگفتار
- ۱۱۱..... استفاده از الگوریتم ژنتیک در ساماندهی منظر فرهنگی در شهاب میرزاییان، المیرا کلهر
- ۱۱۲..... ایمن‌سازی منظر شهری در بافت تاریخی، راضیه محمدزاده
- ۱۱۳..... بازپردازی منظر در بافت فرسوده شهری، آسیب‌شناسی تجارب شهر زنجان، مهدی مقیمی، مهرداد سلطانی
- ۱۱۴..... بازخوانی مفهوم منظر شهری و ادراک حاصل از محمد ابراهیم مظهری، آذر بیکدلی
- ۱۱۵..... باز زنده‌سازی بافت‌های فرسوده تاریخی با احیاء افشین خاکی نجف‌آبادی، سولماز مصباح نمینی
- ۱۱۶..... بررسی ارتباط متقابل بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی مصطفی عباس زادگان، احمد خداوندی
- ۱۱۷..... بررسی تأثیرگذاری فضاهای رها شده شهری در مجتبی آراسته
- ۱۱۸..... بررسی منظر شهری مناطق حاشیه نشین و تاثیر آن بر سلامت روحی - روانی، سجاد دامیار
- ۱۱۹..... برنامه‌ریزی منظر برای بهسازی سواحل شهری، رضا قشقایی
- ۱۲۰..... بهسازی منظر شهری در بافت‌های خودانگیخته با رویکرد حمزه عباس پور ویشکایی، هما هدایت
- ۱۲۱..... بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده فرصتی جهت صدیقه لطفی، شهربانو براری طرچی، عبدالحمید محمدی
- ۱۲۲..... تأثیرات اجرای پروژه‌های نوسازی بر مجتبی شریف نژاد، حامد اخگر، الناز فیض شعار، مریم شریف نژاد
- ۱۲۳..... تبیین ساختاری برای مدیریت بصری شهر با تکیه بر سمیه بزرگزاده، نسترن حدیدی، فاطمه آیت‌اللهی
- ۱۲۴..... تحلیل ساختار ادراکی - بصری و محمدرضا پورجعفر، محمدرضا بمانیان، محسن حسینی
- ۱۲۵..... تدوین اصول کلی طراحی شهری در ... ارتقاء منظر شهری مصطفی عباس‌زادگان، مهدی ساشورپور
- ۱۲۶..... جایگاه معماری منظر در حیات بافت های تاریخی، صالحه بخارائی، محمود خلیلی
- ۱۲۷..... خوانش منظر شهری در بافت‌های فرسوده، سحر قاسمیان
- ۱۲۸..... راهبردهای ساماندهی منظر شهری روستا- شهر جماران در تهران امروز، سمانه یاراحمدی
- ۱۲۹..... ساماندهی منظر شهری در بافت‌های تاریخی با تأکید بر نازنین تبریزی، سارا کلانتری، امیر خلعت بری
- ۱۳۰..... سیما و منظر در شهرهای جدید از تئوری تا اجراء، رحیم هاشم پور
- ۱۳۱..... طراحی منظر شهری در بافت‌های جدید با استفاده از راضیه رضائی
- ۱۳۲..... مدیریت منظر شهری در نوسازی بافت فرسوده، محملی برای امیر ثامن
- ۱۳۳..... منظر شهری فرسوده و راه کارهای پیمان مرادیان بروجنی، حجت‌الله حاج علی اکبری، آرش حاج رسولی ها
- ۱۳۴..... منظر شهری و دغدغه افزایش تراکم ساختمانی در بافت‌های تاریخی و ارزشمند، محمود تیموری
- ۱۳۵..... نقش ارتقاء منظر شهری در نوسازی بافت‌های فرسوده شهری، سیروان شاهوی، فریکا فاروقی
- ۱۳۶..... نقش منظر شهری در احیای بافت فرسوده شهرها به عنوان محرک توسعه، نیما استوار
- ۱۳۷..... نوسازی بافت در پرتو منظر شهری، احمدعلی فرزین
- ۱۳۸..... نوسازی بافت‌های فرسوده، فرصت یا چالشی برای ارتقاء کیفیت منظر شهری، علی کاظمی

۲-۲. منظر طبیعی شهر..... ۱۳۹

- ۱۴۰..... آسیب شناسی منظر بافت تاریخی شهرهای کویری محمدرضا تقصان محمدی، مرجان منتظری و فاطمه دهقان
- ۱۴۱..... آسیب پذیری منظر شهر در فرایند مداخلات محیطی، مهرداد سلطانی مهدی مقیمی
- ۱۴۲..... الگوهای طبیعی بستر، مبنای طراحی و بهسازی محیط و محمدرضا مثنوی، محسن گودرزی، نفیسه حق طلب

- باز زنده‌سازی و احیاء بافت‌های فرسوده در رویکرد مشارکتی، کیومرث حبیبی، محمد مهدی عبادی ۱۴۳
- بررسی تأثیر عوامل طبیعی بر چگونگی استقرار شهر و نحوه گسترش آن، سید هادی موسوی ۱۴۴
- بررسی روند تطبیق مورفولوژیکی شهر اصفهان با شبکه‌های هیدرولوژیکی در ...، اکبر کیانی ۱۴۵
- بررسی نقش درختان در ایجاد کیفیات منظر شهری، محمد مهدی عبادی، محمد بشیر رباطی، هانیه رباطی ۱۴۶
- تبیین نقش رواناب و مدیریت آبخیز از زاویه منظر شهری، علیرضا تقوایی ابریشمی ۱۴۷
- تحلیل نگرش‌ها و بهره‌گیری از رویکردهای اکولوژیکی در برنامه‌ریزی و ...، مهدی خان‌سفید ۱۴۸
- تعمیم آتریوم از بنا به شهر و جایگاه آن در منظر شهری، منصوره طاهباز و مرضیه کاظم زاده ۱۴۹
- جدارهای سبز در فضاهای شهری، محمد مهدی تومانی، میلاد پرتار ۱۵۰
- راهکارهای انسجام منظر طبیعی در شهر، مریم معیری نیا، ستاره فدایی، حامد زرین کمری ۱۵۱
- مادی‌ها و نقش ساختاری آن در شکل‌دهی به منظر شهری، نرگس کریمی ۱۵۲
- مزایا و نقش بام سبز در منظر شهری، سمیه نادری پاریزی، هدی احمدی ۱۵۳
- منظر شهری و طراحی بوم‌آشکار، شادی براتی، شیناص برنجی، مهدی شیانی ۱۵۴
- نقش اکولوژی در منظر شهری، شینا ص برنجی، شادی براتی ۱۵۵
- نقش شبکه‌های سبز شهری در ایجاد پیوستگی و تداوم در منظر شهری، سعیده نوروزی ۱۵۶
- نقش شریان‌های آبی در ایجاد و هویت‌بخشی مناظر اجتماعی شهرها، تهدیدها و فرصت‌ها، سامان صبا ۱۵۷
- نقش مدیریت و برنامه‌ریزی منظر شهری در کاهش ...، جعفر سپهری، پریسا زارعی، لیلا فراهانی ۱۵۸
- نقش و اهمیت باغ‌های تاریخی در ساماندهی منظر شهری، قربان اسلامی راد، یاسر قاسمی ۱۵۹

۳-۲. تجهیزات شهر و منظر ۱۶۱

- اصول به کارگیری تاسیسات نورپردازی و ...، محمدرضا بهمانیان، علی اکبر تقواییو محسن حسینی ۱۶۲
- بررسی تأثیر چیدمان مبلمان‌های شهری بر نحوه رفتار عابر پیاده، آذر شکیبی، رضا رفیعی جوزم ۱۶۳
- بررسی تأثیرات زیبایی شناسی رنگ و سازه در ...، پرنیا رضا پوریان، حسین کاشی، مهدی ماستیانی ۱۶۴
- بررسی عوامل موثر در طراحی مبلمان شهری ...، رحیم بردی آنامراد نژاد، محمود عیوضلو، فرشته رضایی، داود عیوضلو ۱۶۵
- بررسی نماهای نرده‌ای در لبه‌های اماکن عمومی، جنت رحمت پناه ۱۶۶
- بررسی نقش عناصر تبلیغات شهری در زیبایی منظر شهری، توحید احمدی ۱۶۷
- تکنیک‌های ریخت شناسی شهری در تهیه راهنماهای طراحی شهری، امیر طیبی، علی غفاری ۱۶۸
- تهیه و تدوین راهنمای طراحی شهری بر اساس ...، مسعود متولی ۱۶۹
- مدیریت نصب تابلوهای تبلیغاتی ...، یاسر شکری، محمود عیوضلو، مصطفی محمودی، مصطفی رستگار، رضا شریفی زاده ۱۷۰
- منظر صوتی و نقش آن در کیفیت محیط شهری، الهام سوری، صدف نصیرپور ۱۷۱
- نقش درک نمای زاویه در خلق و ارتقاء سیما و منظر شهری، مجید یوسفی نوید ۱۷۲
- نقش فرم‌های ارگانیک در طراحی احساس‌گرای المان‌های شهری و ...، امیر مسعود فریدی زاد، مجتبی آراسته ۱۷۳
- نقش مجسمه در ارتقاء کیفیت سیما و منظر در ...، محمدرضا پورجعفر، امیر محمد لطفی، محسن حسینی ۱۷۴

۴-۲. فضای جمعی و منظر شهری ۱۷۵

- ارتقاء سرزندگی در فضاهای عمومی شهرهای جدید با رویکرد ...، آتوسا مدبری، سعید بهبودیان باجگیران ۱۷۶
- امنیت در فضاهای شهری، علی اکبر سردره، زینب عادل ۱۷۷
- بررسی تأثیرات احداث فضاهای زیرسطحی بر منظر شهری، مصطفی عباس زادگان، سارا فرزانه ۱۷۸

- ۱۷۹..... بررسی تطبیقی مدل‌های برنامه‌ریزی فضای باز با تاکید بر وضعیت شهر تبریز، رحمت الله محمد زاده
- ۱۸۰..... بررسی تطبیقی بین کارکردهای جدید میدان‌های ساعت، فرشته رضایی، محمود عیوضلو، زیبا شیرخانی، داود عیوضلو، حامد احمدی
- ۱۸۱... بررسی و مقایسه تطبیقی کیفیت مناظر شهری در سکونت‌گاه‌های ...، مجتبی آراسته، امیر مسعود فریدی زاد
- ۱۸۲..... تحلیل فضاهای بازی محله‌ای و تاثیر آن در سیما و منظر شهری، مهین نسترن، علیرضا نوروزی
- ۱۸۳..... منظر شهری و تعاملات اجتماعی، موسی شاکری
- ۱۸۴..... منظر شهری و خاطرات جمعی شهروندان، سیدعبدالهادی دانشپور، مریم روستا

۵-۲. برنامه‌ریزی و مدیریت منظر.....

- ۱۸۵..... آسیب شناسی منظر شهری استانبول، مریم رضایی
- ۱۸۶..... ارائه شاخص رضایت شهروندان با استفاده از ...، نیره صالح نیا، منیره صالح نیا، صالحه صالح نیا
- ۱۸۷..... بررسی و تحلیل الگوی مناظر شهری و تاثیرات محیطی آن با ...، اسماعیل داودی، حسین کرمی
- ۱۸۸..... تأثیر منظر شهری در زندگی سالمندان، راضیه زندیه
- ۱۸۹..... تبیین کیفیت زندگی شهری با تاکید بر بعد ...، لیلا حبیبی، مریم جعفری مهرآبادی، معصومه نوروزی
- ۱۹۰..... تراکم و چشم انداز شهری پایدار، محمد حسین پور
- ۱۹۱..... تکه انگاری یا "کلاژ"، روشی در طراحی منظر شهری، علی اصغر ادیبی
- ۱۹۲..... توپوگرافی در منظر شهری، جعفر میرکتولی، مصطفی رستگار، محمود عیوضلو، مصطفی محمودی، رضا شریفی زاده
- ۱۹۳..... چالش‌های در حال ظهور معماری منظر در برنامه ریزی‌های ...، فرشاد کارزونی، شهاب میرزاییان
- ۱۹۴..... روش‌های کاربردی در آسیب شناسی منظر شهری، زهرا سادات سعیده زربادی، سارا امینی لاری
- ۱۹۵..... سیمای شهری کودک، سپیده هوشمندفر، جیا رحیم زاده، مهدی شکوهی تبار
- ۱۹۶..... ضوابط، ملاحظات و استانداردها در طراحی، ...، محمدرضا پورمحمدی، ابوالفضل قنبری
- ۱۹۷..... طراحی میان افزای هماهنگ در راستای ایجاد...، محمد رضا پورجعفر، مسعود خادمی، روجا علی پور
- ۱۹۸..... طراحی منظر تپه‌های درون شهری به کمک GIS، علی شکوهی، سولماز احمدی باروق، فاطمه پیری
- ۱۹۹..... فقدان شناوری میان حداکثر تراکم، تعداد طبقات، و سطح اشغال زمین مجاز و ...، مروارید قاسمی اصفهانی
- ۲۰۰..... کدهای فرم‌پایه، الناز امیرهندانی
- ۲۰۱..... کودک و جایگاه موثر او در طراحی منظر شهری، مریم آزموده
- ۲۰۲..... مدل‌های مدیریت منظر شهری و چگونگی هدایت راهبردی، فرانک فرزانه، سامان معتمدی
- ۲۰۳..... مدیریت اطلاعات بصری در منظر شهری، نگین شکیبی و شقایق ملکی
- ۲۰۴..... مدیریت منظر شهری، کامران ذکاوت
- ۲۰۵.....

۶-۲. منظر راه و خیابان.....

- ۲۰۷..... از بازار تا خیابان، امید ریسمانچیان
- ۲۰۸..... بازشناسی کیفیت‌های بصری منتج از تغییر محصوریت در ...، سیدعبدالهادی دانشپور، محمدرضایی ندوشن
- ۲۰۹..... بررسی تأثیرات روحی و روانی بدنه‌های شهری بر ...، سمیه بیگی، محمدرضا پورجعفر، محسن ایمانی نائینی
- ۲۱۰..... بررسی کیفیت سیمای راه‌ها در شهر، غلامرضا ملکشاهی، هادی پندار، سید سحر محمدی
- ۲۱۱..... بزرگراه‌ها، گستره رها شده در منظر شهری، نیلوفر سیفی
- ۲۱۲.....

بررسی تطبیقی تغییرات کیفیت مبادی ورودی شهری شهر بابلسر در ... مصطفی قدمی، سید سحر محمدی... ۲۱۳
 تحلیل منظرین از روند تحولات نقش خیابان در ... محمد آتشین بار، آیدا آل‌هاشمی، یاسر جعفری ۲۱۴
 پدیده خیابان و منظر شهری در بافت‌های تاریخی، احمد دانه‌نی نیا ۲۱۵
 خوانایی خیابان، رهنمودی به منظر شهری مطلوب، علی اکبر کوششگران، فاطمه دهقان، مرجان منتظری ۲۱۶
 درآمدی بر مطلوبیت منظر خیابان‌های شهری، روجا علی پور، گلسا صدیقی، مسعود خادمی ۲۱۷
 طراحی ایده (کانسپت) محور خیابان‌ها و بدنه‌های شهری، محسن اکبرزاده، ملیحه تقی پور ۲۱۸
 طراحی و ساماندهی بدنه شهری در قدیمی‌ترین خیابان ایران، پریسا پروینیان، پویا خزانلی ۲۱۹
 نقش ساماندهی فضایی و ادراکی در احساس امنیت عابرین در منظر خیابان، لیلا رحیمی ۲۲۰

۲-۷. گردشگری و منظر شهری ۲۲۱

اصول طراحی منظر شهری در ورودی شهرها، مهدی ساشورپور، عاطفه مجتبی زاده، الهام بیات ۲۲۲
 بررسی کیفیت مبادی ورودی شهرهای توریستی با تأکید بر ... مصطفی قدمی، طاهره غلامیان آقا محلی ۲۲۳
 توان سنجی محیطی - گردشگری، صفر قائدرحمتی، احسان شیخ‌الاسلامی ۲۲۴
 توسعه گردشگری، گامی موثر در جهت احیاء ... مریم لسان، امیر مسعود علیرضایی، پروانه غضنفری ۲۲۵
 منظر شهری ساحلی، پونه وکیلیان، آرش سجادی ۲۲۶

۳. مدیریت منظر شهری در شهرهای ایران ۲۲۷

۳-۱. قوانین و مقررات منظر ۲۲۹

ارزیابی جایگاه سیما و منظر شهری در اسناد توسعه شهری، محمد صالح شکوهی بیدهندی، حمیدرضا محملی ابیانه ۲۳۰
 بررسی اثرات عدم رعایت تراکم ارتفاعی در ... اسد... دیوسالار، رضا شریفی زاده، محمود عیوضلو، مصطفی محمودی، مصطفی رستگار ۲۳۱
 بررسی تأثیر ضوابط پهن‌بندی طرح تفصیلی تهران بر ... پیام محمودی کردستانی، مریم ذبیحی، مریم صادقی ۲۳۲
 بررسی تأثیر ویژگی‌های قطعه‌بندی اراضی مسکونی بر منظر شهری، بهناز گنجعلیزاده ۲۳۳
 بررسی تطبیقی حقوق و قوانین شهری با فرایند ... حمید فتحی، پیام انصافیان، امین ماهان، فرشید عشق آبادی ۲۳۴
 بررسی جایگاه منظر شهری در طرح‌های توسعه شهری، لیلا آقایی ۲۳۵
 بررسی نقش مکان‌یابی در توسعه علمی منظر شهری با تأکید بر GIS، هادی صادقیان ۲۳۶
 تفکیک اراضی و منظر شهری، علی حیدری ۲۳۷
 سیما و منظر شهری در حوزه وظایف شهرداری ها، ابراهیم جمشیدزاده، حسین کلاتتری خلیل آباد ۲۳۸
 طراحی باروی تاریخی شهر تبریز از دیدگاه منظر شهری، لیدا بلیلان اصل، داریوش ستارزاده ۲۳۹
 کاربری سواد زبان بصری سیمای شهری نراق برای بازیابی ...، راضیه رضازاده، صدیقه صفری ۲۴۰
 کوشک‌های برون‌گرا - کوشک‌های درون‌گرا، حشمت‌اله متدین ۲۴۱
 گونه‌شناسی منظر شهری در سکونت‌گاه‌های غیررسمی ایران، محمد میره ۲۴۲
 معرفی اصول و قواعد حاکم بر شکل شهرهای تاریخی در ایران، مصطفی بهزادفر، مریم صانعی ۲۴۳
 منظر شهری و ضرورت توجه به آن در برنامه‌ریزی شهری، محمد حسین سرائی، سعیده مؤیدفر ۲۴۴
 نقش قوانین و ضوابط معماری و شهرسازی حاکم بر نظام شهرداری در ... مهدی فاطمی ۲۴۵
 نمادها و سمبل‌ها در منظر شهرهای ایران، انسیه قوام پور ۲۴۶

- ۲-۳. منظر شهری تهران**..... ۲۴۷
- آزمون نظریه توزیع اندازه‌ها در ...، حامد زرین کمری، مریم معیری نیا، میثم مهدی‌زاده ۲۴۸
- ارتقای کیفیت فضاهای شهری در روستاهای مجاور شهرها با تکیه ...، داود زادمهر، تینا مختاری..... ۲۴۹
- ارزیابی میزان سرزندگی در ...، سمیه علیخانی، بهرام ولی محمدی، حمید رضا مظاهری، شهرزاد فریادی ۲۵۰
- انطباق و پیوستگی شبکه نقاط عطف شهری با بستر طبیعی گامی به ...، آیدا آل هاشمی، بهار مجتهدی ۲۵۱
- بررسی تأثیر خطوط انتقال نیرو بر سیما و منظر شهری، فاطمه مقیمی ۲۵۲
- بررسی تطبیقی جایگاه آثار معماری شاخص دهه ۴۰ تهران، به مثابه ...، مجیر جلیلیان..... ۲۵۳
- بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری نماهای شهری، فرانک عطار، سینا بلندن ۲۵۴
- تأثیر آثار و مظاهر فرهنگی بافت‌های تاریخی در منظر شهری، حسین کلانتری خلیل‌آباد، طاهر ابوبکری ۲۵۵
- تجاری در منظر شهری از محله سیروس در تهران تا محله ق-اونیون و...، مینا سعیدی، لیلا کریمی فرد ۲۵۶
- خیابان هنر، تجربه ای نو در منظر شهری، نوید سعیدی رضوانی، احسان نورانی، حمیدرضا دانش پور ۲۵۷
- خیلی دور خیلی نزدیک، تاملی بر فضاهای جمعی پایتخت، مجتبی قدیری، فاطمه مقیمی ۲۵۸
- شناخت منظر شهری تهران و جهت‌گیری برای آینده، حمید محبی ۲۵۹
- مناسبات اجتماعی و فرهنگی موجود در ...، مهدی فاطمی ۲۶۰
- ۳-۳. منظر شهرهای ایران**..... ۲۶۱
- ارزیابی و آسیب‌شناسی سیما و منظر بافت‌های ...، کیومرث حبیبی، ابوالفضل مشکینی، امین امینی و وحید محکی ۲۶۲
- بازشناسی مفهوم پایداری و توسعه پایدار در منظر شهرهای سنتی ایران، احمد پورمختار..... ۲۶۳
- بررسی اغتشاشات بصری آلوده‌کننده منظر شهری بلوارهای شهر یزد، محمود قدیری، محمدحسن‌زاده..... ۲۶۴
- بررسی پارامترهای مؤثر در مکان‌یابی فضای سبز شهر ساری، زهره هادیانی، حیدر نگهدار، زهره حمیدی ۲۶۵
- بررسی و ارزیابی ریخت‌شناسی (مورفولوژی) شهر فیروزکوه در ...، مصطفی بهزادفر، مریم صانعی..... ۲۶۶
- تحلیل ساختاری شهر جدید شوشتر از منظر شهری، حافظه پور دهقان، وحید پرموده ۲۶۷
- تعریف رویکرد مداخله بر مبنای توسعه میان‌افزا در ...، سعید رفیع پور، مریم رحمانی، محمدجعفر جمال ۲۶۸
- سنجش رشد درونی شهرها با استفاده از ...، صدیقه لطفی، حسین جباری، مهناز کوشکی ۲۶۹
- سیر تحول سیما و منظر شهری شهر بیرجند در دوره معاصر، مهدی فاطمی، محمدرضا مهربانی گلزار ۲۷۰
- شناخت عناصر بومی و فرهنگی در ساختار منظر محلات قدیمی شهر تبریز، لیلا مدقالچی..... ۲۷۱
- عدم تعادل‌های فضایی و تأثیر آن بر منظر شهری، معصومه توانگر..... ۲۷۲
- منظر دوگانه شهری در روستا - ...، علیرضا شمس اسفندآبادی، ایرج قاسمی، علی سلطانی، محمدرضا پاپاحمدی..... ۲۷۳
- واکاوی منظرین کلان شهر تبریز، بهادر زمانی ۲۷۴

پیام دبیر همایش

«منظر شهری» به واسطه نقش آن در زیباسازی، هویت بخشی و روان سازی جریان زندگی در محیط شهری، اهمیت زیادی دارد. شهرهای امروزی، به دلایل گوناگون و اغلب اقتصادی از یافتن هویت بصری و تاریخی مطلوب بی بهره شده‌اند و لازم است تا با توجه به زمینه‌های نظری و بنیادین مباحث «منظر شهری»، از تبدیل شدن این مقوله به نوعی فعالیت تخیلی و بی مبنا جلوگیری شود، چرا که سیمای شهر، از شهر «حس» می‌شود و به «دیده» می‌آید.

محققان از ویژگی‌های تاریخی، فرهنگی و زیباشناختی به عنوان جنبه‌های اصلی و قابل توجه منظر یاد کرده‌اند. توجه به وجوه یاد شده در شهر، جلوه‌ای از محیط زیست انسان را در بر می‌گیرد که «منظر شهری» نامیده می‌شود. منظر یک شهر، مجموعه‌ای از عوامل طبیعی و مصنوع است که تحت تأثیر ویژگی‌های خاص طبیعی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی آن شهر خاص شکل گرفته و عرصه به عینیت درآمدن ویژگی‌های خاص آن شهر است. منظر شهری به عنوان مقوله‌ای مطرح در کیفیت و مطلوبیت شهرها، واقعی و عینی بوده و حاصل مشاهده و درک مظاهر گوناگون و ملموس شهر اعم از بناها، فضاها، فعالیت‌ها، صداها، بوها و ... هنگام مواجهه شهروند با پدیده شهر است. منظر شهری صرفاً در بردارنده نمای ساختمان‌ها و عناصر قابل رؤیت نیست؛ بلکه مشتمل بر تمام عناصری است که توسط حواس انسان قابل درک می‌باشد.

با این توصیف باید اندیشید منظر امروزین شهرها چگونه است که عده‌ای از شهروندان یا کسانی که برای نخستین بار وارد آن می‌شوند، آن را آشفته، زشت و مبهم می‌خوانند یا عده‌ای آن را زیبا، خوب و برآیند یک اندیشه، فرهنگ و تمدن ریشه‌دار می‌دانند؟

در واقع شهروندان، شهر را از طریق کالبد فیزیکی نمایان آن، نماهای ساختمان‌ها و هماهنگی آنها با یکدیگر، راه‌های شهری و مسیرهای عبوری سواره و پیاده، گره‌های شهری همچون میدان‌ها، فضاهای عمومی و باز شهری و ... می‌شناسند. برآستی آیا سیمای کنونی کلانشهرها، زبیده شهروندان و تاریخ بلند آن است؟ به طور قطع و یقین، پاسخ منفی است؛ چرا که همواره شهروندان در شکل‌گیری آن نقشی نداشته و ناخواسته در فضایی حضور یافته‌اند که عده‌ای آن را بر اساس سلیق شخصی خود، بنا کرده‌اند.

منظر شهری در گذشته محدود به زیباسازی جداول و نقاشی دیوارها بود، اما امروزه به صورت یک موضوع بین رشته‌ای مطرح گردیده است، اگرچه متأسفانه مجموعه مدیریت شهری به چنین نتیجه‌ای نرسیده است.

به نظر می‌رسد ارتقاء کیفیت فضاهای شهری و مناظر مختلف شهر، موضوع اصلی مأموریت شهرداری است، ولی بدنه شهرداری تاکنون چنین اولییتی را در کارهای خود پیش‌بینی نکرده است. کیفیت محیط و فضاهای شهری را نمی‌توان همانند گردن‌بندی که بر گردن شهر آویزان کرد، بلکه این کیفیت و هویت خود شهر است که باید ارتقاء یابد.

از زاویه دیگر، توسعه شهری پنج دهه اخیر شهرها عموماً مبتنی بر معیارهای کمی برنامه‌ریزی شهری ارزیابی شده و به کیفیت در برنامه‌ریزی شهری بی‌توجهی گردیده است. در صورت توجه به کیفیت و مناظر شهری، معماری فضای شهری محقق شده و عناصر و اجزای خود را خواهد یافت. از سوی دیگر طی سال‌های اخیر در دانشکده‌های معماری و شهرسازی، گروه معماری منظر ایجاد شده که در عین نداشتن جایگاه خاصی در جامعه، تعاریف متفاوتی از منظر را موجب گردیده است. منظر شهری، بعد ناشناخته‌ای از شهر است که تأثیر بسزایی در احساس مطلوبیت شهر در ذهن شهروندان دارد. در شهر عواملی وجود دارد که تغییرات آنها موجب تغییر کیفیت شهر می‌شود. مدیران شهری، بویژه در ایران، تصور می‌کردند تنها با کنترل مؤلفه‌های کمی شهر مانند ترافیک، زیر ساخت‌ها، سرانه فضای سبز و ساخت و ساز، می‌توان به شهر مطلوب دست یافت، اما به تدریج آسیب‌های پرداخت صرف به جنبه‌های فیزیکی یا عملکردی شهر آشکار شده است. شهرهای امروز فاقد هویت، زیبایی و معنا بوده و شهروندان نیز تعلق به مکان و وابستگی به شهر را به تدریج کمتر و کمتر احساس می‌کنند.

با ملاحظه واقعیت‌های یاد شده، پرداختن به این مقوله مهم در دستور کار پژوهشکده فرهنگ و هنر جهاددانشگاهی قرار گرفت و طی جلسات مختلفی با مدیران و کارشناسان پژوهشکده نظر و برخی دستگاه‌های اجرایی، اهداف و محورهای همایش، تعیین گردید. هدف راهبردی این همایش، مطرح ساختن دانش منظر شهری و بررسی ابعاد مختلف آن و همچنین ارائه تعریف علمی و جامع از منظر شهری، در قالب اهداف کاربردی زیر می‌باشد:

- تبیین علمی مفهوم منظر شهری
 - ارتقای سطح کیفی و علمی دانش منظر شهری
 - جلوگیری از آسیب‌های ناشی از تعاریف سطحی منظر شهری در ایران
 - بهره‌گیری از توان‌های علمی و اجرایی در برنامه‌ریزی و مدیریت منظر شهری
 - هم‌اندیشی برای تدوین و رویکردی جدید در منظر شهرهای ایران
- با توجه به اهداف و محورهای عمده این همایش، موضوعات پیشنهادی طی جلسات مختلف تعیین گردید که ماحصل آنها شامل: ضوابط و دستورالعمل‌های نمای شهری، شهر و خاطرات

جمعی - نمادها و نشانه‌ها، ریخت شناسی (مورفولوژی) شهری، منظر شهر در بافت‌های فرسوده، منظر و هویت شهری، فرهنگ و منظر شهری، منظر شهری و مسائل اجتماعی، منظر شهری و هندسه اجتماعی، منظر شهری و بافت‌های تاریخی، آسیب‌شناسی منظر شهری، منظر شهری بافت‌های نوساز، مدیریت و برنامه‌ریزی منظر شهری، منظر شهر و هنرهای تجسمی، فن‌آوری‌های نوین و منظر شهری و منظر شهرهای جدید است.

با وجود زمان محدود برای دریافت مقالات، مجموعاً ۷۲۵ خلاصه مقاله به دبیرخانه همایش ارسال گردید که توسط کمیته علمی مورد ارزیابی قرار گرفت. از میان مقالات دریافتی، تعداد ۲۴۱ خلاصه مقاله در سه محور (تعاریف، مفاهیم و مبانی نظری منظر شهری - بررسی تجربه‌های داخلی و خارجی در حوزه منظر شهری و مدیریت منظر شهری) تنظیم و در این مجموعه به چاپ رسیده است.

امید است نتایج این همایش، نقطه آغازی برای همکاری بیشتر، تبادل اطلاعات و تجربیات و سرآغازی جهت هماهنگی مدیران شهری در رفع مشکلات منظر شهری در کشور باشد. بی شک، برنامه‌ریزی و برگزاری این همایش با همکاری عده کثیری از دست‌اندرکاران، به ویژه اعضای محترم کمیته علمی و اجرایی همایش میسر گردیده که از کوشش‌های مجدانه آنها تشکر و قدردانی می‌گردد.

حسین کلانتری خلیل آباد

دبیر همایش

مقدمه

بیش از یک دهه است که عبارت منظر شهری در محافل علمی و حرفه‌ای ایران مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این مدت همایش‌ها و سخنرانی‌های زیادی در گوشه و کنار کشور با عناوین مشابه برگزار شده است. سیمای شهری، سیما و منظر، چشم‌اندازهای شهری، سیما و طراحی شهری، طراحی سیما و منظر از جمله واژه‌هایی است که برای بیان آنچه که مدیران و متخصصان با وجدان و تجربه خود درک کرده‌اند به کار گرفته می‌شود.

رواج مفهوم منظر شهری در محافل علمی، حرفه‌ای و تصمیم‌گیری به عنوان یکی از نیازهای ارتقای کیفیت شهرهای امروز، قبل از آن که به دقت تعریف شده باشد، نشان از ضرورت آن دارد. وجدان عمومی نیازی را یافته که شهر از آن بی‌نصیب است. منظر شهری، بعد جدیدی از هویت سیال شهر است که مستقیماً با ادراک شهروندان از شهر رابطه دارد. در حقیقت، آنچه از شهر توسط شهروندان فهمیده می‌شود، منظر شهری است.

منظر شهر، مهم‌ترین حامل هویت شهر است زیرا مفاهیمی را باز تولید می‌کند که برآمده از توده، فضا و عناصر گوناگون شهری است که در طول تاریخ و در تعامل انسان‌ها با محیط و با یکدیگر پدید آمده‌اند.

طرح جامع ۱۳۸۶ تهران بایی را در اسناد توسعه شهری ایران گشود که در برنامه‌ریزی شهری ایران سابقه نداشت. تعریف سند ساماندهی منظر شهری تهران در کنار مجموعه‌ای از اسناد توسعه شهری که غالباً به جنبه‌های کمی و کارکردی شهر می‌پرداختند، برای نخستین بار به صورت برنامه‌ای مستقل کیفیت شهر را مورد توجه قرار می‌دهد.

پیش از آن شورای شهر تهران در چند مصوبه و توصیه، شهرداری را موظف کرده بود تا طرح جامع منظر شهری تهران را تهیه کند. یک دهه پیش از پیروزی انقلاب اسلامی سازمان زیباسازی، در واکنش به نارضایتی از صورت شهر مدرن تهران، بنیان‌گذاری شده بود تا چهره نازیبای شهر را با برنامه‌های خود زیبا سازد. هم‌اکنون نیز سازمان‌های زیادی در شهرهای کشور تحت عنوان زیباسازی با همان رویکرد قدیمی که امروزه کاملاً دگرگون شده، به فعالیت مشغولند.

زیبایی‌شناسی امروز، با شناخت عمیق‌تر خود از انسان و جامعه و محصولات تمدنی آنها همچون شهر، دیگر صورت واحد و ثابتی برای زیبایی قائل نیست، بلکه زیبایی را در ارتباط با تاریخ، محیط و اهداف انسان تعریف می‌کند. تغییر در نظام ارسطویی زیبایی‌شناسی، به تغییر نگاه در ارزیابی

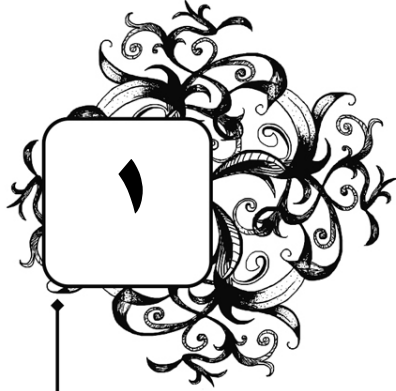
سیمای شهر و در نتیجه تحول نظریه‌ها در داوری منظر شهر و تبعاً در رویکردهای برنامه‌ریزی و هدایت طرح‌های توسعه شهری انجامید.

خواست متراکم مدیریت شهری در ایران برای بهره‌مندی از دانش منظر شهری، آنچنان که درخور آن است هنوز پاسخ داده نشده است. در سطح دانشگاهی، کمتر از یک دهه است که با تأسیس رشته معماری منظر، مباحث منظر شهری در حاشیه آن و به طور مختصر مطرح شده است. در مجامع برنامه‌ریزی نیز شورای عالی شهرسازی تاکنون مصوبه‌هایی برای ساماندهی منظر شهری تدوین و ارائه کرده است. همه این اقدامات، علی‌رغم ارزش آنها، در مقابل عمق و وسعت دانش منظر شهری و نقش آن در کیفیت محیط شهر ناچیز است.

همایش ملی "منظر شهری، مفاهیم و تجارب" که با برنامه‌ریزی مشترک پژوهشکده نظر، پژوهشکده فرهنگ و هنر، دبیرخانه دائمی منظر شهری مستقر در استان قزوین و سازمان فرهنگی اجتماعی شهرداری تهران و با حمایت و مشارکت بسیاری از دانشگاه‌ها و مراجع علمی و اجرایی بر پا شده، بر آن است تا با طرح گسترده موضوع از منظر دانش‌های مختلف به عنوان یک اقدام بنیادین، زمینه ساز معرفی ماهیت میان رشته‌ای "منظر شهری" باشد. به خواست خداوند در همایش‌های آتی موضوعات خاص به صورت تخصصی و موضوعی که به تولید راهکارهای اجرایی برای ارتقاء کیفیت شهر بینجامد، دنبال خواهد شد.

سید امیر منصوری

رئیس کمیته علمی همایش



تعاريف. مفاهيم و مبانی منظر شهری

- ۱-۱. مبانی نظری و فلسفی منظر
- ۲-۱. تاریخ و منظر
- ۳-۱. تعاریف و روش‌شناسی
- ۴-۱. عناصر منظر شهری
- ۵-۱. پایداری و منظر شهری
- ۶-۱. هویت و منظر شهری

۱. تعاریف، مفاهیم و مبانی نظری منظر شهری



۱-۱. مبانی نظری و فلسفی منظر

۱-۲. تاریخ و منظر

۱-۳. تعاریف و روش‌شناسی

۱-۴. عناصر منظر شهری

۱-۵. پایداری و منظر شهری

۱-۶. هویت و منظر شهری

ارزش‌ها و هنجارهای مداخله در طراحی منظر شهری

طیبه ولیان^۱، سحر علی نژاد^۲

پایه‌های شناخت محیط و نظریه‌های طراحی چه بر جهان بینی‌های خاص استوار باشند و چه بر نظامی از انگاره‌ها و طرح‌واره‌های ذهنی/تجربی، مجموعه‌ای از ارزش‌ها و هنجارها را معرفی می‌کنند که بر اساس آنها دو واژه "بایدها" و "محیط خوب" تعریف می‌شوند. نظریه‌های هنجاری، بخش مهمی از مطالعات طراحی شهری را در حوزه‌های مختلف منظر شهری، قلمروهای عمومی، شکل شهر و ساخت مکان تشکیل می‌دهند. معیارهایی چون توجه به زمینه و فرهنگ بومی، توجه به طبیعت و آثار زیست محیطی، مقیاس انسانی و کیفیات بصری، انعطاف پذیری، توجه به قلمروهای عمومی و ایجاد فضاهای غیر قابل دفاع، می‌توانند کیفیت محتوایی یک طرح شهری را مورد ارزیابی قرار دهند.

علاوه بر آن، معیارهای رویه‌ای از جمله میزان مشارکت مردم، نظارت و اختیار و سایر معیارهای تاثیر گذار بر روند تهیه و اجرای طرح نیز در جهت سنجش ابعاد گوناگون طراحی شهری یعنی چگونگی بکارگیری ارزش‌ها و هنجارها در جهت ایجاد ساختار پایدار شهر و عملکرد اجتماعی فضای شهری کاربرد وسیعی خواهند داشت.

واژگان کلیدی: شکل شهر، محیط شهری، طراحی شهری، فضای شهری، ساختار پایدار شهر

۱. عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود

۲. عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود

تحلیل کیفی فضا و منظر شهری و الگوی رفتاری استفاده کنندگان از فضا (مطالعه موردی کناره رود کرج)

حبیب رزاقی^۱

فضای شهری جزئی از بافت شهری بوده که همواره بستری برای تجلی الگوی رفتاری و میانکشی‌های ناشی از فعالیت‌های انسانی و اجتماعی است. رابطه انسان و فضا در محیط در مقیاس‌های متفاوتی تبلور یافته و در ارتباط با سیر تحول جامعه و شهر گسترش می‌یابند. ما بعنوان یک فرد درباره فضای کالبدی و اجتماعی پیرامون خود چه می‌دانیم؟ باز خورد ادراکی مردم از محیط و فضای اطرافشان چگونه است؟ آیا امروزه مناظر و فضاهای شهری در تمام ابعاد بعنوان محیط پاسخ ده عمل می‌نمایند؟

پاسخ به این سوالات و لزوم نگرش عمیق و تحلیل گرایانه به شهر و فضای شهری، اهمیت موضوع را روشن نموده و در این مقاله با نگاهی به شاخص‌های کیفی محیط و منظر والگوه‌های طراحی شهری، ضمن انتخاب فضای شهری (کناره رودخانه کرج) الگوی رفتاری استفاده کنندگان از این فضا مورد تحلیل واقع می‌شود. با استفاده از نتایج حاصل از آن، پیشنهادات و راهبردهایی نیز جهت توسعه این فضای شهری ارائه می‌گردد. بنابراین ساختار پژوهش مبتنی بر شناخت مبانی نظری و شاخص‌های تحلیل کیفی محیط و منظر، شناسایی محیط مورد مطالعه، تحلیل و نتیجه‌گیری از مباحث خواهد بود.

واژگان کلیدی: فضای شهری، کیفیت محیط، الگوی رفتاری، رودخانه کرج

۱. کارشناس ارشد شهرسازی (طراحی و برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای)

ثبات در منظر شهر

علی عاشوری^۱

منظر شهر، مرز تعامل فهم متقابل انسان و محیط و تبلور لایه‌های تاریخی شهر است. اضافه شدن تدریجی هر عنصری اعم از انسان، اشیاء، فضاها و ... به شهر، به مثابه بازیگری است که بخشی از سناریوی شهر را به عهده می‌گیرد. فضای زندگی انسان توسط مفاهیم منظر و از طریق نظام خاصی که بین عناصر آن برقرار می‌شود، سازمان یافته و واجد هویت مکانی و اجتماعی شده است. درک منظر، در واقع پی بردن به نظام میان عناصر آن، جهت حفظ و مدیریت توسعه منظر شهر است. شهر از نگاه نظریه‌پردازان فرهنگی معاصر، یک متن است که در آن عمل دلالت صورت می‌گیرد؛ شهروندان جامعه، به مراتب نیازهای زمانه، مفاهیم متن شهری و فضاها را دائماً از حیث اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و معنایی تغییر می‌دهند و آن چه که از شهر و زندگی در آن درک می‌کنند متأثر از منظر شهر است. قرائت منظر شهر، گویای ابعاد زیباشناختی، ذهنی، اجتماعی، توان اقتصادی و رقابتی شهر و نیز تصمیمات سیاسی مدیران و ... است.

حقیقت شهر ایرانی در کوتاهی دوره‌های مدیریتی و گزارشات آماری مشاورین و کم‌آگاهی مشاورین محلی از برنامه‌های توسعه، پنهان مانده است. صرفاً گنجاندن اصطلاح "هویت ایرانی" - اسلامی" در مطالعات شهری آنهم در مقیاس طرح‌های جامع، چیزی جز کلی‌گویی نیست. نگرانی از این جهت است که وقتی این مفهوم در حوزه اجرا مصداقی داشته باشد، با شیوه‌هایی انجام گیرد که منظر شهرهای ما را به سمت یک "سیمای کاریکاتوری" پیش ببرد. اتفاقی که در برخی شهرهای کوچک و بزرگ در حال توسعه و ساماندهی، شاهد آن هستیم.

بحث اصلی منظر شهری، قرائت، تفسیر صحیح و در نهایت بازتولید کیفیاتی است که ارزش‌های قدیم و جدید شهر را بهم پیوند زده و موجب حفظ رابطه طبیعی انسان با محیط شهری خود (هویت شهری) می‌شود. از این رو "ثبات در منظر شهر" با رویکرد "توسعه مبتنی بر بوم" باید به عنوان پایه اصلی مدیریت و توسعه شهری در چارچوب‌هایی راهبردی لحاظ گردد. البته این اصطلاح (ثبات) به مفهوم بازسازی کهن در حسرت نوستالژیک آن نیست، بلکه همزمانی و توأمی "تداوم" و "دگرگونی" است (تداوم در احراز هویت و دگرگونی متناسب با خاستگاه اجتماعی و زیباشناختی معاصر هر شهر).

واژگان کلیدی: شهر، جامعه، منظر شهری، زمینه شناختی، مدیریت توسعه

۱. کارشناس ارشد معماری منظر دانشگاه تهران

رابطه انسان و منظر شهری

سحر علی نژاد^۱، طیبه ولیان^۲

به باور ویتگنشتاین، فعالیت انسانی نباید کنش‌های مجزای افراد دانسته شود و ما نمی‌توانیم تفسیر مشخصی از آنچه دیگران انجام می‌دهند، داشته باشیم، مگر آنکه آن را در زمینه کل وسیع تری قرار دهیم. این دیدگاه «بافت‌گرایی» نامیده شده و پایه آن بر یکی گرفتن معنا و کاربرد نزد ویتگنشتاین استوار است. بر مبنای این رهیافت، منظر شهری دارای کارکردهای گوناگون و پر شماری است که هر یک در متن زندگی اجتماعی، یا شکل زندگی دارای معنا می‌گردد و تنها در چارچوب سیستم‌های خاص اشکال شهر، کاربرد و معنا دارد. بنابراین اگر نحوه زیست افراد با یکدیگر متفاوت باشد، منظر و شهرمورد استفاده آنان و بالطبع فهم و درک آنها نیز تفاوت خواهد داشت. بر اساس این باور، منظر و همچنین فعالیت شهری را نباید کنش‌های مجزای آن شهردانست و بی‌تردید نمی‌توان شهر و منظرشهری را درک کرد، مگر آنکه در زمینه کل وسیع‌تری قرار گیرد. الگوهای کهن مردمان در شکل‌گیری شهر و مناظر آن بی‌تأثیر نیستند، برای مثال آیا می‌توان شهر ایرانی را بدون قبرستان فرض کرد. باور دنیای خاموشان و شب‌های جمعه، معنای زندگی و مرگ را میان ما زنده نگاه داشته و از دیگر سو منظر بیرونی شهرهای ما را می‌آفریند.

با توجه به تفاسیر متفاوتی که در مورد منظرشهری ارائه می‌شود، شناسایی ویژگی‌ها، صفات و الگوهای کهن شهر یکی از ضروریات اولیه است. در این راستا شناخت مفاهیم و نشانه‌ها که منشأ این ویژگی‌ها و صفات هستند، با اهمیت خاص خویش، گام اول در این مقاله است. از سوی دیگر در مجادله‌های معماری جاری در جهان، هیچ نوع نگاهی بدتر از نگرش صرفاً علمی به مقوله آدمی و شهر نشینی نیست. نگاهی که ارتباط بشر با ریشه‌های معنوی او را قطع کرده و وجود یک مفهوم تقدس‌زدایی شده را مسلم می‌کند. بر همین اساس در این مقاله سعی شده با نگاهی معناگرا و مفهومی، منظر شهری مورد بازخوانی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: بافت‌گرایی، منظر شهری، الگوی کهن، معناگرا، نماد و نشانه

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود

زیبایی شناسی منظر شهری در عصر سرعت

حامد زرین کمری^۱، مریم معیری نیا^۲، اسحق رضازاده^۳

از مهم‌ترین مظاهر زندگی شهرنشینی، بزرگراه‌ها و جریان حرکت خودروها هستند. بیشترین مناظر مورد مشاهده ساکنین شهرها، نه در سرعت ۲-۵ کیلومتر بر ساعت (سرعت پیاده)، بلکه در سرعت ۲۰-۵۰ کیلومتر بر ساعت، تجربه می‌شوند. بدیهی است که زیبایی شناسی منظر شهری با توجه به چنین حقیقت غیرقابل انکاری نسبت به گذشته دچار چالش شدیدی شده است.

رابرت ونتوری در کتاب "آموختن از لاس وگاس" با اشاره به این نکته که زیبایی شناسی عصر سرعت، کاملاً از دوران قبل از خود متمایز است، نکات بسیار مهمی را در مورد اصول و معیارهای این روش جدید طراحی منظر شهری ارائه می‌نماید. از سال ۱۹۷۷ که این کتاب به چاپ رسیده، تاکنون متفکرین شهری زیادی در این مورد اظهار نظر کرده‌اند. جمع بندی این نظریات و ارائه دستورات عمل‌های قابل اجرا در کشور ایران، کاری است که تاکنون صورت نگرفته است.

بمنظور نزدیک‌تر کردن بحث به مسایل اجرایی، یکی از مناظر شهری تهران نیز به عنوان مطالعه موردی بررسی شده است. از مناظرهای شهری قابل توجه در تهران، می‌توان به مجموعه پل‌های فجر اشاره کرد که از یکسو شامل مهم‌ترین عناصر زندگی امروز شهری ماست-مانند بزرگراه‌ها، ساختمان‌های بلندمرتبه، تبلیغات، فناوری‌های نو و فضای سبز- و از سوی دیگر از جمله مناظر شهری بوده و مورد توجه هر دو گروه مسوولین و مردم بوده است. لذا به عنوان منظر منتخب برای آزمون تئوری‌های یاد شده، تقریباً از هر حیث مناسب است.

نتیجه چنین مطالعه‌ای، مجموعه‌ای نسبتاً مدون از راهکارها و توصیه‌ها برای بهبود جداره‌های بزرگراه‌ها به عنوان یکی از مهم‌ترین مناظرهای شهری خواهد بود و نقد و بررسی مجموعه پل‌های فجر استفاده عملی از این راهکارها را نشان خواهد داد.

واژگان کلیدی: منظر شهری، زیبایی‌شناسی در حرکت، رابرت ونتوری، پل‌های فجر، نقد منظر شهری

۱. کارشناس ارشد معماری و رئیس هیئت مدیره شرکت پالاپال
۲. دانشجوی دکترای معماری دانشگاه پلی تکنیک میلان، ایتالیا
۳. کارشناس ارشد معماری و مدرس دانشگاه مازندران

سیمای شهر از منظر هرمنوتیک

علیرضا نوروزی طلب^۱

نیروی فهم براساس استعداد انسان‌ها، از سپیده دم تاریخ تا کنون، این امکان را فراهم آورده که آدمی، جهان پیرامون خود را بشناسد و در آن دخل و تصرف کند. پدیده‌های طبیعی و آثار انسانی، آبژه‌هایی هستند که انسان در هر مرتبه‌ای از مراتب فهم، آنها را تفسیر می‌کند. فهم به مثابه تفسیر است. شهر تجلی حیات انسان است که در زمان و مکان تبلور می‌یابد. منظر شهری دریافتی از شهر است که می‌تواند مرجع قابل اعتمادی برای فهم موقعیت‌های تاریخی، سیاسی، اجتماعی، اعتقادی و روانی جوامع بشری از آغاز دوران شهرنشینی تا کنون باشد.

صورت شهر در طول تاریخ و تحت عوامل بی‌شمار پدید آمده است. در نتیجه با تأویل سیمای شهر به مثابه یک متن می‌توان به لایه‌های پنهان آن دست یافت. هرمنوتیک به مثابه علم تفسیر پدیده‌های طبیعی و انسانی، با تفسیر سیمای شهر و انطباق آن با یافته‌های مستند تاریخی و مدارک بازماندهاز تاریخ و تمدن شهرنشینی، از سلیقه‌ای شدن تفسیر شهر جلوگیری کرده و تحلیلی منطقی و علمی از زمینه‌های مادی و معنوی (نظام زندگی طبیعی، اجتماعی و حیات تاریخ‌مند انسانی) ارائه می‌دهد. مهم‌ترین وجه هرمنوتیک سیمای شهر مبتنی بر زمان، به معنی وسیع کلمه است. زبان گفتاری و نوشتاری، زبان معماری و هنر، زبان آرایش شهر و ساخت بنا و مشخصه‌های آن و زبانی که محصول تعامل طبیعت و زندگی شهری است و هر یک براساس متودولوژی ویژه خود، مجموعه‌ای از نشانه‌های قابل تفسیر برای تحلیل هرمنوتیکی را پیش روی مفسیرین قرار داده است.

در میان متن‌های مختلفی که پیش روی انسان قرار می‌گیرد، سیمای شهر به مثابه یکی از پیچیده‌ترین محصولات انسانی، برای خواننده شدن و تفسیر، محتاج بهره‌گیری از دانش هرمنوتیک و شناخت ویژه علائم خود است. این مقاله در نظر دارد ضرورت‌های تفسیر هرمنوتیک منظر شهر را باتوجه به خصوصیات ویژه آن به عنوان یک متن مورد بررسی قرار دهد.

واژگان کلیدی: سیمای شهر،

۱- استادیار گروه نقاشی و مجسمه‌سازی دانشکده هنرهای تجسمی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران

عوامل موثر در درک منظر شهری – از کالن تا کولهاس

ستاره فدایی^۱، مریم معیری نیا^۲

در این مقاله نظریات متفاوتی در زمینه درک منظر شهری در شهرسازی مدرن مطرح خواهد شد. برانیم تا نظریات مطرح شده گوردن کالن، کوین لینچ و رابرت ونتوری که در دهه ۱۹۵۰ و اوایل ۱۹۶۰ در زمینه تصویر شهر و درک منظر شهری مطرح گردید، مورد بررسی جامع قرار گیرد. پس از آن تصویری از شهر امروز بر اساس نظریات ریم کولهاس به عنوان سردمدار نظریات شهرسازی معاصر در زمینه شهر عام (جنریک)، مطرح خواهد شد. وی مقاله خود با عنوان شهر عام را با این جمله آغاز می‌کند که: آیا شهرهای امروزی شبیه فرودگاه‌های امروزی است؟ سپس در ادامه ادعان می‌دارد که این شهر هیچ هویتی ندارد و هویت خود را هر روز دوشنبه از نو بدست می‌آورد. احتیاجی به مرکز نداشته و رابطه‌ای با گذشته خود برقرار نمی‌کند. برای همه بزرگ است و نیازی به نگهداری ندارد

می‌توان دریافت که تصویری که کولهاس از شهر امروز ارائه می‌دهد، شهری است که در آن از هویت، فرهنگ و تاریخ بحثی به میان نمی‌آید. بنابراین ساکنان شهر برای درک آن به این موارد نیازی ندارند. حال برانیم تا با مقایسه میان سه نظریه مطرح شده پیشین و نظریه اخیر کولهاس، بررسی نقادانه‌ای را در زمینه نقش این سه عامل یعنی فرهنگ، هویت و تاریخ در درک منظر شهری توسط انسان امروزی برای شهر امروزی ارائه دهیم.

واژگان کلیدی: درک منظر شهری، ریم کولهاس، شهر عام (جنریک)، شهرهای امروزی، هویت

۱. دانشجوی دکترای معماری دانشگاه پلی تکنیک میلان، ایتالیا

۲. دانشجوی دکترای معماری دانشگاه پلی تکنیک میلان، ایتالیا

مبانی ادراک منظر شهری

قاسم مطلبی^۱

ادراک فضا و منظر شهری که حاصل تعامل انسان با محیط شهری است، الزاما امری پویا و چند وجهی است. بررسی عوامل و سازکارهای درگیر در ادراک منظر شهری متعدد و پیچیده است. در جهت شناخت فرایند ادراک منظر شهری، این مقاله با مروری بر مدل‌های مختلف ادراک در روانشناسی و منظر شهری، مدل پیشنهادی خود را بر مدل روانشناسی ادراک، بر اساس اطلاعات و داشته‌های محیط شهری و یا همان ادراک مستقیم و بدون واسطه قابلیت‌های محیطی، استوار ساخته است. بر اساس مدل مفهومی پیشنهادی، ادراک منظر شهری مبتنی بر انگیزه‌های انسانی و مبتنی بر ویژگی‌های محیطی است که در سطوح مختلفی چون منظر کالبدی و زیبایی شناختی تا تجسم ذهنی و معنایی شهر شکل می‌گیرد. بر این اساس افراد مختلف (شهروندان، بازدیدکنندگان، آگاهان محیطی، غریبه‌ها و غیره) داده‌های محیطی را که از طریق ویژگی‌های محیط شهری به نظام ادراکی او منتقل می‌شود دریافت و فهم کرده و بر اساس آن رفتارهای خود را نظام می‌بخشد. این رفتارها همچنین متأثر از انگیزه‌های شخصی مخاطب و نیازهای او در زمان تعامل است. در فرایند ادراک منظر شهری سازوکارهایی چون تجربه پویای محیط شهری، خاطره و عواملی چون رفتارهای عاطفی مخاطب، نقش اساسی در شناخت منظر شهری دارند. این مقاله توجه به عوامل غیر کالبدی را در کنار تاثیرات کالبدی بر ادراک منظر شهری مورد تأکید قرار داده، اما مهم‌ترین عنصر نظام ادراکی را دریافت‌های بصری از محیط و منظر شهری می‌داند.

واژگان کلیدی: ادراک محیطی، منظر شهری، زیبایی‌شناسی، معنا شناسی.

۱. استادیار دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران

مفهوم مکان کیفیت نهفته در منظر شهر

امین حبیبی^۱

روح و جان هر مکان در منظر آن نهفته است و مکان نیز مانند منظر وجودی، ادراکی و قابل تجربه شدن است (Relph, 1976, p.30)؛ چرا که مکان قابلیت جایگزینی و تفسیر شدن دارد. همچنین "مکان شرح عینی احساسات است که بعضا اتمسفر فضا نیز نامیده می شود. در این نوشتار ابتدا به نقد و بررسی آراء اندیشمندانی نظیر "کالن، لینچ، رلف و الکساندر" پرداخته و نقاط ضعف و قوت رویکردهایشان به مکان و منظر شهر شرح داده می شود. "کالن" (۱۹۷۲) معتقد است که منظر شهر یک تصویر ایستا نیست، بلکه رویدادی مهیج و پویا در محیط محسوب می شود و به واسطه فراهم آوردن زنجیره‌ای از روابط بصری مستمر قابل درک شده و مملو از روایات عینی است. وی بر سه وجه تجربی حرکت، موقعیت، زمینه و محتوا در مکان تاکید می کند. "لینچ" (۱۳۸۴)، مفهوم تعلق به مکان را به عنوان جزئی از تعلق انسان به هویت مکان قلمداد می کند. از نظر وی ماهیت مکان در وهله اول به ویژگی‌های عینی و به واسطه شناخت، یادآوری و توصیف درک می شود. "رلف" (۱۹۷۶) در نقد این دو دیدگاه، رویکرد تجربی لینچ نسبت به منظر شهر را تجریدی و دوبعدی می داند. او معتقد است دیدگاه کالن نیز بسیار عینی و فیزیکی بوده و تلاش می کند تا مفهوم مکان را از طریق مولفه‌هایی نظیر موقعیت، اجتماع، زندگی فردی، ریشه داری و امنیت و خانه (وطن) بیان کند. در این پژوهش تا حد زیادی رویکرد رلف نسبت به مکان لحاظ شده و مورد قبول بوده است. در ادامه سعی خواهد شد مشخصه‌ها و اجزاء شکل دهنده معنای مکان که می تواند بر مفهوم منظر شهر موثر باشد، تعیین گردد. با این فرض که مکان در تمام جوامع و فرهنگ‌ها قابل بررسی است و در این صورت منظر شهر شرح مشارکت اعتقادات، ارزش‌ها و پیچیدگی‌های درون فردی است. درحقیقت منظر شهر محصول فرهنگی است که از تعلق ما به زمان، تعلق به مکان و حس پیوستگی و استمرار در آن پدید می آید.

واژگان کلیدی: مکان، تعلق به مکان، فرهنگ، خانه، منظر شهر

مفهوم و «ماهیت منظر شهری» از دیدگاه معماری منظر (بررسی اهمیت مولفه های طبیعی در کیفیت منظر شهری – مورد کلان شهر تهران)

سید حسن تقوایی^۱

نزدیک یک دهه است که مفهوم «منظر شهری» بطور گسترده در مبانی نظری، محاوره‌ها و متون تخصصی حوزه‌های طراحی شهری، معماری منظر، معماری و برنامه‌ریزی بکار می‌رود. از یک سو با توجه به گستره مفهومی و بویژه تسری آن به مبانی نظری رشته‌های هنری و از سوی دیگر وجود زمینه‌های مشترک فعالیت‌ها در حوزه‌های فوق، لزوم تبیین مفهوم منظر شهری در هر حوزه تخصصی مطرح است. توجه به این موضوع بویژه در ایران، به دلیل توسعه سریع حوزه‌های تخصصی و رشته‌های نوین همچون معماری منظر اهمیت بیشتری دارد.

هدف این مقاله تبیین مفهوم منظر شهری از دیدگاه معماری منظر است. در این هدف تمرکز بیشتر بر معرفی جنبه‌های مهم منظر شهری در مقیاس کلان شهر تهران است. با توجه به مفهوم کلی منظر شهری و همچنین گوناگونی خصوصیت‌های کالبدی و سیمای متفاوت شهرهای ایران، در این مقاله روش کار بر مقایسه آموزه‌های متأثر از آسیب شناسی منظر شهری مخصوصاً از دیدگاه «طراحی منظر بومگرا» استوار است. در این زمینه نیز تاکید بیشتر بر جنبه‌های کیفی و بویژه نقش مولفه‌های طبیعی در منظر شهری است. بعلاوه تلاش می‌شود به کمک متون مرجع، بررسی‌های میدانی و نیز تکیه بر تجارب نگارنده در انجام پروژه‌های معماری منظر در ایران و بویژه تهران ارائه شود.

بررسی‌ها نشان داد که با پیروی از مبانی بوم‌گرایی در ارتقای کیفی فضاهای باز و سبز در حال توسعه شهرهای ایران، ضمن تقویت خوانایی و پایداری مولفه‌های طبیعی، می‌توان به تعدیل ناهنجاری‌های بصری، ناپایداری‌ها و فرسایش در فضاهای باز کمک کرد. این موضوع در نهایت ضمن ارتقاء کیفیت منظر شهری، می‌تواند موجب توجه بیشتر متخصصین و استقبال مردم نیز واقع شود. نکته امیدوارکننده، تجارب موفق بسیاری از کشورها از جمله کشورهای در حال توسعه در توجه به «ماهیت منظر شهری» است. ماهیت متأثر از بوم‌گرایی در عمل و توجه به «مولفه های طبیعی» است که از آمایش سرزمین تا توسعه کمی و کیفی فضاهای باز شهری تسری یافته است.

واژگان کلیدی: منظر شهری، مولفه‌های طبیعی، آسیب شناسی منظر، "طراحی منظر بومگرا"، معماری منظر

۱. دکتری معماری منظر، استادیار گروه معماری منظر، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی

منظر ادراکی شهر

مهدی شبانی^۱

مقوله منظر شهری، امروزه در بوته تعریف و آزمون است. تا زمانی که طرح‌های کالبدی شهری مثل طرح جامع و تفصیلی مطرح بود، منظر شهری جایگاه تأثیرگذاری بر کالبد و فضای شهری نداشت. در حالی که دیدگاه‌های ۱۹۹۰ اروپا تاکنون، رویکرد منظرین به شهر را مورد تأکید قرار داده و رابطه میان محیط ساخته شده و قلمروهای باز ادراکی فضا را لازم و ملزوم هم می‌داند. منظر شهری دارای سه بعد احساسی، فرهنگی و اکولوژی است که تبلور آن در شهرهای تاریخی ما، موجد پایداری رابطه انسان با شهر و حیات بخشی به آن می‌شد.

الگوی طرح‌های جامع امروز، مفهوم منظرین و فرهنگی محیط شهری را نادیده گرفته و بر کالبد آن متمرکز است. این کالبد بی‌جان است؛ فاکتورهای جامعه فرهنگی، جامعه سبز و جامعه منظر باید در آن لحاظ شود تا به آن جان ببخشد. این مسئله در مقیاس محلات بیش از شهر وجود دارد؛ رابطه بین احساس و شهر و بستر تعاملات اجتماعی، شکل ضعیفی به خود گرفته است. در شهرسازی رایج کشور، منظر (به مفهوم جامع) چگونه از حیاط یک خانه به حیاط همسایه، محله و شهر پیوند می‌خورد؟ در واقع این سلسله مراتب منظر در طرح جامع وجود ندارد. پارک‌های محلی، ناحیه‌ای یا منطقه‌ای نمی‌تواند مراتب منظر حسی، فرهنگی و اکولوژیکی را به شکل یک سیستم به وجود آورد. این نوع نگاه بستر ادراکی منظر شهر را منقطع کرده و رابطه پیوسته انسان با مکان‌ها را تضعیف می‌کند. این الگویی جزیره‌ای در شهر است که از معنا و کارکرد مؤثر تهی است؛ هسته‌ها وقتی معنا پیدا می‌کنند که با هم در ارتباط بوده و بتوانند بستر شکل‌گیری خاطرات شوند.

الگوی طرح‌های جامع، باید به الگوی طرح جامع فرهنگی یا طرح جامع احساسی تغییر کند و ذیل این نگاه منظر شهری معنا پیدا می‌کند. شهر تهران از حیث منظر شهری دارای پتانسیل‌هایی است که اگر آگاهانه و جامع به کار گرفته نشود، تنها لایه‌های باقی مانده احساس شهر از بین خواهد رفت. کوره‌های آجرپزی، باغ‌های شهری، هسته‌های روستایی و رود-دره‌ها، فرصت‌های موجود شهر برای حیات بخشی به شهر و آینده آن و نیازمند نگاهی است که از جانب آیندگان منسوخ نباشد.

واژگان کلیدی: منظر شهری، حیات شهری، طرح جامع، منظر شهری تهران.

۱. مدیر گروه معماری منظر، دانشگاه شهید بهشتی

منظر شهری چیست؟^۱

محمد آتشین بار^۲

شهر به عنوان بزرگ‌ترین دستاورد بشر طی ادوار گذشته و حال، مورد بررسی و پژوهش بسیاری قرار گرفته و نفوذ علوم جدید به حوزه محیط مصنوع، نظریه‌های جدید را مرتبط با شهر پدید آورده است.

منظر از جدیدترین علوم مرتبط با محیط است که با داشتن پایگاه فلسفی و تئوری علمی، نظریات نوینی را در ارتباط بین انسان و محیط ارائه می‌نماید. نگاه از دریچه منظر به شهر، فرای کالبد آن بوده و در تقابل با بسیاری از نظریه‌های کلاسیک است. از طرف دیگر برای ارتقاء کیفیت شهر، تخصص‌های مختلفی از حوزه‌های متفاوت بر پایه جهان دو قطبی دکارت تولید شده‌اند. بنابراین برای مداخله در شهر تنها باید کالبد آن دیده شود و یا در حوزه علوم اجتماعی و نظری مورد بررسی قرار گیرد. نظریه منظر، این جهان دو قطبی را درهم می‌شکند و آن را مستقل از زمان و مکان نمی‌پندارد. لذا به دنبال نظریه‌های شکل‌شناسی نبوده، بلکه شهر را موجودی پویا و در حال حرکت می‌بیند که تغییر می‌کند و با خود، دامنه فرهنگ، جامعه و نگاه انسان را نیز تغییر می‌دهد. با این پایگاه فلسفی، منظر شهری نمی‌تواند تنها در کالبد، تناسبات و ابعاد شکلی خلاصه شود، نمی‌تواند هنر تجسمی باشد که شهر را خمیرگونه آرایش نماید. منظر شهری حامل معناست، معنایی که حاصل تجربه ساکنین از شهر در طول تاریخ است. این ماهیت نمی‌تواند انتزاعی باشد، با کالبد شهر در ارتباط است و مردم آن را درک می‌کنند.

به سبب دشواری شناخت ماهیت منظر شهری، با نوعی سطحی‌نگری در تعاریف علمی مواجه شده است. اغلب پروژه‌های اجرایی در حوزه شهر، واژه منظر شهری را به دلیل نو بودن و نگاه جدید آن بر می‌گزینند، اما رسماً تنها نیم نگاهی به آن انداخته می‌شود. خطر جدی این است که در مدت کوتاه شناخت آن در ایران، به دلیل تعاریف شخصی و سلیقه‌ای، تا حد یک مفهوم خرد و کوچک تقلیل یابد. این نوشته در صدد است با شناخت مبانی نظری منظر و طرح پرسش‌هایی در حوزه شهر، به تعریف منظر شهری و شناخت ویژگی‌های آن بپردازد و با بررسی افکار نظریه‌پردازان این حوزه، مانع از گسست ایجاد شده بین تعاریف علمی و تجربه‌های عملی در ایران شود.

واژگان کلیدی: منظر، شهر، غیرقطبی، عینی-ذهنی، منظر شهری، معنا

۱. معادل *Le Paysage Urbain* در فرانسه و *Urban Landscape* در انگلیسی

۲. پژوهشگر دوره دکتری معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران

منظر شهری و خوانایی شهر

(مطالعه موردی منطقه آزاد ارس)

حسین کلاتری خلیل آباد^۱، سجاد اباذرلو^۲

اهمیت منظر شهری از آن رو است که کلیت شهر را به مثابه یک "متن" آشکار ساخته و امکان "قرائت" و "خوانش" این متن را از طریق آسیب شناسی فراهم می‌آورد. همچنین واجد عناصری است که می‌توان وضوح بصری و خوانایی آن را مورد بررسی قرار داد، زیرا داشتن تصویری روشن از محیط، نقش مهمی را در ایجاد احساس امنیت، افزایش تجربه و توانایی بیشتر جابجایی در محیط دارد.

هدف این مقاله، بررسی وضوح بصری یا خوانایی سیمای شهری منطقه آزاد ارس (یکی از مناطق توریستی) و پیوستگی اجزای محیطی آن می‌باشد. برای دستیابی به این هدف، با استفاده از تحقیق میدانی، ساختمان جسمی منطقه، مورد مطالعه قرار گرفته و از روش *SWOT* برای ارائه راهکار استفاده شده است. سپس برای بررسی دیدگاه‌های ساکنان، روش پیمایشی مورد استفاده قرار گرفته است.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که علی‌رغم شکل تقریباً پیچیده برخی خیابان‌ها و کوچه‌ها، ساکنان آن درک روشنی از محیط دارند و سادگی شهر به گونه‌ای نیست که یکنواختی ملال‌آوری را در ذهن بیننده القا کند. مطلب فوق نشانگر تعلق خاطر افراد به کیفیت‌های بصری محیط است و خوانایی نیز، مطلوبیت منظر شهر را در مسیرها و کل عرصه‌های عمومی شهر باعث شده است.

واژگان کلیدی: منظر شهری، خوانایی، منطقه آزاد ارس، نگرش ساکنان

۱. دکتری برنامه‌ریزی شهری و عضو هیات علمی پژوهشکده فرهنگ و هنر جهاد دانشگاهی

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز

منظر شهری، محل رویارویی مردم با طراحان

عطیه غفوری^۱، محمدرضا مهربانی گلزار^۲

در طراحی منظر شهرها یک تناقض آشکار دیده می‌شود. از یک سو، متولیان شهری که نمایندگان مردم به شمار می‌روند، طراحی بخش‌های منظرین شهر (همچون پیاده‌راه‌ها، میادین و فضاهای جمعی و عمومی شهر و...) را به دست متخصصان می‌سپارند تا با دانش خود، طرحی برای فضای مذکور تهیه نمایند و از سوی دیگر، پس از اجرای طرح، مردم -که مخاطبان و ذینفعان پروژه هستند- شروع به اعمال سلیق خود در فضا می‌کنند و در مدت زمانی نه چندان طولانی، منظر شهر و محیط پیرامون را، آن‌گونه که خود می‌پسندند، تغییر می‌دهند. این مداخله مردم در طرح اجرا شده، گاهی چنان منظر شهر را دگرگون می‌کند که با طرح ارائه شده توسط مشاوران مربوطه، کاملاً متفاوت و گاهی متضاد است.

تلاش‌هایی همچون طراحی زمینه‌گرا، طراحی مخاطب‌محور، طراحی مشارکتی و امثال آن نیز از این واقعیت اجتماعی مصون نمانده‌اند. علت این است که اعمال نظرات مخاطبان و ذینفعان تنها در مرحله طراحی در نظر گرفته می‌شود؛ در حالی که شهروندان پس از مواجهه مستقیم با منظر جدید پیرامون‌شان (در مقیاس یک به یک) واکنش نشان می‌دهند و چون این منظر به عنصری ملموس و عینی تبدیل شده، قابلیت دخل و تصرف در آن را می‌یابند.

به نظر می‌رسد که طراحان پروژه‌های شهری، که باعث شکل‌گیری منظر شهرها می‌شوند، باید در چگونگی طراحی و اسناد خروجی طرح، تجدید نظر نمایند. شاید بهترین راهکار این باشد که مشاوران به جای طراحی جزء جزء محیط، سیاست‌ها و ابزارهای کنترلی ارائه کنند تا نظرات مردم و تغییرات احتمالی از سوی آنان هدایت شود.

این مقاله، قصد دارد به نحوه کنترل مداخلات شهروندان در منظر شهرها بپردازد و راهبردهایی ارائه کند که طی آن، طرح‌های تهیه شده برای منظر شهرها، بهینه شده و همچنین تغییرات آتی که مردم به عنوان ذینفعان در محیط پیرامون خود اعمال می‌کنند، هدایت شوند تا از ناهماهنگی و اغتشاش در منظر شهرها تا حد امکان جلوگیری گردد.

واژگان کلیدی: منظر شهری، شهروند، مداخله، هدایت، سیاست‌های کنترلی

۱. کارشناس ارشد معماری منظر

۲. دانشجوی دکتری معماری

۱. تعاریف، مفاهیم و مبانی نظری منظر شهری



۱-۱. مبانی نظری و فلسفی منظر

۱-۲. تاریخ و منظر

۱-۳. تعاریف و روش‌شناسی

۱-۴. عناصر منظر شهری

۱-۵. پایداری و منظر شهری

۱-۶. هویت و منظر شهری

بررسی تطبیقی منظر در شهرهای اسلامی و غیر اسلامی

زینب فروزان مهر^۱، سیده پریسا سروریان^۲

نظم شهری بر پایه مقررات سمبلیک، ساختارهای اجتماعی و نیازهای بنیادین برقراری شود و منظر شهر را در احترام به سنتها، حقوق و رفتارهای اجتماعی پدید می آورد. بر این اساس منظر شهری یکی از موثرترین عوامل شکل دهنده هویت شهرها است. هویتی که برگرفته از عقاید و افکار مردمان ساکن در آن بافت خواهد بود. منظرشهری سرشار از معانی، خاطرات و تجربیات مکانها، بناها و صحنه‌های مرگ و زندگی است. این مقاله با تقسیم عوامل شکل دهنده منظر به عوامل کالبدی و غیرکالبدی و با تاکید بر الگوهای رفتاری برگرفته از مذهب به عنوان عاملی غیر کالبدی در شکل‌گیری منظر، تفاوت‌های موجود در شهرهای اسلامی و غیر اسلامی را مورد بررسی و بازشناسی قرار داده است. سپس با تاکید بر اینکه منظر، یک میراث است که حاوی اطلاعاتی از مقاطع مختلف زمانی است، به بررسی چگونگی نحوه همزیستی و انتظام فضایی عناصر کالبدی ناشی از فرهنگ‌های مختلف، به طور ویژه در شهرهای اسلامی و غیر اسلامی پرداخته است.

واژگان کلیدی: منظر، شهر اسلامی، هویت

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات

تقابل فضاهای سنتی و فضاهای مدرن

حسین حاتمی نژاد^۱، سید عباس رجایی^۲، محسن سلطانی فرد^۳

فضاهای سنتی به طور عمده ارتباطات انسانی، شفاهی، چهره به چهره و بی واسطه‌ی فردی و گروهی را در بر می‌گیرد. این فضاها عمدتاً در زندگی شهری امروز در فضاهای مدرن هضم شده و کارکردهای خود را از دست داده‌اند. شاید به جرأت بتوان گفت که فضاهای مدرن در شهرهای ما به هیچ وجه بر اساس زیرساخت‌های فضاهای سنتی شکل نگرفته و با دیدگاهی مدرنیستی به مخالفت با فضاهای سنتی برخاسته و آنها را عامل واپس‌گرایی و کهنه پرستی تلقی می‌کنند. این مقاله با روشی توصیفی - تحلیلی سعی دارد تا ویژگی‌های هر یک از این فضاها را تشریح و سپس با تأکید بر نقاط اشتراک این دو فضا با دیدگاهی پست مدرنیستی، راهکارهایی برای ایجاد فضاهایی با کارکردهای سنتی و مدرن ارائه دهد. در این مقاله فضاهای سنتی شامل قهوه‌خانه، حمام عمومی، مساجد، تکایا، زورخانه‌ها و فضاهای مدرن شامل کافی نت، کافی شاپ، باشگاه‌های ورزشی و کلوپ‌ها می‌باشد.

نتایج، حاکی از آن است که در شهر تهران فضاهای سنتی، یا در حال حذف هستند یا شکافی اساسی بین این فضاها با فضای مدرن ایجاد گردیده است. شکاف ایجاد شده به علت نوع نگرش به فضاهای سنتی به عنوان فضاهای کهنه و قابل حذف و فضاهای جدید به عنوان فضاهای قابل گسترش است.

واژگان کلیدی: فضاهای سنتی، فضاهای مدرن، مدرنیست، پست مدرنیست، تعامل اجتماعی

۱. دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری و عضو هیئت علمی دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

۲. دانشجوی دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران

۳. دانشجوی دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران

جایگاه منظر شهری

در ارتباط برقرار کردن انسان و محیط در شهرهای جدید

سحر قاسمیان^۱

شهر مجموعه‌ای از اشیاء و موضوعاتی است که هم جلوه صوری محیط ما را تعیین می‌کند و هم رفتارها و کنش‌های ما را تحت تأثیر قرار می‌دهند. این همان چیزی است که به نام "منظر شهری" می‌شناسیم. منظری که اساساً سطح تماس انسان و پدیده شهر است. فرآیندی که انسان در برخورد با منظر شهری طی می‌کند با ادراک آن و ثبت یک منظر عینی شروع شده و سپس با توجه به داده‌های موجود در ذهن، ناظر شروع به تجزیه و تحلیل آن کرده و نسبت به آن شناخت پیدا کرده و منظر ذهنی وی شکل می‌گیرد. پس از مرحله شناخت، ناظر با توجه به معیارهای موجود در ذهنش که در طول زمان شکل گرفته اقدام به ارزشگذاری کرده و آنرا خوب یا بد ارزیابی می‌کند و بر آن اساس واکنش از خود نشان داده و در آن محیط رفتار می‌کند. در بررسی چنین روندی در شهرهای جدید می‌توان به ریشه‌های معضل عدم احساس تعلق و گریز از شهرهای جدید به خصوص در فازهای اولیه شکل‌گیری آن پی برد. بی‌هویتی و یکنواختی منظر شهری اغلب شهرهای جدید در مقیاس کلان نتوانسته منظر شهری هویت‌مند و شاخصی را برای این شهرها ایجاد کند و از طرف دیگر فرم‌ها و فضاها ناآشنا و بی‌مقیاس در مقیاس میانی جهت‌یابی در بافت را برای ساکنین مشکل کرده است و در مقیاس خرد منظر شهری و سیمای زمین، بی‌توجهی به جزییات فضا نه تنها هیچ واقعه یا فضای دیگری را تداعی نمی‌کند بلکه امکان شکل‌گیری رویدادهای شهری که تعاملات اجتماعی و در نتیجه حس تعلق را تقویت می‌کنند را هم کمرنگ ساخته است.

در این مقاله سعی شده است که با توجه به جایگاه منظر شهری در روند ارتباط برقرار کردن انسان با یک محیط جدید در سه سطح منظر شهری کلان، میانی و خرد، با تکیه بر این واقعیت که انسان مهاجر فردیست با پیشینه و خاطرات که از محیط آشنای خود به یک محیط غریب قدم گذاشته است، برای احساس عدم تعلق آنها و مشکل ناپایداری مهاجرین در شهرهای جدید رهنمودهایی ارائه شود.

واژگان کلیدی: منظر شهری، شهرهای جدید، حس تعلق، خاطره و هویت

۱. فارغ‌التحصیل دوره کارشناسی ارشد طراحی شهری دانشگاه شهید بهشتی

دریچه‌ای به «منظر شهری» در اگما با کنکاشی در محور زمان (گذار از عینیت تا ذهنیت)

مجید منصور رضایی^۱، زهرا عزیزی^۲، مژده عرفانی^۳

«منظر شهری» به عنوان سطح تماس «انسان» با «پدیده شهر» نقش قابل توجهی را در فهم ناظر از شهر ایفا می‌کند. با وجود آنکه درحوزه «منظر شهری» دیدگاه‌های متفاوتی مطرح است، این نوشتار برپایه نگرشی پدیدار شناسانه شکل می‌گیرد. این نگرش «منظر شهری» را پدیده‌ای دو بعدی می‌داند که علاوه بر ابعاد عینی (محسوس) فضا، ابعاد ذهنی (غیرمحسوس) فضا چون ابعاد تاریخی، هویت و خاطره را در برمی‌گیرد و مفهومی قابل قرائت است.

از این رو نوشتار در پی آن است تا آن بخش از منظر شهر که بازگوکننده ابعاد ذهنی فضا چون تعاملات اجتماعی، حیات مدنی و خاطره در شهر است را مورد شناخت و بررسی قرار دهد. اهمیت موضوع از آن رو است که در سیر شهرنشینی چند دهه اخیر منظر شهر معاصر تغییرات چند بعدی و معناداری را متحمل شده و در بیان و تفسیر ارزش‌های جامعه معاصر چون تعاملات اجتماعی و خاطرات جمعی با اشکالاتی روبرو است. لذا روشن ساختن چرایی بحث و تلاش جهت بازگرداندن چنین ارزش‌هایی به منظر شهر معاصر امری قابل تامل و تفکر می‌باشد.

مهم‌ترین اقدام در روند این مطالعه، تدوین معیارهایی در راستای شناسایی و ارزیابی ارزش‌های مذکور در منظر شهری است. بنابر عقیده عده‌ای از پژوهش‌گران که هر جامعه بنا بر فرهنگ خود، شهر خود را شکل می‌دهد، تلاش می‌شود تا با مطالعه الگوواره شهر سنتی و گذار از آن به شهر معاصر، ارزش‌های نامبرده در منظر شهر، در محور زمان شناسایی و ردیابی گردد.

شناسایی و ردیابی بازخورد مکانی - فعالیتی ارزش‌ها در محور زمان به تعبیری، حاکی از آن است که شهر معاصر برای «به روز شدن» همواره لباس خود را عوض کرده و در فاصله زمانی کوتاه از خود چندین چهره نشان می‌دهد. در این لباس نو، بخشی از عناصر و فعالیت‌هایی که لایه‌های معنایی و خاطره‌ای عمیق را با خود حمل می‌نمودند، کمرنگ و یا در جیب‌های این لباس نو مخفی و یا پاک می‌شوند.

این دریچه با نگاهی از درون به برون (منظر شهر) و هم چنین از برون به درون (قهوه‌خانه و کافه)، دو صحنه از «منظر شهری» را با تاکید بر نقش آنها در ارزش‌هایی چون تعاملات اجتماعی و خاطرات جمعی جامعه، به نمایش می‌گذارد.

واژگان کلیدی: منظر شهری، پدیده شهر، شهر سنتی، شهر معاصر

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری؛ دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

۲. کارشناس ارشد طراحی شهری؛ UCL لندن

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری؛ دانشگاه علم و صنعت

زبان منظر شهر معاصر (از آسیب شناسی تا زیبایی شناسی)

وحید پوربافرانی^۱، یوسف یوسفی^۲

امروزه در شهر معاصر برای ادراک آنچه از پیش چشمان ما می گذرد، نیازمند تصاویر بازنمایی شده تلویزیون گونه شده ایم، چرا که رسانه هایی همچون تلویزیون قاعده های تمرکز حسی تازه ای ساخته اند که فقط از راه "وانمودن واقعیت" ممکن می شوند. در این مقاله خصلت بازنمایی و وانمایی تصویر را از رسانه به معنای امروزینش وام گرفته و آن را به مدیوم شهر، همچون یک فرارسانه، تعمیم داده ایم. این امر زمانی بهتر درک می شود که بپذیریم "رسانه ها توده مردم را با مجموعه ای از نشانه ها بمباران می کنند" و توده هم به گونه ای منفعلانه در این بازی نشانه ای شرکت می کنند. در نتیجه چنین سلطه تصویری است که می توان فرضیه "مرگ معنا در شهر معاصر" را مطرح کرد.

بحران بی معنایی در شهر معاصر، مرگ امور اجتماعی را سبب شده و در بستر چنین شهریست که ارتباطات اجتماعی به حداقل میرسند. از طرف دیگر سرعت ذهنی و جسمی حرکت ناظر در شهر معاصر (اولی بدلیل سلطه رسانه و دومی بدلیل سلطه ماشین بر وی)، تماس وی را با بافت شهری به حداقل رسانده است. به دلیل فقدان چنین تماسی است که فضاهای شهری به مکان هایی بدل شده اند برای به هم خیره شدن و نه عرصه هایی برای بحث و تعاملات اجتماعی.

مقاله حاضر در پی پرداختن به بحران ارتباط، در شهر عصر ارتباطات بوده و معتقد است که چنین بحرانی نتیجه نوع نگاه از بالا به پایین به شهر است. نگاهی انتزاعی که در فرآیند آن مولفه های سازنده منظر شهری به جنبه هایی صرفا تصویری فروگاهش می یابند. راه حل چنین بحرانی در نگاهی پدیدارشناسانه و دیالکتیک، از بالا به پایین و از پایین به بالا، نسبت به شهر است، چرا که نگاه از پایین، منظر زندگی روزمره را به نظاره می نشیند و ادراک منظر شهری را علاوه بر جنبه های تصویری به سایر حواس آدمی همچون لامسه نیز، بسط خواهد داد.

واژگان کلیدی: رسانه، وانمایی معنا، زبان منظر شهری، پدیدارشناسی، ادراکات حسی

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری منظر دانشگاه شهید بهشتی

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری منظر دانشگاه شهید بهشتی

ضرورت و نقش ثبت عناصر هویت بخش ثبت مناظر شهرها

به عنوان میراث شهری

(مطالعه موردی شهر شیراز)

منا مسعود لواسانی^۱

هویت، سؤال بزرگ جامعه امروز ما و بسیاری از جوامع دیگر است و این مقوله به لحاظ تسهیل ادراک محیط، در زمره مهم‌ترین مفاهیم کیفی مباحث انسان- محیطی در علوم معماری و شهرسازی نیز قرار گرفته است. در سیر تحولات و فرآیند رشد و شکل‌گیری فضاهای شهری قرن بیستم، ارتباط معنی‌دار بین انسان و محیط سکونت او، دچار فاصله و شکاف شده است. عواقب کمرنگ شدن این رابطه، احساس بی هویتی و عدم تعلق به مکان زندگی است که پی‌آمدهایی چون نارضایتی از محیط، آشفتگی‌های روانی و بی‌مسئولیتی نسبت به جامعه را به دنبال دارد.

دیر زمانی نیست که «چشم‌انداز و منظر» به عنوان یک وجه پراهمیت از محیط زندگی انسان مورد توجه قرار گرفته است. موضوع منظر و چشم‌انداز علاوه بر جنبه‌های زیباشناسی، اهداف فرهنگی و عملکردی را نیز دربر می‌گیرد.

هر شهر با مراتبی از اتصال به تاریخ و تحولات گذشته خود صاحب هویت شناخته می‌شود. همیشه می‌توان نشانه‌هایی با مشخصات کالبدی و ظاهری، هر چند جزئی در ارتباط میان امر واقع با گذشته پیدا کرد. بنابراین لازم است تعادلی بین حافظه جمعی و هویت اجتماعی برقرار شود. ایجاد هویت به منزله تداعی خاطرات در منظر شهر جدید، اقدامی است که منحصر به دخالت در سیمای محیط نمی‌شود، بلکه جنبه‌های ساختاری و برنامه‌ریزی شهر را نیز دستخوش دگرگونی می‌کند که تأثیرات آنها در منظر شهر دیده خواهند شد. از این‌رو تداوم و ثبات منظر شهر را می‌توان با بررسی تصویر ذهنی و معنای آن مکان نزد مردم پی گرفت.

پس از بررسی ضرورت پرداخت به هویت محیط و حفظ برخی نمادهای آن در شهر، با نگاه به تجربه‌های موفق دنیا (تجربه قانونگذاری شهر لندن) و با شناسایی مناظر هویت بخش شهرهای کشور، مشابه این نوع دسته‌بندی (برای نمونه شهر بزرگ، تاریخی و گردش‌گری شیراز) و حفظ و نگهداری آنها با تصویب قوانین لازم گوشزد می‌شود. از میان مناظر بی‌بدیل باغ‌شهر شیراز، منظر گسترده ورودی شهر، دروازه قرآن و منظر درونی میدان ارک کریم‌خانی به روش کتابخانه‌ای و مشاهده میدانی مورد بررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: مناظر شهری، هویت محیط، مناظر هویت بخش، هویت اجتماعی

کشف راز جاودانگی منظر بافت‌های تاریخی، راهی به سوی تداوم حیات (مطالعه موردی بافت تاریخی شهر یزد)

علی اکبر کوششگران^۱، مرجان منتظری^۲، فاطمه دهقان^۳

بدیهی است اولین برخورد با هر شهر، سیما و کالبد ظاهری آن است که حامل معنای حاصل از تجربه ساکنین از شهر و برخاسته از شهر در طول تاریخ می باشد. لذا توجه صاحب‌نظران و متخصصین در امور شهرسازی و معماری نسبت به این مقوله را می طلبد.

تاکید این مقاله در مسیر شناسایی چالش‌های فراروی منظر بافت جدید بر آن است که ضمن بهره‌گیری از آموزه‌های منظر بافت قدیم و انطباق زبان الگوی شهرسازی سنتی با زمان و نیازهای امروز، گستره اجزاء و عناصر تشکیل دهنده و اصول حاکم بر آن‌ها را به مفهوم فراگیر (هم از منظر عینی و هم از زاویه برداشت‌های ذهنی) مورد کاوش قرار دهد. همچنین سعی بر آن دارد تا با پی بردن به نظام میان عناصر منظر بافت قدیم و همچنین بازتولید کیفیت‌های مبتنی بر فطرت انسان و محیط در بافت‌های جدید، به مثابه رهنمودی برای حفظ و مدیریت توسعه منظر شهر به حساب آید. بدین منظور بافت تاریخی شهر یزد به عنوان بی نظیرترین بافت تاریخی ایران، با برخورداری از ویژگی‌های منحصر به فردی چون سازگاربودن با فطرت محیط، انسان محوری، از خود سامان دهنده ذاتی، جهت تحقق هدف این نوشتار مورد کنکاش واقع گردیده است.

اهم نتایج حاصل از این نوشتار بر این امر حکایت دارد که ویژگی‌ها و عناصر شخصیت دهنده به منظر بافت تاریخی شهر، با فراهم آوردن امکان قرائت و تفسیر صحیح، موجب حفظ رابطه انسان با محیط شهری خود - هویت شهری - و در پی آن ارتقاء توان رقابتی شهر برای جذب هر چه بیشتر سرمایه و گردشگران و نهایتاً تداوم حیات آن شود، البته نه با تایید بی چون و چرا و تقلید کورکورانه از بافت‌های تاریخی، چرا که آن‌ها هم خالی از مشکلات و نارسایی‌ها نیستند. از طرفی نمی توان منکر شد که این بافت‌ها جلوه‌گر رابطه‌ای صحیح و مبتنی بر دانایی بین فضا و جامعه و بافت‌های امروزی به صورت چیدمانی فاقد وحدت و هارمونی، تبدیل به توده‌هایی ناهمگون شده‌اند.

واژگان کلیدی: منظر شهر، منظر بافت تاریخی، الگوبرداری، جاودانگی، بافت تاریخی یزد.

۱. عضو هیئت علمی (استادیار) دانشکده هنر و معماری - دانشگاه یزد

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری و منطقه ای دانشگاه بین المللی امام خمینی قزوین

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری دانشگاه یزد

مدیریت تحولات شهری، ابزاری در جهت دستیابی به منظر شهری مطلوب

کیوان خلیجی^۱، محمد صالح شکوهی بیده‌ندی^۲

تلقى از منظر شهری به عنوان یک پدیدار که به طور کلی در جریان داد و ستد میان انسان، محیط و به شکل روشن‌تر میان خصوصیات کالبدی و محسوس محیط از یک سو و الگوها، نمادهای فرهنگی و توانایی‌های ذهنی فرد ناظر از سوی دیگر شکل می‌گیرد، از این مفهوم چیزی فراتر از یک محصول کالبدی صرف و یا حتی یکی از کیفیت‌های طراحی شهری ارائه می‌کند. مفهومی که بیش از آنکه تمرکز آن بر محصول باشد، زاده جریان‌های دو سویه ایست که به محیط‌های کالبدی و ذهنیت‌های انسانی شکل می‌دهند. لذا منظر شهری مطلوب به عنوان یک پدیدار چیزی نیست که بتوان به آن تنها از طریق تهیه طرح (طراحی) دست یافت. بلکه بیشتر به مناسبت برخورداری از ماهیت سیال مبتنی بر جریان‌های دوسویه می‌توان آن را هدایت، برنامه‌ریزی، سازماندهی و یا به بیان بهتر مدیریت کرد. حال سوال این است که منظر شهری مطلوب امروزی چیست و روش دستیابی به آن چگونه است؟

این مقاله بر این فرض استوار است که منظر شهری مطلوب همان منظر شهری دلخواه مردم در هر دوره تاریخی است. این منظر شهری عموماً از طریق میزان رضایت‌مندی آنها از محیط خود قابل ارزیابی است. اما معیارهای رضایت‌مندی شهروندان، متأثر از عوامل مختلف، انگیزه‌ها و شیوه‌های متنوع زندگی، در طول زمان تغییر می‌یابد. از یک سو «شهرها» به جهت رشد جمعیت، رشد اقتصادی، مقولات زیست محیطی، تغییر شیوه‌های زندگی و تحولات تکنولوژیک مرتباً در حال تغییر و تحول هستند. از سوی دیگر «انسان‌ها» نیز به سبب دگرگونی نیازهای اکولوژیکی و اجتماعی دارای رفتارهای انسانی متفاوتی هستند. به همین دلیل منظر مطلوب نیز، فاقد مفهومی ایستا است و در گذر زمان، با تغییر الگوهای اندیشه و ارزش‌های اجتماعی و به عبارت دیگر، تغییر شهر و انسان، تغییر می‌یابد.

بر این اساس به نظر می‌رسد که از طریق مدیریت تغییرات می‌توان به منظر شهری مطلوب دست یافت، زیرا مدیریت منظر شهری نیازمند مدیریت تقاضا و انتظارات و سلايق شهروندان است. این مقاله در پی ارائه چارچوبی مفهومی برای کنترل و هدایت این تغییرات و بالتبع منظر شهری است.

واژگان کلیدی: منظر شهری، مدیریت، تغییر و تحول، منظر مطلوب، رضایت‌مندی.

۱. کارشناسی ارشد طراحی شهری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

۲. دانشجوی دکترای شهرسازی دانشگاه تهران

۱. تعاریف، مفاهیم و مبانی نظری منظر شهری



۱-۱. مبانی نظری و فلسفی منظر

۱-۲. تاریخ و منظر

۱-۳. تعاریف و روش‌شناسی

۱-۴. عناصر منظر شهری

۱-۵. پایداری و منظر شهری

۱-۶. هویت و منظر شهری

آشننگی‌های بصری مثبت – منفی

(نقش تابلوهای تبلیغاتی فروشگاه‌ها در تغییر شکل منظر شهری، چهارباغ عباسی، اصفهان)

محمود قلعه نوعی^۱، فروغ مدنی^۲

خیابان چهارباغ عباسی یکی از مهم‌ترین و قدیمی‌ترین خیابان‌های شهر اصفهان بوده و همراه با رودخانه زاینده‌رود ساختار اصلی شهر را تشکیل می‌دهد. این خیابان امروزه با داشتن فروشگاه‌ها، هتل‌ها، رستوران‌ها و کاربری‌های متفاوت و متنوع خود به عنوان یکی از جذاب‌ترین و پرترددترین خیابان‌های شهر اصفهان محسوب می‌شود.

در حال حاضر یکی از طرح‌هایی که در دست اجرا می‌باشد و فکر شهرسازان را به خود مشغول ساخته، ساماندهی بدنه‌های چهارباغ و حذف اغتشاشات و آلودگی‌های بصری ایجاد شده توسط تابلوهای تبلیغاتی مغازه‌ها و فروشگاه‌ها می‌باشد. با این حال، به رقم وجود بی‌نظمی‌ها و آشننگی‌های بصری یکی از عوامل جذب بازدیدکننده، تابلوهای رنگارنگ و مختلف تبلیغاتی مغازه‌ها می‌باشد که در میان پوشش گیاهی منحصر به فرد این خیابان در رقابتی تنگاتنگ به جلب توجه و جذب تماشاگر می‌پردازند.

سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که طرح ساماندهی و حذف اغتشاشات بصری آیا طرحی است به منظور بهبود کیفیت فضایی و کالبدی یا تنها وسیله‌ای است برای یکسان‌سازی بصری در بدنه؟ این موضوع در حالی مطرح است که فرم بصری اکثر مراکز فعال شهری در تمام نقاط دنیا با تابلوهای رنگارنگ نئون که بیشتر نوعی بی‌نظمی و آشننگی به نظر می‌آیند، شکل گرفته است. این بی‌نظمی و آشننگی دارای ویژگی منحصر به فردی نیز می‌باشند که آن هویت بصری متمایز و منحصر به فردی است که از فرهنگ مردم و مطابق با نیاز و سلیقه روز شکل می‌گیرد.

این مقاله تلاشی برای پژوهش در مورد نقش تابلوهای تبلیغاتی در رابطه با هویت فرهنگی و بصری ساختار شهری می‌باشد که در آن از خیابان چهارباغ عباسی اصفهان به عنوان نمونه مطالعاتی استفاده شده است.

واژگان کلیدی: منظر شهر، اغتشاشات بصری، تابلوهای تبلیغاتی، چهارباغ عباسی، هویت بصری

۱. استادیار گروه شهرسازی و عضو هیأت علمی دانشگاه هنر اصفهان

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری دانشگاه هنر اصفهان

بینابینی های جغرافیایی، فرهنگی و منظر شهری (بررسی موردی دو شهر شوشتر و گرگان)

رسول رفعت^۱، عباس صرامی^۲

موضوع مقاله حاضر، بررسی و تعمق در نسبت میان انسان و گونه ویژه‌ای از محیط طبیعی، جغرافیایی، فرهنگی و اجتماعی است. ویژگی که با واژه‌های انتزاعی چون، بینابینی، برهمکنش، برآیند، بازخورد و... به ذهن متبادر می‌شود، اما آثاری عمیق در شکل دهی ساختارهای زیستی و فضایی انسان و منظر شهری داشته و هم اکنون نیز دارد. فرضیه پژوهش مبتنی بر دانستن مسئله "بینابینی" به عنوان رهیافتی جهت بررسی و شناخت ریشه‌های هویت مکانی بر پایه بررسی‌های مؤلفه‌های کالبدی در مقیاس‌های متنوع می‌باشد. این بینابینی در پژوهش حاضر در سه مقیاس کلان، میانی و خرد، در قالب محیط‌های جغرافیایی، طبیعی، اجتماعی و تاثیر آن‌ها در منظر شهری مورد بررسی قرار می‌گیرد. شهر شوشتر در استان خوزستان (جنوب غرب ایران) و گرگان در استان گلستان (شمال شرق ایران) به عنوان نمونه‌های مطالعاتی در این پژوهش مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرند.

واژگان کلیدی: هویت مکانی، بینابینی، منظر شهری، شوشتر، گرگان

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری منظر دانشگاه تهران

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری دانشگاه تهران

پلاستیک شهر^۱ بعد پنهان منظر شهری

(نمونه موردی شهر تهران)

زهرا رستگاری^۲، آرزو مومنیان^۳

شهر موجودی است زنده، که از برهمکنش نیروهای متنوع و متفاوت در قالب یک جسمیت واحد شکل گرفته است. لایه‌هایی از اتفاقات تاریخی و طبیعی که در طول عمر شهر، آن را شکل داده‌اند موجب ایجاد ساختاری به هم پیوسته و منسجم گردیده است که جسم شهر را تشکیل می‌دهند. جسم شهر، موجود با هویتی است که محصول سال‌های سال تغییرات و تحولاتی است که در یک بستر طبیعی شکل گرفته است، جسمیت و چگونگی توده‌های ساختمانی این موجود را تحت عنوان پلاستیک شهر می‌توان بیان نمود. زندگی اجتماعی مردم شهر، سیاست‌های خرد و کلان که مدیران شهری با توجه به نقش شهر برای آن طرح‌ریزی می‌کنند و جبر طبیعت (عوامل طبیعی بستر شهر) موجب شکل یافتن این موجود انعطاف پذیر خواهد بود. درحالی که بستر طبیعی را به عنوان یک عامل مورفولوژیک بسیار قوی در شکل‌گیری شهرها می‌دانیم، جسمیت و چگونگی توده‌های ساختمانی، که خود بخشی از مورفولوژی هستند، موضوع کار پلاستیک شهر است. همچنین قابل ذکر است که به دلیل موضوع تحقیق و روش آن، عمده مطالب بر پایه مطالعات و برداشت‌های میدانی بیان می‌گردد. پلاستیک شهر، قسمتی از مورفولوژی شهر است که انسان ساخته است، مصنوعی است و فقط از جنس توده‌های ساختمانی است. مطالعه پلاستیک شهر کلید درک منظر شهری است.

نمونه موردی، مورد بحث شهر تهران می‌باشد که در مقیاس‌های متفاوت مفاهیمی همچون سیلوئت شهر، رابطه پر و خالی‌ها، نقاط عطف شهری، پالت رنگی کل شهر، خط آسمان معابر و میادین، خط آسمان شهر و دانه‌بندی بافت شهر مورد بررسی قرار خواهند گرفت. بررسی تصاویر حاصل از تحلیل‌های فوق، طراحان شهری را بر تصمیم‌های درست ناشی از شناخت همه جانبه شهر رهنمون ساخته و در نهایت موجب ارتقا و تکمیل مبانی علمی مطالعات سیمای شهری خواهد شد.

واژگان کلیدی: پلاستیک شهر مورفولوژی، سیلوئت شهر، منظر شهری، پالت رنگی شهر

۱. پلاستیک شهر معرفی یک مفهوم جدید با مطالعه شهرهای اروپای غربی و اروپای شرقی عنوان مقاله و طرح پژوهشی ایست که در سفر پژوهشی اروپا انجمن سفرهای پژوهشی نظر تابستان ۱۳۸۷ با همکاری زهرا رستگاری، محمد عسگرزاده، محمد منصوری، مریم لسان نگارش یافته و در حال چاپ است.

۲. کارشناسی ارشد معماری منظر دانشگاه تهران

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری دانشگاه تربیت مدرس

تأملی در حوزه مفاهیم شهری: شکل شهر، شاکله شهر، سیمای شهر، منظر شهر

سیدمحمد رضا خطیبی^۱

در ادبیات موضوعی شهرسازی یکی از چالش‌های مهم و پیش روی متخصصین و به خصوص نظریه پردازان این حوزه، عدم تثبیت مطلق جایگاه لغات و مفاهیم شهرسازی و برداشت‌های متفاوت در بین افراد می باشد. این اختلاف نظرها در بحث مبانی نظری پایه ای که جزء لاینکف هر اقدام پژوهشی و اجرایی است، وارد شده و گاه تضادهای کاملاً مشهودی را ایجاد کرده است. یکی از این مفاهیم، مقوله‌های مربوط به شکل شهر و منظر شهر است و گاهی اوقات این دو با هم و با مفاهیمی همچون شاکله شهر و سیمای شهر تعارض پیدا می کند. جنبه‌های عینی و ذهنی و برداشت‌های مصداقی صورت گرفته از نمونه‌های مختلف می تواند راهگشای این مسئله باشد. این مقاله با بهره‌گیری از تئوری‌های مختلف مطرح شده در این زمینه و تجربیات موردی به کاربردهای صحیح این مفاهیم می پردازد.

واژگان کلیدی: منظر شهر، شاکله شهر، مبانی نظری، مفاهیم شهرسازی

تأثیر ساختمان‌های بلند مرتبه در منظر شهری (با رویکرد زیبا شناسانه)

مهرداد کریمی مشاور^۱

این مقاله به بررسی تاثیر ساختمان‌های بلند در منظر شهری می پردازد. منظر شهری را می توان از ابعاد عملکردی، هویتی و زیباشناسانه مورد بررسی قرار داد، ولی با توجه به محدودیت‌ها، این تحقیق فقط به بعد زیباشناسانه ابنیه بلند در منظر شهری می پردازد. ابعاد زیبا شناسانه منظر شهری خود می تواند در دو بعد کالبدی و ادراکی مورد توجه قرار گیرد. در این تحقیق ابعاد کالبدی بر اساس نظر کارشناسانه و ابعاد ذهنی بر اساس پرسشنامه‌هایی از کارشناسان مورد بررسی قرار گرفته است. براساس نتایج به دست آمده در این تحقیق، سه عامل زیر به عنوان عوامل مهم و تاثیر گذار در زیباشناسی ابنیه بلند در منظر شهری شناخته شدند:

- موقعیت بصری بنای بلند (قرارگیری در محور دید شهروندان)
- کیفیت ساخت
- اشارات تاریخی، فرهنگی و معنایی

واژگان کلیدی: ساختمان بلند، زیبا شناسی کالبدی، زیبا شناسی ذهنی

در جستجوی منظر فرهنگی

(مورد مناظر فرهنگی شهر اردبیل)

راضیه رضازاده^۱، سید یحیی خاتمی^۲

شهر یکی از پدیده‌های مهم انسان ساخت است که متشکل از کالبد و ارزش‌های انسانی می‌باشد. تحولات ایجاد شده همواره در فرهنگ‌های گوناگون و دگرگونی‌های جامعه بارزترین و مهم‌ترین جلوه‌های خود را در سیمای شهرها، بناهای شهری و فعالیت‌های شهری نمایان می‌کنند. این همان ارتباط شهر و فرهنگ است که می‌توان ریشه‌های ضعف یا قوت هر کدام را در دیگری جست. به عبارت دیگر، شهر تجلی‌گاه ارزش‌ها و فرهنگ‌های انسانی بوده و بخشی از این ارزش‌ها بصورت مناظر فرهنگی در شهر آشکار می‌شود. پیام اصلی این مقاله در شناسایی، حفاظت و بازنمایی مناظر فرهنگی است که از کشف و درک الگوهای فرهنگی و طبیعی حاصل آمده است. این آگاهی از شناخت عمیق در رابطه میان فرهنگ و شهر ایجاد می‌شود. در این رابطه نقش فرهنگ‌های شهری نظیر آیین، مراسم، جشن‌ها و... به عنوان مناظر فرهنگی، اهمیت خاصی می‌یابند.

در شهر اردبیل با شناسایی مناظر و اولویت‌بندی آنها بر اساس اهمیت حفظ و استفاده از آنها در توسعه‌های شهری و روش‌های تصمیم‌سازی، به مفاهیم الگوهایی دست می‌یابیم که متضمن کیفیت‌های زندگی و کالبدی است.

واژگان کلیدی: شهر، فرهنگ، الگوهای فرهنگی، مناظر فرهنگی

۱. دکتری معماری و عضو هیئت علمی دانشگاه علم و صنعت ایران

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری دانشگاه علم و صنعت ایران

راه‌کارهای بهره‌گیری از ویژگی‌های باغ ایرانی در منظر شهری معاصر

وحید حیدر نتاج^۱

باغ ایرانی، محصولی است فرهنگی که از تعامل سازنده بین انسان و طبیعت پیرامون به وجود آمده است. با عنایت به این نگرش و عواملی که منجر به ایجاد باغ گشت، مصداق‌های مختلفی از آن را در مقیاس‌های متفاوت می‌توان دید که بزرگ‌ترین آنها باغ ایرانی در مقیاس شهری یا به عبارت بهتر باغ-شهر است. از نگاه تاریخی می‌توان پاسارگاد را به عنوان قدیمی‌ترین باغ-شهر ایرانی نام برد که کورش قصد داشت در آن یک پایتخت پرباغ بسازد. از نمونه‌های متأخرتر می‌توان اصفهان و شیراز را در این زمینه مثال زد.

در شهرهای کنونی، این نگاه به طبیعت مغفول مانده و شهرها بدون کوچک‌ترین رویکردی به طبیعت در حال رشد هستند. قوانین و ضوابط موجود نیز، بسیار کلی و مبهم بوده و ارتباط مستقیم با شیوه طراحی نداشته و بیشتر به جنبه‌های کمی می‌پردازند. این قوانین بیشتر جنبه برنامه‌ریزی شهری دارند تا معماری منظر.

باغ ایرانی دارای ویژگی‌های خاص خود است که در طول دوره شکل‌گیری و تکامل آن و همچنین در مکان‌های مختلف از ثبات نسبی برخوردار بوده است. تداوم این ثبات را می‌توان در دوره معاصر و با توجه به نیازهای جدید نیز می‌توان در طراحی فضاهای شهری دید. با توجه به مصداق‌های مختلف و مقیاس‌های متفاوت باغ ایرانی، حضور باغ در منظر شهری نیز تنوع زیادی دارد. پارک‌ها، حاشیه راه‌ها، میدان‌ها، کوی‌های مسکونی، مقابر و زیارتگاه‌ها، قبرستان‌ها، رود-دره‌ها، پیاده‌راه‌ها و نمونه‌های بسیار دیگر از انواع باغ‌ها و باغستان‌هایی است که می‌توانند از اصول هنر باغ‌سازی ایران متأثر شوند؛ در حالی که تاکنون چنین نبوده است. این مقاله درصدد است تا با مرور تاریخی نقش باغ در شهر ایرانی به راهکارهایی برای باز زنده‌سازی این نقش در شهرهای معاصر دست یابد.

واژگان کلیدی: باغ ایرانی، شهر، باغ-شهر، منظر شهری، طبیعت

۱. دانشجوی دکتری معماری، پردیس هنرهای زیبا دانشگاه تهران

کاربرد ارگونومی ادراکی در ارتقاء کیفیت بصری - عملکردی فضاهای شهری

محسن حسینی^۱، محمدرضا پورجعفر^۲

کاربرد اصول روان‌شناسی در دانش مهندسی و ارگونومی، دانش ارگونومی ادراکی را به وجود می‌آورد. همانطور که در دانش ارگونومی، هدف اصلی ارتقاء عملکرد ابزارها و پیشگیری اعمال فشارهای جسمانی بر افراد است، ارگونومی ادراکی نیز به دنبال ادراک بهتر محیط (خوانایی) و کاهش فشارهای روانی از محیط بر انسان‌ها است.

فضاهای شهری به عنوان محیطی که رفتارهای عمومی انسان‌ها در آن جریان دارد، همواره در تعامل دوطرفه با انسان است. بنابراین، فضاهای شهری به عنوان بستری برای فعالیت‌های عمومی انسان باید از یک طرف به راحتی قابل درک و از طرف دیگر باید ایمن باشد. از آنجا که رابطه انسان با محیط در وهله اول بواسطه حس بینایی صورت می‌گیرد و ادراک بصری مهم‌ترین نوع ادراک محیط و فضاهای شهری است، لزوم توجه به قابلیت ادراک بصری بالا (خوانایی) و کاستن از فشارهای بصری مانند آلودگی بصری، نورپردازی نامناسب، ترکیب نامناسب رنگ‌ها و ... به منظور تامین سلامت و ایمنی فضاهای شهری را بیش از پیش آشکار می‌نماید. دست‌یابی به آنچه در بالا به عنوان خوانایی و ایمنی اشاره گردید، ضرورت بکارگیری دانش ارگونومی ادراکی و به طور خاص بکارگیری این دانش در ادراک بصری را مطرح می‌سازد. عدم بکارگیری ارگونومی ادراکی از یک طرف درک فضاهای شهری را با مشکل مواجه می‌سازد و از طرف دیگر باعث بروز فشارهای بصری به انسان می‌شود (مانند بروز تصادفات حرکت سواره در معابر شهری و گمراهی).

در این مقاله ضمن تحلیل بخشی از ساختار ادراکی انسان نسبت به محیط اطراف که از طریق حس بینایی و چشم‌ها صورت می‌گیرد، اولاً حوزه‌هایی از طراحی فضاهای شهری و منظر شهری که در رابطه با ارگونومی ادراکی (از طریق حس بینایی) است، مشخص شده و ثانیاً دستورالعمل‌های لازم برای ادراک بصری فضاهای شهری و سیما و منظر شهری ارائه می‌گردد.

واژگان کلیدی: ارگونومی ادراکی، ادراک بصری، فضاهای شهری، خوانایی

۱. کارشناسی ارشد طراحی شهری دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس

۲. دانشیار گروه شهرسازی دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس

کمیته‌های سیما و منظر شهری (از طرح مسئله تا اجرا)

سید محمد رضا خطیبی^۱

در توسعه جدید شهری، شهرهای جدید و شهرک‌های جدید الاحداث، یکی از اولویت‌های تهیه طرح‌های ساماندهی در قالب طرح‌های موضعی و موضوعی شهری، تهیه طرح ساماندهی میادین و خیابان‌های شهری با اولویت بهسازی سیما و منظر شهری است. در چشم انداز اینگونه طرح‌ها، محیط شهری فضایی است واجد سرزندگی، تحرک و جنب و جوش که لازمه یک منظر خوب شهری است.

فرایند تعریف پروژه از مرحله طرح مسئله تا اجرا تحت نظارت کمیته‌ای تحت عنوان کمیته سیما و منظر شهری فعالیت خود را آغاز خواهد کرد و به عنوان یک تیم داوری متخصص در زمینه‌های مورد نیاز، مسائل و چالش‌های پیش روی طرح را شناخته و به عنوان مرجع تایید و تصویب کننده طرح تهیه شده توسط مشاور عمل خواهد کرد. به عبارت دیگر این کمیته، نهادی پیشنهادی است که به منظور ایجاد هماهنگی میان کلیه سازمان‌ها، نهادها، دستگاه‌ها، شرکت‌ها و موسسات ذی‌ربط در امر ارتقاء سیما و منظر در شهرها تشکیل می‌گردد.

در این مقاله تلاش شده است تا با معرفی نقش و جایگاه این کمیته‌ها، پیشنهاداتی در هر چه پربارتر شدن فعالیت آنها و حذف خلاهای موجود بین تعریف طرح توسط کارفرما و انجام کار توسط مشاور یا مجری ارائه گردد.

واژگان کلیدی: شهرهای جدید، طرح‌های ساماندهی، کمیته، منظر شهری

متخصصان مداخله‌کننده در عرصه منظر شهری

(طراحان شهر در سایه خلاقیت یا برنامه‌ریزان شهر در سایه ضوابط و مقررات)

سید محمد رضا خطیبی^۱

شهرسازی یک کار گروهی و یک کوشش دسته‌جمعی با شرکت متخصصین علوم است که به نحوی در زمینه مسائل شهری می‌توانند به مطالعه بپردازند. امروزه متخصصین شهرسازی در زمینه مسائل شهری در دو رشته اصلی برنامه‌ریزی شهری و طرح ریزی شهری به ایفای نقش پرداخته‌اند. از زمان شروع برنامه‌ریزی شهری به سبک جدید در میانه قرن نوزدهم میلادی، طرح نیز موضوع مورد توجه آن بوده است. بعد از جنگ جهانی دوم بخت و اقبال طرح نیز فروکش کرد و طرح‌ها و برنامه‌ریزی جامع مورد انتقاد شدید قرار گرفتند. به رغم دفاع‌های فصیح و مناسبی که از طرح می‌شد، عمل و نظریه به سمت فرایند تغییر جهت دادند. به برنامه‌ریزان شهری توصیه شد که به جای نگرش جامع، نگاهی معتدل‌تر به مسائل داشته باشند.

نظریه پردازان در ابتدا بر تصمیمات و سپس بر گفتگو و اقدام ارتباطی تاکید کردند. این وضعیت به طور تناقض آمیزی در کنار این واقعیت قرار گرفت که بسیاری از پیشرفت‌ها در سال‌های اخیر نتیجه طرح‌ها بوده است.

منظر شهری یکی از مقوله‌هایی است که همواره مورد بحث حوزه شهرسازی است. این مقاله با رویکرد مقایسه تطبیقی در نظر دارد، نقش و میزان دخالت دو گرایش طراحی شهری و برنامه‌ریزی شهری در ارتباط با مداخله و تصمیم‌گیری در مورد منظر شهر را شناسایی کند. به عبارت دیگر این مقاله در جهت پاسخ‌گویی به این سوال گام بر می‌دارد که میزان خلاقیت طراحان شهری در ارتقاء کیفی سیما و منظر شهری پررنگ تر است یا ضوابط و مقررات مدون برنامه‌ریزان شهری؟

واژگان کلیدی: شهرسازی، منظر شهری، خلاقیت، طراحان شهری

۱. دانشجوی دکتری شهرسازی - عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین

مقدمه‌ای بر روش‌شناسی منظر شهری

سید حسین بحرینی^۱، مازیار عبایی^۲

امروزه، جهت تضمین کیفیت طرح‌های شهری، تدوین راهنماهای فرایند طراحی متداول است. در راهنماها، فهرستی از معیارهای زیبایی‌شناسی منظر مبتنی بر نظریات مختلف ارائه می‌شود. آنچه در مورد این معیارها نیازمند دقت است، تقابل و تضاد مبانی مانع‌الجمع آنها است. در واقع باید گفت مواضع مبانی مختلف معیارهای زیبایی‌شناسی منظر با مجموعه‌ای از تحقیقات اثبات شده است. با توجه به تقابل این مبانی تکیه قطعی بر اثبات‌شدگی هر کدام از آنها، محیط‌های متکی بر دیگر مبانی را بی‌اعتبار می‌سازد. بر این اساس مساله اصلی این مقاله ترکیب «واجد اعتبار نظری» معیارهای زیبایی‌شناسی منظر است. سازماندهی نظری معیارهای زیبایی‌شناسی منظر، می‌تواند موجب اعتبار فهرست‌های راهنماها گردد. علاوه بر این، معیارها می‌بایست بر روی پارامترهایی اعمال شوند و تدوین پارامترها زمینه ایجاد روشی عینی را در ملاحظات زیبایی‌شناختی طراحی منظر شهری فراهم کنند. در این مقاله از یک سو تلاش برای بیان سازوکار سازمان‌دهنده معیارهای زیبایی‌شناختی منظر صورت می‌گیرد و از سوی دیگر روشی برای سنجش آنها در محیط بیان می‌گردد. لازم به ذکر است تشریح سازوکار ترکیبی معیارها در حد تعیین ارتباطات نظری آنها باقی می‌ماند، ارزیابی زیبایی‌شناختی تنها مبتنی بر زیبایی‌شناسی صوری انجام می‌پذیرد و پارامترهای محیطی تنها در ارتباط با «تمای ساختمان‌ها» تعریف می‌شوند. در نهایت دو فرضیه در مقاله تایید می‌شود: برای ترکیب معیارهای زیبایی‌شناسی منظر، می‌توان سازوکاری واجد اعتبار تدوین نمود. با اعمال معیارهای زیبایی‌شناسی منظر در زیبایی‌شناسی صوری و پارامترهای منظر (در اینجا اجزاء سازنده نما)، می‌توان کیفیت زیبایی‌شناختی را سنجید و روند طراحی آنها را ارتقا داد.

واژگان کلیدی: روش‌شناسی، زیبایی‌شناختی، طراحی منظر شهری

۱. استاد دانشکده شهرسازی دانشگاه تهران

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری دانشگاه تهران

منظر حرکت

صبا مالکی^۱

فضای بیرونی هر مکانی که در میدان دید باشد و در چشم اندازی واقع شود که شامل مجموعه‌ای از اطلاعات بصری و ساختارهای مصنوع و همچنین پوشش گیاهی، آب و نیز آسمان باشد جلوه ای از منظر شهری شناخته می‌شود. این منظر دارای دو نوع بافت و ساختار طبیعی و مصنوع است و شخصیتی سه بعدی از نظر هندسی و چندبعدی با منظور داشتن بعد زمان و سایر ادراکات انسانی است. با توجه به پیوند انسان با جلوه‌های زیباشناختی و استفاده از عناصر آذین بخش هنرهای تجسمی و همچنین جلوه‌های متغیر و گوناگون طبیعت و استفاده از عناصر طبیعی در صورت بندی و ادراک از زمان به نظر می‌رسد که بررسی جنبه‌های زمانی ادراک محیط و منظر بتواند زمینه غنای ادراک انسان متحرک در راه‌های شهری را فراهم آورد، درک حسی کدرشده او را رنگ و جلا بخشد و راه‌های شهری را برای حرکت انسان دلپذیرتر و غنی‌تر سازد. در حال حاضر در کشور ما طراحی لندسکیپ فضاهای حرکتی شهری بدون در نظر گرفتن جنبه‌های زمانی ادراک در حال حرکت صورت می‌گیرد.

توجه به بعد ادراکی بصری در سرعت‌های متفاوت ضمن حرکت و استفاده از شیوه‌هایی که متناسب با قدرت بینایی و تطابق و گیرایی ذهن باشند و بتوانند مسیرها را دلپذیرتر نمایند و همچنین توجه به بعد زمانی می‌تواند موضوعات مهم و جالبی باشد که به ندرت به آنها توجه کافی می‌شود.

هدف محقق در این مقاله، بررسی جنبه‌های زیبایی‌شناسی حضور هنرهای تجسمی در مسیرهای حرکتی فضاهای شهری و چگونه دیده شدن آنها با سرعت‌های متفاوت و همچنین یافتن راه‌ها و طرح‌هایی جدید برای جلب بیشتر توجه مردم و ایجاد محرک‌هایی در طول مسیرهای حرکت با هدف داشتن مسیرهای مطلوب تر و دلیلی قوی‌تر برای جذب مردم به فضاهای شهری، ارتباط و تعامل آنها با محیط است.

واژگان کلیدی: حرکت، حرکت مجازی، سرعت، هنر و جنبه‌های زیبایی‌شناختی، ریتم، تکرار، تداوم، توالی و سکانس

منظر شهری، هویت فرهنگی یا صنعت فرهنگی

رحمت الله فرهودی^۱، ایرج تیموری^۲

منظرشهر، به تمام جنبه‌های کالبدی و فضائی شهر و محیط پیرامون آن در مقیاس‌های مختلف گفته می‌شود که به عینیت فرد در می‌آید. شکل ظاهری و عینی کالبد شهر، جزو منظر شهر محسوب می‌شود. منظر شهر یعنی حقیقتی که موجود بوده و بدون هر گونه ذهنیتی دیده می‌شود. در شکل‌گیری منظر شهری، ساختارهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه به همراه الگوها و هنجارهای غالب در آن جامعه نقش اساسی را ایفا می‌کنند. فرایند شهرنشینی در ایران که تحت تاثیر دگرگونی‌های اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی - سیاسی از اوائل سده حاضر در جهت کاهش اختلاف و فاصله با کشورهای توسعه یافته با اجرای مدرنیزاسیون و همچنین برای حفظ منافع دول استعمارگر با بسط سرمایه‌داری پیرامونی و از هم پاشیدن ساختار اشتغال سنتی و سایر اقدامات زیر ساختی در کشور، صورت می‌گیرد. این فرایند منجر به شکل‌گیری فرم‌های جدید شهری در کشور شده و منظر و سیمای شهرهای اسلامی - ایرانی را در راستای رسیدن به اهداف خود تغییر می‌دهد. بنابراین مناظر شهری جدید در راستای تحقق اهداف مدرنیزاسیون و سرمایه‌داری جهانی بوده و به نوعی در قالب صنعت فرهنگی در راستای تحمیل خواست خود به جامعه سنتی بوده است.

بنابراین منظر شهری باز تابش و نتیجه الزامات و ویژگی‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مردمان ساکن، در طول زمان می‌باشد. در واقع چشم اندازه‌های موجود شهری بعنوان دید بصری ساختار قدرت، فرهنگ، اقتصاد و پتانسیل‌های طبیعی آن جامعه در طی زمان‌های متفاوت به شمار می‌رود. در این راستا مقاله بر آن است تا با کند و کاو در منظر شهری اردبیل به این دو سوال پاسخ دهد که "آیا منظر شهری کنونی شهر اردبیل به مثابه صنعت فرهنگی در راستای تحقق خواست‌های نظام سرمایه داری عمل می‌کند؟" یا "آیا منظر شهری امروزی شهر اردبیل به مثابه سابق در راستای تحقق نیازها و خواست‌های فرهنگ اسلامی می‌باشد؟" بنظر می‌رسد که منظر امروزی شهر اردبیل در راستای ترویج و فرهنگ نظام سرمایه‌داری جهانی بوده و در تقابل با فرهنگ سنتی این جامعه عمل می‌کند. پاسخ فرضیه تحقیق، نیازمند یک روش مقایسه‌ای (توصیفی و تاریخی) از منظر شهری شهر اردبیل در دو دوره متفاوت قبل از مدرنیزاسیون و بعد از آن می‌باشد. بدین منظور لازم است که با پیمایش میدانی به جمع آوری داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز پرداخته، سپس اقدام به تحلیل و نتیجه‌گیری نمود.

واژگان کلیدی: منظر شهری، هویت شهری، صنعت فرهنگی، نظام سرمایه‌داری جهانی، اردبیل

۱. دکترای شهرسازی و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

۲. دانشجوی دوره دکترای جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه تهران

منظر شهری، طرح یک سؤال و یک پاسخ

مهرنوش محمودزاده خلیلی^۱

در طول اعصار، همواره بنیان‌های فکری بر سرنوشت آدمیان موثر افتاده و آن را به گونه‌ای، نه آنچنان همسو با خواست آنان، رقم زده است. علیرغم ناخوشنودی صاحبان اندیشه از پیامدهای پیش رو، اما به باور آنان، اندیشیدن کنشی پیشتاز است و در آن نوزایی جوانه‌های متعدد به چشم می‌خورد. شکوفایی و جاری بودن سرنوشت انسان است.

معماری و شهر، منظر دیداری چپستی اندیشه است و دستمایه حس زیبایی شناختی ذهن، آنجا که به کار آید و شکوفا گرداند. درباره شهر ایرانی در دوره‌های گوناگون و پرمایگی زیبایی شناختی آن سخن بسیار است، همچنین درباره توقف این "زایش مداوم". اما آنچه از نظر نگارنده این نوشتار اهمیت به سزایی دارد، پیوستگی این "زایش و میرایش" است.

این مقاله به دنبال پاسخ یک پرسش است. "یک شکل شدن شهرها از برای چیست؟" تالوگران سنگ‌ها خلوص و بهای آنان را تعیین می‌نماید و گرنه، نه گران سنگی هست و نه درخششی. در ابتدا، گذری به تاریخ اندیشه و تاثیر آن در شکل شهرها نموده، سپس درباره گسست اندیشه ایرانی با شکل شهرها تامل کرده و به نقد آن پرداخته خواهد شد. نقد به مفهوم شناخت پدیده به کار خواهد رفت. در انتها طرح "یک خواست کوچک"، پایان بر نوشتار خواهد بود.

واژگان کلیدی: معماری، شهرسازی، سنت، مدرنیته، نقد

منظر شهری – مؤلفه‌های کمی و شاخص‌های هدایت و کنترل اسناد فنی

سید امیر منصوری^۱

منظر شهر، مقوله‌ای از جنس کیفیت است که به واسطه عناصر کمی به ظهور می‌رسد. چپستی منظر شهر را در میان ادراکات انسان باید جستجو کرد. وجدان و تجربه انسان گواه آن است که منظر شهر، هر چه باشد، دارای نمادهایی مادی و کالبدی است. برخی به اشتباه، صورت کالبد را معادل منظر شهر و نه نماد آن دانسته‌اند. از این رو راه خطا پیموده و راهکارهای هدایت و کنترل منظر شهری را از جنس احکامی برای شکل بخشیدن به نمای ساختمان‌ها و حداکثر، صورت نشانه‌ها و نقاط عطف شهر برشمرده‌اند.

واژه سیما که برای بیان صورت اشیاء به کار می‌رود، اشاره به ویژگی‌های فیزیکی و کالبدی شیء دارد. در حالی که واژه منظر که به صورت توأمان فاعلی و مفعولی به کار گرفته می‌شود، به ترکیبی حاوی "شیء و معنای مستفاد از آن" اشاره دارد. این نکته ظریف از دید حرفه مندان به دورمانده و در حوزه علوم منظر شهری موجب بروز آشفتگی در تعاریف پایه شده است. مقاله حاضر در نظر دارد از طریق تبیین تفاوت "نماد شیء" و "خود شیء" اثرات دو تعریف مذکور در شناخت ما از منظر شهری را بررسی کرده و در ادامه با ارائه نمونه‌هایی از مؤلفه‌های کمی به تشریح شاخص‌های هدایت و کنترل منظر شهری در اسناد فنی توسعه شهر بپردازد.

واژگان کلیدی: چپستی منظر شهری، نمادهای منظر شهری، شاخص‌های هدایت منظر، مؤلفه‌های سازنده منظر

۱. مدیرگروه معماری منظر، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران

منظر شهری از منظر استفاده کننده

(مورد پژوهی میدان ابوعلی سینا در همدان)

بهادر زمانی^۱، مرتضی ملکی^۲

منظر شهری با ابعاد مختلف کالبدی، عملکردی و معنایی خود از اهمیت و جایگاه خاصی در سازمان بصری شهر و کیفیت فضاهای شهری برخوردار است. اگرچه صرف داشتن نگاه و قرائت منظرین از شهر، پاسخ‌گوی مسائل پیچیده شهری نخواهد بود، لیکن توجه به منظر به عنوان ابزار پایه و لازم (و نه کافی) برای قرائت متن شهر در راستای پاسخ‌گویی به بخشی از مسائل شهری و حقوق شهروندی ضرورت می‌یابد. هدف این مقاله تجزیه و تحلیل مجموعه آرامگاهی ابوعلی سینای همدان و ارزیابی تاثیر آن بر منظر شهری میدان بوعلی می‌باشد. به منظور نیل به این هدف، این نوشتار به ارزیابی مولفه‌های عینی و ذهنی منظر در مقیاس خرد (فضای شهری) از دیدگاه استفاده‌کنندگان پرداخته است. در انجام این تحقیق از روش مطالعه نمونه موردی و مقایسه تطبیقی و گردآوری اطلاعات از طریق مشاهده و پرسشنامه انجام گرفته است.

براساس یافته‌های این تحقیق، مجموعه بوعلی، به دلیل دارا بودن مولفه‌های مطلوب منظر شهری در زندگی و سرزندگی فضای شهری میدان بوعلی نقش به‌سزایی ایفا نموده است. از جمله این مولفه‌ها، تشخص و صراحت فرم مقبره (خاصیتی که در فرم مقابر دیگر مانند آرامگاه عین القضاة همدانی کم‌رنگ‌تر می‌نماید)، مکان‌یابی در مسیر یکی از مهم‌ترین شاهراه‌های اصلی شهر (خیابان بوعلی - خاصیتی که در مکان‌یابی میدان‌های دیگر مانند میدان باباطاهر همدانی وجود ندارد) و تنوع رفتارهای استفاده‌کنندگان از این مجموعه (شامل عبور و پرسه زنی پیاده، دستفروشی، نشستن و تفریح و انتظار و ..) می‌باشند. در نهایت این تحقیق ضمن تایید تاثیرگذاری مولفه‌های فرم، مکان‌یابی و قابلیت‌های عملکردی مجموعه آرامگاه بوعلی بر منظر شهری میدان بوعلی، بدیع و ساده بودن فرم برج بوعلی و اشتهاار ابوعلی سینا را برجسته‌ترین عوامل، در نقش‌انگیزی و ماندگاری آن در ذهن مخاطب و ایجاد و تقویت خاطره و منظر ذهنی ارزیابی نموده است.

واژگان کلیدی: منظر شهری، منظر ذهنی، منظر عینی، میدان ابوعلی سینا

۱. استادیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر اسلامی تبریز

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر اسلامی تبریز

نظر گاهی به وسعت شهر

امیر احمدی نسب^۱

با حضور در محیط‌های شهری امروز، بالاخص فضاهای شهری در بافت‌های متراکم و ساختاری مرتفع، سلطه غیر قابل انکار حجم ابنیه و در بدنه آنها پنجره‌های مختلف و متعدد همچون چشمان خیره بیشمار، بر احساس حضور مخاطب کاملاً محسوس است. اما از آنسوی این منافذ در ابعاد، جهت، ارتفاع و گاهی رنگهای متنوع چه دیده می‌شود؟ طبقات این ابنیه به شکل نظر گاهی که شاید همه ساکنین شهر به نوعی به آن دسترسی دارند، پتانسیلی برای مناظر شهرهای ماست. آنچه که در معماری و شهرسازی سنتی به راستی بدون نقص بدان پرداخته‌اند و امروز توجه چندانی به آن نمی‌شود.

این منظر در نهایت متأثر از محصولی است که بطور معمول در طراحی و ساخت، توجهی به این نظرگاه نداشته است. هرچند وجود مواردی مانند بام سبز و فضای سبز عمودی در ابنیه همجوار و قابل رویت، کیفیت این منظر را تغییر می‌دهند، اما سوال اصلی این است که در احداث ساختمان‌ها یا فضاهای شهری جدید به چه میزان بر حظ بصری ساکنان خانه‌ها و آپارتمان‌های چشم دوخته به این مکان توجه می‌شود؟

در این جستار ابتدا به پیشینه تاریخی و اهمیت این موضوع با توجه به تعداد مخاطبین و میزان حضور در موقعیت نظاره‌گر صرف، خواهیم پرداخت. در نهایت اگر این اصل را بپذیریم که در ساخت و سازهای شهری به طور عام، افرادی هستند که در طی زمانی نسبتاً طولانی از آنها متأثر خواهند بود و خواهیم به منظور توجه به آن چشم‌انداز و شرایط امروز کشور دست بکار شویم، چگونه و در چه عرصه‌هایی می‌توان پیشروی کرد.

واژگان کلیدی: فضای شهری، بافت متراکم شهری، مناظر شهری، فضای سبز، ساخت و ساز شهری

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری منظر دانشگاه شهید بهشتی

هویت رنگین شهر

شهره جوادی^۱

تغییر سلیقه زیبایی‌شناسی رایج در پی دور شدن انسان از طبیعت و تکرر مواد و مصالح مصنوعی منجر به شکل‌گیری هویت جدید رنگین شهرهای مدرن شده است. این تغییر غالباً با فطرت و خواسته‌های مردم همخوانی ندارد و موجب بروز آشفتگی در روحیه شهر و شهروندان می‌گردد.

رنگ در شکل‌گیری و شناسایی هویت شهری نقشی اساسی دارد. این عامل مهم در ابعاد مختلف شهر شامل عناصر طبیعی همچون زمین، آسمان، آب، پوشش گیاهی و عناصر انسان ساخت در معماری ابنیه، تجهیزات شهر، وسایل نقلیه، مبلمان شهری، علائم و تابلوها، محوطه‌سازی و لباس مردم جلوه‌گر می‌شود.

طبیعت در اقلیم‌های مختلف به صورت‌های گوناگون با رنگ‌ها و نورهای مختلف نمایان شده و رنگ‌آمیزی شهر با توجه به شرایط محیطی، در هر شهر صورتی خاص می‌یابد. از جمله در مناطق کویری ترکیب رنگ‌های لاجوردی و طلایی که از آسمان شفاف و زمین بکر به دست می‌آید، رنگ غالب محیط را شکل می‌داد. رنگ طبیعی شمال ایران سبز جنگل و خاکستری ابر و باران است؛ مناطق کوهستانی نیز با رنگ‌های زرد و سبز و بنفش دیده می‌شوند. از این رو عمق و ابهت کویر، آرامش و صفای کوهستان و صمیمیت و نشاط جنگل و دشت بر تمامی شئون رنگی مصنوعی تأثیر گذار بوده است.

از آن هنگام که جدایی بین انسان و طبیعت بوجود آمد، چهره شهرهای مدرن دگرگون شد. دور افتادن از طبیعت از یک سو، افزایش توان انسان در تولید محصولات مصنوعی و عناصری که سیمای شهر را پدید می‌آورند از سوی دیگر، باعث شده تا شهرهای امروز دارای نظام رنگین تعریف شده و مرتبط با محیط طبیعی خود نباشند.

این مقاله به بررسی تعامل رنگین شهر با محیط در دو دوره سنت و مدرن می‌پردازد و دستاوردهای نزدیکی و دور افتادگی این دو به منظر شهر و نتایج برآمده از آن را مورد مطالعه قرار می‌دهد.

واژگان کلیدی: رنگ شهر، هویت رنگین، منظر شهر، طبیعت و شهر

۱. استادیار گروه مطالعات عالی هنر، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.

۱. تعاریف، مفاهیم و مبانی نظری منظر شهری



۱-۱. مبانی نظری و فلسفی منظر

۱-۲. تاریخ و منظر

۱-۳. تعاریف و روش‌شناسی

۱-۴. عناصر منظر شهری

۱-۵. پایداری و منظر شهری

۱-۶. هویت و منظر شهری

اصول، ضوابط و معیارهای مدیریت و برنامه‌ریزی بهینه منظر شهری (با تأکید بر مبلمان شهری)

علی زنگی‌آبادی^۱، نازنین تبریزی^۲

امروزه رشد سریع شهرهای کشور بدون تمهیدات کالبدی مناسب و افزایش تحولات درون شهری و بدون مدیریت و برنامه‌ریزی جامع و یکپارچه، پیامدهای منفی عدیده‌ای را در بخش‌های مختلف از جمله سیما و منظر شهری و طراحی چشم اندازهای زیبا در پهنه‌های شهری به همراه داشته است. این در حالی است که بر اساس نظریه نحوه ارزیابی انسان از محیط، ذهن شهروندان به طور مداوم در حال ارزیابی منظر شهری و اجزای آن می‌باشد. به عبارت دیگر در هر لحظه ذهن انسان و سیمای شهر و اجزای مختلف آن در حال تعامل اند. بنابراین مبلمان شهری به عنوان یکی از اصلی‌ترین اجزای ارتباطی شهروندان با شهر، فضاها و مناظر آن، ابزاری است که علاوه بر رفع نیاز، در زیباسازی فضای شهر و به تبع آن ایجاد احساس رضایت در ساکنان نقش مؤثری ایفا می‌نماید. مقاله حاضر با هدف بهبود کیفیت بصری مناظر شهری و برآوردن نیازهای مختلف انسان و با استفاده از مطالعات میدانی در چهار شهر تهران، اصفهان، مشهد و کیش به بررسی این فرضیه پرداخته است که، رعایت اصول و ضوابط مبلمان شهری و دستیابی به مدیریت کارآمد آن یکی از راهکارهای مؤثر در بهبود کیفیت مناظر شهری می‌باشد. در نهایت پس از اثبات فرضیه و با توجه به نتایج به دست آمده، راهکارهای لازم جهت افزایش سطح زیبایی، کاهش هرج و مرج بصری، افزایش کیفیت زیستی و هویت بخشی به ساکنان شهرها ارائه گردیده است.

واژگان کلیدی: منظر شهری، چشم‌انداز، مبلمان شهری، برنامه‌ریزی، مدیریت کارآمد

۱. دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری و عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان

۲. دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی شهری دانشگاه اصفهان

بررسی تأثیرات صنعت گردشگری بر سیما و منظر شهری در شمال ایران (مطالعه موردی رامسر)

صدیقه لطفی^۱، سیده معصومه میرابوطالبی^۲

منظر سازی شهری، هنر یکپارچگی بخشیدن بصری و ساختاری به مجموعه ساختمان‌ها، خیابان‌ها و مکان‌هایی است که محیط شهری را ساخته و معرف تاریخ، فرهنگ و روش زیست ساکنان آن می باشد. امروزه ماهیت برنامه‌ریزی مکان مانند جریان سیال در طی یک صد سال گذشته تغییر کرده است، بطوری که تمامی عرصه‌های زندگی انسان شهرنشین را در بر می‌گیرد. برنامه‌ریزی و ساماندهی مناظر شهری در شهرهای توریستی و تأثیر ورود گردشگران بر آن، امری است که باید در شهرهای ساحلی شمال کشور مورد توجه قرار گیرد. ایجاد و توسعه فضاهای شهری مناسب و بازسازی فضاهای ظاهراً متروک و مرده از جمله آثار توسعه گردشگری در اینگونه شهرها است. بدین منظور بسیاری از شهرها درصددند تا از ویژگی‌ها و امکانات خاص شهر خود سود برده و به هر نحوی از مزایای جلب توریست بهره‌گیرند که این امر خود منجر به دگرگونی‌هایی در ابعاد مثبت و منفی در سیمای شهر خواهد شد. این مقاله تأثیرات صنعت گردشگری را بر سیما و منظر شهر، در یکی از شهرهای توریستی شمال کشور (رامسر) مورد بررسی قرار می‌دهد. روش تحقیق مورد استفاده در این مطالعه به صورت توصیفی-تحلیلی بوده و مشاهده و برداشت‌های میدانی از جمله ابزار مهم تحقیق به حساب می‌آیند.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که گردشگری و روند رو به رشد آن در شهرهای توریستی شمال کشور از جمله رامسر تغییرات زیادی را در منظر شهری بوجود آورده است. در اینجا، سیمای شهر توسط تاریخ و فرهنگ مردم بومی ناحیه تعیین نشده، بلکه اقتصاد توریسم محور شهر نوعی از منظر شهری را خلق نموده است که پایداری محیطی شهر را تهدید می‌کند. اهمیت بخشی به عناصر فرهنگ بومی و تجسم و تبلور آن در سیمای بصری شهر می‌تواند گردشگری را از بخش شکننده ساحل به کانون‌های درونی منطقه هدایت نماید و به این ترتیب از فشار مضاعف بر اکوسیستم‌های ساحلی بکاهد.

واژگان کلیدی: منظر شهری، گردشگری ساحلی، عناصر بومی، شمال ایران

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه مازندران

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه مازندران

بررسی نقش لبه شهری و تأثیرات آن در قیمت زمین (مطالعه موردی راه آهن ساری)

رحیم بردی آنامراد نژاد^۱، محمود عیوضی^۲، فرشته رضایی^۳،

داود عیوضلو^۴، سالار عبداللهی^۵

شهر در گذر زمان همواره از پارامترهای مختلف کالبدی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... تأثیر پذیرفته و در نسبت با آنها کلیت خویش را شکل و انسجام بخشیده است. به اعتقاد بسیاری از صاحب نظران مظهر و تجلی گاه ابعاد گوناگون وجودی شهر، پیکره کالبدی آن می باشد. یکی از مهم ترین اجزا و عناصر سیمای شهر که متمایز کننده قسمت های مختلف شهر بوده و در جدا سازی فضاهای شهری مؤثر واقع می گردد، لبه های شهری می باشند. لبه های شهری سبب می شوند تا ناظر بتواند برای فضاها در شهر حد و مرز قایل شده و در مواردی نیز ممکن است با ایجاد بی نظمی در شهر، انسجام و یکپارچگی شهر را دچار آسیب نمایند. با عنایت به این موضوع که لبه ها تأثیر بسزایی در اقتصاد شهری دارند و سبب شکافی عمیق بین دو قسمت پیوسته شهر از لحاظ قیمت زمین و مسکن در شهر می شوند، در پژوهش حاضر تأثیر راه آهن ساری به عنوان یک لبه شهری بر قیمت زمین های اطراف آن مورد بررسی قرار گرفته است. این پژوهش به صورت توصیفی تحلیلی به سامان رسیده و به لحاظ ماهیت نظری- کاربردی، مباحث مطرح شده از روش مطالعات کتابخانه ای، اسنادی و همچنین مطالعات میدانی استفاده شده است.

نتایج حاصل از این تحقیق نشان می دهد که از لحاظ قیمت زمین در دو طرف راه آهن تفاوت کاملاً آشکاری وجود دارد. این نوشتار با هدف ارائه راهکارهایی جهت سامان دهی قیمت زمین های شهری و نظم دهی به لبه های شهری به عنوان یک فضای کالبدی شهری در یک مطالعه موردی بر پایه تفکر و اندیشه حاکم بر ایده پیشنهادی نگاشته شده است.

واژگان کلیدی: لبه شهری، قیمت زمین، راه آهن ساری، فضاهای شهری

۱. عضو هیئت علمی گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه مازندران
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری پیام نور ساری
۳. دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری پیام نور ساری
۴. دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه تهران
۵. دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد دانشگاه صنعت آب و برق

بررسی هنر عمومی و نقش آن در منظر شهری

بنفشه خسروی^۱، مجید ابراهیم پور^۲

هنر مردمی، یکی از عناصر مهم در شهرها محسوب می شود. این هنر گویای تاریخ و تحولات شهرهاست و دامنه آن از مجسمه‌های میادین تا ساختمان‌ها، در مقیاس شهری متغیر است. تاثیر این هنر در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شهر امری انکار ناپذیر است، چراکه شهروندان همه روزه در ساختمان‌ها و فضاهای شهری به صورت مستقیم و غیر مستقیم با این پدیده درگیر بوده و به صورت ناخودآگاه با ذهن و روان خود از آن تاثیر می‌گیرند.

یک المان شهری به عنوان هنر مردمی، از لحاظ کیفی تاثیر بسزایی در پویایی و یا ایستایی فضاهای شهری داشته و باعث استقبال یا عدم استقبال شهروندان از آن فضا می شود. به عنوان مثال یک ساختمان شهری به عنوان هنر مردمی تاثیر مضاعفی در ارتقای زیبایی شناسی مردم و کیفیت منظر شهری و تقویت ابعاد اقتصادی، اجتماعی بافت پیرامون خود دارد.

شهرهای ایرانی در گذشته نسبت به امروز به این پدیده نگاهی حساس تر داشتند. این عناصر در فضاهای شهری از بعد بصری تابلویی را در ذهن انسان تداعی می‌کرد که با جهان بینی مردم آن زمان سازگاری داشت. متأسفانه امروزه عدم توجه به این عنصر مهم شهری، باعث عدم توازن در فضاهای شهری شده و نه تنها باعث هماهنگی و ارتقا کیفی فضاهای شهری نشده است، بلکه منظر شهری را دچار اغتشاش می‌کند.

واژگان کلیدی: منظر شهری، طراحی شهری، هنر عمومی، هویت، فرهنگ

۱. دانشجوی طراحی شهری

۲. کارشناس ارشد طراحی شهری

برنامه‌ریزی ترنسکت، رهیافتی در مطالعه مورفولوژی شهری

مهرشاد خلج^۱، الهام لشکری^۲

تفاوت در زیستگاه‌های انسانی منجر شده است که گروهی در روستاها و گروهی دیگر در شهرها ساکن شوند. تا پیش از اختراع اتومبیل، توسعه شهرها بر پایه پیاده‌مداری بوده و بررسی‌ها نشان از برتری زیستگاه‌های روستایی بر شهرها دارد. در مقابل، ورود اتومبیل و گسترش استفاده از آن در قرن بیستم، حاکمیت از توسعه زیستگاه‌های شهری و تفوق آن‌ها بر روستاها دارد. تفاوت در مورفولوژی این زیستگاه‌ها پیدایش نظریه‌ها و مدل‌های مختلفی را در پی داشته است که می‌توان از ترنسکت به عنوان یکی از جدیدترین این مدل‌ها نام برد.

ترنسکت^۳، برشی عرضی از محیط زیست به منظور بیان طیف‌های مختلف زیستگاه‌های طبیعی بوده و نخستین بار توسط زیست‌شناسان و بوم‌شناسان به منظور مطالعه همزیستی گیاهان و جانوران در زیستگاه‌های طبیعی مورد استفاده قرار گرفته است.

ترنسکت در برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، مدلی جدید بر پایه نوشهرگرایی و رشد هوشمند می‌باشد. این مدل بیان‌کننده مجموعه مناطق گذار از خانه‌های پراکنده واقع در مناطق زراعی به هسته متراکم شهری بوده و بر اساس کدگذاری هوشمند و متکی بر مطالعه مورفولوژی زیستگاه‌های شهری و حومه‌های آن‌ها می‌باشد.

منظور از مطالعه مورفولوژی زیستگاه‌های شهری در واقع تحلیل و بررسی نظام‌مند فرم، شکل، ساختار و کارکردهای بافت شهرها و منشا تکامل این بافت در طول زمان می‌باشد.

این مقاله در پی آن است که ضمن مطرح نمودن مدل برنامه‌ریزی ترنسکت و انواع آن، به توصیف اجمالی شهرهای مختلف از دیدگاه این مدل بپردازد و در نهایت، به نتایج عینی به منظور استنتاج استانداردی برای شهرهای ایران دست یابد.

واژگان کلیدی: مورفولوژی شهری، ترنسکت، منطقه‌بندی، کدگذاری هوشمند

۱. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی

۲. عضو باشگاه پژوهشگران جوان دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی

تأثیر محور پاسخ‌ده بر درک منظر شهری

گلرخ کویابی^۱

احساس رضایت از زندگی در فضاهای عمومی شهر مبحث بسیار با اهمیتی بوده و در فضای شهری، عاملی است که باعث احساس لذت استفاده از آن می‌شود. راهکار کسب رضایت‌مندی در فضا، این است که تمامی سلسله مراتب نیازهای استفاده‌کنندگان برآورده شود. بنابراین بهتر است که این نیازها از فضا شناخته و شاخصه‌های پاسخ‌ده بودن یک فضای شهری ارزیابی شده و پس از آن به محتوای محیط در جهت ارتقاء کمی و کیفی آن پرداخته شود.

اگرچه در قرن اخیر توجه خاصی به منظر شهری نشده و بستر و کالبد شهر بی‌نظم و بدون برنامه‌ریزی شکل گرفته است، اما خوشبختانه در دهه‌های اخیر به اهمیت منظر و سیمای شهر در درک استفاده‌کنندگان از فضا پی برده و بر شناخت هرچه بیشتر عناصر و محتوای موجود در فضاهای عمومی که بر مطلوبیت منظر شهری تأثیرگذار است، همت گماشته‌اند. به همین منظور سعی ما در این مقاله بر این است که نیازهای مختلف استفاده‌کنندگان را بشناسیم؛ شاخصه‌های موثر بر پاسخ‌دهندگی محیط را بیابیم و به عوامل تأثیرگذار در منظر شهری بپردازیم. سپس با تجزیه و تحلیل آن‌ها بر روی محور مورد نظر و تأثیری که این عوامل بر روی درک و رضایت استفاده‌کنندگان از فضا می‌گذارد، به نتیجه‌گیری نهایی جهت دستیابی به ضوابط خاص و عام خواهیم رسید.

در این راستا محور بزرگ‌مهر اصفهان مورد بررسی قرار می‌گیرد. با توجه به این که این محور قسمتی از حلقه دوم ترافیکی شهر اصفهان بوده و جایگاه ویژه‌ای را در استخوان بندی شهر دارد و همچنین عامل ارتباطی شمال به جنوب شهر نیز هست، به بررسی عوامل تأثیرگذار بر منظر محور، نقاط قوت، ضعف و منظر کلی آن به منظور ارتقا کیفیت منظر محور پرداخته می‌شود.

واژگان کلیدی: فضاهای عمومی، منظر محور، محور بزرگ شهر اصفهان

تأثیر ورودی‌ها و بازشوها در سیمای شهر

به عنوان مفصل‌های کالبدی و اجتماعی بین فضای خصوصی و عمومی

(مطالعه موردی شهر نراق)

راضیه رضازاده^۱، صدیقه صفری^۲

آیا درون‌گرایی معماری سنتی ایران همراه با بی‌عنایتی به سیمای بصری شهر بوده است؟ آیا در فرهنگ ایرانی، رابطه بین درون و بیرون، بین فضاهای خصوصی و عمومی همیشه بی‌اهمیت قلمداد شده است؟ یا محل تلاقی آنها از توجه خاص مردم بهره برده است؟

با عبور از میان شهر تاریخی نراق و تأمل در عکس‌العمل‌های توأم با آرامش مردم، به هنگام بازدید از بافت تاریخی آن، می‌توان به اثرگذاری مطلوب سیمای بصری شهر در جسم و روح انسان‌ها پی برد. جذابیت و زیبایی نقاط تلاقی شهری نراق، همچون درگاه خانه‌ها، سرگذرها، ورودی مساجد، مدارس، مزارها، حمام‌ها و آب‌انبارها همچون لبخندی است بر لبان شهر.

در حال حاضر ورودی‌ها و بازشوها به عنوان نقاط تلاقی فضای خصوصی و عمومی، به همراه عواملی مانند ارتفاع ساختمان، ترکیب خطوط افقی و عمودی، رنگ، مصالح و نظایر آنها معیار تشخیص آشفتگی یا هماهنگی نماهای شهری به حساب می‌آیند. ورودی‌ها به عنوان فضاهای ارتباطی- عملکردی و بازشوها به لحاظ کارکرد ارتباطی- بصری، مفاصلی هستند که از لحاظ بصری و ادراکی نیز سبب شاخص نمودن بنا در سیمای شهر می‌باشند.

در همین راستا این نوشتار با توجه به محیط فیزیکی شهر نراق و رجوع به نظر مردم در جستجوی تأثیر عوامل معمارانه‌ای- ورودی‌ها و بازشوها- بر سیمای بصری شهر است، تا در نهایت بتواند به منظور ارتقاء حوزه بصری کیفیت محیط شهری نراق، ضوابط و مقررات طراحی در قالب راهنماهای طراحی متناسب با مورد مطالعاتی را ارائه نماید.

واژگان کلیدی: ورودی و بازشو، سیمای شهر، خصوصی و عمومی، درون‌گرایی، نراق

۱. دکتری طراحی شهری و استادیار دانشگاه علم و صنعت ایران

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه علم و صنعت ایران

تأثیر نماهای شهری در چشم انداز شهر

علی مختاریان^۱

"شهر" یکی از پدیده‌های بشری در محیط طبیعی است که به منظور اسکان، تأمین معیشت، آسایش، داشتن روابط اجتماعی و اقتصادی و مانند اینها ایجاد می‌شود. در طرح ریزی شهری و تدوین برنامه‌های مختلف برای شهر، نبایستی شهر را به صورت تافته‌ای جدابافته از منطقه در نظر بگیریم و ارتباطات مرئی و نامرئی شهرها و روستاها را فراموش کنیم. از سوی دیگر، رعایت اصول و ضوابط شهرسازی در همه جنبه‌ها و عرصه‌ها اعم از چیدمان فضاهای مختلف شهری، فضای سبز، معابر و گذرها، میادین، پل‌ها و زیرگذرها، نمای ساختمان‌ها و ...، شهری را پدید خواهند آورد که همه نیازهای شهروندان را به سادگی و سهولت برآورده نماید. اما در کنار رعایت عوامل فوق که در جای خود، بسیار با اهمیت هستند، رعایت اصول "زیبائی شناسی" و "زیباسازی" نیز از اهمیت و جایگاه والائی برخوردار می‌باشند، چراکه شهر باید همه نیازهای انسانی شامل نیازهای مادی، روانی، اخلاقی و ... را برآورده نماید

در این مقاله به بررسی نمای ابنیه شهرستان اسلامشهر، به عنوان یکی از شهرهای نزدیک به تهران پرداخته شده است. این شهرستان از جمله شهرهایی است که از فقدان زیبایی شهری رنج برده و از محیط زیست بصری نامناسبی برخوردار است. اسلامشهر اکنون نیز که در حال توسعه است، نیاز به بازنگری در نحوه ساخت و ساز به ویژه در زمینه زیباسازی شهری دارد. لذا در این مقاله سعی شده است یکی از مواردی که می‌تواند چهره فعلی شهر را تغییر داده و آنرا زیباتر نماید (ساختمان‌هایی که فاقد نمای شهری بوده و به حال خود رها شده‌اند و یا دارای نما بوده، اما فرسودگی و از بین رفتن نما، منظر نامطلوبی را به نمایش گذاشته است) مورد بررسی قرار گرفته و با مطالعه بر نمای ساختمان‌های رهاشده، مشخص نمودن کاربری آنها و یافتن علل و عوامل آن، راهکارها و پیشنهادهائی نیز در زمینه بهبود وضع موجود ارائه گردد.

واژگان کلیدی: شهر، نماهای رها شده، منظر شهری، شهرسازی، زیبایی شناسی، محیط زیست بصری

تبیین نشانه‌های شهری، در رابطه محتوی و کالبد

محسن فیضی^۱، مهدی کبودی^۲، مجید رستمی^۳

منظر شهری سطح تماس انسان و پدیده شهر است، نظامی از نشانه‌ها که قادر به انتقال پیام در زمینه‌های گوناگون می باشد، امکان قرائت متن شهر و کشف و "تاویل" معانی آن را میسر می‌سازد. "نشانه شهری"، عناصر طبیعی یا مصنوعی هستند که به لحاظ ساختاری و عملکردی با محیط اطراف متفاوت بوده و موجب ارتقای تصویر ذهنی جامعه از محیط زیست و همچنین اعتلای خوانایی شهر می‌شود. ابعاد محتوایی و کالبدی نشانه‌های شهری بر پایه مفاهیم، سنت‌ها، فرهنگ، هویت و تاریخ شهر استوار گشته است و در حقیقت شاخص مکان‌ها، اعصار و معرف هویت تاریخی شهر، غنای شهری، حس مکان و هویت جمعی می‌گردد.

"محتوی" و "کالبد" در آثار هنری و نشانه‌های شهری را می‌توان در دو دیدگاه کلی پیش و پس از انقلاب اسلامی تبیین نمود:

الف) کثرت‌گرایی اشکال: این دیدگاه رابطه ذاتی بین محتوی و شکل اثر قائل نیست. تفکیک کامل محتوی و کالبد از یکدیگر که بی صورتی و مجرد بودن محتوی است و یا تحویل محتوی و کالبد در هم، به معنای فروکاستن محتوی به کالبد در "هنرهای فرمال" و تحویل کالبد در محتوی در "هنرهای مفهومی" است.

ب) نماد‌گرایی مطلق و نسبی، رابطه‌ای را بین صورت و محتوی بیان داشته و آنها را متناسب با هم می‌داند. تفاوت نسبی و مطلق بودن این رابطه در این است که صورت‌ها تا آن حد تقدس نمی‌یابند و رابطه آن با معنی به جای این که ذاتی تلقی شود، نسبی است و در عین حال آزادی و بی‌ارتباطی کامل نیز وجود ندارد.

در سال‌های پیش از انقلاب اسلامی، رویکرد فرمال بیشتر مورد توجه طراحان منظر شهری قرار گرفت. پس از انقلاب اسلامی رویکرد معنایی بر رویکرد فرمال پیشی گرفت و طراحی نشانه‌های شهری از جنبه‌های زیبا شناسانه دیداری کمتر بهره برد. نتیجه آن اشکالی زشت، بی تناسب و حاوی پیام‌های سرشار از کلیشه است.

محتوی و کالبد در نشانه شهری در دو عرصه مجزا و متفاوت، ولی با ارتباطی سازوار، بستر زیست یکدیگر را فراهم می‌آورند. نشانه‌های شهری، مجموعه‌ای از صورت‌ها و معانی است در ارتباط با یکدیگر و در فرایند تاویل متن شهر، هر کدام به نوبه خود سبب افزایش جذابیت و هویت شهری می‌گردد.

واژگان کلیدی: نشانه شهری، محتوی، کالبد، هنرهای فرمال، هنرهای مفهومی

۱. دانشیار دانشگاه علم و صنعت ایران

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه علم و صنعت ایران

۳. کارشناسی ارشد معماری دانشگاه تهران

تعیین معیارهای مکان‌یابی و طراحی نشانه‌های شهری در راستای ارتقاء خوانایی محیط‌های شهری

محمد رضا پورجعفر^۱، مهدی منتظرالحجه^۲

ارزش دادن بیش از حد به تفکرات نوگرا و الگووار مدرنیسم در سده اخیر که قطع ارتباط با مفاهیم و اصول ریشه‌دار گذشته را به دنبال داشت، باعث سرسپردگی به جریان‌های باشتاب و تهی از هرگونه هویت و معنا در شهرسازی غنی ایرانی گردید.

بدین ترتیب شیفتگی در برابر حضور پدیده‌های نو و تقلیدهای بی‌اساس از شهرسازی غربی و همچنین علاقه برای انطباق نامتجانس معیارهای سنتی و بومی با این دستاوردها، به بروز کالبدهایی مبهم و فاقد ارزش انجامید.

عمده‌ترین علل این معایب را نیز می‌توان در ساخت و سازهای توده‌ای و ناگهانی، تهاجم فرهنگ معماری و شهرسازی غرب و در نتیجه فراموشی اصول معماری و شهرسازی بومی گذشته دانست که سبب تشکیل فضاهایی با کمترین میزان رعایت اصول طراحی و ایجاد کیفیت‌های مطلوب کالبدی گردیده است. پژوهش حاضر هدف خود را ارتقاء خوانایی و نمایانی محیط‌های شهری به واسطه مکان‌یابی و طراحی مناسب نشانه‌های شهری قرار داده است. دستیابی به هدف فوق، زمینه لازم برای شکوفایی و توسعه هویت‌مند و در نتیجه حس تعلق بیشتر ساکنین خواهد شد.

بنابراین به نظر می‌رسد، به منظور ایجاد و بسط شهرهایی هویت‌مدار و خوانا برای ساکنین، می‌بایست در قدم اول اقدام به ترکیب‌بندی و ساختارمند نمودن محیط‌های شهری و نقشه‌های ادراکی در ذهن شهروندان نمود، به نحوی که ایشان قادر باشند به راحت‌ترین وجه ممکن و با تجزیه و تحلیل این ساختار، کلیتی معین و مدون از شهر را در ذهن خود بیورانند.

مناسب‌ترین راه دستیابی به هدف این پژوهش، در واقع دستیابی به معیارهایی است تا بتوان از طریق آن‌ها بهترین مکان‌ها برای استقرار نشانه‌های شهری در مقیاس‌های مختلف را تعیین کرد و همچنین چگونگی طراحی آن‌ها را مشخص نمود.

واژگان کلیدی: خوانایی، نشانه شهری، مکان‌یابی، طراحی.

۱. دانشیار گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس
۲. کارشناس ارشد طراحی شهری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس

جایگاه رنگ در منظر شهری (مطالعه موردی شهر کاشان)

دکتر محسن شاطریان^۱، امیر اشنویی^۲، محمود گنجی پور^۳

رنگ، یکی از جنبه‌های مهم زندگی شهری است. رنگ از جمله خصوصیات است که در کنار شکل، ابعاد، جنسیت و بافت هر شیء، حجم یا فضای آن را به ما می‌شناساند و پیش از بافت، فرم و مواد مصرفی دریافت می‌شود. به همین دلیل، نخستین چیزی که بیننده در مورد منظر شهری شناسایی می‌کند، رنگ است.

در این تحقیق، نقش و جایگاه رنگ در منظر شهری کاشان شامل جایگاه رنگ در سیمای بافت قدیم و جدید، فضاهای مسکونی، مذهبی و نقاشی دیواری در شهر مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در شهر کاشان، معماری، ساختار کلی شهر را بوجود آورده و مبلمان شهری نیز بخش زیادی از فعالیت در شهر را سامان داده و باعث افزایش کیفیت استفاده شهروندان از عناصر ساخته شده است. البته به دلیل عام بودن کاربرد آن، رنگ نقش بسیار مهمی را در جلوه دادن، زیباساختن و کسب مشروعیت از مردمی که تمامی اثرات ظاهری آن را با قدرت بینایی و حس باصره خویش درک می‌کنند، بازی می‌کند.

واژگان کلیدی: رنگ، منظر شهری، شهر کاشان، بافت قدیم و جدید شهری

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه کاشان

۲. کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری

۳. کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی

روایت شهر و حافظه جمعی

نادر امیری^۱

روایت و حافظه جمعی دو مفهوم همبسته و ملازم یکدیگرند. پدیده‌ها به معنای عام آن و از جمله مکان‌ها در بستری روایتی، قالب و محتوای حافظه جمعی را شکل و قوام می‌دهند. قالب‌های اجتماعی حافظه، به نوبه خود، مولفه‌های روایت پردازشی، سامان روایت پدیده‌ها و سازمان عناصر روایتی را تعیین کرده و معنا می‌بخشند. این رابطه دیالکتیکی روایت و حافظه جمعی، برگرد عینیتی به نام شهر و مکان‌های شهری، روابط تودرتو و متقابل ذهنیتی از شهر در هیات خاطرات جمعی گشته و در بستر روایت‌های متداخل تاریخ اجتماعی، شهر و مکان‌های شهری باز تعریف می‌شوند.

در مقاله حاضر، ضمن شرحی از پیش فرض‌های مذکور، ابتدا به سازوکارهای حافظه جمعی و روایت پردازشی اشاره خواهد شد و پس از تصریح مقوله «نمادهای شهری و خاطرات جمعی»، با تکیه بر موارد و مثال‌ها، بحثی مصداقی درباره روایت شهر و حافظه جمعی به میان خواهد آمد.

واژگان کلیدی: حافظه، روایت، نماد شهری، روایت شهری

زندگی شبانه

آرزو مومنیان^۱، زهرا رستگاری^۲

امروزه انسان و نیازهای وی به عنوان موثرترین عامل در کلیه مراحل و اقدامات شهری و تعیین اهداف آنها می‌باشد و عمده فعالیت‌های شهرسازان و سیاست‌گذاران شهری نیز در جهت رفع نیازهای انسانی است. شهروند امروز در شهری زندگی می‌کند که با گذشته بیگانه و فاقد عناصر هویت بخش، هماهنگ و منسجم است. با پیشرفت فن‌آوری و ماشینی شدن شهرها، روابط انسانی و ارتباطات چهره به چهره کم رنگ شده و آرامش، رضایت و تعلق خاطر شهروندان نیز به شدت کاهش یافته است. در چنین وضعیتی توجه به ایجاد فضاهای شهری از اهمیت دوچندانی برخوردار می‌گردد؛ حال آنکه عمده فعالیت‌های انجام پذیرفته در روز جهت فعالیت‌های کاری و تامین معاش می‌باشد.

بنابراین، این موضوع اهمیت توجه و پژوهش در این راستا و تلاش در جهت یافتن رویکردهای طراحی فضاهای شهری شبانه مناسب، ایمن پرتحرک و سرزنده را جهت افزایش امنیت اجتماعی و تامین نیازهای شهروندان در شب، ضروری می‌نماید. بنابراین این مقاله به دنبال شناسایی راه حل‌های ممکن، مناسب و یافتن پاسخ برای پرسش‌های مطروحه در ذیل است.

- دلایل لزوم توجه به ایجاد فضاهای شهری شبانه چیست و تاثیر ایجاد اینگونه فضاها بر زندگی شهری چگونه است؟

- چه عوامل و کیفیاتی در ایجاد و طراحی فضاهای شبانه شهری موثر و حائز اهمیت هستند؟
در اینجا ضمن آشنایی با مفهوم شهرهای ۲۴ ساعته و معرفی اجمالی آن، به ارتباط آن با توسعه همه جانبه شهری و پویا و پرتحرک کردن محیط‌های شهری اشاره نموده و با توجه به فرصت حاصل و لزوم توجه ویژه در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری به این زمان در کنار توجه به زمان‌های دیگر (مناسبت‌های خاص، فصل‌های مختلف و...)، به ارائه چارچوب‌های تحلیلی در جهت برنامه‌ریزی مناسب فعالیت‌های اقتصادی شبانه می‌پردازد.

واژگان کلیدی: زندگی شهری، فعالیت شبانه، مدیریت شهری، فضاهای شبانه

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری دانشگاه تربیت مدرس

۲. فارغ التحصیل کارشناسی ارشد معماری منظر دانشگاه تهران

ساماندهی منظر شهری محلات در نظام شهرها با بکارگیری الگوهای نامعین توزیع فضاهای سبز (مطالعه موردی محلات شهری جدید بهارستان)

علی نقوی نمینی^۱، فرشاد کازرونی^۲، نسترن اسماعیل بیگی^۳

ساختار فضایی و عملکردی در محلات شهری بسیار حایز اهمیت هستند. با تحلیل محلات شهرهای امروزی ایران، به خصوص محلات شهرهای جدید، چنین به نظر می‌رسد که سازماندهی فضاهای شهری، عمدتاً اختصاص به فضاهای سبز و پارک‌های محلی داشته و منطبق بر نیازهای محلی نیستند. به همین منظور مسئله اصلی این مقاله، تحلیل ساختار محلات و شناسایی نقصان‌های الگوهای منظر شهری آنهاست.

نظام فضایی محلات شهر، جدای از نظام فضایی خردتر و کلان‌تر شهر نیست. وجود سلسله مراتب مشخص در بین فضاها و فعالیت‌های درون محله‌ای، نحوه شکل‌گیری و توسعه تمامی اجزای محله و انطباق ارتباط خدمات محلی با سکونت‌گاه‌ها را کاملاً دیکته می‌نماید. این در حالی است که تاریخ شهرسازی ایران و جهان، بیانگر این مهم است که القا ساختار مشخص برای نظام‌های فضایی و فعالیت‌های شهر یا محله تقریباً غیر ممکن است.

در این مقاله، شهر جدید بهارستان و ساختار فضا و منظر شهری آن به عنوان نمونه، مورد نقد قرار گرفته است. نظام تقسیمات شهری شهر بهارستان که فضا را از مرکز اصلی شهر و اندام‌های کلان آن تا محلات شکل می‌دهد، بر اساس شبکه مدولار و منظم است. به عبارت دیگر هندسه مبتنی بر شبکه این شهر، ساختارهای سلسله‌مراتبی را نفی نموده و نقش مهمی در رشد و شکل‌گیری نامعین شهر و فضاهای وابسته به آن خواهد داشت. اینک ساختار محلات شهر کاملاً متضاد با الگوی اصلی است و همین مسئله موجب نقصان‌هایی در ساختار منظر شهری محلات شهر جدید بهارستان شده است. در این مقاله سعی شده است با ارائه الگوهای نامعین، نظام منظر شهری محلات را با توسعه نیازهای محلات شهر جدید بهارستان هماهنگ نمود.

واژگان کلیدی: ساماندهی فضاهای شهری، الگوهای نامعین توزیع فضاهای سبز، منظر شهری محلات، شهر جدید بهارستان

۱. کارشناس ارشد معماری منظر

۲. کارشناس ارشد معماری منظر، مدرس معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

۳. کارشناس ارشد معماری

طراحی فضاهای باز شهری و نقش آن در زیبایی منظر شهری با تاکید بر فضاهای پیاده

احمد خادم الحسینی^۱، امیر زاهدی یگانه^۲

منظر شهری هنر یکپارچگی بخشیدن بصری و ساختاری به مجموعه ساختمان‌ها، خیابان‌ها و مکان‌هایی است که محیط شهری را می‌سازد. همان‌طور که از تعریف منظر شهری می‌توان درک کرد، عوامل مؤثر در شکل‌دهی به منظر شهری، متعدد و جامع می‌باشند که فرایند شناخت و تأثیری گذاری آنها را در بهبود منظر شهری پیچیده می‌کند. خوشبختانه امروزه برای بهبود وضع موجود شهرها و مشکلات ناشی از توسعه ناپایدار شهری در ایران نیز مانند سایر نقاط جهان، جریان‌ات سازنده‌ای از قبیل پرداختن به موضوع پیاده و منظر شهری بصورت موازی در عرصه دانشگاهی و حرفه‌ای مطرح شده است.

یکی از روش‌های شناخت در این موارد، بررسی لایه‌ای موضوع و شناخت لایه‌های مؤثر اصلی و فرعی در آن می‌باشد. به این ترتیب هر یک از لایه‌های مؤثر در بهبود منظر شهری و عوامل تأثیر گذار در آنها شناخته شده و می‌توان بررسی کرد که در راستای بهسازی یک فضا هر یک از فعالیت‌ها بر بهبود کدام لایه تأثیر می‌گذارد.

در این مقاله سعی بر آن است تا با استفاده از این جریان‌ات و همسو ساختن آنها، به معرفی عوامل منظرساز پیاده راه‌های درون محله‌ای و نقش آن در بهبود منظر شهری و ارتقا سطح کیفی دسترسی پیاده فضاهای فراغتی روزانه و افزایش سطح کیفی زیست محیطی مکان‌های عمومی پرداخته شود.

اگر بتوان با استفاده از جریان‌ات بوجود آمده در جامعه حرفه‌ای مانند نوسازی بافت‌های فرسوده، بهسازی پیاده‌روهای شهری و احداث پیاده راه‌های جدید در شهرهای مختلف به احداث چنین فضاهایی اقدام کرد و با تکیه بر اصول منظر سازی، کیفیت فضاهای ساخته شده را بهبود بخشید، گامی بزرگ در رابطه با زیبا سازی منظر شهری و نیز رفع نیاز شهروندان برداشته خواهد شد. در صورت از دست رفتن چنین فرصتی نه تنها ساخت چنین فضاهایی در میان فضاهای باز شهری با مشکلات متعددی روبرو خواهند شد، بلکه فضاهای ساخته شده تحت عنوان نوسازی و بهسازی نیز با مشکلاتی که دیگر فضاهای شهری در حال حاضر با آنها روبرو هستند، مواجه می‌شوند.

واژگان کلیدی: فضای باز شهری، منظر شهری، راه شهری، پیاده راه، محدوده پیاده

۱. دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری و عضو هیات علمی گروه جغرافیای دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری

عوامل مؤثر بر ارتقاء کیفیت سیما و منظر بافت در طراحی معماری ابنیه

حمیدرضا نیلی^۱

با توجه به تحولات جمعیتی و گسترش شهرها بایستی بیش از پیش به ساماندهی کالبدی سیما و منظر سکونت‌گاه‌ها و مجتمع‌های زیستی پرداخت، لذا بمنظور سازماندهی و نظام بخشی به شکل و فرم مجموعه‌های زیستی و بافت‌های شهری، ضروری است ابنیه تشکیل دهنده بافت، از جهات متفاوت مورد توجه قرار گیرد. از عمده مسائل نابسامانی بافت‌ها، عدم هماهنگی بین دانه‌های معماری و اجزاء و عناصر فضاهای شهری است.

باعنایت به اینکه عرصه‌های معماری و طراحی شهری بطور جداگانه مورد بررسی قرار گرفته است، این نوشتار، تأکیدی است بر ضرورت پرداختن و نگرستن به تک بنا، با مقیاسی فراتر از یک بنای منفرد و توجه بیشتری را به نقش بنا در مجموعه ابنیه و بافت اطراف و پهنه پیرامونی معطوف می‌نماید. بمنظور ایجاد وحدت، انسجام و هماهنگی هوشمندانه در مجموعه‌ها و بافت‌های شهری، و تقویت و ارتقای کیفیت بافت، لازمست در سه بخش متوالی، به مواردی جهت هماهنگی مطلوب بین سیما و منظر، کالبدها و کاربریهای ابنیه پرداخته شود.

باتوجه به اینکه دانش طراحی شهری به دو روش مستقیم (طراحی) و غیرمستقیم (تدوین ضوابط و مقررات) به ساماندهی آگاهانه بافت‌های شهری پرداخته و ضمن توجه به منظر ذهنی، سازماندهی منظر عینی را نیز مورد توجه ویژه قرار می‌دهد، سه بخش این مقاله به مجموعه عوامل تاثیرگذار بر سیما و منظر بافت بطور مبسوط پرداخته است. طراح و یا معمار، به‌منظور هماهنگی طرح بنا با بافت پیرامونی در سه سطح فراگیر، بلافصل و محدوده طراحی بایستی به چه موارد و عواملی در عرصه‌های "پیکر و کالبد"، "سیما و منظر" و "فضای باز"، توجه نماید تا به بافتی منسجم، مطلوب، یکپارچه و هماهنگ دست یابد.

در بخش «پیکر و کالبد (فضای پر و توده)» به عوامل متعددی همچون جرم‌گذاری، ترکیب حجمی، تراکم ساختمانی، خط ساختمان، همجواری، سطح اشغال زمین، تعداد طبقات، روزنه‌ها، تناسبات و ... اشاره می‌گردد و در قسمت «سیما و منظر» به عواملی همچون نمای از دور، خط آسمان، سیمای بام، تخلخل‌ها، پوشش گیاهی، تناسبات، بازشوها، رنگ، بافت، سایه و روشن، ریتم‌ها، نسبت سطوح صلب و شفاف، مصالح، دانه بندی عناصر نما، گونه‌های نبش و کنج و دروازه، الحاقات، خط زمین و ... پرداخته می‌شود. در بخش «فضای باز(محوطه)» نیز به عواملی مانند نحوه دسترسی، شکل، اندازه، میزان محصوریت، مبلمان و اثاثیه، پوشش گیاهی، آب، الحاقات جداره، سیمای زمین و ... پرداخته خواهد شد.

واژگان کلیدی: انتظام فضایی، منظر عینی و ذهنی، سیما و منظر بافت، ساماندهی کالبدی، سیمای جداره‌ها

کنش راز آمیز رنگ در سکانس بندی های منظر شهری

نگار قره گزلی بیگی^۱

منظر شهری واقعیتی است عینی که در مشاهده هر فرد از محیط بصری شهر به دیده می آید و در فرآیند تعامل میان حضور انسان در شهر و بر حسب دانش، فرهنگ و تجربه در ذهن ارزش گذاری شده و به ادراک از منظر می انجامد. با عبور از داخل شهر، مناظر شهری در دسته ای از آشکارسازی ها به چشم می خورند، این تغییر تدریجی مناظر شهری را دید پی در پی می گویند. حال با توجه به مقیاس حرکت (پیاده و یا سواره) و سرعت حرکت و نحوه قرارگیری نسبت به فضا، در هر مقطع از زمان، تاثیر متفاوتی از منظر توسط ناظر درک می شود که این بازه های زمانی دید در اصطلاح به سکانس تعبیر می شوند. در هر سکانس مناظر شهری با جزئیات خود به چشم می آید که همان مولفه های شکل دهنده منظر می باشند. بر اساس مفاهیم بیان شده گوردن کالن (در کتاب گزیده منظر شهری) در این رهگذر ما با سه دروازه تحت عناوین حرکت، موقعیت و مضمون برخورد خواهیم کرد. در باب مضمون ویا همان محتوا، اجزاء محتوایی ساختار شهر مانند رنگ، بافت، سبک، ویژگی، سرشناسی و منحصر به فرد بودن مطرح است و در این میان، بررسی عامل رنگ و تاثیر آن بر نحوه ادراک فرد از هر سکانس مطرح می شود. هم سنجی موفقیت آمیز رنگ ها با یکدیگر یک موضوع عینی است. بنابر این با تجربه در فضا و هارمونی های رنگی متفاوت، اثبات می شود که رنگ ها در یک ترکیب مناسب چگونه می توانند به دریافت مستقل و خوشایندی از هر سکانس بیانجامند.

در این نوشتار که در چهار بخش تنظیم شده است، سعی بر این است که در بخش اول به تعریفی از مولفه های منظر شهری شامل: عملکرد، الگوی کالبدی و اجزاء مستقر عینی - محتوایی و اشاره ای بر اجزای محتوایی شهر پرداخته شود. در بخش دوم، مبانی نظری رنگ و نقش رنگ از دیدگاه مهندسان منظر و طراحان شهری ذکر می گردد و در بخش سوم مولفه های کیفی طراحی شهرها که از مفاهیم بخش دوم استخراج می شوند معرفی می شوند. در بخش چهارم و نهای، این مولفه ها در منظر شهری بررسی شده و راهکارهایی نیز در این زمینه ارائه خواهند شد. روش کار از طریق مشاهدات میدانی صورت گرفته توسط پدید آورنده مقاله و همچنین مقایسه نمونه های مطلوب و نامطلوب داخلی و خارجی صورت گرفته است.

واژگان کلیدی: منظر شهری، سکانس بندی، رنگ، توالی بصری، تنوع

۱. کارشناس ارشد طراحی شهری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران

مدیریت فضای سبز و نقش آن در منظر شهری

امید حسن پور^۱، عبدالمجید احمدی^۲، خلیل رحمانی^۳

منظر شهری هنر یکپارچگی بخشیدن بصری و ساختاری به مجموعه ساختمان‌ها، خیابان‌ها و عناصر موجود در آنها و فضایی است که محیط شهری را می‌سازد. در واقع پایداری شهرها نیز اساساً بر اجزای ساخته شده محیط شهری استوار بوده و هست. فضای سبز شهری نیز یکی از این اجزاء اصلی در ساختار شهری است. امروزه سازوکار مدیریت فضاهای سبز شهری امری بسیار ظریف، مهم و حیاتی است و لازمه حفظ و توسعه مطلوب فضاهای سبز شهری، داشتن برنامه‌ها و استراتژی‌های صحیح و مهم‌تر از آن نحوه اداره کردن و مدیریت آن می‌باشد. از آنجا که شهرنشینی، معضلات و مشکلات متعددی را به همراه دارد، حفظ و گسترش فضاهای سبز شهری تا حد بسیار زیادی توانایی افزایش مقابله با آنها و کاهش اثرات زیانبار ناشی از این معضلات و مشکلات را به همراه دارد.

این مقاله با استفاده از روش‌های تحلیلی - توصیفی و همچنین بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و نتایج همایش‌ها و کنفرانس‌های مربوط به موضوع و با هدف نشان دادن نقش مدیریت فضای سبز در منظر شهری، گردآوری شده است. در ادامه با ارائه تعریفی از منظر شهری، نقش آن را در مدیریت فضای سبز شهری مشخص کرده و با بیان راهبردهای مدیریتی، ویژگی‌ها و معیارهای مطلوب فضای سبز و نقش آن در منظر شهری، در نهایت با ارائه راهکارها و پیشنهادهای مطلوب به نتیجه گیری مناسب علمی و کاربردی در این زمینه پرداخته است.

واژگان کلیدی: مدیریت، شهر، منظر شهری، فضای سبز

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد ژئومورفولوژی دانشگاه تربیت مدرس

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه تربیت مدرس

مقایسه تطبیقی مکاتب مطالعات مورفولوژی شهری به منظور تکمیل آن بر اساس دستگاه تحلیلی مکتب اقتصاد سیاسی فضا

کیوان خلیجی^۱، محمد صالح شکوهی بیده‌ندی^۲

مورفولوژی (ریخت شناسی) شهری بررسی نظام‌مند فرم، شکل، نقشه، ساختار و کارکردهای بافت مصنوع شهرها، و منشا و شیوه تکامل این بافت‌ها در طول زمان است. مطالعات بسیاری در خصوص مورفولوژی شهری انجام گردیده است که در یک طبقه‌بندی صورت گرفته به سه مکتب کلی بریتانیایی، ایتالیایی و فرانسوی تقسیم شده‌اند.

جایگاه مطالعات مورفولوژی شهری در گذر زمان تغییراتی را شاهد بوده است. تا دهه شصت، عمده توجه جغرافی‌دانان شهری، ساختار دورنی شهر بود، با توجه خاص به مورفولوژی، که اعصار و گونه‌های ساختمانی را ترسیم و عناصر متفاوت تاریخی و تشکیل دهنده نقشه شهرها را شناسایی می‌کرد. از این روست که پس از شکست قاطعانه طبقه‌بندی‌های کارکردی و شالوده‌های اقتصادی نظام‌های شهری، از مورفولوژی شهری به این عنوان که بیشتر توصیفی است به شدت انتقاد شده که نتیجه‌ای برای دستیابی به راه‌حل‌های مناسب در اختیار متصدیان قرار نمی‌دهد و تنها به مشهودات و اشیاء بی‌روح توجه می‌کند.

چنانچه بتوان روشی را پیشنهاد کرد که از حیث توجه به روندها و فرآیندهای شکل‌دهنده فرم شهری وضع موجود به اندازه مطالعات مکتب انگلیسی کارا باشد و در عین حال بتواند ساختارهای اجتماعی و روابط اقتصادی حاکم بر فضا را تشخیص داده و مطالعات مورفولوژیک را به اهداف تجویزی نزدیک نماید، چارچوبی نسبتاً کارا ارائه شده است. لذا پیشنهاد این مطالعه استناد به الگوهای مورفولوژی بریتانیایی در عین تأکید بر نیروهای اثرگذار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در طول زمان است که برای این امر می‌توان به طور خاص از دستگاه تحلیلی مکتب اقتصاد سیاسی فضا بهره جست.

واژگان کلیدی: مورفولوژی، اقتصاد سیاسی فضا، فرم شهری، طراحی شهری

۱. کارشناس ارشد طراحی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، کارشناس نهاد برنامه‌ریزی توسعه شهری

۲. دانشجوی دکترای شهرسازی دانشگاه تهران، کارشناس نهاد برنامه‌ریزی توسعه شهری

منظر گاه‌های شهری

ساناز نوش آفرین^۱، مریم افشاری کیا^۲

بر اساس یک تمایل دیرین، انسان همواره از دیدن مناظر کلی از نقطه‌ای مشرف بر آن لذت می‌برد. حال اگر این نقطه تصویری کلی از یک مجموعه یا شهر باشد، برای او دلنشین‌تر خواهد بود. با قرار گرفتن در بعضی از نقاط، درون یک محله یا یک شهر، علاوه بر مشاهده یک تصویر کلی، خاطرات ذهنی مشترکی نیز شکل گرفته و یا یادآور می‌شوند. شاید بتوان گفت تصویر این خاطرات، تصویر واقعی را برای ناظر خوشایندتر می‌کند. برای دیدن این تصاویر که از آن به عنوان خاطره ذهنی شهروندان نام می‌بریم، می‌بایست مکان ناظر درون شهر تعریف شده باشد که ساکنین و بازدیدکنندگان داخلی و حتی خارجی بتوانند همان خاطره مشترک را از سیمای طبیعی و مصنوعی شهر درک کنند و به یک شمای کلی و متحد از شهر دست یابند. در روند جهانی شدن، یک حرکت رو به جلو در جهت یک تصویری شدن وجود دارد که می‌توان با شناخت، تعریف و معرفی این پتانسیل‌ها، شهر و در نهایت کشور را در این مسیر قرار داد.

واژگان کلیدی: سیمای شهر، کوشک، منظر، خاطره ذهنی، نظرگاه، فضای جمعی، نشانه.

۱. کارشناسی ارشد معماری منظر، دانشگاه تهران

۲. کارشناسی ارشد معماری منظر، دانشگاه تهران

نمادهای شهری یادآور فرهنگها، سنتها و خاطرات جمعی

مهدی زندیه^۱

کوبین لینچ در کتاب سیمای شهر بر پنج عنصر راه، گره، محله، لبه و نشانه تأکید دارد و معتقد است که سیمای هر شهر بر پایه این پنج عنصر بنا شده است. بدیهی است این گفته در خصوص تعریف فیزیکی شهر به درستی بیان شده است. اما واقعا "هویت شهرها و محلات فقط با همین عناصر تعریف می شوند؟ جایگاه فرهنگ، سنت و آداب و رسوم شهرها کجاست و چه تأثیری بر منظرشهر خواهد داشت؟ به یقین هویت شهر به ویژه در شهرهای سنتی همراه با آیین و مراسمی خواهد بود که پویایی و حیات خود را علاوه بر عناصر فوق از این عوامل خواهند داشت. بدین ترتیب، شهر با عوامل دیگری از جمله آداب و رسوم، سنتها و فرهنگها و مراسمی که همواره تعدادی، جمعی و یا گاهی افشار کثیری از مردم را گرد هم می آورد، زنده و پویا است. لذا مشاهده می شود هر شهر و محله دارای سمبل و یا نشانه‌هایی است که از مرکز محله گرفته تا مکانی شاخص، ساختمانی معروف و یا مکانی مقدس و یا در ابعادی کلان تر، میادین اصلی شهر و فضاهایی که موقعیت انجام مراسم منطقه‌ای و ملی است، با نماد و سمبلی ملی یادآور خاطره‌ها و گذشته افراد می باشند. این فضاها که اغلب با نمادهای شاخصی همراه هستند، سالها میزبان شهروندان و مراسم ایشان بوده و همواره خاطرات خوبی در ذهن‌ها به جای گذاشته و نسل‌هایی را به ثمر رسانده‌اند. شاخص‌هایی که از عوامل طبیعی همچون درخت، کوه و جنگل و سمبل‌های ساخته شده به دست انسان را شامل می شده است.

این مقاله سعی دارد با ارائه نمونه‌های مختلف، به رابطه نمادها، نشانه‌ها و سمبل‌های شهری و منظر شهر پرداخته و کنکاشی پیرامون ارتباط فرهنگها، سنتها و آداب و رسوم شهروندان با این عناصر داشته باشد.

واژگان کلیدی: نمادها و سمبل‌ها، منظر شهر، مردم، فرهنگ، خاطرات

^۱. دکتری منظر شهری از دانشگاه UCE انگلستان و استادیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)

۱. تعاریف، مفاهیم و مبانی نظری منظر شهری



۱-۱. مبانی نظری و فلسفی منظر

۲-۱. تاریخ و منظر

۳-۱. تعاریف و روش‌شناسی

۴-۱. عناصر منظر شهری

۵-۱. پایداری و منظر شهری

۶-۱. هویت و منظر شهری

راهبردهای محیطی در توسعه و مدیریت پایدار منظر طبیعی - شهری (مطالعه موردی تفرج‌گاه آبیدر در شهر سنندج)

بیت الله محمودی^۱، هادی سلطانی فرد^۲، رزیتا شریفی پور^۳

یکی از اصول مهم در توسعه و مدیریت پایدار منظر شهری، توجه به بهبود و خلق چشم اندازهایی است که با معیارهای مدیریت بهره‌وری تفرج شهری تطابق داشته باشد. با توجه به اینکه تفرج‌گاه‌های شهری یکی از زیرمجموعه‌های کاربری‌های موجود در کاربری تفریحی - خدماتی شهر محسوب می‌شوند، در منظرسازی این تفرج‌گاه‌ها می‌بایست به اصول منظر شهری و افزایش کیفیت محیط‌های طبیعی با در نظر گرفتن الزامات زیست محیطی توجه گردد. این مطالعه با هدف تشریح جایگاه منظرسازی در توسعه و مدیریت گردشگاه‌های طبیعی شهری در تفرج‌گاه آبیدر شهر سنندج در استان کردستان به انجام رسید. تفرج‌گاه آبیدر که بخش نسبتاً توسعه یافته آن در حریم شهر سنندج واقع شده است، با تقاضای تفرجی زیادی در طول هفته و به خصوص روزهای تعطیل مواجه است. به همین دلیل لزوم توسعه فعالیت‌های گردش‌گری در آن ضرورتی انکارناپذیر است. در این مطالعه با بررسی فعالیت‌های تفرجی دارای توان طرح‌ریزی در منطقه، چگونگی استقرار این فعالیت‌ها با توجه به معیارهای منظرسازی شهری و تفرجی مورد تحلیل قرار گرفت. در همین راستا با شناسایی معیارهای مؤثر در منظرسازی شهری با رویکرد تفرج در عرصه‌های طبیعی شهری، فعالیت‌های تفرجی قابل استقرار در منطقه مورد بررسی با اعمال این معیارها طرح ریزی گردید. برای جانمایی فعالیت‌های تفرجی در ابتدا نقشه زون بندی گردش‌گری منطقه تهیه گردید که در آن پهنه‌های گردش‌گری کوهستان، گردش‌گری آبی، گردش‌گری ورزشی و گردش‌گری فرهنگی با توجه به قابلیت و نیاز گردش‌گری منطقه تفکیک شد و در ادامه فعالیت‌های قابل طرح ریزی در هر کدام از زون‌ها مشخص و با توجه به معیارهای منظرسازی شهری در محیط‌های تفرجی شهری، جانمایی فعالیت‌ها نیز انجام گرفت.

تحلیل نتایج این بررسی نشان داد، در مناطقی که چشم انداز خود به عنوان جاذبه و مقصد تفرج مطرح است، منظرسازی تفرجی به غنای فرصت‌های تفرجی می‌افزاید. در این وضعیت خلق چشم اندازهای جدید و رفع منظرهای محدود کننده تأثیر زیادی در مدیریت گردش‌گری شهر خواهند داشت.

واژگان کلیدی: منظر پایدار، تفرج‌گاه طبیعی، شهری، طرح ریزی تفرجی، تفرج‌گاه آبیدر، سنندج.

۱. کارشناس ارشد منابع طبیعی و جنگلداری

۲. کارشناس ارشد مهندسی طراحی محیط و دانشجوی دکتری برنامه ریزی شهری-دانشگاه تهران

۳. استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد سوادکوه

خلق مکان‌های امن، راهی به سوی ایجاد جوامع پایدار شهری (مروری بر تجربیات کشور انگلستان)

کیومرث حبیبی^۱، امین امینی^۲، محسن هنرور^۳

جوامع پایدار جوامعی هستند که به لحاظ اقتصادی، اجتماعی و محیطی موفق بوده و به نیاز نسل‌های آتی احترام می‌نهند. امنیت و ایمنی امری ضروری برای جوامع پایدار شهری می‌باشد. این مکان‌ها نه تنها به خاطر طراحی خوب برای زندگی و فعالیت جذاب بوده، بلکه مکان‌های عاری از جرم، هراس از جنایت و با کیفیت بهبود یافته زندگی می‌باشند. این در حالی است که از سوی طراحان و برنامه‌ریزان شهری، توجه اندکی به این موضوع شده است. برنامه ریزی آگاهانه و مثبت به ویژه در هنگامی که با اقدامات مناسب همراه گردد، می‌تواند دارای تاثیر مضاعف در رفع مشکل جرم باشد. توجه اصول ایجاد مکان‌های امن مانند نورپردازی، حذف کنج‌ها، توجه به میزان استفاده از فضاهای شهری و ... می‌تواند ضمن افزایش کیفیت محیطی به خلق مناظر شهری با کیفیت بیانجامد. هدف از این مقاله کمک به ارائه این تاثیر و برنامه‌ریزی و طراحی مناسب اماکن پایدار شهری است، به گونه‌ای که کامیابی افراد را به دنبال داشته باشد. کشور انگلستان تجارب موفق در زمینه خلق مکان‌های امن داشته است. این مقاله نیز در پی آن است که با استفاده از تجارب این کشور، راهکارهایی برای ایجاد مکان‌های امن، پایدار و متناسب با شرایط بومی کشور ارائه دهد.

واژگان کلیدی: پایداری، مکان‌های امن، جرم و جنایت، طراحی و برنامه‌ریزی شهری

۱. عضو هیأت علمی گروه مهندسی شهرسازی دانشگاه کردستان

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری و منطقه ای دانشگاه کردستان

۳. دانشجوی کارشناسی مهندسی شهرسازی دانشگاه ارومیه

جایگاه و اهمیت عناصر و عوامل مؤثر در شکل‌گیری مقیاس‌های منظر در جهت دستیابی به پایداری منظر شهری

سعید ملکی^۱

مقوله منظر شهری از مهم‌ترین مباحث و مسائل مورد توجه معماران، طراحان شهری، برنامه‌ریزان شهری، معماران منظر، طراحان محیط و روانشناسان محیط به شمار می‌رود. منظر شهری چیزی فراتر از یک مسئله برنامه‌ریزی و طراحی شهری است. منظر شهری در درجه نخست مسئله ارزش‌ها، هدف‌های انسانی و به رسمیت شناخته شدن مسئولیت‌های اجتماعی توسط فرد فرد جامعه است. اگر شهری را زشت یافتید، به خیابان‌های آن نظر نکنید، به مردمی که آن را این چنین ساخته‌اند بنگرید و درون روح، ذهن و قلب آنان را جست و جو کنید. هنگامی که روح ذهن و قلب آنان زیبایی و پاکی خود را بازیافت، منظر شهری نیز زیبایی و پاکی خود را باز خواهد یافت. امروزه در جهان توسعه یافته، شهرها به صورت شرکت‌های رقیب عمل می‌کنند که تلاش دارند سهم بیشتری از بازار سرمایه، استعدادهای برجسته و توجه جهانی را به خود اختصاص دهند. بدین ترتیب برای تدارک منظرهای شهری خوب و برجسته با یکدیگر رقابت می‌کنند. بنابراین منظر شهری جدا از نقش آن به عنوان لایه‌ای در شکل‌گیری فرم شهری، به عنوان ابزاری در خدمت دولت‌ها و حکومت‌ها قرار دارد تا توان جذب گردش‌گران و سرمایه‌های جهانی را افزایش دهد.

بنابراین شهرهای برخوردار از محیط بصری مطلوب قادرند با افزایش تجربه زیباشناختی شهروندان، موجبات ارتقای تصویر ذهنی جامعه از خویش و تقویت غرور مدنی آنان را فراهم ساخته و با اعتلا بخشیدن به وجهه شهر در سطح ملی و بین‌المللی، توان رقابتی شهر را برای جذب هر چه بیشتر سرمایه و اقشار خلاق تقویت نمایند.

هدف این مقاله، تبیین اهمیت منظر شهری، عناصر و عوامل مؤثر در شکل‌گیری مقیاس‌های منظر شهری، گونه‌شناسی نقش‌های مختلفی که تاکنون منظر شهری بر عهده داشته است و بازشناسی روند تکاملی مفهوم آن می‌باشد. همچنین دو رویکرد اساسی *SAD* و *PAKILDA* مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

در این مقاله ابتدا به بیان تعاریفی از مفاهیم منظر شهری پرداخته شده، سپس جایگاه منظر شهری در فرایند تعامل میان انسان و محیط بررسی شده است. در نهایت به عناصر و عوامل مؤثر در شکل‌گیری مقیاس‌های منظر در جهت دستیابی به پایداری منظر شهری پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: منظر شهری، عناصر منظر، مقیاس منظر، رویکرد توسعه پایدار

ساماندهی منظر شهری محلات بر اساس رویکرد پایداری

مهرداد کریمی مشاور^۱، صمد نگین تاجی^۲

منظر شهری در مقیاس محله یکی از مهم‌ترین عوامل در شکل‌گیری ذهنیت در مورد یک شهر می‌باشد. توجه به محلات بر اساس جایگاه نظری منظر شهری و توجه همزمان به مباحث پایداری از جمله اهداف اصلی این نوشتار است. این مقاله با ارزیابی منظر شهری خصوصاً در نواحی ساخته شده، چارچوبی مشخص برای حل مشکلات فراهم می‌کند تا یک متدولوژی عینی (*objective*) برای ارزیابی منظر شهری نواحی ساخته شده با یک متد سودمند وجود داشته باشد. روش انجام کار در این مقاله بدین ترتیب می‌باشد که مفاهیم مرتبط با منظر شهری با مفاهیم منظر شهری پایدار با نمونه‌های اجراء شده را با یک مقایسه تحلیلی – تطبیقی مورد بررسی قرار داده و راهبردهایی برای ساماندهی منظر شهری محلات استخراج شده است. دستاورد احتمالی این گزارش، رهنمودهایی جهت ساماندهی منظر شهری در مقیاس محله می‌باشد. در این راه سعی شده تا آموزه‌های پایداری مورد استفاده قرار گیرند.

واژگان کلیدی: منظر شهری، ساماندهی، پایداری، محله

۱. دانشجوی دکتری معماری دانشگاه تهران

۲. کارشناس ارشد معماری و کارشناس مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران

طراحی منظر شهری با توجه به ارزش‌های اجتماعی حاکم بر جامعه

لیلا پرهیزکار^۱، مهرناز بوداغ^۲

امروزه ساختن شهرها یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای بشر به حساب می‌آید، لیکن توجه به ایجاد و حفظ زیبایی در مجاورت سکونت‌گاه‌های بشر و در مقیاس بزرگ‌تر گسترش چشم‌اندازهای طبیعی اطراف شهرها که باعث آسایش، راحتی و بهداشت برای شهرنشینان می‌شوند، یکی از مهم‌ترین عوامل دستیابی به منظر شهری مطلوب به شمار می‌آید. منظر شهری در آغاز امری عینی است که به واسطه کیفیت ظهور عوامل فیزیکی محیط موجودیت می‌یابد. لیکن تدریجاً و بواسطه حضور در شرایط تاریخی و تکرار شدن در مقابل گروه انسان‌های ادراک‌کننده آن، واجد نوعی وجود ذهنی گشته و به عنصر مشترک پیوند دهنده افراد جامعه بدل می‌گردد. همچنین به عنوان یک شاخص و نماد درجه و کیفیت تمدن و روحیات جمعی هر ملت و قومی حاصل تصمیمات و تصورات مردم آن شهر است. وظیفه طراحان خلق منظر شهری، جستجو و کشف معانی تاریخی، طبیعی و فرهنگی در محیط‌های شهری و عینیت بخشیدن به آنها در قالب‌های کالبدی و بصری است. همچنین باید در نظر داشت طراحی منظر شهری برای مردم است، پس باید دانست آنها چگونه فکر می‌کنند، به چه چیزی نیاز دارند، چه می‌خواهند و چگونه می‌توان حضور آنها را در فضای مورد طراحی تضمین نمود. در این مقاله سعی بر آن است که با توجه به ارزش‌های اجتماعی در طراحی منظر شهری که یکی از مباحث مهم به منظور یافتن پاسخ درست و مناسب برای خلق فضاهای بیرونی است، جایگاه طراحی حرفه‌ای ارتقا یابد.

واژگان کلیدی: منظر شهری، معماری، طراحی، شهرسازی، ارزش‌های اجتماعی، جامعه.

۱. دانشجوی کارشناسی معماری دانشگاه آزاد تبریز

۲. عضو هیات علمی دانشگاه آزاد تبریز

کاربرد بام سبز در مدیریت پایدار منظر شهری

آذر شکیبیا^۱، رضا رفیعی جوزم^۲

با پیشرفت روزافزون شهرنشینی و افزایش بی رویه جمعیت و به تبعیت از آن تعدد وسایل نقلیه و کاربرد بیش از حد انرژی‌های فسیلی، گسترش ساخت وسازهای انجام شده جهت اسکان و تامین نیاز شهروندان، بالگوه‌های بعضاً کلیشه‌ای و غیر استاندارد، شاهد ناپایداری و معضلات زیست محیطی در بسیاری از کلان شهرها می‌باشیم. در این میان به نظر می‌رسد که در جهت ارتقای کیفیت زیست محیطی و پایداری هرچه بیشتر مناظر شهری، می‌توان از بام‌های سبز استفاده نمود.

بام سبز با فوایدی چون بهبود کیفیت هوا تا ۸۵٪، درجه حرارت خنک‌تر و رطوبت بیشتر از طریق تبخیر طبیعی، جمع‌آوری ۳۰ تا ۱۰۰ درصد بارش سالانه از طریق زهکشی، رویت منظره باصفا و زیبا، کاهش نیاز به شیوه‌های مدیریتی فاضلاب، کاهش هزینه‌های گرمایشی و سرمایشی، افزایش طول عمر بام‌های سنتی، جانشینی فضای باز در جایی که اکنون سازه قرار می‌گیرد و می‌تواند به صورت یک دستورالعمل اجرایی در ساختمان سازی آمده و در جهت استفاده از انرژی‌های پاک و توجه به محیط زیست و ساکنان آن در گستره زمانی نامحدود به پایداری هر چه بیشتر شهرها بیانجامد. اساس و روش جمع‌آوری اطلاعات در این مطالعه، غالباً کتابخانه‌ای بوده و جهت جمع‌آوری نمونه‌های مشابه در ایران عکس‌برداری و برداشت میدانی صورت گرفته است.

این مقاله ضمن معرفی بام‌های سبز به عنوان ابزاری جهت استفاده مدیران شهری در راستای زیبا سازی مناظر شهر، بر لزوم توجه به پایداری این زیبا سازی‌ها در شهرها تاکید می‌کند.

واژگان کلیدی: بام سبز، پایداری، منظر شهری

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه تربیت مدرس

۲. کارشناس ارشد برنامه ریزی شهری، دانشگاه علم و صنعت ایران

منظر شهری پایدار با رویکرد اکولوژیکی

فائزه غفاری^۱، نرگس غفاری^۲

اثرات گوناگون شهرها بر گستره زیست کره و ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، محیطی و... زندگی بشر، بحث پایداری و توسعه پایداری شهری را به عنوان شعار اصلی هزاره سوم قوت بخشیده است. لذا با توجه به این موضوع که شهرها اصلی ترین آلوده کننده کیفیت هوای محیط زیست در مقیاس محلی، ملی و بین‌المللی اند، شناخت عوامل آلوده کننده آنها در محیط‌های شهری و تلاش در جهت کاهش آنها از ضرورت‌های دست‌یابی به پایداری شهری می‌باشد.

از جمله شاخه‌های نوین علمی در مواجهه با شهرهای پایدار، اکولوژی منظر شهری است که به شهر به عنوان مجموعه‌ای از اکوسیستم‌ها می‌نگرد و رابطه شهر و پتانسیل‌های محیطی و بستر بوجود آورنده آن را مورد مطالعه قرار می‌دهد. جوهره زیبایی‌شناسی اکولوژیک و یا سبز که بنیان نظری "منظر شهری پایدار" است، همانا "زمینه‌گرایی اکولوژیک" و احترام به "ظرفیت محیطی" بستر مورد مداخله و چرخه کامل حیات ساختمان و مجموعه‌های ساختمانی است. این مقاله، به معرفی ویژگی‌های منظر شهری پایدار و چگونگی برخورد آن با مسائل زیست محیطی از جنبه‌های گوناگون می‌پردازد.

واژگان کلیدی: توسعه پایدار، شهر پایدار، منظر شهری، اکولوژی

۱. کارشناسی ارشد معماری، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری

۲. کارشناسی شهرسازی

منظر شهری کم کربن، رهیافتِ شهرسازی پایدار در کشورهای مصرف کننده سوخت فسیلی جهت تولید انرژی خانگی

علی اکبر تقوایی^۱، مریم فراهانی^۲، علیرضا کریم پور^۳

استقرار بیش از نیمی از جمعیت جهان در مساحت ۲ درصدی شهرها نسبت به کل سطح زمین و افزایش ۵۵ میلیون نفری جمعیت شهری جهان در هر سال (به عنوان مهم‌ترین عامل تخریب کننده محیط زیست)، سبب شکل‌گیری و توسعه ساز و کارها و مفاهیم حفظ و نگهداری محیط احاطه کننده انسان‌ها از جمله مفاهیمی چون شهر سالم، توسعه پایدار و کیفیت زندگی شده است. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های مشترک این مفاهیم حرکت به سمت خلق شهرهایی با زایش حداقل کربن و گازهای گلخانه‌ای است. این موضوع در کشورهای مصرف کننده سوخت فسیلی جهت تولید مستقیم انرژی خانگی (گرمایش / سرمایش) در مقابل کشورهای توسعه یافته‌ای که انرژی‌های فسیلی در خارج از محیط‌های شهری تبدیل به انرژی الکتریسیته یا به عبارت بهتر سوخت کمتر آسیب رسان زیستی می‌شود، بارزتر است.

در کشورهای دسته اول، افزایش مستمر مصرف سوخت فسیلی با افزایش جمعیت شهرنشین و به تناوب آن با تولید دی اکسید کربن، رابطه‌ای مستقیم و خطی دارد. در این مقاله ضمن بررسی این رابطه، ارتباط سهمی مولفه‌های اصلی منظر شهری با میزان مصرف سوخت فسیلی در شهر مورد توجه قرار گرفته است. برآیند این بررسی، موید نقش پر معنی و تاثیرگذار کالبد عینی منظر شهری (به عنوان یکی از ارکان اصلی شهرسازی) بر شکل‌گیری شهرهای کم کربن است.

واژگان کلیدی: شهر کم کربن، منظر شهری، سوخت فسیلی، محیط زیست

۱. دانشیار دانشگاه تربیت مدرس

۲. دانشجوی دکتری شهرسازی و مدرس دانشگاه تربیت مدرس تهران

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

مداخلات درون شهری سازگار با ساختار طبیعی شهرها، گامی به سوی ایجاد فضاهای جمعی پایدار درون شهری (مطالعه موردی دریاچه مصنوعی Kamsomolskoe در شهر دوشنبه و فضای جمعی شکل گرفته در اطراف آن)

آیدا آل‌هاشمی^۱، شهرزاد خادمی^۲

فضاهای جمعی درون شهر از مهم‌ترین و تاثیرگذارترین فضاها در درک شهروندان از منظر شهر و ایجاد خاطره جمعی شهروندان می‌باشد. چگونگی ایجاد فضاهای جمعی درون شهر که علاوه بر افزایش کیفیت زندگی شهروندان، در رسیدن به اهداف توسعه پایدار در شهرها نیز سهیم باشند و پیوندی میان اکوسیستم طبیعی و بافت انسان‌ساز در شهرها ایجاد نمایند، مسئله‌ای اساسی است. مداخلاتی که متناسب و در راستای بستر طبیعی شهرها می‌باشند، ضمن ایجاد فضاهایی جمعی-تفریحی در درون بافت شهری، به پیوندی میان اکوسیستم طبیعی و سازه‌های انسان‌ساز در شهرها منجر می‌شوند. دریاچه‌ی "کامسومولسکوی" *kamsomolskoe* در شهر دوشنبه که به صورت مصنوعی از رودخانه ورزاب در این شهر (به عنوان یک پتانسیل طبیعی در شهر) تغذیه می‌شود، نمونه موفق‌ی از چنین مداخلات هماهنگ با بستر طبیعی برای ایجاد فضای جمعی پایدار در بافت شهری است.

در این مقاله سعی بر آن است تا با بررسی دریاچه مصنوعی "کامسومولسکوی" در شهر دوشنبه، مکان‌رگرایی و ارتباط آن با بستر طبیعی شهر و بافت انسان‌ساز شهری، فضاهای شکل گرفته در اطراف آن و نحوه و شیوه طراحی کلیات و جزئیات این فضا در مرکز شهر دوشنبه، به نقد تاثیر این فضا در کیفیت زندگی شهروندان، رسیدن به ابعاد پایداری در فضاهای جمعی و تعریف خرد اقلیم درون شهری پرداخته شود.

واژگان کلیدی: فضای جمعی، فضای پایدار شهری، دوشنبه، دریاچه کامسومولسکوی، تهران، قلعه مرعی

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری منظر، دانشگاه تهران

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری منظر، دانشگاه تهران

منظر شهری پایدار با تاکید بر ابعاد اجتماعی - فرهنگی

(مفاهیم، ویژگی‌ها، راهکارها)

ناصر براتی^۱، مرجان منتظری^۲، زینب عادل^۳

با تکامل طراحی شهری و مطرح شدن الگوی طراحی شهری پایدار از اواخر دهه ۱۹۸۰ و در پی آن طرح مسائل جدی زیست محیطی در مبحث توسعه پایدار، مفهوم منظر شهری پایدار نیز شکل گرفت. منظر شهری پایدار از ماهیتی پویا، زنده و تکامل یابنده برخوردار است. در این الگو، علاوه بر طرح ویژگی‌های زیست محیطی، ملاحظات مرتبط با توسعه پایدار همچون مسائل اقتصادی، اجتماعی و ارتباط میان مردم و منظر شهری نیز مطرح شده و نقش منظر را تا حد یک ساختار اجتماعی - فضایی ارتقاء می‌دهد. در این مقاله پس از مروری بر ادبیات توسعه پایدار و منظر شهری، ابتدا به بررسی مفهوم و ویژگی‌های منظر شهری پایدار و جایگاه آن در توسعه پایدار شهری و تبیین ابعاد گوناگون آن از لحاظ زیبایی شناسی، زیست محیطی، اجتماعی - روانی با تاکید بیشتر به جنبه‌های اجتماعی - فرهنگی پرداخته شده و همچنین نقش منظر شهری در ایجاد شهر و اجتماعی سالم و پایدار مورد بررسی قرار گرفته است. در نهایت نتایج این بررسی در چارچوب راهبردهایی جهت نیل به منظر شهری پایدار ارائه می‌گردد. نتایج حاصل از این بررسی نشان می‌دهد که حضور منظر شهری پایدار به جوانب مختلف پایداری شهرها کمک شایان توجهی می‌کند. از این رو منظر شهری، نقش بنیادینی در پایداری اجتماعی شهرها ایفا می‌کند. به طور کلی نقش و بازدهی منظر شهری پایدار را در سه گروه بازدهی اکولوژیکی - محیط زیستی، بازدهی کالبدی - شهرسازی و بازدهی اجتماعی - روانی می‌توان تقسیم‌بندی کرد. به طور عام تکنولوژی بومی، شرایط و ویژگی‌های خاص اکولوژیکی (نظیر اقلیم گرم و خشک) و به طور خاص ویژگی‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... کشورمان و همچنین بهره‌گیری از فن‌آوری پیشرفته از جمله موارد حائز اهمیتی هستند که بایستی در ارائه راهکارها جهت نیل به منظر شهری پایدار مورد توجه قرار گیرند.

واژگان کلیدی: منظر شهری، منظر شهری پایدار، شهر پایدار، بعد اجتماعی - روانی

۱. دکتری شهرسازی و عضو هیأت علمی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین
۳. دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین

منظر شهری در خدمت پایداری اقتصادی (منظر سازی بازار شهر محلات با رویکرد احیای اقتصاد شهر)

شهاب میرزاییان^۱، فرشاد کازرونی^۲

معماری منظر به عنوان دانشی نو و طبیعت گرا، نقش مهمی را در طراحی فضاهای بیرونی در شهرها ایفا می‌کند و در ارتباط تنگاتنگ با جنبه‌های زیباشناسی، فرهنگی، هویتی، اجتماعی، اقتصادی و ویژگی‌های انسانی شامل تاریخ و سنن، آداب و رسوم و روانشناسی است و می‌تواند در شناخت، تحلیل و برطرف ساختن بسیاری معضلات شهری تاثیر گذار باشد.

در حال حاضر جهت‌گیری طراحی و برنامه‌ریزی شهری در حوزه‌های مختلف از جمله منظر شهری در راستای رسیدن به توسعه پایدار است و پایداری اقتصادی، به عنوان یکی از زیر بناهای بحث پایداری بسیار پر اهمیت می‌نماید. در برنامه‌ریزی‌های شهری احیای چرخه اقتصادی و مبحث خود محوری در اقتصاد شهر، موضوع مهمی است که می‌تواند در حوزه‌های دیگر تاثیر گذار باشد. برنامه‌ریزی منظر شهری به عنوان یک راهکار مناسب می‌تواند اثرات مطلوبی را در رسیدن به اهداف ذکر شده ایفا نماید.

با پردازش صحیح منابع و پروژه‌های شهری در بخش برنامه‌ریزی، می‌توان به پروژه‌هایی در مقیاس طراحی شهری دست یافت که به کمک معماری منظر، ضمن ارتقا سطح کیفی محیط و تاثیرات فرهنگی و اجتماعی، با خود محور ساختن آنها به عنوان هسته‌های فعال اقتصادی در مقیاس کلان شهری به نتایج مطلوبی رسید.

شهر محلات با پیشینه تاریخی و قابلیت جذب توریست در جنوب شرقی استان مرکزی واقع شده است. درهسته مرکزی، بازار روباز شهر با دو بخش قدیمی و جدید قرار دارد. منظر آرایی محور بازار شهر محلات، ضمن ارتقاء سطح کیفی فضا و احیای ریشه‌های هویتی و خاطره‌ای می‌تواند در قالب یک هسته خود محور اقتصادی به حیات شهری باز گردد. بدیهی است که راهکار فوق با ایجاد رونق در بخش بازار قدیمی و احیای هنرهای سنتی و بومی می‌تواند نقش مهمی را در جذب توریست ایفا کند. این مهم به عنوان حلقه‌ای از زنجیره اقتصادی شهر در جهت توسعه پایدار شهری است.

واژگان کلیدی: منظر شهری، اقتصاد پایدار شهری، بازار، شهر محلات

۱. کارشناس ارشد معماری و مدرس معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

۲. کارشناس ارشد معماری منظر و مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

نقش طراحی منظر در ایجاد محلات پایدار اجتماعی

جلال آزادی سلیمانیه، کاملیا نهچیری

مفهوم محله و واحد همسایگی در ابتدای قرن گذشته با کوشش‌های ابنزر هوارد و پی‌ریزی جنبش باغ‌شهرها مورد تاکید قرار گرفت. به دنبال آن، نخست در ابتدای دهه ۱۹۸۰ با جنبش نو شهرسازی و به دنبال آن در انتهای همین دهه با معرفی مفهوم دهکده‌های شهری، بار دیگر شهرسازی در مقیاس محلات در کانون توجه برنامه‌ریزی و طراحی شهری واقع گشت.

امروزه در بحث پایداری محلات، به جای مدل سنتی دوایر هم مرکز که در آن بعد زیست محیطی، نقش اصلی را در ایجاد پایداری ایفا می‌کند، مدل دوایر همپوشان بکار گرفته می‌شود که در آن، ابعاد زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی به عنوان اهرم‌های ایجاد پایداری و با سهمی برابر، هر یک با تاثیر بر دیگری به خلق محیط‌های پایدار شهری منجر می‌گردند.

با وجود این، تاکنون در مقایسه با ابعاد زیست محیطی و اقتصادی، جنبه‌های مختلف پایداری اجتماعی، شاخص‌های مربوطه و چگونگی اعمال شیوه‌های طراحی در جهت خلق محلات پایدار اجتماعی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در حقیقت نخستین نشانه‌های توجه نظری و بکارگیری عملی تمهیدات ناظر بر توسعه پایدار اجتماعی در آثار نویسندگان و نیز برنامه‌های نوسازی ابتدای دهه ۱۹۹۰ به این سو، در کشور انگلستان به چشم می‌خورد که در آن، پایداری اجتماعی، توانایی مستمر یک شهر به منظور عملکرد به عنوان تجلی‌گاه سرزنده تعاملات انسانی، ارتباطات اجتماعی و توسعه فرهنگی و همچنین ویژگی اجتماعات پایدار شهری مانند سرزندگی، اشتراک مساعی و حس مشترک مکان بر شمرده شده است.

فرضیه بنیادین این تفکر آن است که شهرسازی از رهرو توانایی اش در ایجاد محلات شهری با شخصیت و توسعه کانون‌های اجتماعی، می‌تواند در ارتقا و بهبود عملکرد اجتماعات شهری و نیز ماهیت رفتار و ارتباطات اجتماعی نقش بسزایی ایفا نماید. این فرضیه، زیربنای نظری نوشتار حاضر نیز محسوب می‌گردد. در این ارتباط، نکته قابل توجه، چگونگی تاثیر طراحی منظر در ایجاد محلات پایدار اجتماعی است.

با بررسی به عمل آمده، در انتها مشخص می‌گردد که با اعمال طراحی منظر نه تنها ابعاد بصری و زیباشناختی محلات شهری ارتقا می‌یابد، بلکه طراحی منظر در عمل می‌تواند به عنوان اهرمی در جهت حفظ، ارتقا و خلق پایداری اجتماعی در سطح محلات نیز به ایفای نقش بپردازد.

واژگان کلیدی: پایداری اجتماعی، محله، طراحی منظر، تعاملات اجتماعی، رفتار اجتماعی.

واحدهای همسایگی سنتی نیو اور بنیستی (TND)، شاخص منظر شهری پایدار (مطالعه موردی محله سرشور مشهد)

شبلم حقیقی^۱، احسان پارس نیا^۲، مرجان اشراقی^۳

منظر شهری چیزی بیش از یک مسئله و رویکرد در برنامه‌ریزی و طراحی شهری است و بعنوان یکی از ارکان تشکیل دهنده نظام کلی فرم شهر، سطح تماس میان مردم و پدیده شهر را سازماندهی و مدیریت نموده و مانند یک مفهوم از ماهیتی پویا، زنده و تکاملی پاینده برخوردار است. منظرشهری پایدار با خلق و نگهداری مکان‌های شهری سروکار دارد که در آن پاسخ به مسائل اکولوژیک، رفاه اقتصادی و زندگی جمعی با یکدیگر تلفیق شده و چهار نقش عملکردی، زیباشناختی عینی، زیباشناختی ذهنی و ادراکی و زیست محیطی را برعهده دارد. مهم‌ترین ویژگی منظرشهری پایدار، آن است که به عنوان یک ساختار اجتماعی فضائی پایدار مطرح می‌گردد. چارچوب کلی آن را می‌توان پارادایم مکان پایدار در نظر گرفت که در آن چهار عنصر، کالبد، فعالیت، تصورات ذهنی و اکوسیستم به طور هماهنگ در مشروط ساختن و شکل بخشیدن به منظر شهری سهیم می‌باشند.

الگوی واحدهای همسایگی سنتی نیو اور بنیستی (TND)، که در آن معیارهای پیاده‌مداری محلات و ادراک منظر شهری در مقیاس حرکت پیاده را مورد توجه قرار داشته است، با استفاده از ظرفیت‌های محلی، بستر مداخله مورد نظر و منابع (اعم از مصنوع، طبیعی و فرهنگی) را به شکل هوشمندانه‌ای بکار گرفته و مبتنی بر زمینه‌گرایی اکولوژیک و احترام به ظرفیت محیطی بستر مورد مداخله، چرخه کامل حیات ساختمان و مجموعه‌های ساختمانی است. در این پژوهش عرصه‌های شهر برای هریک از عناصر چهارگانه منظر شناسائی و چک لیست تحلیل منظرشهری در ارزیابی کارشناس به عنوان ضابطه ملاک قرار گرفته و تکمیل می‌گردد و سپس چک لیستی نیز بعنوان نیازسنجی مخاطبان فضا تهیه گردیده و در نهایت به سیاست‌های پیشنهادی در زمینه طراحی محیط و منظر پرداخته می‌شود.

واژگان کلیدی: معماری منظر، منظرشهری پایدار، الگوی TND، پایداری محیط، محله سرشور مشهد

۱. کارشناس ارشد شهرسازی

۲. کارشناس ارشد شهرسازی

۳. کارشناس ارشد شهرسازی و مدرس دانشگاه

۱. تعاریف، مفاهیم و مبانی نظری منظر شهری



۱-۱. مبانی نظری و فلسفی منظر

۲-۱. تاریخ و منظر

۳-۱. تعاریف و روش‌شناسی

۴-۱. عناصر منظر شهری

۵-۱. پایداری و منظر شهری

۶-۱. هویت و منظر شهری

ارزیابی کیفیت منظر شهری با استفاده از منطق فازی

(مطالعه موردی شهر بابلسر)

مصطفی قدمی^۱، حسین جباری^۲

کیفیت فضای شهری به عنوان محصول فرایند تعامل میان انسان (فعالیت) و کالبد شهر، تا حد بالایی به کیفیت مولفه های بصری آن وابسته است. مولفه های بصری فضای شهری به دلیل ماهیت عینی و ملموس خود توسط حواس انسان قابل ادراک است و زمینه ادراک، شناخت و ارزیابی محیطی شهروندان را فراهم می آورد. شهرهای برخوردار از سیما و منظر مطلوب قادرند تا با وسعت بخشیدن به تجربه زیباشناختی شهروندان، موجبات ارتقای تصویر ذهنی جامعه از خویش و تقویت غرور مدنی آنان را فراهم آورند و در نهایت ارتقاء کیفیت محیط زندگی شهری را بهبود بخشند. علی رغم اهمیتی که منظر در تعیین کیفیت محیط شهری داراست، این مهم در بسیاری از شهرهای کشور به کلی به فراموشی سپرده شده است و حتی در بسیاری از طرح ها و پروژه های شهری در انتهای لیست اولویت های توسعه ای شهر نیز به چشم نمی خورد.

روش این تحقیق پیمایشی و هدف آن بررسی کیفیت منظر شهری در شهر بابلسر به عنوان یک شهر توریستی و دانشگاهی با استفاده از منطق فازی است. این روش می تواند با ارزش گذاری نسبی بر مولفه های منظر شهری، ضمن تعیین کیفیت هر مولفه، اولویت بندی حساسیت در مورد هر یک از مولفه ها را تعیین نموده و در نهایت به طراحان و برنامه ریزان شهری به منظور تصمیم گیری موثر در ارتقاء کیفیت منظر شهری یاری رساند. نتایج اولیه این تحقیق نشان می دهد کیفیت منظر شهری محدوده مورد مطالعه نامطلوب است و این موضوع در مورد مولفه های جداره به مراتب وخیم تر ارزیابی شده است.

واژگان کلیدی: کیفیت منظر شهری، منطق فازی، تصمیم گیری، بابلسر

۱. عضو هیات علمی گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه مازندران
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه مازندران

بررسی و ارزیابی شاخص‌های تأثیرگذار منظر شهری

در شکل‌گیری هویت شهری

(مطالعه موردی محله جلفا در شهر اصفهان)

سید علیرضا نوفل^۱، پارین کلبادی^۲

شهر تنها یک سکونت‌گاه نیست، بلکه آبادی است که روح اجتماع در آن دمیده شده و از آن هویت می‌گیرد. هویت شهری، هویت جمعی است که با تبلور عینی در فیزیک و محتوای شهر معنادار می‌شود. شهرها و فضاهای شهری گذشته، از استقلال، شخصیت و هویت ویژه‌ای برخوردار بودند، درحالی‌که آنچه از اغلب شهرهای کنونی ما در ذهن عموم شکل گرفته است، تنها مجموعه‌ای از ساختمان‌های بلند، پارک‌ها و خیابان‌ها است. نارضایتی از فضاهای شهر، حس بیگانگی در شهرهای امروزی کشور و لزوم هویت بخشیدن به فضاهای شهری، نیاز به ارتقای منظر شهری را فراهم نموده است؛ چراکه یکی از عوامل اثر بخش در شکل‌گیری و تداوم هویت شهری، سیما و منظر شهری است. امروزه توجه بیشتر به جنبه‌های کیفی شهر و مهم‌ترین آن سیما و منظر مطلوب شهری، به عنوان عاملی برای تقویت پیوند انسان با محیط و غنا بخشیدن به فعالیت در آن مشهود است. متناسب بودن مناظر شهری به لحاظ کیفی در نظر مردم سهولت در ادراک معنا و هویت محیط را به دنبال داشته و به حس رضایت آنان از محیط منجر می‌شود.

لزوم توجه به این مقوله به حدی است که روشنفکران حوزه‌های شهری بارها در مقالات، کتب و نوشته‌های خود بر آن تأکید داشته‌اند، چراکه فقدان تعریف علمی و بهره‌برداری روزافزون از این مقوله باعث سطحی‌نگری در این مفهوم پیچیده شده است.

در مقاله حاضر شاخص‌های مؤثر منظر شهری که بر شکل‌گیری و تداوم هویت در شهرها تأثیر گذارند، معرفی می‌شود. این شاخص‌ها به صورت موردی در محله جلفا، واقع در منطقه پنج شهرداری اصفهان که شکل‌گیری آن به دوران صفوی باز می‌گردد، ارزیابی شده‌اند. مبنای مطالعات بر اساس مشاهده، مطالعات میدانی و تطبیقی بوده است.

واژگان کلیدی: هویت شهری، حس مکان، تصویر ذهنی، منظر شهری، محله جلفا

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه تربیت مدرس

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری، دانشگاه علم و صنعت ایران

تأثیر مدرنیسم بر هویت و منظر شهرهای ایرانی - اسلامی

علی خلج^۱، ابوطالب شریفی^۲

در عصر معاصر مشکلات شهرهای کشور تنها در ازدیاد جمعیت، ترافیک، کمبود و گرانی مسکن، نابسامانی‌های زیست محیطی و خلاصه نمی‌شود، بلکه مهم‌تر از آنها مشکلات اجتماعی و فشارهای روحی و روانی ناشی از بی‌هویتی است که خود را در سیمای شهرها نمایان ساخته است. وجود این بی‌هویتی را می‌توان معلول ورود مدرنیسم به کشور دانست. اگرچه از همان ابتدا اندیشمندان و متفکران کشور در نوشته‌های خود ورود اندیشه مدرنیسم به کشور را به عنوان تهدیدی بزرگ اعلام کردند، اما متأسفانه مسئولین کشور نه تنها هیچ توجهی نشان ندادند، بلکه استراتژی خود را بر ایجاد تحول نوین با تفکر مدرنیسم در شهرها متمرکز نمودند. این تحول ابتدا با تغییرات کالبدی شهرهای بزرگ کشور شروع شد و به دنبال آن هویت ایرانی - اسلامی شهرهای کشور که از ذوق و هنر ایران زمین برگرفته بود به فراموشی سپرده شد. با پیروزی انقلاب اسلامی اگرچه مسئولین کشور بار دیگر سعی داشتند که فرهنگ ایرانی - اسلامی را در سیما و منظر شهرهای کشور زنده کنند، اما وقوع جنگ تحمیلی این فرصت را از مسئولین کشور گرفت. در سال‌های اخیر بار دیگر با همت و تلاش مسئولین کشور سعی می‌شود که هویت شهرها بر مبنای ارزش‌ها و فرهنگ‌های ایرانی - اسلامی کشور بازسازی شود تا از یک سو هویت مستقل خود را کسب نمایند و از سوی دیگر سبب آرامش روحی و روانی شهروندان را فراهم نمایند. روش مطالعه این پژوهش به صورت توصیفی - تحلیلی می‌باشد.

در این تحقیق به منظور تبیین تأثیر مدرنیسم بر هویت و منظر شهرهای ایرانی - اسلامی، شهرهای کشور در دو دوره متفاوت مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. سرانجام این نتیجه حاصل شد که ورود اندیشه مدرنیسم به کشور که همراه با تحولات اقتصادی و اجتماعی بوده است، بیشترین تأثیر خود را در سیما و منظر شهرها گذاشته و محیطی خلق کرده است که از ذوق و فرهنگ ایرانی بر گرفته نشده است.

واژگان کلیدی: مدرنیسم، هویت، منظر شهر، نابسامانی‌های زیست محیطی، حوزه نفوذ، تغییرات کالبدی

۱. استاد یار دانشگاه پیام نور آباده

۲. کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری

رویکردی بر دگرگونی هویت شهر ایرانی اسلامی در قرن حاضر (مطالعه موردی شهر زنجان)

اکبر اصغری زمانی^۱، سمیه منافی^۲

منظر شهری، هنر یکپارچگی بخشیدن بصری و ساختاری به مجموعه ساختمان‌ها، خیابان‌ها و مکان‌هایی است که محیط شهری را می‌سازند. هویت شهر، در واقع مجموعه بارزهای کالبدی است که با عنایت به زمینه طبیعی موجود در شهر، موجب ایجاد قابلیت و تفاوت هر شهر از دیگر شهرها می‌گردد. هویت، مفهومی معنوی دارد و عناصر گرچه می‌توانند به عنوان مصداق‌هایی در جهت درک چنین مفهومی به کار گرفته شوند، لیکن به تنهایی و بدون توجه به فرهنگ اقتصاد و ویژگی‌های اجتماعی نمی‌توانند هویت بخش باشند. علاوه بر این، ایجاد و یا استمرار هویت شهری نیازمند مرور زمان برای شکل گرفتن تصاویر ذهنی از تبلور کالبدی بر واقعیت عینی است که در پس ظاهر و در بطن شهر نهفته است و ممکن است هیچ ربطی به شکل ظاهر شهر نداشته باشد. در واقع زیبایی و زشتی شهر دلیل با هویت بودن شهر نیست، مهم هنجارها و رفتارهایی است که در داخل شهر اتفاق می‌افتند و به شهر هویت می‌دهند. ارتباط بین عوامل و هویت شهر می‌تواند ارتباطی دوسویه باشد و شهر بدون عامل انسانی مفهومی ندارد. عوامل شکل‌دهنده هویت شهر، هویت انسانی را شکل می‌دهند.

تمدن اسلامی ارائه دهنده نمونه برجسته‌ای از یک تمدن نسبی است که بدون حضور بعضی اصول که بر آن مسلط بوده و تبدیل ناپذیرند شکل نمی‌یابد. در واقع در این مقاله نگارنده قصد دارد تا به بررسی تحولات هویتی شهرهای ایرانی-اسلامی در عصر حاضر بپردازد و در این مورد شهر زنجان به عنوان یک شهر اسلامی برای نمونه مورد مطالعه قرار گرفته است. شهر زنجان عملاً دچار یک سامانه نامتعادل شهری شده که طرح‌های توسعه شهری مبتنی بر الگو و روند تهیه کلیشه موجود نه تنها قادر به پاسخ‌گویی مسائل آن نیست، بلکه به نظر می‌رسد در سیر تخریبی فضای حیاتی شهر اثرات جبران‌ناپذیری می‌گذارد.

واژگان کلیدی: منظر شهر، هویت شهر، کالبد شهر، شهر اسلامی، زنجان

۱. استاد یار گروه جغرافیا دانشگاه زنجان

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه زنجان

شهر نشانه زیر گام‌های خاطره

وحید پورباقرانی^۱، یوسف یوسفی^۲

مکان‌ها در خاطرات آدمی "انباشت" و "حفظ" می‌شوند، انباشت این خاطرات همانقدر به لایه‌های ذهنی فرد به خاطر آورنده وابسته‌اند که به لایه‌های زمانی و مکانی یادآوری این خاطرات. در شهر، رابطه پیچیده‌ای بین ناخودآگاه و خاطرات فردی با ناخودآگاه و حافظه جمعی وجود دارد، چراکه به قول رولان بارت "شهر جایی است که دیگران هستند و جایی است که ما خود، دیگرانیم". حافظه تاریخی در واقع شکلی از انباشت حافظه جمعی در محور زمانی است. این حافظه از خلال سازوکارهای فرافکنی به سوی گذشته و نیز به سوی آینده، تصور وجود نوعی "منشا" و "سرنوشت" مشترک را در گروه مزبور به وجود می‌آورد. حافظه تاریخی علاوه بر بسترزمان بر بستر مکان نیز حرکت می‌کند. به عبارت دیگر محور زمانی در رابطه‌ای پیوسته با محیط فضایی قرار گرفته و بر آن معناگذاری و نشانه‌گذاری می‌کند. بدین ترتیب فضاهای شهری بدل به پهنه‌هایی می‌شوند که می‌توان آنها را "مکان‌های خاطره" نامید. بنابراین ساختار "نشانه-نظاره-خاطره" مطرح شده در این مقاله نه یک ساختارخطی، که ساختاری چرخه‌ای و سیال دارد. در واقع نشانه‌ها نظاره نمی‌شوند تا گذشته را به خاطر بیاورند، بلکه به دلیل ویژگی خاطره مندی است که ابژه (فضا) به نشانه (مکان) بدل شده و سوژه از مقام شناسای دکارتی به "ناظر"ی بدل می‌شود که دیگر نه تنها به گذشته دست می‌یابد که آن را در فرآیند خلاقانه "نظاره-خاطره" دوباره سازی و معنادار می‌کند.

میزان این معنا به گفته والتر بنیامین، در نسبت مستقیم با حضور مرگ و نیروی زوال گذشته قرار دارد، یعنی گذشته، درست به دلیل نیستی اش، زیستن و هستی آدمی را معنادار می‌کند. مقاله حاضر سعی دارد با طرح دیدگاه‌ها و نظریات مختلف جامعه‌شناسی شهری پیرامون مسئله "ذهنیت در شهر" در ابتدا به یافتن نسبت بین شهر معاصر با خاطره و خیال و در گام بعد، به نقش نشانه‌های شهری و فضاهای تمثیلی در شکل‌گیری "حافظه و خاطره جمعی" در شهر بپردازد.

واژگان کلیدی: نشانه، نظاره، خاطره جمعی، زمان مندی، مکان مندی

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری منظر دانشگاه شهید بهشتی

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری منظر دانشگاه شهید بهشتی

عوامل هویتی منظر در بافت‌های تاریخی (کرمان)

میترا قربی^۱

منظر شهری تجربه مردم در، عضوی از جامعه شهری و پدیده ای عینی-ذهنی است که بخشی از ماهیت انسان‌های یک شهر می‌باشد. به دنبال فرآیند جهانی سازی، تحولات بنیادی و توسعه سریع در دهه‌های اخیر، امروزه از بزرگ‌ترین معضلات شهرها به خصوص در کشورهای در حال توسعه، از دست رفتن تعلق خاطر مکانی شهروندان و بی هویت شدن شهرهاست. شهرهای تاریخی و با هویتی که شکل‌گیری عناصر منظر و سیمای شهری آنها با هدف بوده، امروزه با رشد سریع و دور از هویت، شکلی جدید به خود گرفته اند و حتی برای ساکنان آنها نیز ناآشنا هستند. گسترش بی رویه و به دور از برنامه‌ریزی بنیادین شهر کرمان در کنار عدم توجه به ظرفیت‌های موجود در مولفه‌های شاخص طبیعی و مصنوع، موجب فقدان خوانایی و هویت جمعی شهر گردیده است. این موضوع در بافت تاریخی بیشتر به چشم می‌آید. سیما و منظر این بافت با توجه به عوامل اقلیمی، فرهنگی و هویتی شهر شکل گرفته است، آیا امروز همان هویت سابق را دارد؟ در این مقاله به بررسی عوامل فرهنگی و هویتی منظر و نقش آنها در ذهن و یاد مردم، در بافت تاریخی کرمان پرداخته می‌شود. پرسش اصلی این مقاله چنین طرح می‌شود: "آیا سیما و منظر بافت تاریخی شهر کرمان هنوز هویت سابق خود را دارد؟ این موضوع بیشتر در کدام محلات بافت تاریخی به چشم می‌خورد؟" در ادامه سعی می‌شود به بررسی عوامل فرهنگی و هویتی بافت تاریخی و محلات آن مانند عناصر، بناها و نحوه شکل‌گیری آنها و همچنین نقش آنها در ذهن و یاد مردم شهر پرداخته شود.

واژگان کلیدی: بافت تاریخی، هویت، سیما و منظر، کرمان

منظر شهر - هویت - رفتار

هدی احمدی^۱

“شهر امروز به عنوان اثر بارز تمدن معاصر باید به چیزی ورای طراحی بناها و شبکه رفت و آمد بیندیشد”. محیط کالبدی تأثیری قوی بر روح انسان‌ها دارد و دربرگیرنده حیات اجتماعی آن است. حضور پیوسته عناصر طبیعت در نهاد و آگاهی انسان را شواهد متعدد تأیید می‌کنند. منظره‌های خوانا این احساس را تداعی می‌کنند که مشاهده‌گر، گم نشده و دچار خطای جهت یابی نشود، اما مناظر پر رمز و راز مشاهده‌گر را با ترغیب جستجو و توجه بیشتر، یادگیری و تجربه را افزایش می‌دهند. محیط‌های بازسازنده طبیعی، پیچیدگی، سادگی، رمز و رازداری و خوانایی و عامل آشنایی محیطی نیز در ترجیحات موثر است. سطح بهینه این عوامل می‌تواند به ترجیح یک منظره، محیط یا مکان منجر شده و متقابلاً ادراک و دریافت‌های گذشته انسان بصورت عام و طراحان به صورت خاص می‌توانند به شکل‌گیری و تحول یک محیط منجر گردند.

مقاله حاضر در صدد یافتن تأثیرات متقابل رفتارهای انسان و منظر شهر به عنوان عاملی تعیین کننده در پیدایش هویت شهر است و با بررسی سیر اندیشه های شهری مدرن و مطالعه موردی بر نظریات کاملیوسیته به تحلیل قوانین منظر شهری بر پایه اصول روانشناسی محیط می پردازد. از آنجا که انسان مولد و محصول شهر است، تأثیر فضا و کالبد در رفتار و نگرش مخاطب به عنوان یکی از عوامل مهم تعیین کننده شکل‌گیری منظر شهر است. عوامل محیطی به دو دسته: “ محیط و رفتار انسان - عوامل طبیعی و مصنوع ” و “ محیط و رفتار انسان - عوامل اجتماعی و جامعه گرایی ” تقسیم می‌شود و خروجی داده‌ای آن نسبت به بعد فرهنگی و هویت شکل کالبد و در نهایت منظر در بعد شهری مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: منظر شهر، هویت، اجتماع، رفتار، محیط

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری دانشگاه آزاد واحد نور

منظر شهری ابزاری برای بازتولید هویت فرهنگ غربی در ایران (مطالعه موردی شهر اردبیل)

رحمت الله فرهودی^۱، ایرج تیموری^۲، مریم جعفری مهرآبادی^۳

منظر شهر به تمام جنبه‌های کالبدی و فضائی شهر و همچنین محیط پیرامون آن در مقیاس‌های مختلف گفته می‌شود که به عینیت فرد در می‌آید. در شکل‌گیری منظر شهری ساختارهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه به همراه الگوها و هنجارهای غالب در آن جامعه نقش اساسی را ایفا می‌کنند. فرایند شهرنشینی شتابان در ایران که تحت تاثیر دگرگونی‌های اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی - سیاسی از اوائل سده حاضر منجر به شکل‌گیری فرم‌های جدید شهری در کشور می‌گردد و منظر و سیمای شهرهای اسلامی - ایرانی را در راستای رسیدن به اهداف خود تغییر می‌دهد. مناظر شهری جدید در راستای برآوردن اهداف مدرنیزاسیون و سرمایه‌داری جهانی بوده و به نوعی در قالب صنعت فرهنگی در راستای تحمیل خواست خود به جامعه سنتی بوده است. در گذشته، منظر شهرهای سنتی (ایرانی - اسلامی) به نوعی برخواسته از فرهنگ و سنن کهن این مرز و بوم بوده و در راستای ترویج اهداف و ایدولوژی خود بوده است. بنابراین چشم اندازهای موجود شهری بعنوان دید بصری ساختار قدرت، فرهنگ، اقتصاد و پتانسیل‌های طبیعی آن جامعه در طی زمان‌های متفاوت به شمار می‌رود.

در این راستا مقاله بر آن است تا با کند و کاو در منظر شهری اردبیل به این دو سوال پاسخ دهد که "آیا منظرشهری کنونی شهر اردبیل، به مثابه صنعت فرهنگی در راستای برآوردن خواست‌های نظام سرمایه داری عمل می‌کند" یا "آیا منظر شهری امروزی شهر اردبیل به مثابه سابق در راستای برآوردن نیازهای و خواست‌های فرهنگ اسلامی می‌باشد؟". بنظر می‌رسد که منظر امروزی شهر اردبیل در راستای ترویج و فرهنگ نظام سرمایه داری جهانی بوده و در تقابل با فرهنگ سنتی این جامعه عمل می‌کند. فرضیه این تحقیق با استفاده از روش مقایسه‌ای (توصیفی و تاریخی) از منظر شهری شهر اردبیل در دو دوره متفاوت قبل از مدرنیزاسیون و بعد از آن اثبات یا رد خواهد شد. بدین منظور لازم است که با پیمایش میدانی به جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز پرداخت، سپس اقدام به تحلیل و نتیجه‌گیری نمود.

واژگان کلیدی: منظر شهری، هویت شهری، صنعت فرهنگی، نظام سرمایه داری جهانی، اردبیل

۱. دکترای برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران گروه جغرافیا

۲. دانشجوی دوره دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تهران

۳. دانشجوی دوره دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تهران

منظر ورودی شهر، مظهر هویت شهر (مطالعه موردی ورودی شمال غربی شهر یزد - جاده سنتو)

محمد رضا نقصان محمدی^۱، فاطمه دهقان^۲، مرجان منتظری^۳

ورودی شهر، نخستین فضای شهری است که هرکس هنگام ورود به شهر با آن مواجه می‌گردد؛ لذا نخستین تصویر ذهنی از شهر از طریق ورودی آن شکل می‌گیرد. از این رو بایستی معرف شهر، یا به عبارتی ویتروینی برای نمایش هویت شهر و ارزش‌های نهفته در آن باشد. اما وضعیت ناهنجار در منظر ورودی اکثریت شهرها، حاکی از نادیده انگاشتن نقش ورودی در منظر شهر است. این وضعیت باعث ایجاد تصاویری نامناسب از شهر در منظر ذهنی مسافران و ساکنین شهر شده و مخاطبان هنگام وارد شدن به شهر، احساسی از رسیدن یا شوق ورود نداشته و منطری مطابق با توقع آنها از ورودی یک شهر در ذهنشان شکل نمی‌گیرد. افراد هنگام ورود به شهر توقع دارند که از شهر آن چیزی را که در ذهن خود دارند، ببینند و چهره ورودی با تصویر ذهنی آنان تطابق و این همانی داشته باشد. از این رو تشخیص هر ورودی که آن را از ورودی سایر نقاط متمایز کند، اهمیت زیادی خواهد داشت. برای تحقق تشخیص خاص هر شهر، ورودی باید نماد چهره و شخصیت شهر باشد. در این نوشتار نخست با توجه به وجود مسائل تقریباً مشابه در ورودی اکثریت شهرهای ایران، از طریق پژوهش اکتشافی به بررسی مباحث نظری مرتبط و تبیین اهمیت ورودی در منظر شهر و آشکارسازی هویت شهر پرداخته می‌شود. سپس به منظور درک بهتر مسأله و شناسایی زوایای ناشناخته، نقش بخشی از جاده سنتو به عنوان مدخل ورود به شهر یزد (از سمت شمال غرب) در آشکارسازی کلیت و هویت شهر یزد مورد بررسی واقع شده و در نهایت نتایج حاصل از این نقد و بررسی، در چارچوب راهکارهای پیشنهادی جهت ارتقاء هویت، در منظر ورودی شهرها به صورت عام و شهر یزد به صورت خاص ارائه می‌گردد. اهم نتایج به دست آمده از این مطالعات نشان می‌دهد که در نظر داشتن هویت شهر در طراحی ورودی شهرها، موجب ارتقاء کیفیت منظر ورودی‌ها شده، کلیت شهر را به مثابه یک متن آشکار ساخته و امکان قرائت و خوانش این متن را فراهم می‌آورد.

واژگان کلیدی: منظر شهری، ورودی شهر، هویت، یزد

۱. استادیار دانشکده هنر و معماری دانشگاه یزد
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری دانشگاه یزد
۳. دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری و منطقه ای دانشگاه بین المللی امام خمینی قزوین

نقش معماری منظر

در باز آفرینی نشانه‌های حیات و هویت در منظر شهری

مریم دبیری^۱، امیر سعادت فرد^۲

تصویرها، نشانه‌ها و معانی، داستان هر روزه‌ای است که در برابر دیدگان اهالی شهر روایت می‌شود و ایرانی قرن بیست و یکم با مشاهده آن به ادراکی از وضعیت جامعه - شهر خویش می‌رسد. منظر شهری که وضعیتی متغیر و متداوم را از نظرگاه تا فضای زندگی در برابر مخاطبین قرار می‌دهد، مجموعه‌ای از نشانه‌ها را در خود جای داده است. این وجه نمادین امکان قرائت و ادراکی بی واسطه و بدون مفسر را برای اهالی شهر به وجود می‌آورد.

در روزگار معاصر، انسان ایرانی در ادراک نشانه‌های حیات و هویت خود از منظر شهری دچار بحران و مشکل گشته است؛ چرا که نشانه‌های موجود حاصل مدرنیزاسیونی برون‌زا و توسعه‌ای غیر بومی است. این مقاله برآنست تا با مشاهده و تفسیر مناظر شهری، به شناسایی و دسته‌بندی نشانه‌ها (دال‌ها) و معانی (مدلول‌ها) موجود در آن‌ها بپردازد. سپس رابطه آنها را با دو مساله حیات و هویت انسان ایرانی قرن ۲۱ در جامعه - شهر ایرانی مورد بررسی قرار دهد. از این رهگذر نیات سه لایه عمده مولفین و سازندگان مناظر شهری یعنی مردم، نهادهای قدرت و متخصصان، معین خواهند شد، امری که در تعیین جنس رابطه فوق اهمیت بسیاری دارد. در این پژوهش از اندازه‌گیری‌های استاندارد نظیر پرسشنامه‌های پیمایشی استفاده نشده است، بنابراین پژوهش‌گر در فرایند پژوهش در نقش «بازار اصلی سنجش عمل می‌کند». از طرفی برای تعیین جایگاه معماری منظر در بازتعریف رابطه نمادها و نشانه‌ها با حیات و هویت انسان ایرانی قرن ۲۱ و چگونگی این امر، از تحلیل واژه‌ها به صورت نمایش تصویری و ابزارهای روایی استفاده می‌شود.

دلیل انتخاب معماری منظر به عنوان شیوه‌ای نظری - عملی، نخست سنت منظر سازی ایرانی در عرصه‌های شهری و دوم نقش نوین این حرفه در برنامه‌ریزی و طراحی عرصه‌های شهری است. به دلیل وسعت موضوع و مصداق‌ها، مناظر شهری حوزه باغ ملی و بازار به عنوان نمونه موردی انتخاب شده اند.

واژگان کلیدی: جامعه - شهر، دال و مدلول، منظر شهری، حیات، هویت

۱. کارشناس ارشد معماری منظر دانشگاه شهید بهشتی

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری منظر دانشگاه شهید بهشتی

نقش منظر در هویت بخشیدن به شهر

محمد کمیلی^۱

بحران از دست رفتن هویت شهر مدتی است که به یکی از مهم‌ترین مباحث مطروحه در میان برنامه‌ریزان و طراحان شهری مبدل گشته است. تا بدانجا که در ابتدا این بحران در شناخت محلات، خیابان‌ها، مسیربایی و نمادهای شهر مطرح شد و سپس به طراحی منظر شهری و تفکیک فعالیت‌ها نیز مرتبط گشت. در این مقاله سعی بر آن است تا تأثیرات منظر و سیمای شهری در هویت بخشیدن به شهر و عملکردها، بررسی شده و نتایج آن در اختیار علاقه‌مندان قرار گیرد. هدف از انجام این پژوهش را می‌توان در دو مرحله بیان نمود:

نقش منظر شهری در احیای هویت کالبدی و رفتاری

ارتباط هویت شهر با چشم اندازها و سیمای شهر

در این پژوهش با جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای و میدانی از روش *AHP* برای مقایسه اثرات متقابل عناصر در هویت بخشیدن به شهر و نقشی که منظر و چشم انداز و مبلمان شهری و ... در شهر دارند، استفاده شده است.

نتایج این تحقیق می‌تواند عناصر موجود در سیمای منظر شهر را که سازنده و احیاکننده هویت شهر هستند، به بهره‌برداران معرفی نماید.

واژگان کلیدی: هویت، منظر شهر، چشم انداز، مبلمان شهری، کالبد، رفتار، سیمای شهر.

نقش منظر شهری در ارتقاء هویت در شهرهای جدید (با مطالعه موردی شهر جدید اندیشه)

ملاحت حقیقی^۱، حمید رضانی^۲

«منظر شهری» به واسطه نقشی که در زیباسازی و هویت بخشیدن به شهرها دارد، از اهمیت ویژه‌ای در طی سال‌های اخیر برخوردار شده است. شهرهای امروزی، به دلایل گوناگون و گاهی اقتصادی از پرداختن به هویت و سیمای بصری بی‌بهره می‌باشند. در نگاه طراحی شهری، محیط دارای ویژگی‌های کالبد مصنوع و جغرافیایی است؛ لکن انسان باید بتواند از طریق حواس پنج‌گانه خود به درک و تفسیر محیط بپردازد. «منظر شهری» نزد ساکنین شهر، حامل معناست؛ به نحوی که تاریخ، فرهنگ، طبیعت و خاطرات جمعی نسل‌های مختلف را بیان می‌کند. در واقع منظر شهری به عنوان پدیده‌ای عینی-ذهنی نزد شهروندان تعریف می‌شود. باید توجه داشت در این نگاه «عین» نمی‌تواند از «ذهن» جدا باشد و منظر شهری نیز «عینیتی مستقل از انسان» نیست. با ورود مدرنیسم به ایران، شهرها دچار تحول و دگرگونی شگرفی گردیدند. این تحول گسترده نه از درون، بلکه از بیرون (غرب) القا گردیده است. این تغییرات ایجاد فرم جدید شهرها را در پی داشت. فرمی که با توجه به تفکری غریب ایجاد گردید و برای ناظرین بومی دارای معنا و مفهوم نبود. یکی از چالش‌های شهرهای امروزی ما کم هویتی بوده و از آنجا که هویت و منظر شهری همواره یک رابطه دوسویه با هم داشته و دارند، هم منظر شهری مناسب موجب خوانایی و هویت شهری می‌گردد و هم هویت باعث ارتقاء غنای بصری منظر شهری می‌گردد. در این مقاله سعی شده تا با شناخت مولفه‌های منظر و هویت و برقراری رابطه صحیح بین این مولفه‌ها به این سوال پاسخ دهیم که چرا شهرهایمان با مناظر کنونی عموماً خوانا نبوده و دچار بحران هویت (بر خلاف شهرهای قدیمی) گردیده‌اند.

واژگان کلیدی: منظر شهری، هویت، تصویر ذهنی، خوانایی، فضا، فرم

۱. کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری دانشگاه تربیت مدرس

۲. مهندسی شهرسازی، دانشگاه گیلان

نقش و جایگاه منظر شهری در مولفه‌های هویت شهری

سید محمدرضا خطیبی^۱

یکی از مهم‌ترین مسائلی که در محیط‌های شهری امروزین بخصوص شهرهای جدید مورد غفلت واقع شده است، هویت شهری این محیط‌ها است.

اگر بی هویتی، واژه‌ای نامناسب برای این محیط‌های شهری تلقی گردد، اما می‌توان از این محیط‌ها به عنوان محیط‌هایی با هویت مخدوش یا محیط‌های دچار بحران هویت نام برد. با احیای مولفه‌های شش‌گانه هویت محیط‌های شهری که شامل مولفه‌های کالبدی، مولفه‌های عملکردی، مولفه‌های زیست محیطی، مولفه‌های تاریخی مذهبی، مولفه‌های اجتماعی فرهنگی و مولفه‌های روانشناختی و ادراکی می‌باشد، می‌توان وضعیت کنونی را بهبود بخشید.

این مقاله در نظر دارد نقش و جایگاه منظر شهری را در این مولفه‌های هویت بررسی و تاثیرات این مولفه‌های شش‌گانه احیای هویت محیط شهری را در منظر شهری تدوین کند.

واژگان کلیدی: هویت شهری، بحران هویت، منظر شهری، محیط شهری

نقش و جایگاه منظر شهری در هویت بخشی به شهرهای جدید (اصول و راهکارها)

بنفشه یادگارزاده^۱، سید علیرضا ارباب زادگان هاشمی^۲

عدم موفقیت شهرهای جدید در جذب جمعیت، در سال‌های اخیر به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های مدیران شهری مبدل شده است. این عدم موفقیت را می‌توان به ناتوانی این شهرها در ایجاد محیطی با کیفیت، با هویت و توجه صرف به ابعاد کالبدی مرتبط دانست. امروزه طراحی تک بعدی شهرهای جدید، موجب ایجاد فضاهایی فاقد سرزندگی، پویایی و تنوع در این شهرها شده است که تبعات جبران ناپذیری را برای آینده این شهرها به دنبال خواهد داشت. بنابراین راهکارهای افزایش جذابیت سکونت در این شهرها، مستلزم توجه جدی به بهره برداری از فرصت‌های موجود در زمینه تقویت ساختارهای فرهنگی و هویتی دارد.

با توجه به اینکه منظر شهری، بخش قابل درک محیط توسط انسان است، لذا خلق هویت در فضاهای شهری با منظر شهری در این سکونت‌گاه‌ها ارتباط نزدیکی پیدا می‌کند. در واقع با توجه به منظرپردازی محیط شهری، می‌توان به خلق ارزش‌های هویت بخش و تقویت ساختارهای فرهنگی دست یافت.

در این مقاله سعی شده است با بررسی آثار و پیامدهای نامطلوب عدم توجه به جنبه‌های هویتی، فرهنگی و همچنین در نظر گرفتن نقش و جایگاهی که منظر شهری می‌تواند در تقویت این مولفه‌ها داشته باشد، پیشنهادهایی در زمینه خلق ارزش‌های هویت بخش از طریق توجه جدی به منظر شهری در طراحی و برنامه ریزی شهرهای جدید ارائه شود. در این راستا شهر جدید پردیس به عنوان یکی از شهرهای جدید احداث شده در سال‌های اخیر انتخاب شده و با بررسی مسائل و مشکلات موجود در این شهر، اصولی در زمینه خلق ارزش‌های هویت بخش با تقویت نقش و جایگاه منظر شهری در طراحی و برنامه‌ریزی ارائه شده است.

واژگان کلیدی: منظر شهری، هویت شهری، شهرهای جدید، فضاهای شهری، منظرپردازی

۱. کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری از دانشگاه تهران

۲. دانشجوی طراحی شهری دانشگاه تربیت مدرس

نگرشی بر شاخصه‌های هویت کالبدی در راستای ارتقاء کیفیت منظر شهری

علی‌اکبر تقوایی^۱، مصطفی شمشیربند^۲، مسعود خادمی^۳

امروزه با رشد شتابان شهرنشینی، هویت شهری فراموش شده و تمام توجهات مدیران مربوطه به مسائل کمی در شهرسازی معطوف گردیده است. به همین دلیل مباحث کیفی از اهمیت کمتری برخوردار است و عدم توجه به مقوله کیفیت، باعث بوجود آمدن بی‌نظمی، ناهماهنگی و آشفتگی بصری شهرهای کنونی شده است. این امر نه تنها سیمای نامطلوب و محیطی نامأنوس را برای ساکنین ایجاد نموده، بلکه تمامی ابعاد منظر شهری را در جوامع شهری تحت‌الشعاع خود قرار داده است. به نظر می‌رسد با در نظر گرفتن شاخصه‌های کالبدی هویت در شهر و ترکیب هنرمندانه عناصر معماری و عناصر طبیعی به گونه‌ای دلپذیر، بتوان در جهت ارتقاء کیفیت منظر شهری گام برداشت.

هدف این مقاله بررسی عناصر کالبدی هویت شهر جهت رسیدن به منظر شهری مطلوب است. روش تحقیق این مقاله مبتنی بر روش توصیفی بوده و با استفاده از مرور متون کتابخانه‌ای و جمع‌آوری اطلاعات میدانی صورت گرفته است. ارزیابی نتایج بدست آمده در این مقاله نشان می‌دهد که علاوه بر ابعاد کارکردی و عملکردی هویت در ایجاد منظر شهری، بعد مصنوع و ابعاد کالبدی هویت نیز در ایجاد، تقویت و ارتقاء منظر شهری تأثیرگذار خواهد بود.

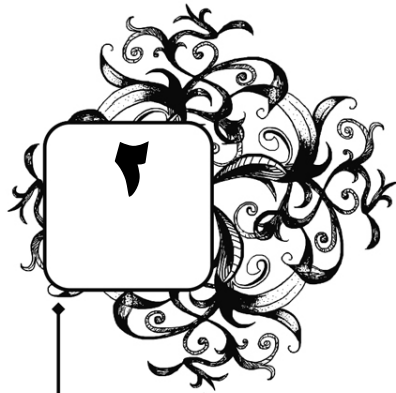
در این مقاله پس از طرح مسئله و اشاره به ضرورت‌ها و اهداف پژوهش، ابتدا به تعاریف مفاهیم مربوطه پرداخته خواهد شد. در این راستا به مباحث کیفی منظر شهری و مؤلفه‌های کیفی مؤثر در محیط اشاره شده و هویت فضای شهری به عنوان یکی از ارکان شکل‌دهنده کیفیت منظر شهری مورد بررسی و واکاوی قرار خواهد گرفت. به این ترتیب با شناسایی ابعاد کالبدی هویت شهری و فضاهای آن، معیارهایی به عنوان شاخصه‌های هویتی - کالبدی ارتقاء دهنده محیط و منظر شهری معرفی خواهند شد.

واژگان کلیدی: منظر شهری، هویت شهری، کیفیت فضاهای شهری، کالبد

۱. دانشیار گروه شهرسازی دانشگاه تربیت مدرس

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه تربیت مدرس

۳. دانش‌آموخته کارشناس ارشد طراحی شهری، دانشگاه تربیت مدرس



تجربه‌های خارجی و داخلی منظر شهری

- ۱-۲. نوسازی شهری
- ۲-۲. منظر طبیعی شهر
- ۳-۲. تجهیزات شهر و منظر
- ۴-۲. فضای جمعی و منظر شهری
- ۵-۲. برنامه‌ریزی و مدیریت منظر
- ۶-۲. منظر راه و خیابان
- ۷-۲. گردشگری و منظر شهری

۲. تجربه‌های خارجی و داخلی منظر شهری



۲-۱. نوسازی شهری

- ۲-۲. منظر طبیعی شهر
- ۲-۳. تجهیزات شهر و منظر
- ۲-۴. فضای جمعی و منظر شهری
- ۲-۵. برنامه‌ریزی و مدیریت منظر
- ۲-۶. منظر راه و خیابان
- ۲-۷. گردشگری و منظر شهری

احیاء و بازآفرینی بافت های تاریخی و فرسوده از طریق دگرگون سازی منظر شهری (مطالعه موردی احیاء محله و باغ تاریخی رحیم آباد بیرجند)

فاطمه مهدی زاده سراج^۱، سید عباس یزدانفر^۲ و عاطفه نیکوگفتار^۳

روش های متعددی در ارتباط با باززنده سازی، احیاء و بازآفرینی فضای شهری ذکر شده است، که محورهای اصلی آنها عبارتند از پرداختن به مرمت و باززنده سازی شهری، تغییرات کالبدی در گذرها، ایجاد عملکرد فرهنگی درون بافت تاریخی، تعریف، تنظیم و برنامه ریزی فعالیت های اجتماعی - فرهنگی درون محلات تاریخی. در این میان نکته ای که تا به حال بدان پرداخته شده است، انجام همزمان دو فعالیت احیاء و مرمت تک دانه ای تاریخی و در نظر گرفتن تاثیر آن بر منظر شهری می باشد. این مقاله برآن است تا با بیان درس های آموخته شده از تجارب باززنده سازی در جهان و ایران به رویکرد جدید اتخاذ شده در احیاء و بازآفرینی باغ تاریخی رحیم آباد بیرجند. ایران با تمام محدودیت های اقلیمی، باغ شهرهای ارزشمندی دارد که به منظور ایجاد شرایط زیستی مناسب و در دوره های مختلف تاریخی شکل گرفته و گسترش یافته است. شهر بیرجند یکی از شهرهایی است که شهرت آن به جهت وجود باغ های تاریخی متعدد می باشد. این باغ ها که با توجه به ساختار باغ ایرانی و در مسیر آب های تحت الارضی، شکل گرفته اند در روزگار ساخت و حیات خود در پیرامون شهر به وجود آمده و امروزه با گسترش شهر با تاج سبز رنگ خود فضای شهری متمایزی را ایجاد نموده اند.

از آنجا که حفاظت از این فضاهای ارزشمند به عنوان یک محیط طبیعی - مصنوع و یک فضای شهری مناسب، بسیار ضروری است، این طرح و پیشنهاد مرمتی توسط نگارندگان از احیای این باغ بصورت منفرد فراتر رفته و به ساماندهی و بازآفرینی محله، شهر و منظر شهری پرداخته است. کاربری پیشنهادی، این باغ را از کارکرد خصوصی خارج کرده و آن را در اختیار عام و فضای شهر قرار می دهد. در عین حال، این عمل در کالبد بنا به گونه ای عمل می کند که ویژگی های زیست محیطی باغ دچار خدشه نگردد.

واژگان کلیدی: احیاء، بازآفرینی، بافت فرسوده، منظر شهری، باغ های تاریخی

۱. استادیار دانشکده مهندسی معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت

۲. استادیار دانشکده مهندسی معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت

۳. کارشناس ارشد مرمت و احیاء بنا و بافت های تاریخی

استفاده از الگوریتم ژنتیک در ساماندهی منظر فرهنگی در بافت تاریخی شهر

شهاب میرزاییان^۱، المیرا کلهر^۲

فرایند توسعه شهری و روند تغییرات آن به ویژه در بافت‌های تاریخی غالباً با دو رویکرد گرایش و تمایل حفاظت و نگهداری از بافت و عناصر ارزشمند و همچنین موج تفکر نوسازی و بازسازی توأم با مداخلات مستقیم مواجه است. البته در این میان گرایش دوم به سبب برخورداری از پشتوانه‌های سیاسی و اقتصادی بیش از حفاظت و نگهداری از ثروت‌های فرهنگی مورد توجه قرار داشته است. این نوشتار بر آن است تا نخست گستره ارزش‌های ذاتی موجود در کالبد تاریخی شهر را با تکیه بر هویت و فعالیت‌های فرهنگی نشان دهد. به کارگیری الگوریتم ژنتیک به منظور دستیابی به این هدف از میان برخی از مقاصد طرح‌ریزی یک شهر پیشرفته مانند حداکثر توسعه اقتصادی و نیز حفاظت سایت‌های تاریخی - فرهنگی، برای بهینه‌سازی استفاده از عرصه تاریخی شهر با شکل‌گیری منظری فرهنگی می‌باشد.

هدف الگوریتم ژنتیک، ارائه مجموعه‌ای از طرح‌هاست که سبب تحقق یک منظر فرهنگی یکپارچه برای کنترل و بهینه‌سازی مقاصد شهری باشد. این الگوریتم ما را در دریافت اینکه چگونه مقاصد شهری در دل بافت تاریخی به وسیله مجموعه‌ای از طرح‌های ممکن به نام نسل راه اندازی قابل کنترل است؛ یاری می‌نماید. این طرح‌ها می‌بایست توسط تصمیم‌گیرندگان برای رسیدن به یک طرح نهایی محدود شوند. روند محدود سازی نیز باید ذاتاً در برگیرنده ارتباط میان عملکردهای مقاصد باشد.

شهر تاریخی اصفهان در مرکز ایران، به عنوان مورد مطالعاتی انتخاب شده است. ابتدا عرصه شهر به مناطق عملکردی مجزا تقسیم می‌شود. به منظور دست‌یابی به الگوریتمی که بتواند مبنای پژوهش قرار گیرد، تنها دو مقصد (توسعه اقتصادی و حفاظت از سایت‌های فرهنگی - تاریخی) در نظر گرفته شده است. بدیهی است افزایش این مقاصد به معنای افزایش طرح‌های ممکن می‌باشد که در این نوشتار قابل طرح نیست.

واژگان کلیدی: توسعه پایدار شهری، الگوریتم ژنتیک، منظر فرهنگی

۱. کارشناس ارشد معماری، مدرس معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

۲. کارشناس ارشد مهندسی و مدیریت ساخت

ایمن‌سازی منظر شهری در بافت تاریخی (مطالعه موردی محدوده تاریخی قزوین)

راضیه محمدزاده^۱

میراث فرهنگی و بافت های تاریخی، ذخایر غیرقابل جبران اجتماعی بوده و وارث سنت های ارزشمندی می‌باشند. اما متأسفانه بناها در این مناطق نه تنها فرسوده اند، بلکه دارای زیرساخت ها و جداره های قدیمی بوده و قادر به مقاومت در برابر سوانح طبیعی مانند زلزله نمی باشند. در حقیقت آسیب پذیری میراث فرهنگی در مناطق زلزله خیز و راهکارهای ایمن سازی منظر شهری از جمله چالش های مدیران این قبیل جوامع می‌باشند.

با توجه به استقرار استان قزوین بر روی پهنه لرزه خیزی و سابقه زلزله‌های شدید در این منطقه، شهر قزوین و خصوصاً بافت تاریخی آن در معرض زلزله های شدید بوده و تجربه نشان می‌دهد تلفات و خسارات فراوانی (زلزله ۱۳۶۹ استان های گیلان، قزوین و زنجان) متوجه این مکان بوده است. این امر لزوم توجه ویژه به موضوع کاهش آسیب پذیری، خصوصاً ایمن سازی کالبدی بافت های تاریخی را مورد تأکید قرار می‌دهد.

مقاله حاضر ضمن بررسی آسیب پذیری‌های بافت تاریخی قزوین به موضوع مهم ایمن‌سازی منظر شهری می‌پردازد. تجربه های موجود جهانی نشان می‌دهد که ایمن سازی منظر شهری در بافت های تاریخی از دو دیدگاه منظر عینی و منظر ذهنی قابل مطالعه می‌باشند. در منظر عینی موضوع مطالعه، روش‌های کاهش خطر در بخش‌های قابل رؤیت شهر مانند جداره ها، آویزها، بالکن‌ها، تابلوها، مبلمان شهری و غیره است. در حالی که منظر ذهنی به طرح تصمیم ساکنین در هنگام وقوع سوانح برای فرار و تخلیه سریع و یافتن نقاط امن می‌پردازد.

این مقاله با اتخاذ روش تحقیق توصیفی- پیمایشی و با رویکرد کیفی، نتیجه می‌گیرد که چنانچه رویکردی ترکیبی از راهکارهای مهندسی (سخت افزاری) و غیرمهندسی (نرم افزاری) در بافت تاریخی قزوین اتخاذ گردد که در آن نه تنها به استحکام سازی عناصر سازه‌ای و غیرسازه‌ای، بلکه به سازماندهی مردمی در جهت اعتمادسازی و مشارکت در نگاهداری این گونه بافت ها پرداخته شود، گامی در جهت ایمن سازی منظر شهری برداشته خواهد شد.

واژگان کلیدی: ایمن سازی کالبدی، منظر شهری، بافت تاریخی قزوین، زلزله

۱. کارشناس ارشد بازسازی پس از سانحه، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهیدبهشتی

بازپردازی منظر در بافت فرسوده شهری، آسیب‌شناسی تجارب شهر زنجان

مهدی مقیمی^۱، مهرداد سلطانی^۲

مداخله در سیما و منظر بافت‌های فرسوده با اهدافی مانند: کم‌ارزش بودن معماری اولیه، فرسودگی کالبدی، فرسودگی زیرساخت‌ها، عدم تطبیق‌پذیری با نیازهای جدید، کهنگی منظر و تعابیر و روش‌های مختلفی از جمله مداخله حکومتی یا باززنده‌سازی مشارکتی، صورت می‌گیرد. در سال‌های اخیر نیز پروژه‌های مهمی از این دست چون طرح نواب تهران، طرح بین‌الحرمین در شیراز، طرح اطراف حرم در مشهد، بازار بم در دوره بازسازی پس از زلزله در کشورمان اجرا شده و بعد از گذشت سال‌ها از اجرای این پروژه بررسی بازخورد و نتیجه اجرای آنها راهگشای تعریف و طراحی در پروژه‌های مشابه سایر شهرهای کشور می‌باشند. زنجان از جمله شهرهایی است که در سال‌های اخیر تجربه اجرا پروژه‌هایی در بحث مداخله در منظر بافت فرسوده را داشته‌است. پروژه "محور دلجویی - داوودقلی" جدیدترین پروژه از این دست در شهر زنجان است. مداخله فعال در بافت فرسوده به معنی دخالت مستقیم در بازپردازی یا تخریب مناظر شهری است. در این میان مداخله در چنین بافت‌هایی نیازمند برنامه‌ریزی، آسیب‌شناسی دقیق و بررسی ضرورت‌ها و نیازها در چنین پروژه‌هایی می‌باشد. این نوشتار با معرفی و تحلیل تجارب بازپردازی منظر اجراشده در بافت فرسوده شهر زنجان به ویژه تجربه در جریان "محور دلجویی - داوودقلی"، به معرفی آسیب‌شناسی بازپردازی منظر در بافت فرسوده شهر زنجان و این پروژه خاص و همچنین ضرورت‌های مورد نیاز در اجرای چنین پروژه‌هایی می‌پردازد.

واژگان کلیدی: منظر شهری، بافت فرسوده، زنجان، محور دلجویی، داوودقلی، آسیب‌شناسی

۱. عضو هیات علمی گروه معماری دانشگاه زنجان

۲. عضو هیات علمی گروه معماری دانشگاه زنجان

بازخوانی مفهوم منظر شهری و ادراک حاصل از تقابل میان عناصر سازنده آن در بافت کهن شوشتر (مطالعه موردی محور آبشارها تا باغ خان)

محمد ابراهیم مظهری^۱، آذر بیک‌دلی^۲

منظر شهری سطح تماس انسان و پدیده شهر است. از این رو بخش قابل توجهی از دانش و عواطف محیطی شهروندان، تحت تاثیر آن شکل می‌گیرد. به عبارت دیگر، یکی از ارکان تجربه فضای شهر و ادراک حاصل از آن، منظر شهری و عناصر ساختاری تشکیل دهنده آن می‌باشد. به واسطه حضور این عناصر است که کلیت یک شهر، به مثابه یک متن آشکار شده و امکان قرائت و خوانش این متن فراهم می‌گردد. چگونگی عناصر سازنده منظر شهری و نحوه سازمان یافتگی آنها در ادراک منتج شده از متن شهر، منظر ذهنی افراد، شکل‌گیری تجربه حضور شهروندان در فضای شهری، ایجاد خاطره جمعی و باز تولید آن نقش بسزایی دارد.

بافت‌های کهن شهری، به دلیل برخورداری از ویژگی‌های خاص، قابلیت تبدیل به مکان‌هایی تازه، برای دست یابی به تجربه‌های شهری دیگرگونه و خلق حافظه جمعی جدید را دارا می‌باشند. تجربه‌ای که از دل ساختاری برخاسته که میراث گذشتگان است و به دنبال پیوند میان خاطره جمعی نسل کنونی با حافظه تاریخی است تا حافظه تاریخی در متن جامعه معاصر، حضوری فعال یافته و استمرار یابد. در این راستا بازخوانی مفهوم منظر شهری و عناصر نظام دهنده آن در بافت‌های کهن، به عنوان یکی از بسترهای مهم شکل دهنده تجربه‌های شهری و خلق خاطره جمعی، از ضروریات به نظر می‌رسد. بدین منظور این نوشتار، پژوهشی است پیرامون بررسی این مفهوم در بافت کهن شوشتر که به مطالعه نظام منظر شهری از محوطه آبشارها تا باغ خان می‌پردازد.

محوطه آبشارها یکی از میراث نادر بجامانده از دوران ساسانیان است که اخیراً به ثبت جهانی رسیده است. پس از عبور از آبشارها و گذر از بافتی ارگانیک و پر پیچ و خم، مجموعه باغی قرار دارد که به صورت خطی و بر اساس اصول ساختار باغ‌های ایرانی، در کنار رود گرگر سامان یافته است. این باغ که در دل بافت جای دارد، نمود بیرونی چندانی نداشته و تنها ارتباط آن با فضای پیرامون از طریق یک ساباط است.

در نهایت این پژوهش در نظر دارد روزه‌ای برای دستیابی به این پرسش باشد که حضور در بافتی درونگرا و بی نمود، منجر به چگونه ادراکی از شهر و زیستن می‌گردد.

واژگان کلیدی: منظر شهری، عناصر سازنده، تجربه شهری، خاطره جمعی، بافت کهن

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز

۲. مدرس دانشگاه آزاد اسلامی، جامع شوشتر

باز زنده‌سازی بافت‌های فرسوده تاریخی با احیاء رابطه متقابل ساختار فضایی و اجتماعی محله (مطالعه موردی محله سنگلج)

افشین خاکی نجف‌آبادی^۱، سولماز مصباح نمینی^۲

محله سنگلج از محلات اصلی تهران قاجاری محسوب می‌شود که در آن زمان، سازمان فضایی محله به خوبی با خصوصیات جامعه و نیازهای ساکنان هماهنگ بود. اما با تغییر ساختار محله، در حال حاضر این محله جزء بافت‌های تاریخی فرسوده شهر تهران قرار گرفته و با مشکلات متعدد اجتماعی و کالبدی روبروست، به حدی که حیات آن به عنوان یک محله مسکونی رو به افول و در حال تهدید است. جامعه ساکن محله در دوران قاجار را می‌توان بر اساس نظریات امیل دورکیم از پایه‌گذاران علم جامعه‌شناسی، جامعه مکانیکی دانست که همبستگی آن بر اساس وجدان جمعی و ساختارهای فرا فردی شکل می‌گرفته است. اما جامعه فعلی محله را با کمی اغماض می‌توان جامعه‌ای ارگانیکی دانست که بر اساس تقسیم پیچیده کار شکل می‌گیرد. فرآیند وارد شدن مدرنیته و تغییر ساختار و نیازهای اجتماعی محله بسیار سریع‌تر از تغییر در سازمان فضایی محله انجام شده و باعث به هم خوردن تناسب سازمان فضایی و نیازهای اجتماعی ساکنان و افول منظر شهری محله (به معنی رابطه بین کالبد، جامعه و انسان) شده است. برای ارائه راهکاری جهت ارتقاء کیفیت محیط زندگی فعلی محله، در گام اول، منظر شهری دوران قاجار شناخته شده و در گام دوم، به شناخت خصوصیات، نیازها و ساختار اجتماعی فعلی محله و رابطه متقابل بین ساختار اجتماعی و سازمان فضایی محله پرداخته شده است. در گام آخر نیز خصوصیات سازمان فضایی متناسب با شرایط فعلی محله معرفی شده گشته است. روش تحقیق این مطالعه، روش موردی و نشانه‌شناسی بوده و از شاخص‌های ویلیامز (۱۹۵۴) و تکنیک‌های مطالعه اسنادی، مصاحبه نیمه ساخت‌یافته و پرسشنامه برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است.

واژگان کلیدی: بافت فرسوده تاریخی، باز زنده‌سازی، منظر شهری، سازمان فضایی، جامعه ارگانیکی و مکانیکی، مطالعه موردی، نشانه‌شناسی

۱. کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه تهران

۲. کارشناس ارشد معماری دانشگاه بین‌المللی قزوین، کارشناسی ارشد معماری منظر دانشگاه تهران

بررسی ارتباط متقابل بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی ساکنین بافت های فرسوده با میزان مشارکت آنها در تهیه طرح های منظر شهری با تأکید بر نوسازی

مصطفی عباس زادگان^۱، احمد خداوندی^۲

به طور کلی ساکنین بافت های فرسوده به دلیل عدم آگاهی کافی، با روند تهیه بافت های فرسوده و اهداف آنها آشنا نمی باشند. از آنجا که سطح سواد، آگاهی و وضعیت اقتصادی این افراد از حد متوسط پایین تر است، لذا توجه به مشارکت در این گونه طرح ها از اهمیت زیادی برخوردار است. بر این اساس می بایست با تشکیل گروه ها و جلسات، هدف میزان آگاهی ساکنین را در ارتباط با اهداف نوسازی و بهسازی بافت های فرسوده بالا برد و از پتانسیل نیروی انسانی با توجه به عواملی چون سرمایه اجتماعی نهفته در بافت، به میزان مشارکت آنها در تهیه طرح ها تحقق بخشید.

باتوجه به این امر هرچه میزان پایگاه اجتماعی و اقتصادی ساکنین بافت های فرسوده بالاتر باشد میزان مشارکت آنها در تهیه طرح ها نیز بیشتر است و بالعکس.

واژگان کلیدی: پایگاه اجتماعی - اقتصادی، سرمایه اجتماعی، مشارکت، گروه های هدف

۱. دکتری طراحی شهری، مدیر گروه شهرسازی دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران

۲. کارشناس ارشد شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران

بررسی تأثیر گذاری فضاهای رها شده شهری در افت کیفی مناظر شهری بافت‌های تاریخی (نمونه موردی بافت تاریخی شهر یزد)

مجتبی آراسته^۱

بافت تاریخی شهر یزد، یکی از ارزشمندترین بافت‌های تاریخی شناخته شده در دنیاست. این بافت که روزی محل زندگی اقشار اصیل و متمکن شهر یزد بوده، امروزه به محل زندگی اقشاری با درآمد پائین و اغلب غیر بومی جامعه شهری یزد تبدیل شده است همین مساله بافت فوق را به سمت فرسودگی کامل نزدیک‌تر می‌کند. یکی از نشانه‌های فرسودگی در این بافت، شکل‌گیری فضاهای تخریب یا رها شده است. این فضاها علاوه بر تشویش مناظر بصری بافت تاریخی، به محل مناسبی برای فعالیت‌های نامتعارف هنجارشکنان تبدیل شده است. درحالی‌که سلامت بصری مناظر این بافت‌ها نیز به دلیل داشتن ارزش‌های میراثی فراوانی از منظر فرهنگی، تاریخی و توریستی، اهمیت زیادی دارد. فضاهای رها شده به مرور مناظر بصری و کالبدی نامناسبی را در بافت ایجاد کرده و فرصت توسعه درون‌زا از شهر گرفته می‌شود. روش تحقیق این مطالعه از نوع توصیفی-تحلیلی، بر اساس مطالعه میدانی و بر مبنای تکنیک تلفیقی *AHP-SWOT* است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، یکی از علل اصلی شکل‌گیری فضاهای رها شده در دل بافت تاریخی، مهاجرت ساکنان اصلی و متمکن از این بافت‌ها به سایر نقاط شهر یزد و عدم توان اقتصادی و در نتیجه عدم دلسوزی ساکنان جدید و اغلب غیربومی، برای بازسازی مناظر این بافت‌هاست. این تحقیق ابتدا علت وقوع این پدیده را در بافت مرکزی شهر یزد مورد بررسی قرار داده، سپس با بررسی رویکردها و تجارب جهانی و داخلی در برخورد با این معضل، برنامه‌ای راهبردی را برای توسعه این فضاها و تقویت مناظر ارزشمند شهری موجود در بافت‌های تاریخی ارائه کرده است.

واژگان کلیدی: بافت تاریخی، فضاهای رها شده، منظر شهری، رشد هوشمند، تکنیک تلفیقی *AHP-SWOT*

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران

بررسی منظر شهری مناطق حاشیه نشین و تاثیر آن بر سلامت روحی - روانی (مطالعه موردی شهر ایلام)

سجاد دامیار^۱

حاشیه‌نشینی به مفهوم امروزی آن، با رشد شتابنده شهرنشینی و افزایش میزان مهاجرت روستائیان به شهرها پدید آمد. حاشیه‌نشینی مقوله‌ای است که از برخورد یا پیوند دو نظام فرهنگی متفاوت و احیاناً متخاصم به وجود می‌آید و با ایجاد پدیده‌ای به نام دوگانگی فرهنگی، منجر به بروز مسائل و مشکلات متعدد خواهد شد. یکی از این جنبه‌ها مربوط به سلامت روانی از دیدگاه منظر شهری است.

فرسودگی ساختاری، آشفته‌گی و درهم‌ریختگی بصری، دوگانگی و یا تضاد فرهنگی و کالبدی (تضاد روستایی- شهری) و بی‌هویتی معماری از ویژگی‌های منظر شهری مناطق حاشیه‌نشین محسوب می‌شود که حاصل بی‌توجهی و عدم برنامه‌ریزی شهری مناسب در این مناطق است. بر اساس تجربیات بشری، روح و روان انسان از آن چه که در طول شبانه روز به شکل بصری و شنیداری درک می‌کند، متاثر است. لذا تشویش، دوگانگی و بی‌هویتی می‌تواند تاثیرات مخربی بر سلامت روان داشته باشد.

در این مقاله ابتدا در منطقه مورد مطالعه (شهر ایلام)، نقاط حاشیه‌نشین تعیین شده، از دیدگاه منظر شهری، اصول معماری و همچنین از لحاظ مسائل و مشکلات کالبدی و زیبایی‌شناسی بصری مورد بررسی و ریشه‌یابی قرار می‌گیرد. سپس تاثیر این مناظر بر هویت و سلامت روحی- روانی مردم مورد تجزیه و تحلیل واقع شده و در پایان نیز پیشنهادها و راهکارهایی در سطح کلان و منطبق بر اصول معماری و شهرسازی همسو با بهبود وضعیت با کمترین تخریب‌ها و خسارات ارائه می‌گردد.

واژگان کلیدی: منظر شهری، حاشیه‌نشینی، دوگانگی فرهنگی، زیبایی‌شناسی، سلامت روانی

۱. کارشناس ارشد معماری و عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور ایلام

برنامه‌ریزی منظر برای بهسازی سواحل شهری (مطالعه موردی ساحل شهر بوشهر)

رضا قشقایی^۱

سواحل از حوزه‌های با اهمیتی هستند که علاوه بر تاثیر بسزا در اکوسیستم شهر به عنوان اندام طبیعی و عنصری اکولوژیک، در سازمان فضایی، بصری و کالبدی شهر نیز یک عنصر شاخص و تاثیرگذار محسوب می‌شوند. این عرصه حد فاصل بستر طبیعی و محیط مصنوع درون شهر می‌باشد و ضمن آنکه از مختصات نسبی هر دو محیط بهرمنند است، از هویت و شخصیتی مستقل نیز برخوردار است. حوزه‌های برخوردار از هویت ویژه، تاثیرات غالبی بر تصویر ذهنی شهروندان از شهر دارند و مستقیماً بر احساس شهروندان در خصوص مطلوبیت یا عدم مطلوبیت مکان و از همه مهم‌تر ایجاد حس تعلق خاطر تاثیر گذارند. توجه شهرها به ساحل و حضور جلوه‌های آب در فضای شهری و همچنین استفاده از پتانسیل‌های احیا ساحل به عنوان مهم‌ترین و اساسی‌ترین نشانه شهری، پیوند آن با شهر و در ادامه تقویت هویت شهر و ارتقاء زندگی شهری، تلاش‌هایی هستند که جوامع برای رسیدن به فضای شهری مناسب تر دنبال می‌کنند. این مقاله به دنبال تبیین جایگاه سواحل شهری و نقش آن در شکل دهی منظر شهری و ارائه اصول و چارچوب برنامه‌ریزی و طراحی منظر ساحلی در قالب راهکارهایی جهت بهبود وضعیت سواحل شهری می‌باشد. لذا نخست مبانی پایه طراحی، اصول و ملاحظات طراحی سواحل شهری مطرح می‌گردد و سواحل از نقطه نظر نقش و جایگاه و عملکرد شهری و توقعات استفاده کنندگان از فضا مورد بررسی قرار می‌گیرد. بر همین مبنا اهداف، راهبردها و سیاست‌های تحقق آنها جهت ساماندهی سواحل مطرح می‌گردد. شناخت و تسلط بر این معیارها از دو جنبه مقایسه تحلیلی و مطالعه موانع و معضلات توسعه سواحل با معیارها و کیفیات مورد توقع از آنها تبیین چارچوب و اصول طراحی و ساماندهی منظر ساحلی قابل بررسی می‌باشد.

روش تحقیق در این پژوهش، مبتنی بر مطالعه کتابخانه‌ای و بررسی‌های تطبیقی پیرامون سواحل شهری و واکاوی پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه می‌باشد. نتایج فوق می‌تواند منجر به ارائه راهکارهایی جهت دهنده در توسعه سواحل شهری در ایران و ایجاد فضاهایی با کیفیت و ایجاد حس تعلق و خاطره انگیزی برای کاربران این حوزه از شهرها باشد.

واژگان کلیدی: منظر شهری، منظر ساحلی، برنامه‌ریزی منظر، قرارگاه رفتاری، نفوذپذیری

بهسازی منظر شهری در بافت های خودانگیخته (اسکان غیر رسمی)

با رویکرد اجتماعی - مکانی

حمزه عباس پور ویشکایی^۱، هما هدایت^۲

امروزه در پروژه‌های منظر شهری به منظور ساماندهی بافت‌های خود انگیخته (اسکان غیررسمی)، دخل و تصرف وسیع و یکباره انجام می‌گیرد که منجر به شکل‌گیری پارک‌های وسیع و زمین‌های بزرگ بازی در بافت می‌شود. عدم شناخت ساختار فرهنگی، اجتماعی و روش زندگی ساکنین این بافت‌ها، نه تنها به این نیازها پاسخ‌گو نیست، بلکه مشکلاتی را نیز بر این بافت‌ها تحمیل کرده است. به عنوان مثال می‌توان به شکل‌گیری مکان‌های جاذب بزهکاران و شکل‌گیری فضاهای بی دفاع اشاره نمود.

بی توجهی به خواست فرهنگی و اجتماعی ساکنین بافت به اصول منظر شهری پایدار، منجر به طراحی فضاهای بی برنامه‌ای شده است که نه تنها پایدار و پویا و زنده نبوده، بلکه پس از اجرا نیاز به متولیان متعدد جهت بهره برداری، نگهداری، نظارت و تامین امنیت آن است. به دلیل شرایط کالبدی، فرهنگی و اجتماعی خاص بافت‌های خودانگیخته، طراحی منظر شهری متفاوت با آنچه در بافت جدید و رسمی شهری اتفاق می‌افتد ضروری به نظر می‌رسد. از طرفی آنچه که نیاز بافت‌های مذکور می‌باشد، زندگی در منظر است و نه زندگی و منظر جدای از هم. در این مقاله با بررسی نیازهای فرهنگی- اجتماعی ساکنین، شناخت شیوه رفتاری آنها در بافت، مشاهده و بررسی رفتارهای تعلق جویانه، سعی در یافتن راه حلی برای ساماندهی فضای عمومی هماهنگ با زندگی ساکنین بافت‌های خودانگیخته هستیم. برای نیل به این هدف به انتخاب بافت مناسب موضوع اقدام نموده و سپس به شناسایی نیازهای ساکنین از طریق مصاحبه، مشاهده و زندگی موقت در بافت می‌پردازیم. در انتها نیز راهکارهایی جهت مرتفع نمودن نیازهای ساکنین از نگاه منظر شهری ارائه می‌گردد.

واژگان کلیدی: بافت خودانگیخته، رویکرد اجتماعی- مکانی، طراحی منظر پایدار، مشارکت اجتماعی

۱. کارشناس ارشد معماری منظر دانشگاه شهید بهشتی

۲. کارشناس ارشد طراحی شهری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

بهسازی ونوسازی بافت‌های فرسوده فرصتی جهت بازآفرینی منظر شهرها (مطالعه موردی شهر آمل)

صدیقه لطفی^۱، شهربانو براری طرقچی^۲، عبدالحمید محمدی^۳

بافت‌های تاریخی علاوه بر اینکه واجد ارزش‌های نادرزیبایی شناختی و تداوم خاطرات جمعی و هویت بخشی شهرهای ما می‌باشند، هنوز محل سکونت و معیشت تعداد زیادی از شهروندان نیز هستند. این بافت‌ها به همان اندازه که ارزشمند و گرانبها هستند، در مقابل سوانح و بلایای طبیعی آسیب پذیر بوده و از لحاظ اجتماعی، روانی و اقتصادی نیز مشکلاتی را برای ساکنان خود به همراه دارند. بهسازی و ونوسازی شهری می‌تواند به بازآفرینی منظر شهری کمک کند. مقاله حاضر با طرح موضوع، تلاش می‌کند با بیان این پیش فرض که بافت‌های فرسوده شهری در شمال ایران بر منظر کلی شهر تأثیر منفی می‌گذارند، شهرآمل را به عنوان نمونه انتخاب نماید.

هدف اصلی این تحقیق، بررسی نقش نوسازی و بهسازی در بازآفرینی منظر شهر مورد مطالعه است. بنابراین پژوهش با اتخاذ روشی توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از ابزار پرسشنامه، مصاحبه و مشاهده به تجزیه و تحلیل محتوای موضوع می‌پردازد. همچنین با بهره‌گیری از تصاویر ماهواره‌ای و نرم‌افزارهای *AUTOCAD* و *GIS*، نقشه‌های تکمیلی از موقعیت بافت‌ها در شهر ارائه می‌شود. نتایج تحقیق نشان می‌دهد، بهسازی ونوسازی شهری نقشی انکارناپذیر در بهبود شاخص‌های زندگی شهری و سیما و منظرشهر دارد. البته اگر ساختارهای اجتماعی و فرهنگی و با برنامه‌ریزی براساس شناخت و ارزیابی محیط جغرافیایی به اجرا درآید و از مشارکت مردمی نیز استفاده شود.

واژگان کلیدی: بهسازی ونوسازی شهری، منظرشهری، مشارکت مردمی، محله، آمل

-
۱. عضو هیأت علمی دانشگاه مازندران
 ۲. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه مازندران
 ۳. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه مازندران

تأثیرات اجرای پروژه‌های نوسازی بر منظر بافت‌های تاریخی شهری و ارائه راهبردهای ارتقاء کیفیت منظر بافت‌های تاریخی

مجتبی شریف نژاد^۱، حامد اخگر^۲، الناز فیض شعار^۳، مریم شریف نژاد^۴

از زمانی که اصطلاح منظر به صورت رسمی توسط انجمن معماران آمریکا (A.S.L.A)، در سال ۱۸۷۰ پا به عرصه معماری و شهرسازی نهاد؛ تا کنون مباحث زیادی پیرامون مفهوم و محتوای آن ارائه شده که هر کدام ابعاد مختلفی از این مفهوم را روشن می نمایند. اساساً منظر به واسطه تعریف یک موجودیت کالبدی شکل گرفته و به تدریج و در تداوم تاریخی به واسطه گروه‌های انسانی، ادراک می گردد. از این نظر اصطلاح منظر اساساً پدیده‌ای عینی و ذهنی است که از برآیند مجموعه موجودیت‌های محیطی - کالبدی و ادراکات انسان که وابسته به الگوهای ذهنی - تاریخی - فرهنگی است، شکل می گیرد. از این نظر با توجه به پیشینه غنی فرهنگی - تاریخی شهر یزد و تلفیق عینیت‌های کالبدی کهن با ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی امروز، منظر شهری بافت تاریخی شهر یزد از اهمیت دو چندان برخوردار خواهد بود. از این نظر در تحقیق حاضر که از جمله تحقیقات توصیفی - تحلیلی بوده و پژوهشی کاربردی است؛ با بررسی ابعاد مختلف منظر شهری در بافت تاریخی شهر یزد که طرح‌های نوسازی در آن اجرا شده است؛ تغییرات مختلف بررسی شده است. در همین راستا به منظور شناسایی تغییرات ذهنی از پرسشنامه و تهیه اسکیس از شهروندان و ساکنین استفاده شده است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که در اغلب موارد نوسازی انجام شده باعث ایجاد منظر ناهماهنگ با محیط چه به لحاظ کالبدی و چه غیر کالبدی شده و از این نظر افول کیفیت منظر بافت را به دنبال داشته است. تنها برخی از موارد، سعی در ایجاد منظری با خوانایی مناسب و یکپارچه در تداوم و تکوین سیر تاریخی شهر یزد داشته است. در انتها سعی شده تا نتایج به دست آمده در غالب راهبردهای برنامه ریزی، طراحی و مدیریتی در راستای ارتقاء کیفیت منظر بافت‌های فرسوده شهری ارائه گردد.

واژگان کلیدی: منظر، منظر شهری، بافت تاریخی شهری

۱. مدرس گروه شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان و دانشگاه یزد

۲. مدرس دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شاهین شهر، اصفهان

۳. کارشناس شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان

۴. کارشناس شهرسازی، دانشگاه یزد

تبیین ساختاری برای مدیریت بصری شهر با تکیه بر چارچوب زیباشناسی منظر و تأثیر آن بر ادراک شهروندان

سمیه بزرگ‌زاده^۱، نسترن حدیدی^۲، فاطمه آیت‌اللهی^۳

با روند رو به رشد شهرنشینی و سرعت بالای تغییرات آنچه در ساختار شهرهای امروز بیش از هر چیز در معرض تهدید قرار دارد، منظر شهری است که نمود بحران در طراحی شهری، مدیریت و برنامه‌ریزی بصری شهر است. عدم وجود ساختارهای مطلوب مدیریت بصری و رویکردی جامع به منظر شهری، از یک سو آشفتگی و اغتشاش و از سوی دیگر یکنواختی و ناهماهنگی را در منظر-شهری سبب شده و تجربه زیباشناختی شهروندان و ادارک آنها را از شهر تحت تأثیر قرار داده است. یکی دیگر از دلایل عمده عدم وجود منظر شهری مطلوب، وجود ابهام و نظریه‌های متفاوت در مفهوم دو واژه منظر شهری و سیمای شهری در میان صاحب‌نظران است. منظر شهری به معنای آنچه که از ظاهر شهر می‌بینیم به واسطه رابطه متقابل بین انسان و محیط ادراک می‌شود و تصویر ذهنی از شهر ایجاد می‌کند که به آن سیمای شهری گفته می‌شود. به همین جهت سازمان بصری و سازمان ادارکی به اندازه‌ای درهم تنیده‌اند که مطالعه آنها از یکدیگر قابل تفکیک نیست.

به منظور ایجاد منظر و سیمای شهری مطلوب، تدوین ساختاری با رویکرد جامع اهمیت می‌یابد تا به دنبال مدیریت و سازماندهی منظر و سیمای شهر، کیفیت طراحی شهری را ارتقا داده و در نهایت فرایند مدیریت و توسعه شهری را هدایت نماید.

هدف این مقاله بررسی چارچوب ساختار زیباشناسی منظر، بازشناسی رویکردهای آن در مقیاس‌های مختلف (کلان، میانی، خرد)، برنامه‌ریزی منظر شهری و تدوین ساختاری از منظر شهری است که سیمای شهری مطلوبی را برای شهروندان ایجاد کند.

در این نوشتار نخست چارچوب زیباشناسی منظر مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس نقش زیباشناسی منظر در مدیریت و برنامه‌ریزی بصری شهر تبیین می‌گردد. آنگاه ساختاری به منظور مدیریت بصری شهر ارائه شده و تأثیر آن در ادارک شهروندان در مقیاس‌های مختلف دیده می‌شود. در نهایت نیز این ساختار در قالب نمونه موردی شهر نیاسر مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: زیباشناسی منظر، مدیریت بصری، منظر شهری، سیمای شهری

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری دانشگاه هنر اصفهان

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری دانشگاه هنر اصفهان

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری دانشگاه هنر اصفهان

تحلیل ساختار ادراکی - بصری و ارائه راهکارهای ارتقاء کیفیت سیما و منظر در شهر جدید سهند

محمد رضا پورجعفر^۱، محمدرضا بمانیان^۲، محسن حسینی^۳

احداث شهرهای جدید که از اواخر دهه شصت در ایران و با هدف پاسخ‌گویی به نیاز مسکن در شهرهای بزرگ و اسکان سرریز جمعیت در این شهرها آغاز گردید، علاوه بر نتایج کارآمد، مسائلی را نیز به همراه داشت. عدم برخورداری از کیفیت‌های بصری، سیمای شهری یکنواخت و عدم برخورداری از کیفیت خوانایی... از جمله مسائل مطرح این شهرها در حیطه طراحی و منظر شهری است. این در حالی است که برنامه‌ریزی، طراحی و اجرا در این شهرها، قابل کنترل بوده و می‌توان از این قابلیت در ارتقاء کیفیت سیما و منظر بهره گرفت.

در این مقاله با بهره‌گیری از رویکرد توصیفی-تحلیلی و با استفاده از تکنیک *SWOT*، ساختار ادراکی-بصری شهر جدید سهند مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته است. مطالعه صورت گرفته بیانگر این نکته است که پتانسیل‌های طبیعی بسیاری در محدوده این شهر و حوزه فراگیر آن وجود دارد که می‌توان از این پتانسیل‌ها، از یک طرف در ارتقاء کیفیت سیما و منظر شهری در فازهای اول و دوم مجموعه شهر که در حال ساخت است و فاز سوم مجموعه که در حال طراحی و آماده سازی است، بهره گرفت. کریدورهای دید مناسب به سمت کوه‌های اطراف و قله کوه سهند، استقرار این شهر بر روی بلندی، اختلاف ارتفاع در قسمت‌های مختلف شهر، تپه بودن سایتی که شهر بر روی آن استقرار یافته است و... از جمله پتانسیل‌های موجود به منظور ارتقاء کیفیت سیما و منظر در شهر جدید سهند است.

نتایج بدست آمده از این مقاله بیانگر این مطلب است که برنامه‌ریزی در انتخاب فرم، ارتفاع، رنگ و نوع مصالح و... در طراحی و احداث ساختمان‌ها (چه ساختمان‌های عمومی و چه مسکونی)، بهره‌گیری از پتانسیل‌های طبیعی موجود و بهره‌گیری از دانش طراحی شهری و طراحی منظر در مکان یابی، برنامه‌ریزی و طراحی این شهرها، از جمله قابلیت‌ها و پتانسیل‌های موجود برای ارتقاء سیما و منظر شهری در شهرهای جدید است.

واژگان کلیدی: شهر جدید سهند، پتانسیل‌های بصری، سیما و منظر شهری

۱. دانشیار گروه شهرسازی دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس

۲. دانشیار گروه شهرسازی دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس

۳. فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد طراحی شهری دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس

تدوین اصول کلی طراحی شهری

در ارتقاء منظر شهری بافت‌های فرسوده

(نمونه موردی محلات خزانه بخارایی و صابون‌پزخانه امام علی (ع) شهر تهران)

مصطفی عباس‌زادگان^۱، مهدی ساشورپور^۲

امروزه توجه به ساماندهی بافت‌های فرسوده شهری در ایران، به دلیل وسعت و نقش آنها در سکونت عده کثیری از ساکنین شهرها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار گردیده است. قسمت عمده این بافت‌ها در بطن و مرکز شهرها و در ارتباط با عناصر ساختاری شهر قرار گرفته و شاکله اصلی منظر شهری در ابعاد ذهنی و عینی را بوجود می‌آورند. بنابراین طراحی و ساماندهی منظر چنین بافت‌هایی با رویکرد ارتقاء کیفیت بصری و ادراکی، نقش مهمی را در ایجاد منظر شهری مطلوب ایفا می‌نماید. در ارائه و تدوین اصول و ضوابط طراحی شهری، بایستی به موارد متعددی چون ارائه الگوی معماری و نماسازی، عناصر بصری محیط، طراحی الگوی توده و فضا، تراکم پیشنهادی قطعات، طراحی فضاهای سبز و طبیعی و بسیاری از موارد دیگر توجه گردد. در این مقاله تلاش گردیده تا با بررسی طرح‌های منظر شهری محلات خزانه بخارایی و صابون‌پزخانه امام علی (ع) شهر تهران، به تدوین کلی و ارائه راهکارهای مناسب طراحی منظر شهری در بافت‌های فرسوده پرداخته شود.

واژگان کلیدی: منظر شهری، بافت فرسوده، اصول طراحی

۱. مدیر گروه شهرسازی مهندسين مشاور فجر توسعه جهاد دانشگاهی و عضو هیأت علمی دانشگاه علم و صنعت

۲. کارشناس ارشد طراحی شهری مهندسين و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد زنجان

جایگاه معماری منظر در حیات بافت های تاریخی

صالحه بخارائی^۱، محمود خلیلی^۲

بافت تاریخی و قدیم شهرهای ایران، نمود سیطره فرهنگ، فکر و جان انسان در بستر و کالبد محیط است. شهرسازی و معماری این مرز و بوم حاصل ویژگی‌های موثری در حیات اکولوژیکی، فرهنگی، اجتماعی، روانی و... آن است که زیستن در زیست بومی آنچنین (با محدودترین ابعاد آسایشی، تابش شدید خورشید، هجوم بادهای سوزان کویری، میزان بارش بسیار کم در سکونت‌گاه‌های حاشیه کویر که وسیع‌ترین پهله اقلیمی ایران را به خود اختصاص داده) را برای ساکنین آن مهیا کرده است.

در مقیاس معماری و شهرسازی کهن، اصول توجه به فضای باز در ابعاد مختلف، اگر مهم‌تر از کالبد معماری نباشد، کمتر از آن نیست. نگرشی جامع به منظر کالبدی بافت کهن شهری در مقیاس کلان و ارتباط واحدهای شهری با محیط و همچنین توجه به منظر عمومی، نیمه عمومی و خصوصی شهر و نحوه تبیین فضای باز و منظر در آن که ریشه در ارتباط دیرینه انسان با طبیعت و اغناء این نیاز او از طرق مختلف دارد، گویای مطلب فوق است. این ارتباط فضای باز و بسته، حیات را در ابعاد مختلف و در ایده آل‌ترین حالت ممکن در دل بافت تاریخی شهر سنتی داشته است (آنچه در شهر امروزی کاملاً به دست فراموشی سپرده شده است).

در این مقاله سعی بر این است که با بررسی آنچه در گذشته در خصوص ارتباط بلافصل محیط و منظر با کالبد بافت تاریخی شهر و معماری داشته‌ایم و همچنین لایه شناسی شهر سنتی از دیدگاه معماری منظر، به تبیین جایگاه آن در حیات بافت تاریخی پرداخته شود. بدین منظور ابتدا هسته‌های سکونت‌گاهی شهری در طول تاریخ را کالبد شناسی نموده و با شناخت و تحلیل جایگاه محیط و منظر در کالبد بافت تاریخی شهر از مقیاس خرد تا کلان، گونه شناسی فضای باز در بافت و شناخت ابعاد حیات در آن، نقش معماری منظر در حیات بافت تاریخی بررسی خواهد شد.

از اصول شناخته شده در طول تحقیق و تحلیل حاصل از آن می‌توان جهت ارائه پیشنهاداتی در توسعه منظر شهرهای امروزی استفاده شایانی نمود.

واژگان کلیدی: معماری منظر، بافت تاریخی شهر، شهر ایرانی، منظر شهری، منظر کالبدی، منظر اکولوژیکی، حیات بافت سنتی

۱. دانشجوی دکتری معماری دانشگاه شهید بهشتی

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری منظر دانشگاه شهید بهشتی

خوانش منظر شهری در بافت‌های فرسوده

سحر قاسمیان^۱

امروزه آشنایی با منظر شهری شهرهای مختلف ابعاد جدیدی به خود گرفته و می‌تواند علاوه بر پاسخ گویی به مسائل زیباشناسی در مسائل کلان‌تری چون ارتقاء شهرها، مؤثر واقع شود. اهمیت منظر شهری از آن روست که کلیت شهر را به مثابه یک "متن" آشکار کرده و امکان "قرائت" و "خوانش" این متن را فراهم می‌آورد. در آینه منظر شهری ابعاد ناملموس حیات مدنی، همچون فقر و غنا، سلطه نهادها و ارزش‌های معین، سلايق زیباشناختی خرده فرهنگ‌ها، عمق تاریخی شهر و غیره از طریق نظامی از نشانه‌ها امکان تجلی و بروز خارجی یافته و ارزیابی مثبت و یا منفی را میسر می‌سازد. بر این اساس امکان انجام آسیب‌شناسی از طریق مطالعه منظر شهری وجود دارد. با استفاده از این ابزار می‌توان به علل آشفتگی منظر شهری بافت‌های فرسوده که عمدتاً بافت‌های تاریخی شهرها را هم در بر گرفته‌اند و یکی از معضلات بافت‌های فرسوده محسوب می‌شوند، پی برد. این منظر شهری آشفته، برآیند لایه‌های مختلفی است که تأثیر هر کدام از آنها را می‌توان از قرائت منظر شهری دریافت کرد. لایه‌هایی چون نیروهای اقتصادی - اجتماعی و مدیریتی حاکم که در دوران‌های مختلف تأثیرات مختلفی بر روی دیگر لایه‌ها چون نحوه پراکندگی کاربری‌ها، نظام حرکت و دسترسی و نهایتاً فرم کالبدی گذاشته و در مجموع منظر شهری بافت را شکل داده‌اند.

این رویکرد از این دیدگاه سرچشمه می‌گیرد که بحران در منظر شهری، نشان‌دهنده بحران در طراحی شهری است و بحران در طراحی شهری نیز نشان‌دهنده بحران در فرآیندهای توسعه و مدیریت شهری است. براین اساس در این مقاله تلاش شده است که با مطالعه منظر شهری بافت‌های فرسوده در سه سطح کلان، میانه و خرد، با دلایل و عواقب این بحران آشنا شده و با استفاده از این ابزار، رهنمودهای طراحان در زمینه ارتقاء کیفیت منظر شهری که عامل ایجاد ارزش افزوده اقتصادی، اجتماعی و محیطی است و همچنین راه‌حلی برای نجات بافت‌های فرسوده، ارائه کرد.

واژگان کلیدی: منظر شهری، بافت‌های فرسوده، خوانش، نشانه‌ها، ارزش افزوده

۱. کارشناسی ارشد طراحی شهری دانشگاه شهید بهشتی

راهبردهای ساماندهی منظر شهری روستا- شهر جماران در تهران امروز

سمانه یاراحمدی^۱

با توسعه شتابان شهرها که در پی تحولات سریع اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جوامع اتفاق می‌افتد، دامنه گسترش کالبدی شهرها فراتر از اراضی پیرامونی، به سکونت‌گاه‌های مجاور که به شکل روستاهایی خودکفا در طول تاریخ شکل گرفته‌اند، نیز می‌رسد. محلات کنونی تهران چون جماران، امامزاده قاسم، چیدر، ده ونک، اوین، درکه، فرحزاد، طرشت و بسیاری دیگر از این قبیل که در محدوده کنونی شهر تهران قرار گرفته و هر یک به عنوان محلاتی از این شهر مطرح هستند، در گذشته‌ای نه چندان دور روستاهایی بوده‌اند که در عین خودکفایی مناسبات بسیاری نیز با یکدیگر داشته‌اند.

پیچیدگی اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، کالبدی و ترافیکی محله جماران که تلفیقی از خصوصیات روستایی و شهری در ابعاد مختلف می‌باشد، موجب می‌شود که این مجتمع زیستی نه از خصوصیات کامل یک روستا برخوردار باشد و نه ویژگی‌های یک جامعه شهری را در خود داشته باشد. همچنین پیوند خوردن این محله با فرهنگ سیاسی- انقلابی ایران بر اهمیت شناخت صحیح این بافت جهت برنامه‌ریزی سنجیده‌تر افزوده و موجب ناکافی و ناکارآمد شدن طرح‌های موضوعی و موضعی می‌شود.

در این تحقیق، نگاه سیستمی و کل‌نگر به محله جماران و حفظ و احیای سازمان فضایی تاریخی و ذهنی ساکنین به عنوان مهم‌ترین راهبرد ساماندهی منظر شهری روستا- شهر جماران در تهران امروز مطرح شده و تفکیک لایه‌های کارکردی آن در دو مقیاس ملی (برای بازدید کنندگان حسینی و بیت امام)، محلی (برای ساکنان) و تداوم نمادهای منظر شهری جماران شامل ابنیه و فضا (راسته و گذر)، عناصر (درخت‌های چنار و...)، نظرگاه‌ها (دید از باغ پایین حسینی جدید)، چشم‌اندازها (دید به کوه) و جزئیات (کفسازی، مصالح، دیوار کوجه‌ها، لبه بام‌ها، شیروانی‌ها یا لبه‌های تخت چوبی و...) به عنوان راهبردهای مکمل ساماندهی محله مورد بررسی قرار می‌گیرند.

واژگان کلیدی: روستا- شهر، منظر شهری، جماران، رویکرد کل‌نگر، سازمان فضایی تاریخی و ذهنی.

۱. کارشناسی ارشد معماری منظر، دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا

ساماندهی منظر شهری در بافت‌های تاریخی با تأکید بر عناصر و نشانه‌ها (نمونه موردی بافت تاریخی شهر ساری)

نازنین تبریزی^۱، سارا کلاتتری^۲، امیر خلعت بری^۳

بافت تاریخی شهر ساری یکی از ارزشمندترین بافت‌های شهری در استان مازندران محسوب شده و همواره به عنوان یک اثر با ارزش مطرح است. لزوم حفظ ارزش‌های این بافت در کنار منظر سازی مناسب و تداوم جریان حیات در آن (انطباق با زندگی امروزی) موضوعی است که چندان آسان نبوده و نیازمند مطالعه و بررسی فراوان و دقیق می‌باشد. استخوان‌بندی محدوده، علی‌رغم تأثیرپذیری از مداخلات اوایل قرن حاضر، توانسته پیوندهای خود را با مراکز محلات و ابنیه مذهبی که محل تعاملات اجتماعی بوده‌اند، حفظ نماید. اما نشانه‌ها در بافت که یکی از دلایل عمده دریافت حس خوانایی از محیط و زیبایی منظر آن می‌باشد، با مداخلات انجام شده، کمرنگ گردیده است. بدین ترتیب جهت ارتقاء منظر شهری در محدوده و جلوگیری از فرسودگی بافت تاریخی و انطباق ارزش‌های تاریخی با نیازهای امروز، لازم است با شناسایی نشانه‌های بصری و ذهنی در محدوده و تقویت آن‌ها به ساماندهی منظر شهری در بافت پرداخت.

مقاله حاضر با هدف ارتقاء کیفیت مناظر شهری در محدوده مورد مطالعه و با استفاده پیمایش و مطالعات میدانی تلاش نموده این فرضیه را به اثبات برساند که استفاده مناسب از عناصر و نشانه‌های شهری در بافت‌های تاریخی ضمن ساماندهی منظر شهری، بافت‌های مذکور را از خطر نابودی حفظ می‌نماید.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که به علت وضعیت موجود بافت و مشکلات فراوان آن، به کارگیری نشانه‌ها برای ساماندهی منظر این بخش از شهر ساری ثمربخش بوده و با به کارگیری عناصر مذکور می‌توان به تثبیت و تقویت خوانایی سازمان فضایی بافت دست یافت. بدین ترتیب فرضیه ارائه شده اثبات می‌شود.

واژگان کلیدی: بافت تاریخی، ساماندهی، منظر شهری، نشانه‌های شهری

۱. دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی شهری - دانشگاه اصفهان

۲. کارشناس ارشد شهرسازی - گرایش برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای - دانشگاه شهید بهشتی

۳. کارشناس ارشد شهرسازی - گرایش برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای

سیما و منظر در شهرهای جدید از تئوری تا اجراء

(نمونه موردی شهر جدید هشتگرد)

رحیم هاشم پور^۱

احداث شهرهای جدید در ایران از اواخر دهه ۶۰ مورد توجه قرار گرفت و در ۱۰ سال اخیر مسیری را طی کرد که می‌تواند به عنوان بخشی از استراتژی‌های توسعه مبتنی بر نظریه‌های تجربه شده در دنیا، کلید حل بسیاری از مسائل شهری کشور باشد.

در اهداف و سیاست‌های احداث شهرهای جدید، مسائل زیادی از قبیل استفاده از نظریه‌های پیشرفته در طراحی این‌گونه شهرها در دستور کار مشاوران قرار گرفت که معلوم نیست به چه دلیلی اغلب شهرهای جدید در کشور ما از یک سیما و منظر مناسبی برخوردار نیستند. به نظر می‌رسد یکی از دلایل این اتفاق مهم نگاه بیش از حد به اصول مبانی برنامه‌ریزی و یا عجله زیاد در به نتیجه رساندن احداث شهرهای جدید می‌باشد. متأسفانه به هر دلیل ممکن، امروزه سیما و منظر شهری در شهرهای جدید دارای یک انسجام واحد نبوده و در اکثر مکان‌های استراتژیک و حساس (میادین و گرہ‌های مهم شهری) که در آینده مکان‌های هویتی شهر محسوب می‌شوند، عدم توجه به بحث سیما و شهری بطور واضح به چشم می‌خورد.

شهر جدید هشتگرد از نمونه شهرهای جدید است که در فاصله ۶۵ کیلومتری شهر تهران قرار گرفته است. وجود فضاهای مهم شهری مثل میادین و گرہ‌ها بدلیل نگاه صرفاً برنامه‌ریزی، برخی از این فضاها را در شب هنگام نا امن جلوه می‌دهد. اختلاف در تعیین سرانه و برنامه‌ریزی کاربری‌ها در بازنگری مجدد طرح جامع و اختلاف قابل توجه‌ای که در کالبد شهر جدید هشتگرد بعمل آمده، جدایی بیش از حد تئوری طراحان و اجراء آن را بیان می‌کند. بازنگری در طرح‌ها باید با اولویت تئوری‌ها و اهداف اولیه شهر بوده و تغییر و تحول در راستای همان نظریه‌ها صورت گیرد.

در این مقاله با پرداختن به روند رشد و توسعه شهرهای جدید و با اشاره به نمونه موردی شهر جدید هشتگرد، سعی بر آن خواهد بود که اهمیت سیما و منظر شهرهای جدید که در آینده، آینده تاریخ و هویت شهروندی این شهرها می‌باشد، مورد توجه قرار گیرد. از سوی دیگر حساسیت مسئولین محترم را برای بکارگیری بموقع از متخصصین طراح، منظر و سیمای شهری برانگیخته و بر آن تاکید نماید.

واژگان کلیدی: سیما، منظر، شهرهای جدید، شهر جدید، هشتگرد، طرح جامع، میدان

۱. دکترای آمایش و شهرسازی از فرانسه و عضو هیات علمی دانشگاه بین المللی امام خمینی(ره)

طراحی منظر شهری در بافت‌های جدید

با استفاده از الگوها و ضوابط بافت‌های قدیم شهری

(مطالعه موردی محلات سردار و آخوند (نمونه بافت سنتی و قدیمی شهر)

و شهرک کوثر و مینو در (نمونه بافت جدید) شهر قزوین)

راضیه رضانی^۱

منظر یک فضای شهری شامل کلیه^۱ اطلاعات موجود از آن فضا است که توسط حواس دریافت شده و در فرایند ادراک پردازش می‌گردد. منظر به‌عنوان فرستنده، در برگیرنده^۲ اطلاعات گوناگونی است که می‌توان آنها را به دو دسته^۳ عناصر فیزیکی کالبدی (عینی) و عوامل انسانی (ذهنی) تقسیم کرد. گنبدها، گلدسته‌ها، طاق‌ها و رواق‌ها، سکوها، درب‌ها، کوچه‌ها و... همگی نشانگر اهمیتی است که ساکنین و سازندگان برای مقوله سیمای شهری قائل بوده‌اند. آنها همچنین سعی داشتند تا با ایجاد جذابیت در این فضاها، شهروندان را به مراودات اجتماعی ترغیب کرده و حس تعلق و هویت در افراد را افزایش دهند. در مقابل، بافت‌های جدید امروزی به سرعت احساس کسل‌کنندگی و افسردگی را در انسان بوجود می‌آورند. ساختمان‌های یکسان، همانند و بدون تنوع و واحدهای مسکونی که به راحتی با یکدیگر به اشتباه گرفته می‌شوند. فرد با این ساختمان‌ها هیچ‌گونه رابطه‌ای برقرار نمی‌کند و گویی به او تحمیل شده است.

در پژوهش حاضر افزایش خوانایی و کیفیت منظر شهری در توسعه‌های جدید، بوسیله استخراج الگوهایی از بافت‌های قدیمی که از منظر و سیمای شهری مطلوب‌تری برخوردارند، مدنظر قرار گرفته است. در واقع دو محدوده بافت قدیمی (محلات سردار و آخوند) و بافت جدید (شهرک کوثر و مینودر) از جنبه‌های منظر (جنبه عینی) و سیمای (جنبه ذهنی) شهری مورد بررسی قرار گرفته و پس از انجام مطالعات و برداشت‌های میدانی و دریافت نظرات ساکنین از طریق مصاحبه و ارائه پرسشنامه، در نهایت با مقایسه تطبیقی شاخص‌های مورد بررسی در آنها، الگوها و ضوابط مرتبط از بافت سنتی و قدیمی شهر که مطلوب‌تر سنجیده شده‌اند، استخراج گردیده است. سپس در قالب پیشنهادات، راهکارها و طرح‌هایی برای بافت جدید در محدوده‌های ذکر شده، بکار گرفته شده‌اند.

واژگان کلیدی: طراحی، منظر و سیمای شهر (تصویر ذهنی و عینی)، خوانایی، قزوین

مدیریت منظر شهری در نوسازی بافت فرسوده، محملی برای ارائه و اشاعه الگوی ایرانی - اسلامی منظر

امیر نامنی^۱

شهر موجودی زنده و محصول جریان پیوسته فرایندهای اجتماعی و مکانی است که شهر را در عین تحول و دگرگونی به صورت کلیتی منسجم تداوم می‌بخشد. با گذشت زمان و عدم رسیدگی به برخی بافت‌های شهر، مشکلاتی نظیر مشکلات اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی، حقوقی - مدیریتی و... ایجاد خواهد شد. این مشکلات که در بستر سازی و تشدید علائم فرسودگی نقش بسزائی دارند، بوجود آورنده حوزه‌هایی در شهر هستند که فرسوده خوانده می‌شوند. در این بافت‌ها مقولاتی نظیر ناپایداری کالبدی، دسترسی نامناسب و کمبود خدمات محله‌ای در جهت نامناسب شدن محیط زندگی و مطلوبیت آن و کاهش کارائی بافت، نقش مهمی دارند.

استفاده از منظر شهری در جهت نوسازی بافت‌های فرسوده، زمینه نوسازی اصولی و هم جهت با الگوهای ایرانی - اسلامی را در جهت باززنده سازی این بافت‌ها فراهم خواهد آورد. در عین حال استفاده از نظریه قطب رشد در نوسازی محلات فرسوده، علاوه بر توانمندسازی خود بافت، تعمیم فعالیت‌ها به سایر نقاط شهر و پویایی بیشتر دیگر بافت‌ها را به همراه خواهد داشت. با تلفیق منظر شهری با نظریه قطب رشد، می‌توان به راهکارهای مدیریتی مناسب دست یافت و بدین گونه در جهت ارائه الگوی ایرانی - اسلامی در طراحی منظر شهری و اشاعه آن با بهره‌گیری از این نظریه، نوسازی بافت‌های فرسوده را مدیریت نمود.

این مقاله در نظر دارد تا راهکارهای مدیریتی در طراحی منظر شهری را در جهت ارائه و اشاعه الگوی ایرانی - اسلامی در نوسازی بافت‌های فرسوده به بحث بگذارد.

واژگان کلیدی: مدیریت، منظر شهری، نوسازی، بافت فرسوده، قطب رشد، الگوی ایرانی - اسلامی

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری و منطقه ای، دانشگاه بین المللی امام خمینی قزوین

منظر شهری فرسوده و راه کارهای اصلاح و ارتقاء پایدار آن (مطالعه موردی محدوده بافت فرسوده زینبیه شهر اصفهان)

پیمان مرادیان بروجنی^۱، حجت الله حاج علی اکبری^۲، آرش حاج رسولی^۳ ها

آنچه که این مقاله به آن پرداخته است، بررسی و تحلیل ابعاد مختلف منظر شهری در بافت‌های فرسوده شهری است که به دلیل ویژگی‌های خاص این دسته از بافت‌ها، منظر شهری در آنها نامطلوب، نابسامان و ناپایدار ارزیابی می‌شود. منظر شهری، دارای ابعاد سه‌گانه اصلی زیبایی شناختی، عملکردی و هویت بخشی به شهر و بافت‌های آن است که در بافت‌های فرسوده به واسطه ضعف شدید در این ابعاد، ضرورت ویژه‌ای برای ارتقاء و تبدیل آن به یک منظر پایدار به چشم می‌خورد. در این مقاله با اتکا به مبانی نظری "پایداری منظر شهری"، سیاست‌هایی جهت اصلاح و ارتقاء پایدار منظر شهری در این بافت‌ها ارائه شده است.

این مقاله برآمده از تجارب تهیه طرح‌های ساماندهی بافت‌های فرسوده شهری (نمونه موردی طرح ساماندهی بافت فرسوده محدوده زینبیه شهر اصفهان) است. با توجه به ویژگی‌های خاص پروژه‌های محرک توسعه‌ای که در طرح‌های ساماندهی (بهسازی و نوسازی بافت) این دسته از بافت‌ها تعریف می‌گردد، می‌توان سیاست‌های ویژه‌ای را برای اصلاح جنبه‌های زیبایی شناسانه، کارکردی و هویت بخشی منظر شهری در این بافت‌ها و پیشنهاد نمود.

مهم‌ترین اهداف این نوشته در دو مورد خلاصه می‌شود:

۱. شناسایی علل و عوامل افت منظر شهری در بافت‌های فرسوده و استخراج دلایل فرسودگی منظر شهری با شناخت و تحلیل منظر شهری بافت‌های فرسوده
 ۲. ترسیم فرآیند پایداری منظر شهری در یک بافت فرسوده
- با توجه به ویژگی‌های مشترکی که در بافت‌های فرسوده وجود دارد، می‌توان در طرح‌های ساماندهی بافت‌های فرسوده، راهکارهایی را در دو سطح اقدامات اولیه (کوتاه مدت) و اقدامات ثانویه (بلند مدت) در جهت ارتقا منظر شهری، پیشنهاد نمود.

واژگان کلیدی: منظر شهری پایدار، بافت فرسوده، محله زینبیه شهر اصفهان، سیاست ارتقاء منظر شهری

۱. کارشناس ارشد طراحی شهری

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری

۳. کارشناس ارشد برنامه‌ریزی شهری و منطقه ای

منظر شهری و دغدغه افزایش تراکم ساختمانی

در بافت‌های تاریخی و ارزشمند

(مطالعه موردی بافت تاریخی بندر بوشهر)

محمود تیموری^۱

از ابتدای مطرح شدن موضوع نوسازی و احیای بافت‌های تاریخی در شهرهای ایران، همواره چالش بین حفظ هویت و ارزش‌های تاریخی این بافت‌ها از یک سو و نوسازی و ایجاد شرایط زندگی امروزی مانند تعریض معابر و افزایش تراکم ساختمانی از سوی دیگر مطرح بوده است.

نگرش موزه‌ای برخی مدیران به بافت‌های تاریخی باعث شده تا با حکم محدودیت ارتفاع و حفظ کالبد فرسوده موجود، امکان افزایش تراکم ساختمانی و به تبع آن صرفه اقتصادی نوسازی برای مالکان و ساکنان از بین رفته و احیای بافت‌های تاریخی به محاق افتد. نتیجه کاربست نادرست و غیر منطقی این نگرش، تخریب روزافزون این بافت‌ها و از دست رفتن هویت و منظر ارزشمند شهرهای تاریخی بوده است. در برابر این رویکرد، خواست مردم ساکن این مناطق، نوسازی ساختمان‌های فرسوده با تراکم مناسب جهت رفع نیاز مسکن به همراه معابر و دیگر زیر ساخت‌های امروزی است.

این مقاله در پی معرفی راهکاری برای چالش حفظ هویت تاریخی و امکان افزایش تراکم و تعریض معابر بافت تاریخی با استفاده از تئوری منظر شهری و نگاه سیستماتیک به شهر و هویت شهری است. بگونه‌ای که ضمن ایجاد صرفه اقتصادی برای نوسازی و تداوم حیات کارکردی شهری و شرایط زندگی امروزی، بتوان ارزش‌ها و خاطرات تاریخی شهر را محافظت نمود. این موضوع همراه با معرفی نمونه موردی طراحی منظر شهری قسمتی از بافت قدیمی بندر بوشهر بطور ملموس و کاربردی ارائه می‌گردد.

واژگان کلیدی: منظر تاریخی، هویت شهری، نوسازی شهری، تراکم و تعریض گذر، منظر شهری، نگاه سیستمی، بندر بوشهر.

۱. کارشناس ارشد معماری از دانشگاه تهران و عضو هیات علمی پژوهشکده نظر

نقش ارتقاء منظر شهری در نوسازی بافت‌های فرسوده شهری

سیروان شاهوی^۱، فریکا فاروقی^۲

بافت‌های فرسوده شهری حاصل برهم کنش منفی عوامل اجتماعی، اقتصادی و محیطی است که تداوم آن، زوال محیط زیست و افول کیفیت زندگی ساکنین را در پی دارد. بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری را در واقع می‌توان تبدیل این چرخه منفی به مثبت و ارتقاء کیفیت زندگی در محدوده بافت فرسوده پرداخته و آن را به عنوان یکی از ضروریات ارتقاء کیفیت زندگی در بافت فرسوده و تهیه طرح‌های بهسازی و نوسازی مطرح سازد. فرض بر این است که ارتقاء کیفیت محیطی می‌تواند به روند نوسازی بافت فرسوده کمک کرده و موجب ارتقاء کیفیت زندگی ساکنین این محدوده شود.

نزول کیفیت محیطی و آشفتگی منظر شهری به عنوان یکی از شاخصه‌های اصلی بافت‌های فرسوده شهری تأثیری دو سویه بر روی کیفیت زندگی ساکنین این محدوده دارد و بر این اساس ارتقاء کیفیت محیطی و منظر شهری را می‌توان یکی از راهکارهای نوسازی بافت فرسوده دانست. بر اساس بررسی‌های صورت گرفته، هویت، تنوع، سرزندگی و پایداری که فقدان آن در محیط‌های شهری از جمله مصادیق بافت‌های فرسوده است، از طریق ارتقاء کیفیت محیطی و منظر شهری قابل دستیابی است. رویکرد بازآفرینی پایدار و جامع محیط شهری مستلزم ارتقاء کیفیت محیطی است و در این رهگذار، ارتقاء منظر شهری می‌تواند هم به عنوان آغازگر و هم به عنوان پایدار کننده فرآیند بازآفرینی عمل کند. ارتقاء منظر شهری و کیفیت محیطی در بافت‌های فرسوده، اقدامات متنوعی را شامل می‌شود که دامنه آن از اقدامات بسیار ساده و عاجل کوتاه مدت تا تهیه طرح‌های بلند مدت شهری را شامل می‌شود. به صورت کلی این اقدامات می‌توانند به عنوان یکی از قدم‌های اصلی در تحریک توسعه محیط نگر بسته شود که افزایش مشارکت مردمی و مقبولیت اقدامات در محدوده بافت فرسوده را در پی خواهد داشت.

تهیه «طرح‌های منظر شهری» در محلات بافت فرسوده توسط سازمان نوسازی شهر تهران نیز حاکی از درک ضرورت توجه به منظر شهری و کیفیت محیطی در تهیه طرح‌های بهسازی و نوسازی بافت فرسوده بوده است. جدای از موفقیت و یا عدم موفقیت این طرح‌ها در اجرا، این مقاله سعی دارد با یک بررسی اجمالی، آموزه‌ها و نقاط قوت این طرح‌ها در ارتباط با ارتقاء منظر شهری و کیفیت محیطی را مورد بررسی قرار داده و به یک چارچوب علمی و اجرایی برای تعیین نقش منظر شهری در طرح‌های بهسازی و نوسازی آتی بافت‌های فرسوده شهری برسد.

واژگان کلیدی: منظر شهری، بافت فرسوده، نوسازی، بازآفرینی، ارتقاء کیفیت محیطی

۱. کارشناس ارشد شهرسازی، مدیر عامل شرکت نوسازان منطقه ۱۵ شهر تهران

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری دانشگاه تربیت مدرس

نقش منظر شهری در احیای بافت فرسوده شهرها به عنوان محرک توسعه

نیما استوار^۱

اساساً منظر شهری سطح تماس انسان با پدیده شهر است و این سطح تماس بسته به اینکه بیان کننده چه محتوایی از کالبد است، کیفیت‌های متنوعی را داراست. در واقع نمای زیبا حداکثر می‌تواند ارضا کننده منظر عینی فضا باشد، اما نباید فراموش کرد قسمت دوم آن یعنی منظر ذهنی را فعالیت‌ها و رفتارهای صورت گرفته در فضا می‌سازند.

شاید اهمیت طراحی منظر شهری زمانی بیش از پیش آشکار می‌شود که به آن از دید یک طراح شهری نگریسته شود. به این معنی که باید به ارتباط منظر با کالبد محصور کننده فضا نیز توجه شود. اگر صرفاً فضای خالی بین ساختمان‌ها با هدف ایجاد یک پلان زیبا طراحی شود؛ به زعم جان لنگ این همان نقطه اختلاف طراحی شهری و معماری منظر است. حال نکته مهم تر، توجه به نقش منظر شهری به عنوان محرک توسعه است که انتظار می‌رود اثر فزاینده‌ای بر سرمایه گذاری در محیط اطراف خود داشته باشد و اهمیت آن را در احیای فضاهای شهری فراموش شده شهرها بیش از پیش آشکار سازد.

مکان‌گزینی بی برنامه، کاربری‌های ناسازگار که ناخواسته شامل فعالیت‌ها، رفتارها و سیمای ضد ارزش با فضای شهری هستند، در مجاورت حوزه‌های شهری که دارای پتانسیل بالقوه برای ایجاد یک فضای شهری پویا و خوش منظر می‌باشند، ضمن کاهش کیفیت فضا، آن را مردم‌گریز می‌کند.

این نوشتار ضمن بررسی دیدگاه‌ها و مطالعات مطرح در زمینه منظرسازی شهری به بررسی نقش منظرسازی در ارتقاء کیفی یک نمونه موردی در بافت فرسوده ارومیه (محور پزشکیان، حد فاصل محله تندیرچیلر و دوچیلر و باغ نرگس) می‌پردازد. در حقیقت این نوشتار سعی دارد تا نشان دهد که چگونه احیای منظر شهری از طریق حذف عوامل ناسازگار و تقویت عناصر منظر ساز می‌تواند همچون یک محرک توسعه، کیفیت فضا را ارتقا بخشد.

واژگان کلیدی: منظر شهری، بافت فرسوده، عوامل ناسازگار، عناصر منظر ساز، محرک توسعه

۱. دانشجوی رشته مهندسی شهرسازی، دانشکده هنر دانشگاه ارومیه

نوسازی بافت در پرتو منظر شهری

احمدعلی فرزین^۱

بافت‌های قدیمی، خواه فرسوده یا تاریخی، باماهیت‌ها و موقعیت‌های متفاوتی که از نظر وضعیت درونی خود و همجواری با سایر فعالیت‌های شهری دارند، از مواردی هستند که دخالت در آنها مستلزم بکارگیری روش‌هایی است که پژوهش‌های عمیقی را در همه سطوح و لایه‌های تأثیرگذار طلب می‌کند. نخستین بار، نوسازی بافت‌های قدیمی، با هدف درج معماری نوین یا امروزی (*contemporain*) در آن، که حاصل متدولوژی آموزشی مدارس معماری در فرانسه است، پس از خیزش‌های فرهنگی سال ۱۹۶۸ و فروپاشی نظام کهن در مدرسه هنرهای زیبای پاریس (*Beaux-Arts*) و در آغاز دهه ۷۰ میلادی پدید آمد.

بنابراین آنچه که در حوزه مداخلات در بافت‌های موجود شهری و مشخصاً در زمینه منظر شهری از آغاز دهه ۱۹۷۰ در فرانسه شاهد آن بودیم، محصول آموزش‌های نوین در استودیوهای مدرسه معماری بوزار بود. سایر رشته‌ها از جمله مورفولوژی، اقتصاد و جامعه‌شناسی را مستقیماً در ترکیب گروه اساتید و راهبرهای پروژه وارد کرد.

طرح‌های مطالعاتی و پروژه‌های منظر شهری که در پی مطالعات جامع شهری در پاریس، شماری از مناطق را مجاز برای مداخله تعریف می‌کند و سیمای پاره‌ای از محلات و گذرگاه‌ها و فضاهای شهری را از آغاز دهه ۱۹۸۰ با نگاهی نو دگرگون می‌سازد، همگی از خروجی‌های آموزش‌های نوین مدرسه بوزار است.

رویکردهای نوین حوزه معماری که در دهه‌های بعد با شکل‌گیری رشته منظر به یک دیسپلین میان‌رشته‌ای بدل شد و مبانی نظری خود را پیدا کرد، متکفل توجه به کیفیت محیط شهری و خاطره‌های انسانی از فضای زیست است. این نیاز تأثیر مستقیمی بر نحوه و مواد آموزشی مدارس تخصصی از جمله معماری و منظر می‌گذارد.

در این جستار به اهمیت آموزش‌های نوین و بهره‌گیری از تخصص‌های دیگر در عرصه آموزش منظر و تأثیر مستقیم آن بر سیمای شهر پاریس پرداخته می‌شود.

واژگان کلیدی: آموزش معماری، منظر شهری، بوزار، نوسازی شهری

۱. استادیار پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران

نوسازی بافت‌های فرسوده، فرصت یا چالشی برای ارتقاء کیفیت منظر شهری

علی کاظمی^۱

امروزه نوسازی بافت‌های فرسوده، به یکی از مسائل اساسی در حوزه نظری و عملی شهرسازی کشور بدل شده است. صرف نظر از ضرورت کاهش آسیب‌پذیری در قبال حوادث غیرمترقبه، ارتقاء کیفیت منظر شهری این بافت‌ها که اغلب واجد آشفتگی‌های بصری، فقدان ترکیب‌بندی مناسب کالبدی و ضعف ارزش‌های فضایی در عرصه‌های عمومی هستند، نیز از جمله اهداف تبعی رویکرد به نوسازی آنها می‌باشد. اینکه چه رویکردی به نوسازی بافت‌های فرسوده می‌تواند متضمن ارتقاء کیفیت منظر شهری در ابعاد مختلف آن باشد، موضوع اصلی مورد پرسش در این تحقیق است. مطالعه ادبیات موجود حاکی از آن است که چنین رویکردی، تابع ویژگی‌های خاص زمینه و بستر طرح، نظام مالی و اجرایی و همچنین ابعاد اجتماعی و فرهنگی جوامع ساکن خواهد بود. بررسی رویکردهای موجود در تهیه طرح‌های نوسازی بافت‌های فرسوده نشان می‌دهد که تاکنون سه رویکرد نوسازی مردمی، مشارکتی و محرک به انحاء مختلف از سوی نهادهای مدیریتی و اجرایی ذیربط مورد توجه قرار گرفته‌اند که تأثیرات آنها بر کیفیت منظر شهری کاملاً متفاوت است. بر پایه بررسی‌های تطبیقی به نظر می‌رسد، با توجه به ویژگی‌های کالبدی بافت‌های فرسوده نظیر تراکم ساختمانی بالا، کوچک بودن سطح واحدهای مسکونی و ریزدانه‌گی قطعات، نوسازی مشارکتی در صورتی که مدیریت شهری در قبال نوسازی مسکن از سوی ساکنان، در امر ارتقاء کیفیت کالبدی و فضایی سکونتگاه اهتمام نماید، منظر شهری مطلوب‌تری را در بافت‌های شهری بدنبال خواهد داشت.

روش تحقیق در این مقاله، در قسمت مباحث نظری مربوط به عوامل کیفیت منظر شهری و روش‌های نوسازی بافت‌های فرسوده، اسنادی بوده و در بخش سنجش روش‌های مورد عمل در سطح کشور، بصورت بررسی مقایسه‌ای تطبیقی تجربیات موجود خواهد بود.

واژگان کلیدی: بافت فرسوده، نوسازی، کیفیت منظر شهری، طرح‌های نوسازی

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رامسر

۲. تجربه‌های خارجی و داخلی منظر شهری



۱-۲. نوسازی شهری

۲-۲. منظر طبیعی شهر

۳-۲. تجهیزات شهر و منظر

۴-۲. فضای جمعی و منظر شهری

۵-۲. برنامه‌ریزی و مدیریت منظر

۶-۲. منظر راه و خیابان

۷-۲. گردشگری و منظر شهری

آسیب‌شناسی منظر بافت تاریخی شهرهای کویری

از حیث فضاهای سبز محله‌ای

(مطالعه موردی، محله شاه ابوالقاسم یزد)

محمد رضا نقصان محمدی^۱، مرجان منتظری^۲ و فاطمه دهقان^۳

گرایش انسان به طبیعت سبب شده که همواره مجذوب آن شده و با ساخت فضاهایی طبیعی‌وار، هرچند مصنوع (پارک‌ها و فضاهای سبز شهری) نیاز خود را تا حدی برطرف نماید. نقش و اهمیت فضاهای سبز در عملکردهای زیست محیطی (کاهش آلودگی‌ها، بهبود شرایط اکولوژیکی، بهداشت محیط و سلامت شهروندان و...)، عملکردهای اجتماعی- روانی (گذران اوقات فراغت، تعاملات اجتماعی، آرام بخشی و...) و به طور کلی تأثیر آن‌ها در پایداری شهرها خلاصه می‌شود. واضح است که فضای سبز، بخشی از سیمای بافت‌های تاریخی شهرها در گذشته نبوده، اما لزوم تحقق هدف ارتقاء پایداری و تجدید حیات بافت‌های تاریخی و همچنین پتانسیل فضاهای سبز در پاسخ‌گویی به نیازهای زیست محیطی، اجتماعی- روانی انسان، سبب شده این فضاها در محدوده بافت و مقیاس محلات در قالب فضایی طراحی شده در کنار بافت ارگانیک، شکل گیرند. به همین دلیل نه تنها از کارآمدی لازم برخوردار نبوده و پاسخ‌گوی نیازهای مطرح شده نمی‌باشند، بلکه پیامدهای منفی بسیاری را در نیز پی داشته است. از جمله این پیامدها می‌توان به تهدید امنیت اجتماعی، عدم رضایت ساکنین و در نتیجه تخلیه بافت اشاره نمود. لذا هدف از این نوشتار، ابتدا بررسی مسائل و مشکلات ناشی از شکل‌گیری فضاهای سبز محله‌ای، به عنوان جزئی الحاقی به متن بافت‌های ارزشمند و تاریخی و سپس شناسایی علل ریشه‌ای مؤثر در ناکارآمدی آن‌ها در نمونه موردی محله شاه ابوالقاسم یزد می‌باشد. نتایج حاصل از این پژوهش، نشانگر این امر است که مکان‌یابی نادرست فضاهای سبز، بی‌توجهی به ویژگی‌های کالبدی، اجتماعی- فرهنگی ساکنین بافت و محلات تاریخی، نادیده گرفتن اصول طراحی مناسب پارک‌ها و فضاهای سبز و اجزای آن‌ها از قبیل مبلمان، نوع پوشش گیاهی و... در بروز آسیب‌های اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی و ایجاد اختلال در پایداری آن‌ها نقش موثری دارند.

واژگان کلیدی: فضاهای سبز، فضاهای سبز محله‌ای، بافت تاریخی، یزد

۱. استادیار دانشکده هنر و معماری دانشگاه یزد

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری و منطقه‌ای دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری دانشگاه یزد

آسیب‌پذیری منظر شهر در فرایند مداخلات محیطی (بررسی تجارب زنجان)

مهرداد سلطانی^۱ مهدی مقیمی^۲

طرح‌های مداخله و نوسازی در بافت‌های کهن و فرسوده شهری اگر چه به منظور ارتقاء سطح کیفی فضای شهری در نقاط آسیب‌پذیر شهرها تعریف و به اجرا در می‌آیند، لیکن عدم دقت در طراحی، برنامه‌ریزی و زمان‌بندی اجرای پروژه و عدم توجه به مشکلات اقتصادی و اجتماعی، در کوتاه مدت و بلندمدت، می‌توانند لطماتی جدی بر کیفیت فضای شهری وارد سازند. از جمله تاثیرات سوء این امر می‌توان به نابسامانی‌های به وجود آمده در حوزه منظر شهری اشاره کرد که به دلیل ماهیت و نقش ویژه منظر شهر در زندگی شهروندان، در صورت وقوع آن نه تنها ساکنان منطقه اجرای طرح، بلکه تمام شهروندان از آن متاثر خواهند شد.

بافت مرکزی شهر زنجان به دلیل وجود مشکلات فراوان به خصوص در حوزه ترافیک شهری، از اواخر دهه ۶۰ شاهد طراحی و برنامه‌ریزی برای اجرای چند پروژه بزرگ از جمله احداث دو خیابان اصلی و یک میدان بزرگ شهری در قلب شهر بوده است. در این روند، واحدهای مسکونی و تجاری واقع در محدوده، تابع ضوابط طرح گشته و هر گونه مداخله در آنها محدود شده است. از سوی دیگر برنامه تملک و تخریب قطعات و بازگشایی محورها با کندی پیش‌رفته و نتیجه حاصل این فرایند، ایجاد چند ده هکتار فضای شهری ناکارآمد و نیمه‌ویران در دل بافت مرکزی و تاریخی شهر بوده است. این فضا به مدت بیش از ۲۰ سال تصویر ذهنی شهروندان از محلات و میدان قدیمی شهر را شکل داده است.

این پژوهش ادعا دارد ناکارآمدی حاصل از اشتباه در طرح‌ریزی و اجرای پروژه‌های بزرگ شهری، تاثیرات سوء بیشتری نسبت به محاسن احتمالی حاصله از اجرای طرح خواهد داشت و لطمات حاصله از این امر به خصوص در حوزه منظر شهر با توجه به تغییرات صورت گرفته در زمینه و بستر طراحی در طول زمان، جبران‌پذیر نخواهد بود.

واژگان کلیدی: منظر شهری، مداخله در بافت، آسیب‌شناسی منظر

۱. عضو هیات علمی دانشگاه زنجان

۲. عضو هیات علمی دانشگاه زنجان

الگوهای طبیعی بستر، مبنای طراحی و بهسازی محیط

و منظر پهنه‌های تلفیقی شهری - طبیعی

(مطالعه موردی پهنه تلفیقی شهر و طبیعت در کوهپایه‌های شمالی منطقه یک تهران)

محمد رضا مثنوی^۱، محسن گودرزی^۲، نفیسه حق طلب^۳

رشد و توسعه شهر تهران در دهه‌های اخیر شتاب بسیار چشم‌گیری یافته است، تا جایی که هر روز شاهد افزایش طولی و عرضی آن هستیم. در نتیجه این امر، طبیعت، محیط و مناظر طبیعی و یا نیمه طبیعی پیرامون شهر به نحوی شتابان مورد توسعه و ساخت و سازهای جدید قرار گرفته، روند رو به تخریب و نابودی خود را طی نموده و دستخوش تغییرات به سمت شهری شدن می‌شوند. از این رو در مناطق حاشیه‌ای شهر و محیط‌های حومه‌ای و یا مناظر طبیعی نزدیک یا همجوار با شهر، چالش‌های فراوانی بوجود آمده که این مناطق را به یکی از حساس‌ترین مناطق از نظر تصمیم‌گیری برای توسعه یا حفاظت محیط زیستی تبدیل نموده است. بدیهی است که ارائه تدابیر خردمندانه در جهت تعامل و تلفیق مناسب شهر با حومه و یا طبیعت پیرامونی و ارائه پیشنهادها، راهکارهای طراحی و محیط زیستی در این زمینه خواهد توانست زمینه ایجاد تعادل پایداری میان شهر و طبیعت و همچنین حفظ مناظر و ویژگی‌های طبیعی را از یک سو و تامین نیازهای ساکنین و افزایش کیفیت زندگی شهری و ارتقاء پتانسیل‌های طبیعی و زیست محیطی را از سوی دیگر، فراهم آورد. این مسئله در بخش‌های کوهپایه‌ای شمال شهر از یک طرف به دلیل برخورداری از وضعیت محیطی مناسب و از طرف دیگر دارا بودن عوامل جاذب متعدد جهت توسعه شهر، مسئله‌ای چشم‌گیر و قابل توجه می‌باشد. در پژوهش حاضر سعی شده تا با استخراج، شناخت و تحلیل لایه‌های الگوهای طبیعی بستر در این محدوده به ارائه راهبردهای موثر در بهسازی و طراحی محیط و منظر پایدار کوهپایه‌های شمال تهران در تلفیق با بافت و ساختار شهری و به تبع آن کنترل ساخت و ساز و در نتیجه بهبود کیفیت محیط در آن منطقه پرداخته شود.

واژگان کلیدی: پهنه‌های تلفیقی شهری - طبیعی، طراحی محیط و منظر، بستر، الگوهای طبیعی، کوهپایه‌های شمال تهران.

۱. عضو هیات علمی گروه مهندسی طراحی محیط، دانشکده محیط زیست دانشگاه تهران

۲. کارشناس ارشد مهندسی طراحی محیط، دانشگاه تهران

۳. کارشناس ارشد برنامه ریزی و مدیریت محیط زیست، دانشگاه تهران

باز زنده‌سازی و احیاء بافت‌های فرسوده در رویکرد مشارکتی (مطالعه موردی بهسازی بافت فرسوده شهر آسیلا- مراکش)

کیومرث حبیبی^۱، محمد مهدی عبادی^۲

یک توسعه شهری خودکفا در حالی «پایدار» خوانده می‌شود که علاوه بر حمایت از محیط زیست و ایجاد فرصت‌های مناسب، قادر به ادامه فعالیت و تامین مالی خود بعد از حذف کمک‌های بیرونی باشد. یکی از راهکارهای اجرائی برای رسیدن به این هدف، بهره‌گیری از مشارکت مردمی در توسعه‌های شهری بخصوص در نوسازی و بهسازی بافت‌های فرسوده است. بافتی که وجود عوامل مختلف در آن، سبب کاهش ارزش کیفی و کمی زندگی شهروندان شده و با پایین آمدن ارزش‌های سکونت، نوسازی و احیای بافت نیز انجام نشده و سبب گریز جمعیت بومی و جایگزینی افراد مهاجر فاقد هر گونه حس مکان خواهند شد. بنابراین حضور ساکنان بومی در بافت و ارتقاء حساسیت آن‌ها نسبت به محل زندگی خود یکی از فاکتورهای مهم برای بهسازی و نوسازی پایدار بافت‌های فرسوده است. با توجه به حاشیه‌ای بودن اکثر پروژه‌های مشارکتی در ایران در بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده، برای ارتقاء این گونه پروژه‌ها به پروژه‌های مشارکتی محدود و پروژه‌های مشارکتی واقعی نیاز به بررسی و آموختن از تجربه‌های موفق پروژه‌های بازسازی و بهسازی با رویکرد مشارکتی است.

یکی از این نمونه‌ها که برنده جایزه آفاخان در سال ۱۹۸۹ شده است، تجربه تجدیدحیات بافت کهن شهر آسیلا- *Asilah* در مراکش از طریق تزریق فعالیت‌های جدید است. اجرای این پروژه منجر به ابقا و ارتقای هویت شهر شده و در واقع امری مفهومی و روانی بوده است. در این تجربه کوشش شده است با حداقل هزینه و حداقل مداخلات و با استفاده از نیروی حیاتی موجود در شهر، حیات مجدد به بافت کهن آن باز گردانده شود. در این پروژه مرمت شهر چیزی فراتر از اقدامی کالبدی و فضایی است و عملی فرهنگی است که می‌تواند فرهنگ ساز باشد. این مقاله سعی دارد تا با تبیین الگوهای مشارکتی در پروژه‌های بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده، به بررسی تجربه تجدیدحیات بافت کهن شهر آسیلا در مراکش از این منظر بپردازد.

واژگان کلیدی: بهسازی و نوسازی بافت فرسوده، پایداری، مشارکت مردمی، آسیلا، مراکش

۱. عضو هیأت علمی گروه مهندسی شهرسازی دانشگاه کردستان

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری دانشگاه هنر اسلامی تبریز

بررسی تأثیر عوامل طبیعی بر چگونگی استقرار شهر و نحوه گسترش آن (با نگرشی بر منظر باغ شهر تاریخی مراغه)

سید هادی موسوی^۱

طبیعت همواره بستری مناسب برای بروز و ظهور تمدن‌های بشری و به تبع آن زایش فرهنگ و هنر جوامع انسانی بوده و هست. به طوری که بزرگ‌ترین تمدن‌های بشری چون مصر و بین‌النهرین در کنار رودهای بزرگ نیل و دجله و فرات بوجود آمده و از شرایط حاصل‌خیزی دشت‌های اطراف آن بهره‌مند شده‌اند. همچنین فرهنگ‌های کوچک و بزرگی که در نقاط حاصلخیز و مستعد این کره خاکی بوجود آمدند، نشانگر این ادعا می‌باشد که ((طبیعت ، آینه اسرار لم یزلی و رازهای سر به مهر ظهور خداوندی در بینش انسان سنتی و به ویژه شرقی است)) (اسرار مکنون یک گل ، دکتر حسن بلخاری قهپی ۱۳۸۴ ص ۱۴). گذشته از آن، ساختار شهرهای بوجود آمده همواره در روند تاریخ با مسیری که طبیعت پیش روی آن گسترده، نظمی ارگانیک داشته و مطابق با نیاز جوامع رشد کرده است. در توصیفی صریح‌تر و عمیق‌تر از رابطه طبیعت و شهر می‌توان عبارت «ظرف و مطروف» را بکار برد. بنابراین بررسی منظر شهر بدون توجه و شناخت بستر طبیعی آن بگونه‌ای غیر ممکن بنظر می‌رسد.

قرارگیری شهر در کنار رودخانه پر آب صوفی چای و کثرت جویبارهای منشعب آن که مبدأ همگی آن دامنه جنوبی کوه سهند است، در داخل شهر ابتدا اندام‌های اتصالی معابر را تشکیل و سپس بواسطه ضرورت حضور دائمی انسان ، دانه‌های مسکونی موجود در طرفین جوی‌ها حادث شده‌اند. تقدم زمانی ایجاد معابر نسبت به توده‌های معماری، نقطه قابل تامل و توجه در این مقاله هست که نگارنده قصد دارد ابعاد گسترده تأثیر و تأثر چنین امری را بررسی و منظر شهر مراغه را از این حیث معرفی نماید.

با توجه به تفاوت بستر طبیعی موجود، معماری این منطقه ویژگی‌های منحصر به فرد خود را داراست که سازه‌های چوبی مساجد مراغه از آن جمله‌اند. شناخت و بررسی همه جانبه چنین ویژگی‌هایی در این مقاله مکمل شناخت روند استقرار شهر در طول تاریخ خواهد بود.

واژگان کلیدی: طبیعت ، رودخانه ، جوی ، آفتاب ، باغ شهر تاریخی

بررسی روند تطبیق مورفولوژیکی شهر اصفهان با شبکه‌های هیدرولوژیکی در منظر شهری

اکبر کیانی^۱

تطبیق عالمانه عوامل و عناصر محیط انسان‌ساخت با محیط طبیعی در شهرها سبب توسعه پایدار شهری و بروز و ظهور چشم‌اندازهای بدیع و شگفت‌انگیز در «منظر شهری» می‌گردد. به عبارت دیگر شناخت روند و مکانیسم سیستم‌های محیطی و تطبیق برنامه‌ریزی و مدیریت شهری بر بستری از علم و دانش، موجب ظهور شهری با ویژگی‌های منحصر به فرد می‌شود، که می‌تواند زمینه‌های حصول به منظر شهری مطلوب و ایده‌آل را فراهم نماید. بر این اساس، هدف مقاله حاضر، بررسی روند تطبیق مورفولوژیکی شهر اصفهان با محیط طبیعی است که به سبب وابستگی حیات شهر اصفهان به رودخانه زاینده‌رود، تأکید ویژه بر بررسی شبکه‌های هیدروگرافی منشعب از رودخانه در سطح شهر اصفهان است. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر مطالعات اسنادی، کتابخانه‌ای و بررسی‌های میدانی است. محدوده مکانی مورد بررسی شامل شهر اصفهان و محدوده زمانی مورد بررسی نیز در طی ادوار مختلف تاریخی شهر اصفهان می‌باشد. با توجه به شرایط و ویژگی‌های خاص دوره صفویه، تأکید بیشتری بر این دوره گردیده است، ضمن آن که مقایسه‌ای با وضعیت دوره معاصر با توجه به تغییر و تحولات انجام شده در مورفولوژی شهر اصفهان و شبکه‌های هیدرولوژیکی نیز مطرح شده است. وضعیت شهر اصفهان در انطباق با شبکه‌های هیدروگرافی با استفاده از نقشه، جدول و نمودار نشان داده شده و در نهایت خروجی با استفاده از تحلیل‌های سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) در قالب نقشه‌های منتج از تحلیل ارائه شده‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد، اوج شکوفایی و تطبیق ساخت و سازهای مورفولوژیکی شهر اصفهان با وضعیت شبکه‌های هیدرولوژیکی (مادی‌ها و جوی‌ها) در سطح محلات شهر، مربوط به طرح‌های شیخ بهایی در دوره صفویه است. این وضعیت روند مطلوبی در «منظر شهری» داشته است، اما در سال‌های اخیر (عصر حاضر) به علت افزایش روند رشد جمعیت و توسعه فیزیکی سریع شهر اصفهان و افزایش میزان بهره‌برداری از آب زاینده‌رود در بالادست و مهم‌تر از همه، تغییر شبکه‌های هیدرولوژیکی با توسعه شهری، نیاز به بکارگیری شیوه‌های نوین است. این مهم در مقاله در قالب سناریوهای پیشنهادی در راستای توسعه پایدار شهری و افزایش تطبیق‌پذیری سیستم‌های محیطی و انسان‌ساخت در منظر شهری ارائه گردیده است.

واژگان کلیدی: منظر شهری، مورفولوژی شهری، شبکه هیدرولوژی، شیخ بهایی، اصفهان

۱. استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه زابل

بررسی نقش درختان در ایجاد کیفیات منظر شهری (نمونه موردی درختان خیابان ولیعصر^(عج) تهران)

محمد مهدی عابدی^۱، محمد بشیر رباطی^۲، هانیه رباطی^۳

پس از گسترش شهرنشینی در ایران و گسترش سریع شهرها که سبب ساخت و سازهای بی‌رویه شد، فقدان تفکر طراحی شهری در توسعه موجب ایجاد مناظر شهری نامناسب در شهرها گردید. سایه تبعات این توسعه ناموزون هنوز بر منظر شهری ما سنگینی کرده و گاه تغییرات عمده‌ای برای تصحیح آن نیاز است که معمولاً از نظر اقتصادی مقرون به صرفه نیست. تخریب و ساخت و سازهای عمده به عنوان ساده لوحانه‌ترین راهکارها، نمی‌توانند راهگشای این مشکل باشند. در این میان استفاده از ویژگی‌های مختلف گیاهان و به خصوص درختان می‌توانند نقش بسزائی در تعدیل مشکلات مناظر شهری ایفاء نمایند. درختان علاوه بر ایجاد ویژگی‌های مثبت اکولوژیکی و آسایش اقلیمی، می‌توانند بر منظر شهری و کیفیات فضائی مطرح در فضاهای شهری تاثیرگذار باشند. این مقاله با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی، ضمن تبیین اهمیت حضور درختان در فضای شهری و نقش آنان در ایجاد کیفیات منظر شهری می‌کوشد تا نقش درختان چنار خیابان ولیعصر^(عج) تهران را (از پارکوی تا تجریش) از این منظر مورد بررسی قرار دهد. نتایج حاصله از این تحقیق نشان می‌دهد که درختان چنار موجود در این خیابان بر کیفیاتی چون شدت، تعادل، تناسب، وضوح، محصوریت، توالی منظر شهری تاثیر مستقیم می‌گذارند.

واژگان کلیدی: طراحی شهری، درختان، کیفیات فضائی، منظر شهری، خیابان ولیعصر تهران.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری دانشگاه هنر اسلامی تبریز

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری دانشگاه هنر اسلامی تبریز

۳. دانشجوی مهندسی شهرسازی

تبیین نقش رواناب و مدیریت آبخیز از زاویه منظر شهری

علیرضا تقوایی ابریشمی^۱

فرم‌ها و فضاهایی مانند آب انبار، حمام، حوض، قنات و... از گذشته در شکل‌گیری شهر ایرانی، جایگاه ویژه و انکار ناپذیری داشته‌اند. در این میان چنان که گذرها به اعتبار سه نشانه هویت مکانی اعم از ساختار فیزیکی، فعالیت و معنا، تصاویر ذهنی متفاوتی را برای انسان ایجاد می‌کنند، جوی‌ها نیز با کارکرد عمده هدایت و زهکشی رواناب سطحی، هویت مکان را مبتنی بر تصاویر ذهنی مخاطبان رقم می‌زنند. از طرف دیگر مسئله بحران آب و توسعه تکنیک‌های استحصال آب با تاکید بر جمع‌آوری و بهره‌برداری آب از سطوح نفوذ ناپذیر شهری در دهه اخیر مزید بر علت شده و بدین سبب شاهد فرم‌ها و سامانه‌های شبکه‌ای جدیدی با کارکرد جوی در شهر هستیم. ارزش حسی جریان آب به جهت صوت و نما در کنار قابلیت‌های تلطیف دما و رطوبت محیط، در اکثر راهبردهای استحصال آب شهری مورد غفلت واقع شده و در حاشیه قرار دارند. در صورتی که از زاویه منظر شهری می‌توان سامان مقتضی را در جهت ارتقاء کیفیت بصری و حسی شهر به چنین امکاناتی بخشید.

در این مطالعه با مروری بر تجربه‌های جهانی در سامان‌دهی کانال‌ها و مسیل‌های شهری در اقلیم‌های مختلف به بررسی اجمالی زمینه‌های تلفیق اهداف ارتقاء منظر شهری و استحصال آب شهری با در نظر گرفتن اقتضائات مدیریت جامع حوزه آبخیز و آبخیزداری شهری پرداخته شده است. هدف این مطالعه ارائه راهکارهایی متناسب با اقلیم ایران برای افزایش بهره‌وری از ضرورت واقع شده در استحصال آب از سطوح آبیگر باران در سطح شهر، با استفاده از تکنیک‌ها و فنون طراحی شهری می‌باشد. نتایج این بررسی فارغ از تحلیل‌های اقتصادی نمی‌توانند به عنوان راهبردی قطعی به بخش اجرا ارائه شوند. از این رو لازم است بستر تجربیاتی از این قبیل حداقل به عنوان نمونه مطالعاتی در شهرهایی که با بحران منظر بی سامان شهری مواجه هستند، فراهم گردد. چنین پیشنهادی را می‌توان در غالب شرح خدمات مطالعات طراحی شهری و یا طرح‌های آبخیزداری شهری به صورت رسمی ابلاغ و اجرا نمود.

واژگان کلیدی: مدیریت آبخیز، آبخیزداری شهری، سازماندهی کانال‌ها

تحلیل نگرش‌ها و بهره‌گیری از رویکردهای اکولوژیکی در برنامه‌ریزی و طراحی منظر شهری

مهدی خان‌سفید^۱

امروزه استفاده از دانش‌های مختلف زیستی و انسانی در روند مطالعه و بررسی منظر شهری، مورد توجه فراوان و روزافزون طراحان و برنامه‌ریزان منظر قرار گرفته است. در همین راستا، این مقاله به بیان چگونگی بهره‌گیری از رویکردهای اکولوژیکی به عنوان رویه‌ای نوین و کارآمد در برنامه‌ریزی و طراحی منظر شهری می‌پردازد. در روند تبیین این امر، پس از ذکر تعاریف، مفاهیم و همچنین معین نمودن حدود حیطه‌های مرتبط با دانش اکولوژی منظر شهری، نگرش‌های موجود در اکولوژی منظر، شامل نگرش جغرافیایی، کرولوژیکی، زمینه‌ای و کل‌نگر با هدف بهبود شرایط ساختاری و عملکردی منظر شهری بررسی شده است. در پی آن، عناصر سازنده منظر در رویکرد اکولوژی منظر، معرفی شده و اصول عمومی دانش اکولوژی منظر، به تفکیک عناصر ساختاری، عملکردها و تغییرات و تحولات منظر در طول زمان، در رابطه با منظر شهری، مورد تحلیل قرار گرفته است.

به منظور بیان نحوه استفاده از رویکردهای اکولوژیکی در روند برنامه‌ریزی، طراحی، ایجاد و مدیریت منظر پویا و پایدار شهری و نیز بهبود و اصلاح ساختار و عملکرد اکولوژیکی محیط شهر، کاربرد دانش اکولوژی منظر در برنامه‌ریزی و طراحی محیطی منظر در شهرها، به عنوان یک راهبرد نظری و عملی، به شکل تحلیلی از نگرش‌ها و اصول عمومی دانش اکولوژی منظر، مورد بررسی و تدقیق قرار گرفته است. در نتیجه این تحلیل، راهبردها، راهکارها و اصول پایه اکولوژیکی شامل محتوا، بستر، پویایی، عدم تجانس و سلسله‌مراتب اکولوژیکی، با تاکید بر اهمیت مقیاس‌های مختلف زمانی و مکانی منظر شهری، در قالب یافته‌های این مطالعه و بررسی، ارائه شده است.

واژگان کلیدی: اکولوژی منظر، شهر، برنامه‌ریزی، طراحی، پایداری

۱. کارشناسی‌ارشد مهندسی طراحی محیط‌زیست دانشگاه تهران

تعمیم آتریوم از بنا به شهر و جایگاه آن در منظر شهری

منصوره طاهباز^۱ و مرضیه کاظم زاده^۲

منظر شهری بخشی از شکل شهر است که ناظر آن را دریافت و درک می‌کند. به عبارتی شکل شهر در لایه منظر شهری به کیفیت محسوسی تبدیل می‌شود. از عوامل تاثیر گذار بر ادراک و کیفیت منظر شهری، می‌توان به موقعیت قرارگیری، خاطره فرد از مکان و حالات روحی و... اشاره کرد و می‌توان آتریوم را عاملی موثر در ایجاد این ادراک برشمرد. آتریوم از یک طرف برای فضاهای داخلی بنا روشنایی، تهویه، سرمایش و گرمایش را فراهم می‌کند و از طرف دیگر باعث ایجاد یک احساس همگرایی و تبادل نظر و ارتباط در فضائی فراخ و دلپذیر همراه با منظر مناسب از طبیعت حفاظت شده بین درون و بیرون ساختمان می‌گردد.

این مقاله با هدف گسترش کاربرد فضای آتریوم از یک بنا به یک شهر و فضای شهری، در جهت ارتقا کیفیت تعامل انسان و شهر، برای ایجاد تصورات ذهنی و خاطرات خوش از فضاهای شهری و ایجاد مناظر شهری زیبا می‌باشد. در این مقاله، فضاهای آتریوم بعنوان عاملی جهت بالا بردن کیفیت منظر شهری از طریق اتصال بین فضاهای قدیمی و جدید شهری، به ویژه در بحث توسعه شهری پایدار و زیبایی شناسی فضای شهری و پذیرفتن نقش و وظیفه جدید آن و همچنین پاسخ‌گویی به انتظارات جدید، معرفی می‌گردد. یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که با استفاده از فضاهای آتریومی بعنوان پوشش فضاهای عمومی بویژه پلازاها، می‌توان باعث هماهنگی در منظر شهری شده و فضاهای شهری مناسب و پویایی را همراه با شرایط محیطی مناسب ایجاد نمود. در این مقاله ابتدا عوامل موثر در چگونگی افزایش ادراک منظر شهری معرفی شده و سپس جایگاه آتریوم در چگونگی رسیدن به آن بیان می‌شود. در نهایت به بررسی نمونه موردی موفق کاربرد آتریوم در بالا بردن کیفیت منظر شهری پرداخته خواهد شد.

واژگان کلیدی: منظر شهری، آتریوم، فضای شهری، فضای جمعی، رویکرد پایدار

۱. عضو هیات علمی دانشکده معماری و شهر سازی دانشگاه شهید بهشتی

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی

جدارهای سبز در فضاهای شهری

(با تأکید بر بزرگراه‌های تهران)

محمد مهدی تومانی^۱، میلاد پرتار^۲

افزایش فضای سبز شهری یکی از مهم‌ترین مواردی است که در سال‌های اخیر بسیار مورد توجه قرار گرفته است. بی‌شک تأثیرات مثبت فضای سبز از آن دسته مسائلی است که همچون یک اصل در طراحی فضاهای شهری مورد پذیرش قرار گرفته است، به خصوص در کشور ما با توجه به کمبود فضای سبز و پایین بودن سرانه فضای سبز شهری برای شهروندان و همچنین خشکی عمومی هوا، نیاز به افزایش فضای سبز با استفاده از همه امکانات موجود بسیار ضروری است. در این راستا ایجاد پوشش گیاهی بر روی سطوح قائم و یا شیب‌دار (جدارهای سبز)، با توجه به تأثیرات مثبت محیطی و بصری و نیز به کارگیری فضاهایی که در این راستا کمتر مورد توجه بوده‌اند، بسیار سودمند می‌باشد.

در این مقاله پس از ارائه تعاریف جدارهای سبز و انواع آن، تأثیرات مثبت این نوع پوشش گیاهی بر محیط و شهروندان - از طریق ارائه توضیحات عمومی و مختصر برای درک بیشتر مزایای محیطی این نوع پوشش و تأثیرات آن بر مصرف انرژی - و نیز ضوابط و نکات بنیادین به منظور استفاده از این نوع پوشش بیان می‌گردد. در ادامه پس از دسته‌بندی انواع جدارهای سبز، توجه بیشتری به استفاده از آنها در فضاهای عمده شهری و به خصوص بدنه بزرگراه‌ها مبذول می‌گردد. در این زمینه علاوه بر بررسی گونه‌های گیاهی مناسب برای این نوع جدارها و تحلیل چند نمونه موجود در شهر تهران، جزییات اتصال و نحوه قرار گرفتن این پوسته گیاهی بر روی دیواره‌های بزرگراه‌های شهری با توجه به انواع این بدنه‌ها، ارائه می‌شود.

واژگان کلیدی: جداره سبز، بزرگراه، پوشش گیاهی، فضای شهری

۱. کارشناس ارشد معماری، دانشگاه تربیت مدرس

۲. کارشناس ارشد معماری، دانشگاه تربیت مدرس

راهکارهای انسجام منظر طبیعی در شهر

مریم معیری نیا^۱، ستاره فدایی^۲، حامد زرین کمری^۳

منظر طبیعی در یک شهر، شبکه‌ای است از عناصر طبیعی نظیر رودخانه، مسیرهای آب، پارک‌های شهری، مناطق سبز حفاظت شده و... و عناصر ساخته دست بشری مانند کانال‌های آب، مسیرریل‌های راه آهن و... که تاثیرات اکولوژیکی بسزایی در شهر ایفا می‌کنند. این شبکه‌های سبز می‌توانند در حفظ محیط طبیعی، حفاظت از انواع گونه‌های گیاهی، سلامتی ساکنین و همچنین گونه‌هایی از حمل و نقل موثر واقع گردند که همگی بر افزایش کیفی و کمی ساکنین شهرها بسیار موثرند.

یکی از روش‌های بهبود کیفی و کمی این شبکه‌های سبز، ترکیب و هماهنگی آنها با سایر لایه‌ها و شبکه‌های شهری نظیر شبکه‌های اجتماعی، فرهنگی، تاریخی، اقتصادی و حرکتی در شهرهای امروزی است که باعث ایجاد پیوستگی در کل شهر در مقیاس کلان و میان عناصر شهری در مقیاس خرد از نقطه نظر طبیعی و مصنوعی می‌گردد.

در این مقاله سعی بر آن است که عناصر مناظر طبیعی در شهر در ابتدا تعریف شده و محاسن و فواید آنها در جوامع شهری امروزی بر اساس محورهای توسعه پایدار مطرح گردد. سپس در نظر است تا الگویی برای ایجاد این هماهنگی در شهر بر اساس سایر لایه‌های مطرح شده در شهر، ارائه گردد. در انتها بخشی از شهر تهران به عنوان نمونه موردی در زمینه این الگو مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

واژگان کلیدی: منظر طبیعی، منظر اجتماعی، منظر فرهنگی، منظر تاریخی

۱. دانشجوی دکترای معماری و شهرسازی، دانشگاه پلی تکنیک میلان، ایتالیا

۲. دانشجوی دکترای معماری و شهرسازی، دانشگاه پلی تکنیک میلان، ایتالیا

۳. کارشناس ارشد معماری، ریاست هیئت مدیره شرکت پالپال

مادی‌ها و نقش ساختاری آن در شکل‌دهی به منظر شهری

نرگس کریمی^۱

مادی‌ها در گذشته نقش حیاتی در تقسیم آب و سرزندگی و سرسبزی شهر اصفهان را برعهده داشتند. امروزه نیز نقش ساختاری و شکل‌دهنده آنها در تلطیف منظر شهر، قابل بررسی است. لزوم پرداختن به طراحی حریم و مسیر مادی‌ها در زیباسازی منظر شهری و استفاده از آنها در هویت بخشی به کالبد محلات اطراف، امری است که باید مورد بررسی قرار گیرد. قرارگرفتن مسیر مادی در میان بافت‌های تاریخی و فرسوده شهری اصفهان و احیاء منظر این مادی‌ها، می‌تواند به عنوان عامل محرک در بازسازی بافت‌های فرسوده و ارتقاء منظر شهری آنها و افزایش حس تعلق مکان برای ساکنان به شمار آید. در این مقاله تلاش شده تا با بررسی نمونه موردی مادی محله قدیم مورنان اصفهان و نقش ساختاری آن در شکل‌دهی به منظر شهری، به تدوین و بسط اصولی در ارتباط با نقش ساختاری آب و رود در شکل‌گیری منظر مطلوب شهری دست یافت.

واژگان کلیدی: منظر شهری، مادی، آب، هویت

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز و کارشناس طراحی شهری مهندسیین مشاور آرمانشهر

مزایا و نقش بام سبز در منظر شهری

سمیه نادری پاریزی^۱، هدی احمدی^۲

بام‌های سبز، باغ‌هایی هستند که به جای سطح زمین در پشت بام خانه‌ها ساخته می‌شوند. امروزه در بیشتر شهرهای پیشرفته و پرجمعیت دنیا که به علت افزایش ساخت و ساز و کاهش سطح زمین، با کمبود فضا مواجه می‌شوند، این بام‌ها جایگزین فضای سبز شهری شده‌اند. در این مقاله سعی شده است به بررسی نقش و مزایای باغ روی بام پرداخته شود. وجود این گونه باغ‌ها که قدمت آن به قرن‌های ۷ و ۸ پیش از میلاد می‌رسد (اولین بار در تمدن‌های آسیایی در کنار رود دجله و فرات به وجود آمدند و معروف‌ترین آنها باغ‌های معلق بابل است)، امروزه به صورت یک فناوری نوین در اروپا، امریکا و در بعضی نقاط آسیا نیز به عنوان مکانیسمی برای روح بخشی به ساختمان، افزایش سرانه فضای سبز شهری و حفظ هزینه‌های بلند مدت بناها و صرفه جویی در مصرف انرژی محسوب می‌شود. اما این فناوری سبز و هنر معماری نوین در ایران که سرانه فضای سبز آن از حد متوسط نیز پایین‌تر است، مهجور مانده است. پرداختن به این فناوری می‌تواند از بزرگ‌ترین تحولات زیست محیطی در شهرها محسوب گردد. کنترل و کاهش رواناب ناشی از بارندگی، کاهش آلودگی هوا با فیلتر کردن ذرات معلق هوایی از طریق ساقه و برگ گیاهان، حفاظت در مقابل آتش سوزی در ساختمان، تقلیل آلودگی صوتی و... از دیگر مزایای تکنیک بام سبز به شمار می‌آید.

واژگان کلیدی: باغ روی بام، فناوری سبز، معماری سبز، حفظ محیط زیست، پوشش گیاهی

۱. کارشناس مهندسی معماری دانشگاه آزاد واحد کرمان

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری دانشگاه آزاد واحد نور

منظر شهری و طراحی بوم آشکار (کاوشی به سوی پیوند نظام‌های طبیعی و انسانی)

شادی براتی^۱، شیناص برنجی^۲، مهدی شیبانی^۳

طبیعت، حلقه گمشده پیکره شهر امروز است. در پی بیگانگی انسان از نظام‌های طبیعی در دوران مدرن، تلاش‌های متخصصین طراحی محیط در جهت ایجاد پیوندی دوباره میان نظام‌های انسانی و اکولوژیک به ویژه در محیط‌های انسان‌ساخت، آغاز گشت. رویکرد بوم آشکارگی در طراحی منظر از طریق عیان نمودن فرآیندهای طبیعی و امکان تجربه آنها توسط انسان در محیط، در جستجوی چنین هدفی برمی‌آید. گزاره بنیادین نظری در طراحی منظر بوم‌آشکار، آشکارگی فیزیکی فرآیندهای اکولوژیک در منظر و تجربه فعالانه کاربران انسانی است که امکان تماس، ارتباط و ادراک فرآیندهای طبیعی را به ویژه در محیط‌های شهری فراهم می‌نماید. به عبارتی این رویکرد در صدد پیوند با طبیعت مکان از طریق تجربه فرآیندمحور به جای صورت‌پردازی ایستا در معماری منظر برمی‌آید. رویه طراحی بوم‌آشکار همچنین بر تأثیرات فرهنگی بالقوه ناشی از توأم کردن نظام‌های اکولوژیک با محیط مصنوع، تأکید نوینی می‌کند.

علی‌رغم نوظهور بودن این رویکرد در ادبیات معماری منظر، مبانی مفهومی آن در جوهر پردازش محیطی، در باغ ایرانی و منظر شهری شهرهای سنتی ایرانی، هویداست. بدین ترتیب که منظر در باغ ایرانی، مکانی برای بروز و ظهور چرخه‌ها حیات در معرض ادراک انسانی می‌گردد. فرآیندهای طبیعی از حیثه مفروضات صرف خارج شده و جزئی از محسوسات محیطی و در لایه‌های نخستین تجربه انسانی از منظر قرار می‌گیرند. همچنان که در شهر باستانی شوشتر، چرخه‌های هیدرولوژیک محیط طبیعی در تعامل سودمند صنعتی-اقتصادی با انسان قرار می‌گیرند و این تعامل دوسویه انسان و طبیعت در منظر شهر آشکار می‌گردد. بدین ترتیب امکان ادراک و تجربه آنچه در طبیعت مکان روی می‌دهد، در مقیاس‌های مختلف منظر شهری فراهم می‌شود. این مقاله به چرایی و چگونگی رویکرد بوم‌آشکارگی در منظر شهری با الگو گرفتن از نگرش شهرهای سنتی ایران می‌پردازد. در این راستا همزیستی توأمان انسان و طبیعت در جهت پیوند مقوله فرهنگ زیست شهری و دانش اکولوژی مورد بررسی قرار گرفته و آرمان خلق منظری ماندگار در شهر معاصر مدنظر قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: منظر شهری، طراحی منظر بوم‌آشکار، نظام اکولوژیک، طبیعت مکان، تجربه‌فرآیند محور،

شهر سنتی ایرانی

۱. کارشناس ارشد معماری منظر، دانشگاه شهید بهشتی

۲. کارشناس ارشد معماری منظر، دانشگاه شهید بهشتی

۳. استاد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی

نقش اکولوژی در منظر شهری (جستاری در تأثیر زیرساخت‌های اکولوژیک در منظر شهری)

شینا ص برنجی^۱، شادی براتی^۲

بی‌توجهی به توان اکولوژیکی هر شهر و وارد آوردن بارهایی بیش از ظرفیت آن، موجب بروز شرایط زیست محیطی بحرانی در آن شده است. این شرایط بحرانی از یک سو سیمای شهر را دستخوش آشفستگی و عدم یکپارچگی کرده و از سوی دیگر موجب رنگ باختگی آسایش اقلیمی از فضای باز شهری گردیده است. توجه به اصول اکولوژیک و انطباق ساختار و استخوان‌بندی پیکره شهر بر زیرساخت‌های طبیعی آن، از جمله مفاهیمی هستند که تعمق در آن‌ها و بهره بردن از ظرفیت‌های بالقوه‌شان، برنامه‌ریزان و سازندگان شهرها را در خلق منظر شهری همخوان و همساز با طبیعت شهر سوق می‌دهد.

در همین راستا در این پژوهش، الگوی شهر اصفهان به عنوان نمونه‌ای از مبنا قرار گرفتن ساختارهای طبیعی در شکل‌گیری شهر، بازنگری شده و چگونگی حیات‌بخشی «مادی‌ها» به عنوان زیرساخت‌های طبیعی به منظر و زندگی شهری اصفهان مورد بررسی قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، توجه به اصول اکولوژیکی چون پیوستگی در شبکه اکولوژی و محور قرار دادن آن‌ها، مانایی و کارایی بهتر شبکه را به همراه داشته، منظر ی یکپارچه به ارمغان می‌آورد که هم نیازهای زیبایی-شناسی بصری را مرتفع می‌کند و هم شرایط آسایش محیطی را برای شهروندان به همراه دارد. در نتیجه، بهره‌گیری از تجارب بومی در زمینه انطباق ساختار منظر شهری با اصول اکولوژیکی و منطق محیطی، به عنوان مصادیقی از همسازی زیستگاه انسانی با محیط طبیعی مورد توجه قرار می‌گیرد. چنین رویکردی موجب ارتباط منظر شهری با طبیعت مکان و فرا رفتن آن از سطح صورت پردازی در لایه‌های سطحی گشته و هویت‌بخش شهرها می‌شود. در این مقاله با بررسی شهر تهران به عنوان یک نمونه موردی، به بیان ساختار فعلی شهر پرداخته و با شناخت و تفسیر زیرساخت‌های طبیعی آن (هفت روددره اصلی شهر)، به ارائه راهکارهایی برای بهبود شرایط بصری-اکولوژیکی منظر شهری پرداخته می‌شود.

واژگان کلیدی: اکولوژی منظر، زیرساخت‌های طبیعی، منظر شهری، شهرهای سنتی ایران، شهر تهران.

۱. کارشناس ارشد معماری منظر، دانشگاه شهید بهشتی

۲. کارشناس ارشد معماری منظر، دانشگاه شهید بهشتی

نقش شبکه‌های سبز شهری در ایجاد پیوستگی و تداوم در منظر شهری

سعیده نوروزی^۱

امروزه با پیشرفت روز افزون جمعیت شهرها، فضاهای سبز شهری از ابعاد مختلف زیست محیطی، زیبایی شناسی، اجتماعی و... روز به روز بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرند. این فضاها با کارکرد اصلی زیست محیطی، می‌توانند در منظر شهری شهرهای امروز، تأثیرگذار بوده و در توسعه فضاهای نرم شهری در مقابل توده‌های متراکم شهرها، نقش قابل توجهی داشته باشند. از جهت دیگر، در دیدگاه‌های اخیر یک حرکت از جدایی (*isolation*) به سمت اتصال (*connection*) در تمامی ابعاد شهری و از جمله در مورد فضاهای سبز شهری مورد توجه بوده، ایده "شبکه‌های اکولوژیکی" مطرح گشته است. در این ایده، برای پایدار ساختن فضاهای باز و سبز، لکه‌های سبز مجاور یکدیگر از طریق سبزه‌راه‌ها، به عنوان کریدورهای خطی ارتباط دهنده به یکدیگر متصل شده و «شبکه‌های اکولوژیکی» را ایجاد می‌کنند. اگرچه کارکرد «اتصال» در سبزه‌راه‌ها بسیار حائز اهمیت است، اما این ایده به مرور گسترش یافته و امروزه کارکردهایی مختلفی مانند دوچرخه‌سواری، پیاده‌روی و حفاظت از محیط زیست به آنها اختصاص داده می‌شود. علاوه بر این سبزه‌راه‌ها مکان‌های تفریحی نیز محسوب می‌شوند.

بنابراین توجه به سبزه‌راه‌ها، جایگاه ویژه‌ای برای آنها در مقیاس شهری فراهم آورده است. شبکه‌های سبز شهری، می‌توانند به منزله مفاصل نرم ساختاری، توده‌های منفصل و از هم گسسته فضایی را به هم متصل نموده و واجد نوعی اتصال فضایی در منظر شهری بوده و منظر شهری پیوسته و متنوعی را ایجاد نمایند.

هدف این مقاله، مطالعه ساختاری شهر شیراز و عناصر سخت و نرم فضایی آن و تشخیص بستر مناسب برای ایجاد شبکه‌های سبز شهری به منظور ایجاد یک منظر شهری یکپارچه و متنوع می‌باشد. شهر شیراز به لحاظ قابلیت‌های طبیعی و فضایی، بستر مناسبی برای ایجاد شبکه سبز شهری و ایجاد یک منظر ترکیبی یکپارچه را داراست.

واژگان کلیدی: شبکه‌های سبز شهری، منظر شهری، شبکه اکولوژیکی، سبز راه، فضای نرم شهری، منظر ذهنی

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری دانشگاه علم و صنعت ایران

نقش شریان‌های آبی در ایجاد و هویت بخشی مناظر اجتماعی شهرها، تهدیدها و فرصت‌ها (مطالعه موردی میدان زرچوب رشت)

سامان صبا^۱

بسیاری از شهرها در حاشیه رودها شکل گرفته‌اند و شیوه تعامل شهر و رود به عنوان یک شریان آبی طبیعی می‌تواند زمینه‌ای مهم از دیدگاه منظر شهری محسوب شود. مناظر سبز شهری در شهرهای خشن امروزی، بستر مناسبی برای شکل‌گیری فضاهای اجتماعی بوده و از طرفی رودها به همراه فراهم آوردن فضاهای سبز در حاشیه خود، می‌توانند نقش پیوند دهنده مراکز اجتماعی را در امتداد خود ایفا نمایند.

در ضمن رودها می‌توانند عامل برآورده شدن عدالت محیطی بوسیله تقسیم عادلانه مناظر سبز شهری و بالا بردن کیفیت زیست در امتداد مسیر حرکت خود در شهر باشند. در این میان حضور رود به عنوان یک عامل بصری - محیطی قوی در منظر این مراکز شهری، با هویت این مراکز پیوند خورده و در خاطره جمعی مردم باقی مانده و بخشی از هویت محیط گشته است. گرچه امروزه با گسترش آلودگی‌ها که ماهیت سبز فضاهای حاشیه رود را تحت تاثیر قرار داده‌اند، فرصت‌های ذکر شده تبدیل به تهدید پخش آلودگی‌ها در سطح شهر از طریق رود شده است. اما مطالعه شیوه بروز و استفاده از این فرصت‌ها می‌تواند در ایجاد منظر شهری مطلوب، کارساز باشد.

میدان زرچوب در شهر رشت که نام خود را از مهم‌ترین رود شهر گرفته، مثال خوبی برای بروز این تهدیدها و از دست رفتن فرصت‌های ذکر شده می‌باشد که در این تحقیق مورد مطالعه قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: هویت بخشی، مراکز اجتماعی، منظر رود، فضای سبز، آلودگی، زرچوب

نقش مدیریت و برنامه‌ریزی منظر شهری در کاهش آسیب‌های پدیده بحران گرمایی کلان‌شهرها

جعفر سپهری^۱، پریسا زارعی، لیلا فراهانی

در طی روز به‌ویژه روزهای بلند تابستان، در هر منطقه شهری، نمای ساختمان‌ها، خیابان‌ها و سطوح تیره رنگ، پرتوهای خورشیدی را جذب نموده و ساعاتی بعد، آن را به شکل گرما به هوا گسیل می‌دارند. با توجه به اینکه تمامی سقف‌ها و خیابان‌ها و همچنین بیشتر نماهای ساختمانی در شهرها تیره‌رنگ هستند و این سطوح تیره‌رنگ بیش از نیمی از مساحت شهرها را در بر می‌گیرد، سطح پهناوری گرمای گسیل شده از سوی خورشید را جذب کرده و در خود نگاه می‌دارند. این پدیده باعث افزایش دمای مناطق شهری از ۲ تا ۱۵ درجه سانتیگراد شده و به نام «پدیده جزیره گرمایی» شناخته می‌شود.

یک کلان‌شهر، آب‌وهوای مخصوص و ویژه خود را می‌سازد. پدیده «بحران گرمایی» نه تنها باعث افزایش مصرف انرژی برای خنک کردن ساختمان‌ها می‌شود، بلکه باعث ایجاد آلودگی در جو از جمله تولید گاز ازن O_3 و افزایش ترکیبات زیانبار گوگردی در سطح زمین نیز می‌گردد. ترکیبات گوگردی باعث آسیب به اندام‌ها به ویژه دستگاه تنفسی و همچنین آسیب به نماهای شهری می‌شود. همچنین «بحران گرمایی» باعث افزایش تنش در روابط اجتماعی شده و احتمال بروز خشونت را افزایش می‌دهد.

در این نوشتار نقش مدیریت و برنامه‌ریزی منظر شهری در کاهش آسیب‌های پدیده جزیره گرمایی کلان‌شهرها، گنجانیدن این موضوع در مدیریت کلان‌شهرها و راه‌کارهای پیش‌گیری از این پدیده که موجب صرفه‌جویی کلی در مصرف کلیه منابع ملی از جمله آب، انرژی، پول و... می‌شود، مورد بحث، گفتگو و بررسی قرار خواهد گرفت.

واژگان کلیدی: منظر شهری، مدیریت شهری، بحران گرمایی، جزیره گرمایی، آلاینده‌ها

نقش و اهمیت باغ‌های تاریخی در ساماندهی منظر شهری

(مطالعه موردی شهر بهشهر)

قربان اسلامی راد^۱، یاسر قاسمی^۲

باغ‌های تاریخی ایران علاوه بر منظر طبیعی، فرهنگی و معماری به دلیل عظمت و مظهر قدرت معنوی در جهان شهره‌اند. در فرهنگ ایرانی، مفهوم مقدس گیاه که به نوعی باغ‌ها را تصویر بهشت بر زمین معرفی می‌نماید، باعث شکل‌گیری و ایجاد باغ‌های زیبایی در کشورمان شده که بسیاری از آنها از بین رفته‌اند و یا فراموش شده‌اند. از جمله آنها می‌توان به باغ‌های تاریخی بهشهر اشاره نمود. شهرستان بهشهر، یکی از قدیمی‌ترین شهرهای استان مازندران است که به دستور شاه عباس صفوی در سال ۱۰۲۱ ه.ق، یعنی بیش از ۴۱۰ سال پیش ساخته شد. در این شهر بناهای با ارزشی از معماری اسلامی به شکل باغ‌هایی از دوره صفویه باقی مانده است که متجلی فرهنگ و هنر ایرانی است. در سال‌های اخیر، به دلیل عدم نظارت در حفظ و نگهداری این گونه باغ‌های تاریخی و تصرف آن به وسیله سازمان‌های دولتی، متأسفانه موجبات فرسایش و نابودی آنها فراهم گشته است. در اثر این بی توجهی، از اهمیت و نقش باغ‌های تاریخی در ساماندهی و هویت بخشی شهر کاسته و علاوه بر این منجر به گسستگی ساخت و آشفستگی سیمای شهری نیز گردیده است.

در این مقاله سعی شده است با بررسی نقش، اهمیت و جایگاه باغ‌های تاریخی در انتظام بخشی فضاهای پایدار شهری، با زنده سازی هویت و زیباسازی محیط کالبدی شهر، شناختی از اهمیت و نقش این باغ‌ها در ساماندهی منظر شهری بدست آید. به این امید که زمینه ای برای توجه بیشتر در جهت حفظ و نگهداری از این باغ‌های زیبا و تاریخی فراهم گردد.

واژگان کلیدی: باغ‌های تاریخی، منظر شهری، هویت شهری، مجموعه باغ شاه، بهشهر

۱. دانشجوی دکتری تخصصی *PH.D* جغرافیای و برنامه‌ریزی شهری

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد

۲. تجربه‌های خارجی و داخلی منظر شهری



۱-۲. نوسازی شهری

۲-۲. منظر طبیعی شهر

۲-۳. تجهیزات شهر و منظر

۴-۲. فضای جمعی و منظر شهری

۵-۲. برنامه‌ریزی و مدیریت منظر

۶-۲. منظر راه و خیابان

۷-۲. گردشگری و منظر شهری

اصول به کارگیری تاسیسات نورپردازی و نقش نورپردازی در خوانایی فضاهای شهری

محمدرضا بمانیان^۱، علی اکبر تقوایی^۲ و محسن حسینی^۳

در برخورد با فضاهای شهری (طراحی و برنامه‌ریزی)، توجه به بعد زمان و کارکردهای فضا در زمان‌های مختلف در کنار کالبد فضا بسیار ضروری است. بعد زمان در طراحی فضا، توجه به سیمای شبانه فضا و به تبع آن روشنایی و نورپردازی آن را مطرح می‌سازد. فضاهای شهری، معمولا شب هنگام، بیش از پیش ناآشنا به نظر می‌رسند و عدم قطعیت در شناسایی مکان، مسیر و به طور کلی ناخوانایی فضاهای شهری در شب هنگام، آزار دهنده است. همچنین یکی از عمده‌ترین دلایل بروز نابهنجاری‌های اجتماعی در فضاهای شهری در شب هنگام، وجود کالبد نامناسب، آشفته و عدم خوانایی و روشنایی فضا عنوان شده است. خالی شدن فضاهای شهری در شب به علت روشنایی نامناسب، عدم سرزندگی، تنوع و خوانایی فضا، در کنار آنچه ذکر شد، لزوم توجه بیش از پیش به سیمای شبانه شهری را مطرح می‌نماید و اینکه نورپردازی یکی از راهکارهای برخورد با مسئله یاد شده است. چهره مراکز شهرها در ساعات شب را می‌توان از طریق نورپردازی خلاقانه ساختمان‌ها، خیابان‌ها، درختان، تندیس‌ها و مکان‌های عمومی به شیوه خیال‌انگیزی دگرگون ساخت و خوانایی و سرزندگی را به فضا تزریق نمود. در این مقاله سعی بر آن است تا به مقوله نورپردازی در شهر و اثرات آن بر خوانایی فضاهای شهری در شب‌هنگام پرداخته شود. نحوه بکارگیری از تاسیسات روشنایی در فضاهای شهری، در مقیاس‌های مختلف، اثرات مستقیم و متفاوتی بر خوانایی فضا دارد که می‌تواند به عنوان ابزاری در دست طراحان فضاهای شهری به منظور ارتقاء کیفیت سیما و منظر شبانه در فضاهای شهری باشد.

واژگان کلیدی: نورپردازی، خوانایی، تاسیسات نورپردازی، فضای شهری، طراحی شهری

۱. دانشیار گروه شهرسازی دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس

۲. دانشیار گروه شهرسازی دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس

۳. کارشناس ارشد طراحی شهری دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس

بررسی تأثیر چیدمان مبلمان‌های شهری بر نحوه رفتار عابر پیاده

آذر شکیبی^۱، رضا رفیعی جوزم^۲

در زندگی شهری بالاخص در خیابان‌ها کمتر کسی را می‌توان یافت که به طریقی با مبلمان سروکار نداشته باشد (سرپناه، ایستگاه اتوبوس، باجه بلیط فروشی، نیمکت هاو...)، همچنین مبلمان بخش زیادی از فعالیت‌ها و رفتارهای شهری را سامان داده و باعث افزایش کیفیت استفاده شهروندان از خیابان، میدان و عرصه‌های دیگر شهری می‌شود. مهم‌ترین ویژگی مبلمان شهری کاربرد عام آن است. بنابراین نیاز به بررسی و تحلیل رفتار استفاده‌کنندگان از مبلمان در خیابان احساس شده و "خیابان ولیعصر" به دلیل داشتن درختان سرو بلند قامت، به عنوان نمونه مورد مطالعه در نظر گرفته شده است. البته به دلیل طولانی بودن مسیر و وقت کم پژوهش، فضای حد فاصل چهار راه ولیعصر تا میدان ولیعصر به عنوان دو قطب (گره) مهم شهری انتخاب شده است. هدف از این مطالعه بررسی و تحلیل کمی و کیفی مبلمان‌های موجود در خیابان ولیعصر و الگوهای رفتاری استفاده‌کنندگان از این وسایل بوده و تأکید اصلی موضوع علاوه بر بررسی الگوهای رفتاری پیاده‌ها، بررسی انطباق یا عدم انطباق این الگو با چیدمان عناصر یاد شده و بالعکس می‌باشد. از آنجا که فضاهای خیابان‌های امروزی در رابطه با خصوصیات فرهنگی و نیازهای اجتماعی-اقتصادی ساکنین مورد بررسی قرار نگرفته و صرفاً با پیاده کردن الگوهای خارجی همراه بوده، در تحقیق حاضر این فرضیه مطرح می‌گردد که "تضادها، تنگناها و بحران‌های موجود در استفاده از فضای خیابان (به خصوص عابر پیاده) ناشی از عدم تطبیق الگوهای طراحی با الگوهای رفتاری گروه‌های استفاده‌کننده است." نوع تحقیق از نوع کارکردی بوده و روش گردآوری اطلاعات به طریقه مطالعه میدانی و کتابخانه‌ای صورت گرفته است. مطالعه میدانی از طریق بازدید در محل و مصاحبه با شهروندان استفاده‌کننده از فضا و عکسبرداری از مبلمان‌ها و حرکت عابرین بوده است. در واقع بدون دخالت در شرایط میدانی که رفتار یا رویداد در آن واقع شده است، به مشاهده و اندازه‌گیری جنبه‌های رفتاری پرداخته شده است. برای ثبت وقایع از دوربین عکاسی استفاده شده است، چرا که بهترین روش برای ثبت وقایع بصری- رفتاری است. زمان عکسبرداری ۸ تا ۱۰ صبح و ۶ تا ۸ عصر بوده و محل عکسبرداری بالاتر از پیاده‌رو (طبقه ۲ و ۳) و کادر طوری انتخاب شده که حتی الامکان تداوم لازم در هر فضا پدید آمده و امکان بررسی رفتار فراهم باشد.

واژگان کلیدی: مبلمان، الگوهای رفتاری، طراحی شهری (طراحی منظر)

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه تربیت مدرس

۲. کارشناس ارشد برنامه ریزی شهری، دانشگاه علم و صنعت ایران

بررسی تأثیرات زیبایی شناسی رنگ و سازه در مبلمان شهری امروزی

پرنیا رضا پوریان^۱، حسین کاشی^۲، مهدی ماستیانی^۳

شهر کالبدی برای زندگی انسان و فعالیت های او در کنار طبیعت است. مبلمان شهری یک شهر به عنوان یکی از ملموس ترین و در دسترس ترین عناصر تشکیل دهنده فضاهای شهری از اهمیت فراوانی برخوردار است. این عناصر به لحاظ کاربردی، به طور مستقیم با شهروندان در ارتباط بوده و طبعاً عوامل خاصی در زمینه های طراحی، ساخت و نصب بر آن ها تأثیر خواهد داشت. یکی از عواملی که باعث زیبایی و چشم نواز شدن مبلمان شهری و محیط پیرامون آن می شود، نوع سازه (استراکچر) و رنگ مبلمان شهری می باشد.

هر آنچه در دنیا وجود دارد، دارای سازه و رنگ است. پس مبلمان شهری هم دارای سازه و رنگ منحصر به فرد برای خود می باشند، اما آیا سازه مبلمان شهری، تأثیری بر زیبایی مبلمان شهری دارد؟ یا به عبارتی آیا زیباگرایی سازه ای در مبلمان شهری امروزی وجود دارد؟ پاسخ به این سؤالات بسیار مشکل است، اما تأثیر نگرش زیبا شناسانه به سازه را نمی توان انکار کرد. بنابراین تعادل، پایداری، عملکرد و زیبایی، عواملی هستند که بحث زیبایی در سازه را مطرح می کنند. از آن جا که سازه ها ماهیتاً دارای تعادل، پایداری و عملکرد هستند، این خصوصیات اصالت صداقت و زیبایی را نیز مطرح می کنند. سؤال دیگر، مربوط به رنگ مبلمان است و این که تأثیر رنگ در زیبایی مبلمان شهری چیست؟ چهره زیبای یک شهر مستلزم استفاده مناسب از نقش فعال رنگ با تأکید بر فضا و حجم به عنوان یک ابزار مهم می باشد.

امروزه هنگامی که سخن از مبلمان شهری به میان می آید، آنچه در ذهن شهروندان تداعی می شود، مجموعه ای از رنگ هایی است که بدون هیچ محتوا و هویتی نوعی نابهنجاری و بی نظمی را متجسم می سازد که باعث سردرگمی و عدم خوانایی می شود. این نابهنجاری، نتیجه عدم وجود ضابطه و دستورالعملی مشخص و همچنین سلیقه ای عمل کردن مسئولین ذیربط و طراحان می باشد. پژوهش حاضر بر پایه اسناد تحلیلی و تجارب کاربردی در این حوزه، به بیان ارتباط رنگ و سازه در زیبایی مبلمان شهری می پردازد.

در این مقاله ابتدا تعریفی از مبلمان شهری ارائه شده و سپس تأثیر سازه و رنگ در زیبایی مبلمان شهری امروزی بررسی می گردد.

واژگان کلیدی: مبلمان شهری، زیبایی گرایی سازه ای، زیبایی، سازه، رنگ

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز
۳. دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

بررسی عوامل موثر در طراحی مبلمان شهری با تاکید بر هویت فرهنگ ایرانی - اسلامی (مطالعه موردی شهر مشهد)

رحیم بردی آنامراد نژاد^۱، محمود عیوضلو^۲، فرشته رضایی^۳، داود عیوضلو^۴

در یک قرن اخیر با رشد روز افزون شهرنشینی و با توجه به پیامدهایی که صنعت و مدرنیزاسیون در زندگی شهری همراه داشته است، شاهد از بین رفتن بسیاری از فضاهای ارزشمند شهری و شکل‌گیری شتاب زده و نسنجیده فضاهای کنونی در مناظر شهری هستیم. در این میان مقوله مبلمان شهری و نقش آن در سیمای شهر از هر منظری در خور اهمیت است. مبلمان شهری از عناصری است که توانایی و ظرفیت فراوانی برای تامین اهداف سامان دهی مناظر شهری را دارد. با توجه به اینکه اهداف سه‌گانه زیبا سازی، هویت بخشی و خواناسازی محیط، مهم‌ترین کارکرد آنها در شهر می باشد، مبلمان شهری به عنوان کیفیتی معمارانه و خلاق موجب افزایش کیفیت زیستی و هویت بخشی به منظرهای شهری می‌گردد. در این راستا در پژوهش حاضر در شهر مشهد به عنوان دومین کلان شهر کشور، تاثیرات متقابل مبلمان شهری بر حفظ هویت ایرانی-اسلامی و همچنین تاثیر این فرهنگ در ساخت فضاهای شهری مورد بررسی قرار گرفته است. رویکرد حاکم بر این پژوهش توصیفی-تحلیلی است و به لحاظ ماهیت نظری، کاربردی مباحث مطرح شده، از روش مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی و همچنین مطالعات میدانی استفاده شده است اطلاعات مورد نظر نیز با شیوه فیش برداری، جمع آوری گردیده است.

با توجه به این که طراحی و ایجاد مبلمان شهری از عواملی است که در ایجاد هویت، زیبایی و خوانایی شهر اهمیت فراوان دارد، این مقاله سعی دارد با ارائه راهکارهایی در مناسب سازی منظر شهری و با رویکردی که در طراحی مبلمان شهری دارد، با توجه به هویت فرهنگ ایرانی اسلامی در جهت غنای هویت مکان در شهر، ارائه خدمات و ایجاد آرامش و آسایش شهروندان موثر باشد. همچنین به بررسی خصوصیات مبلمان شهری در طراحی بهینه فضاهای شهری و ارائه نکات و راهکارهای موثر در طراحی آن بپردازد.

واژگان کلیدی: مبلمان شهری، هویت بخشی، فرهنگ ایرانی اسلامی، شهر مشهد

۱. هیات علمی گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه مازندران

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری پیام نور ساری

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری پیام نور ساری

۴. دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تهران

بررسی نماهای نرده‌ای در لبه‌های اماکن عمومی

جنت رحمت پناه^۱

نرده کشی از بیشترین نماهای شهری محسوب می‌شود که اطراف محوطه اماکن عمومی عمدتاً با آن پوشیده شده است. نرده کشی یکی از نماهای نامطلوب در لبه‌های شهری ما محسوب می‌شود. این لبه که مابین پیاده رو (فضای عمومی) و اماکن عمومی (فضاهای نیمه عمومی) قرار دارد، باید به گونه‌ای طراحی شود که حریم هر دو طرف را حفظ کرده و در ضمن نمای مطلوبی داشته باشد.

در صورتی که با توجه به نظرات مختلف مردم، خواهیم دید که نه تنها رنگ و ظاهر نرده‌ها در ذهنیت مردم مورد قبول نیست، بلکه حس نامطلوبی را به لحاظ روانشناسی به مردم القا کرده و تنها به صورت بایدهای امنیتی در نزد مردم پذیرفته شده است. با توجه به این اوصاف باید به وسیله ترندهایی، این نمای نامطلوب را به نمای مطلوب تبدیل کرد که با کوچک‌ترین تغییر حتی با تغییر در جهت قرارگیری نرده‌ها، این هدف دست یافتنی است.

هدف از این مقاله بررسی مزایا و معایب نماهای نرده‌ای شکل می‌باشد. در ابتدا نظرات مختلف درباره این نماها بررسی شده و سپس پیشنهادهای در جهت بهبود آن ارائه می‌شود. در این مقاله برای جمع‌آوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای و میدانی استفاده شده و برای تجزیه و تحلیل اطلاعات، از روش کیفی و به صورت انتقادی استفاده شده است.

واژگان کلیدی: نرده، حریم، لبه، اماکن عمومی.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس.

بررسی نقش عناصر تبلیغات شهری در زیبایی منظر شهری (مطالعه موردی خیابان امام شهر تبریز)

توحید احمدی^۱

منظر شهری شامل عناصر و اجزاء مختلف و متنوعی است که در مجموع کلیت منظر شهری را تشکیل می‌دهند. یکی از اجزاء تشکیل دهنده منظر شهری، عناصر تبلیغاتی در سطح شهر می‌باشند که نیاز روزافزون به معرفی کالاها و رقابتی بودن بازار در شهرها حضور هرچه بیشتر این عناصر را ضروری نموده است. امروزه عناصر تبلیغات شهری بخش جدایی ناپذیر شهرها محسوب می‌شوند. اما مسأله زمانی پدیدار می‌گردد که عناصر تبلیغاتی به صورت بی برنامه و بدون رعایت تناسب مکانی و ابعاد فیزیکی در سطح شهرها به ایفای نقش پرداخته و باعث آلودگی‌های بصری و گاهی صدمه‌های فیزیکی به شهروندان می‌گردند. اگر منظر شهری را هنر یکپارچگی بخشیدن بصری و ساختاری به مجموعه عناصر تشکیل دهنده یک شهر تلقی نمائیم، می‌توانیم با رعایت اصول و استانداردهای مربوط به منظر شهری، زیبایی شهرها از یک طرف و کارایی عناصر تبلیغاتی را از طرف دیگر بهبود بخشیم.

هدف از این مقاله ارزیابی عناصر تبلیغات شهری با معیارهای شهرسازی و همچنین آسیب شناسی منظر شهری در سطح محدوده مورد مطالعه می‌باشد. در این مقاله فرضیه مورد نظر این است که عناصر تبلیغاتی موجود در سطح محدوده مورد مطالعه (خیابان امام شهر تبریز) با معیارهای موجود شهرسازی مطابقت ندارند. در این مقاله از روش مطالعه میدانی و اسنادی برای اثبات یا رد فرضیه مورد نظر استفاده شده است که در نهایت میزان مطابقت عناصر تبلیغاتی را با معیارهای شهر سازی بیان می‌نماید.

واژگان کلیدی: زیبایی منظر، تبلیغات، معیارهای فیزیکی، اطلاع رسانی- شهر.

۱. کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری و پژوهشگر جهاد دانشگاهی واحد آذربایجان شرقی

تکنیک‌های ریخت‌شناسی شهری در تهیه راهنماهای طراحی شهری

امیر طیبی^۱، علی غفاری^۲

ریخت‌شناسی شهری به عنوان "علم فرم شهری" دارای ظرفیت‌های قابل توجهی برای مشارکت در فهم و مدیریت توسعه شهری می‌باشد، خصوصاً در دوران کنونی که شهرها با تغییرات بی‌سابقه‌ای مواجه شده‌اند که هم ساکنان شهرها را در ادراک و ایجاد تصویر ذهنی از شهرها دچار مشکل کرده است و هم طراحان را در کنترل و هدایت ساخت و سازهای جدید با چالشی جدی مواجه کرده است. استفاده از ریخت‌شناسی شهری در تحلیل فرم و منظر شهری در صورت آگاهی از موارد زیر، می‌تواند به شکل موثرتری صورت بگیرد:

- ۱- شناسایی مبانی نظری این حوزه دانشی
 - ۲- شناسایی و تفکیک تکنیک‌های ریخت‌شناسی شهری
 - ۳- شناسایی و تحلیل و تفکیک تجارب پیشین این رشته در قالب شناسایی مکاتب و اندیشه‌ها و نمونه مطالعات و استفاده از تحلیل‌های ریخت‌شناسانه.
- راهنمای طراحی شهری، بیان تفصیلی و حتی المقدور تصویری سیاست‌ها و اهدافی است که در مقیاس کلان‌شهر و با هدف ارتقاء کیفیت کالبدی آن تدوین می‌شوند، به طوری که آن‌ها (سیاست‌ها و اهداف) را به زبان طراحی و قابل اجرا درآورد. سه تکنیک "تحلیل نقشه"، "گونه‌شناسی" و "مطالعه شخصیت شهر" که در ریخت‌شناسی شهری مورد استفاده قرار می‌گیرند، برای تهیه اهداف و سیاست‌ها در راهنماهای شهری که متوجه مسایل فرم و منظر شهری می‌باشند، کاربرد دارند.
- این مقاله پس از تعریف راهنماهای شهری، شناسایی اجزای آنها و نحوه تهیه آنها به معرفی تکنیک‌های سه‌گانه ریخت‌شناسی شهری پرداخته و نحوه استفاده و مزایای استفاده از آنها را در تهیه راهنماهای شهری مشخص می‌کند.

واژگان کلیدی: تکنیک‌های ریخت‌شناسی شهری، راهنمای طراحی شهری، تحلیل نقشه، گونه‌شناسی، مطالعه شخصیت شهر

۱. کارشناس ارشد طراحی شهری از دانشگاه شهید بهشتی
 ۲. دکتری معماری، استاد دانشکده معماری و شهرسازی شهید بهشتی

تهیه و تدوین راهنمای طراحی شهری بر اساس مفاهیم حرکت و دیدهای متوالی در منظر شهری

مسعود متولی^۱

ادراک شهروندان از منظر شهری یک فرایند پویا است که شامل صرف زمان می‌شود. فضاها، سطوح و احجام اصلی که در چنین ترکیبی شرکت داشته و تناسباتی که شهر را فرم می‌دهند به طور هم زمان قابل رویت نبوده و در یک توالی بصری ادراک می‌شوند. لازمه ادراک صحیح و مناسب انسان از منظر شهری در حین حرکت، بکارگیری برخی اصول و انگاره‌های طراحی می‌باشد. این اصول عمدتاً با تکیه بر نظریات و آراء متخصصین و اندیشمندان حوزه منظر شهری قابل استنتاج است. از مهم‌ترین این نظریه‌ها، نظریه «دیدهای پی در پی» است که کالن بر آن تأکید می‌ورزد. با توجه به اهمیت مفاهیم حرکت و دیدهای متوالی در منظر شهری و علی‌الخصوص در منظر مسیر و راه، همچنین وجود منابع و مآخذ اندکی که به طور مشخص به این مفاهیم در طراحی پرداخته باشند، پژوهش حاضر در راستای تحلیل محدوده مورد نظر بر اساس مفاهیم ذکر شده به تدوین اصول و راهکارهای طراحی شهری پرداخته و تأکید ویژه آن بر تغییرات تدریجی منظر در حین حرکت و در طول زمان می‌باشد. روش کار در این پژوهش، بر اساس یک سری معیارها و شاخص‌های استنتاج شده مطالعات مربوط به مفهوم دیدهای پی در پی می‌باشد. سپس تحلیل جامع اطلاعات، حاصل از مشاهدات میدانی و تصاویر گرفته شده از سه پهنا صورت می‌گیرد. در نهایت انگاره‌ها و راهکارهای طراحی منظر بر اساس مفهوم دیدهای پی در پی مورد بررسی قرار گرفته و در بخش پایانی نیز به تدوین و ارائه راهنمای طراحی شهری به صورت موضوعی و موضعی جهت محدوده مطالعاتی پرداخته خواهد شد.

واژگان کلیدی: منظر شهری، حرکت، دیدهای متوالی، ادراک منظر، راهنمای طراحی شهری

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته طراحی شهری پردیس، هنرهای زیبا دانشگاه تهران

مدیریت نصب تابلوهای تبلیغاتی در راستای افزایش کیفیت منظر شهری (مطالعه موردی منطقه ۶ شهر تهران)

یاسر شکری^۱، محمود عیوضلو^۲، مصطفی محمودی^۳، مصطفی رستگار^۴، رضا شریفی زاده^۵

توجه به مقوله زیبایی شهری امری است در جهت پاسخ‌گویی به نیازهای روحی و روانی شهروندان در محیط‌های شهری که امروزه به سبب تغییر شیوه‌های زندگی و ظهور نیازهای جدید بیش از گذشته پرداختن به این مساله لازم به نظر می‌رسد. در این میان عواملی همچون رنگ، نور، فرم، مصالح و مواد (جنس) و... به عنوان مظاهر زیبایی شهری در همه جا شناخته می‌شوند و یکی از مهم‌ترین این عوامل که باعث ایجاد آسفتگی در شهرها شده و باعث ایجاد ناهماهنگی در سیمای شهرها شده، " تابلوهای تبلیغاتی " است. گسترش شهرنشینی در چند دهه اخیر به ویژه تمرکز جمعیت در کلان‌شهرها باعث افزایش سریع تابلوهای کاربری‌های خدماتی و تجاری شده است و عدم وجود مقررات مدونی در مورد تابلوها، استفاده از این وسیله پیام‌رسانی محیطی را کاملاً به دلخواه دارندگان تابلوها درآورده که علاوه بر مخدوش کردن ارتباطات محیطی، کاربری‌های لازم را نیز از آنها سلب کرده است. این مطالعه سعی دارد که به بررسی رابطه بین کاربری‌ها و تابلوهای تبلیغاتی بپردازد. در این راستا منطقه ۶ شهر تهران مورد بررسی قرار گرفته است. روش تحقیق مطالعه حاضر توصیفی - تحلیلی بوده و به لحاظ ماهیت نظری، کاربردی مباحث مطرح شده، از روش مطالعات میدانی نیز استفاده شده است. همچنین جهت تحلیل اطلاعات و الویت بندی در ساماندهی از تحلیل سلسله مراتبی *AHP* در محیط *GIS* استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان دهنده وجود رابطه معنادار بین برخی کاربری‌ها و افزایش تابلوهای تبلیغاتی در این منطقه می‌باشد. در این مقاله راهکارهایی نیز جهت ساماندهی، نصب و طراحی بهینه تابلوهای تبلیغاتی از لحاظ ارتفاع، اندازه، رنگ و شکل علائم در راستای زیبا سازی و کیفیت منظر شهری به مدیران و برنامه ریزان شهری ارائه خواهد گشت.

واژگان کلیدی: تابلوهای تبلیغاتی، شهر تهران، منظر شهری، مدیریت نصب

۱. گروه مدیریت دانشگاه پیام نور تهران

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری پیام نور ساری

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری پیام نور ساری

۴. دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری پیام نور ساری

۵. دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری پیام نور ساری

منظر صوتی و نقش آن در کیفیت محیط شهری

الهام سوری^۱، صدف نصیرپور^۲

شهر، پدیده‌ای است که خود را به صورت عینیتی قابل ادراک به استفاده کنندگان خود می‌نماید. اطلاعات ارسالی از محیط‌های شهری فقط اطلاعات کالبدی و بصری نیستند، بلکه اطلاعاتی هستند که توسط کلیه حواس ادراک می‌شوند. لذا، منظر یک محیط شهری، کلیه اطلاعات موجود از فضا می‌باشد که توسط حواس قابل دریافت بوده و در فرایند ادراک پردازش می‌گردند. از این رو شاخص‌های یک منظر در سطوحی متعدد، از سطحی تا بنیادی خود را مطرح ساخته و منشأ احساس‌هایی هستند که در فرد ایجاد می‌گردد.

صوت از جمله عوامل غیر کالبدی تشکیل دهنده منظر محیط‌های شهری است که با وجود نقش بسیار با اهمیتی که در کیفیت محیط شهری دارد، معمولاً از دید طراحان غافل می‌ماند. این عامل گاهی به صورت صدای پرندگان، حرکت برگ‌ها، جریان رودخانه و... ظاهر می‌شود و موجبات غنای حسی را فراهم می‌آورد. گاهی هم به صورت صدای ترافیک عبوری سواره، ماشین آلات صنعتی و... موجب آزار و اذیت افراد و حتی در پاره‌ای موارد موجب از بین بردن فرصت حضور افراد در محیط می‌گردد.

در طراحی محیط‌های شهری باید به منظر صوتی، بو و... در کنار منظر بصری توجه نمود. برخی از بوها و صوت‌ها می‌توانند یادآور خاطرات خاصی در انسان باشند و مولفه معنا را تقویت نمایند. این مقاله ضمن پرداختن به مفهوم منظر صوتی، به تبیین نقش آن در کیفیت محیط‌های شهری پرداخته و راهکارهایی در جهت ارتقاء کیفیت محیط شهری با استفاده از منظر صوتی را ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی: منظر شهری، منظر صوتی، ارتقاء کیفیت محیط شهری

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری دانشگاه شهید بهشتی

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری دانشگاه علم و صنعت ایران

نقش درک نمای زاویه در خلق و ارتقاء سیما و منظر شهری

مجید یوسفی نوید^۱

دقایقی در یکی از خیابان‌های تهران یا اصفهان یا همدان و ... قدم بزنید چه می بینید، اولین عکسی که می گیرید با چه زاویه و از کجاست؟ نمی‌توان آماری در این زمینه ارائه داد، ولی شاید تا حدودی بتوان احساس شما را بیان کرد. آنچه مسلم است درون بافت شهرهایی که از اصالت و از تاریخ پربراری برخوردار هستند، نسبت به بافت های نوساز احساس متفاوتی خواهید داشت. احساس هویت، اصالت، سادگی، تواضع در مقابل بی هویتی، اغتشاش، شلوغی و عدم تناسب که همگی ماحصل زاویه نگاه ما به شهر و فضای شهری است. چنین مشاهداتی نشان دهنده عدم تطبیق اهداف و راهبردهای ازپیش تعیین شده و چشم انداز واقعی شهر است. این گفتار بر اساس بررسی و مشاهدات میدانی تعدادی از فضاهای شهری شهر همدان در دو بافت سنتی و نوساز تدوین گردیده است.

شهر با پروفیل و پلان و نوشتار، سیاست‌گذاری و طراحی می‌شود، اما ما شهر را در اسلایدهای متوالی سه بعدی و با زاویه، نگاه می‌کنیم که در این متن از آن به نمای زاویه یاد می‌شود. به طور کلی آنچه که در فضاهای شهری دیده می‌شود ترکیبی از سطوح مورب و کوتاه شده است نه یک نمای دوبعدی و شماتیک. در نمای زاویه تناسباتی که از سطوح درک می‌شود، از اندازه واقعی ترسیم شده متفاوت است و خط آسمان و زمین نیز به صورت مورب و با زاویه دیده می‌شوند. در واقع خطوطی که ما در نقشه‌ها بر روی تناسبات آن به بحث می‌پردازیم، در واقعیت هویتی دیگر دارد و فشردگی سطوح و عناصر بصری بیشتر است.

به عنوان مثال جداره خیابان را از سمت مقابل در یک کادر نمی‌بینید، اما همین جداره در نمای زاویه در یک کادر با چهره‌ای به مراتب پویا و متراکم تر دیده می‌شود که این تراکم و فشردگی سطوح و عناصر بصری سیمای شهر را شکل می‌دهند و به عواملی مانند شیب زمین، عرض معبر، فاصله از جداره‌ها و غیره بستگی دارد. شناخت و بکارگیری نمای زاویه تدوین، راهبردی جهت ایجاد سیما و منظری مطلوب است و تاثیر مهمی در فرایند مناسب سازی فضای شهری دارد.

واژگان کلیدی: بافت، نمای زاویه، زاویه نگاه

۱. مدیر مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهرداری همدان، مدرس دانشگاه آزاد واحد همدان

نقش فرم‌های ارگانیک در طراحی احساس‌گرای المان‌های شهری و تأثیر آن بر منظر

امیر مسعود فریدی زاد^۱، مجتبی آراسته^۲

طراحی احساس‌گرا، رویکردی متأخر در طراحی کاربر محور به حساب می‌آید که همواره کانون توجه خود را بر تحریک احساسات کاربر و ایجاد شور و اشتیاق در وی متمرکز می‌کند. نتایج مثبت این نوع تفکر، طراحی در ایجاد تعامل پایدار و لذت استفاده باعث گردیده از جمله رویکردهای مورد اقبال طراحان باشد. طبیعت دل‌انگیزترین ماوای انسان و فرم‌های طبیعی، صمیمی‌ترین و تاثیرگذارترین احجامی هستند که در ارتباط با وی قرار دارند. طراحی ارگانیک بواسطه ریشه طبیعی و اثرگذاری شهودی عمیقی که بر کاربر دارد، به عنوان یکی از روش‌های موثر طراحی احساس‌گرا تلقی می‌شود. در این مقاله تأثیر فرم‌پردازی ارگانیک در طراحی احساس‌گرای المان‌های شهری و تأثیر آن بر شکل‌دهی منظر، مورد بحث قرار گرفته است. در این راستا با بازشناسی نتایج مثبت طراحی احساس‌گرا بر روان شهروندان و تشریح جایگاه طراحی ارگانیک در طراحی امروز، نتایج مثبت این رویکرد بر طراحی المان‌های شهری، منظر و کیفیات آن برشمرده شده است.

در ادامه با بررسی مطابقت‌های این رویکرد با فرهنگ شهر ایرانی، نمونه‌ای از طراحی ارگانیک در فرم دهی به المان شهری به عنوان مطالعه موردی انجام شده و نتایج، امکان استفاده این فرم‌ها در المان‌های شهری متناسب با فرهنگ شهر ایرانی و تأثیرات مثبت آن بر روان شهروندان از یک سو و غنای بصری منظر را از سوی دیگر نشان داده است.

واژگان کلیدی: طراحی احساس‌گرا، طراحی ارگانیک، المان‌های شهری، منظر شهری

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی صنعتی، دانشگاه تهران

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد شهرسازی، دانشگاه تهران

نقش مجسمه در ارتقاء کیفیت سیما و منظر در فضاهای شهری

محمدرضا پورجعفر^۱، امیر محمد لطفی^۲، محسن حسینی^۳

کیفیت فضاهای شهری یکی از مفاهیم محوری دانش و حرفه طراحی شهری بوده و طبیعتاً از اهمیت نظری و عملی فراوانی برخوردار است. یکی از موارد این اهمیت، در بکارگیری عناصر مختلف در مبلمان و چارچوب‌هایی است که این کیفیت‌ها برای راه دادن هر عنصری به درون خود معین می‌کنند.

همین چارچوب‌ها باعث ورود المان‌هایی به فضا می‌شوند که قابلیت تن دادن به هماهنگی با روابط مختلف موجود در مکان را داشته و سریعاً گراف روابط را ایجاد نمایند.

یکی از عناصری که به شیوه‌های مختلف در فضا قرار می‌گیرد، مجسمه است. فارغ از تمام مباحثی که در باب مجسمه‌های شهری (از موقع شکل‌گیری ایده اولیه تا موقع گذشتن مجسمه ساخته شده از فیلترهای مختلف قوانین و ضوابط موجود برای عرضه آن به فضا و مصوبات شورای تهیه، نظارت و نصب مجسمه در فضاهای شهری) مطرح است، روابطی بررسی خواهند شد که در قالب تأثیر و تأثر میان مجسمه و فضای شهری وجود دارند.

اگر یک مجسمه از تمام مطلوبیت‌های مربوط به زیبایی، مفهوم و بیانگری برخوردار باشد، در صورت عدم ارتباط مناسب با محیط، نمی‌تواند به خوبی به وظیفه خود عمل کند. این نوشتار بر آن است تا ابتدا ضرورت وجودی مجسمه در فضاهای شهری را با استفاده از بررسی نقشی که در محیط بازی می‌کند، بررسی نموده و سپس در صورت اثبات این ضرورت، کیفیت‌های فضایی مؤثر بر مطلوبیت محل استقرار مجسمه‌ها را به بحث بنشیند. تأثیر این کیفیات بر محل استقرار مجسمه در فضا (با استفاده از شیوه‌های بیان تصویری از جمله عکس و کروکی)، به گونه‌ای تحلیلی - تجربی بیان خواهد شد.

واژگان کلیدی: محیط، مجسمه، کیفیت فضایی، سیمای شهری

۱. دانشیار گروه شهرسازی دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس

۲. کارشناسی شهرسازی دانشکده هنر و معماری دانشگاه یزد

۳. کارشناسی ارشد طراحی شهری دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس

۲. تجربه‌های خارجی و داخلی منظر شهری



۱-۲. نوسازی شهری

۲-۲. منظر طبیعی شهر

۳-۲. تجهیزات شهر و منظر

۲-۴. فضای جمعی و منظر شهری

۵-۲. برنامه‌ریزی و مدیریت منظر

۶-۲. منظر راه و خیابان

۷-۲. گردشگری و منظر شهری

ارتقاء سرزندگی در فضاهای عمومی شهرهای جدید با رویکرد ساماندهی منظر شهری (مطالعه موردی شهر جدید گلپهار)

آتوسا مدیری^۱، سعید بهبودیان باجگیران^۲

در حال حاضر فضاهای عمومی در شهرهای جدید، فاقد هویت و سرزندگی می‌باشند. امروزه تأمین نشاط و سرزندگی شهری به یکی از دغدغه‌های اصلی نظام‌های مدیریت شهری به ویژه در کشورهای توسعه یافته تبدیل شده است (گلکار، ۱۳۸۶). هدف از پژوهش حاضر، بررسی معیارهای تاثیرگذار در ارتقاء سرزندگی فضاهای عمومی از طریق ساماندهی منظر شهری و بررسی آنها در شهر جدید گلپهار است.

فرضیات این پژوهش شامل دو قسمت، ۱- منظر فضاهای شهری و ویژگی‌های خاص فیزیکی و ادراکی برای ایجاد سرزندگی و همچنین ۲- خلق محیطی سرزنده و ارتباط متقابلی بین بینش، فرهنگ و ادراک مردم و منظر فضاهای شهری می‌باشد.

منظر یک فضای شهری شامل کلیه اطلاعات موجود از آن فضا است که توسط حواس دریافت شده و در فرایند ادراک، پردازش می‌گردد. از این رو منظر به عنوان فرستنده، در برگزیده اطلاعات گوناگونی است که می‌توان آنها را به دو دسته عناصر فیزیکی کالبدی و عوامل انسانی تقسیم کرد. کالبد فیزیکی منظر، خود از سه موضوع جداره، بام و زمین تشکیل شده است. جنبه ادراکی آن حضور مردم و نحوه فعالیت و عملکرد آنها در فضای شهری می‌باشد که باعث پیدایش منظر دیگری از شهر می‌شود. به عبارتی، نتایج مبانی نظری نشان می‌دهد که تنوع کالبدی مناسب در منظر شهری، شرط لازم برای سرزندگی است؛ چرا که می‌تواند بسترفضایی مناسبی را برای حضور افراد مهیا کند، اما پایداری سرزندگی را تضمین نمی‌کند. براساس نظر گوردن کالن، آنچه باعث پایداری سرزندگی می‌شود، تداوم حضور و فعالیت‌های انسان در این فضاها است. آنچه در این راستا اهمیت دارد، بررسی نقش اجتماعی معماری منظر در راستای ارتقاء سرزندگی می‌باشد.

در این راستا دو مفهوم "پایداری" و "مکان" مطرح می‌شود که اولی به توانایی محیط و منظر برای زنده ماندن، جلوگیری از نابودی محیط و دومی به توانایی محیط و منظر برای برانگیختن تصاویر ذهنی مطلوب و شکل‌گیری خاطرات جمعی و حس تعلق به مکان و تداوم سکونت اطلاق می‌شود.

واژگان کلیدی: فضای عمومی، سرزندگی شهری، منظر شهری، هویت، شهر جدید

۱. استادیار گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی و برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

امنیت در فضاهای شهری

علی اکبر سردره^۱، زینب عادل^۲

فضاهای عمومی شهری، مکان‌هایی هستند که زمان زیادی از اوقات فراغت یا کار شهروندان در آنها سپری می‌شود. ایمن‌سازی فضاهای شهری به عنوان یکی از ضرورت‌های اساسی در طراحی و برنامه‌ریزی شهری مطرح می‌باشد. مفهوم امنیت دارای ابعاد مختلف و گستره وسیعی است، به گونه‌ای که تاکنون تعریف واحدی از آن ارائه نشده و هر تعریف به جنبه‌های محدودی از آن توجه نموده است. اما به طور کلی می‌توان گفت که امنیت در فضاهای شهری دارای دو بعد ذهنی و ذهنی می‌باشد. ابعاد ذهنی و روانی امنیت که بیشتر تحت عنوان احساس امنیت بیان می‌شود، بیشتر تحت تاثیر مولفه‌های روانشناختی و اجتماعی می‌باشد. در واقع میزان احساس امنیت در یک فضای شهری بیش از اینکه تحت تاثیر عوامل واقعی ناامن کننده (به عنوان مثال دزدی یا تجاوز) باشد، از عوامل روانی اجتماعی چون ارتباطات ضعیف اجتماعی با حاضرین در فضا یا غریب بودن در فضا متأثر است ابعاد عینی متوجه واقعیت‌های موجود در فضا است و ابعاد ذهنی و روانی متوجه درک حاضرین در فضا از میزان امنیت می‌باشد. در مقاله حاضر در ابتدا به تعریف امنیت در فضای شهری و مولفه‌های روانی و عینی تاثیر گذار در آن پرداخته و سپس شاخص‌های کالبدی منظر شهری تاثیر گذار در امنیت بیان می‌گردند. در نهایت نیز به عنوان مطالعه موردی به مقایسه چگونگی رعایت این شاخص‌های کالبدی در یک بافت قدیمی و یک بافت جدید شهری در شهر قزوین پرداخته خواهد شد. به نظر می‌رسد که اگر چه وضعیت امنیت به لحاظ عینی در فضاهای عمومی بافت جدید، به علت بهتر بودن شاخص‌های کالبدی، بهتر است، ولی احساس امنیت در نزد ساکنین بافت قدیم بیشتر می‌باشد. این مورد را می‌توان بیشتر تحت تاثیر انسجام اجتماعی بالاتر در منظر شهری قدیم دانست. بدین ترتیب طراحان و برنامه‌ریزان منظر شهری باید از توجه صرف به شاخص‌ها و استانداردهای کالبدی در طراحی و برنامه‌ریزی منظر پرهیز نموده و تلاش نمایند با ایجاد منظر شهری در مشارکت با مردم وابستگی و تعلق آنها را به فضا و همچنین میزان تعامل آنها در فضا با یکدیگر افزایش داده و به این ترتیب علاوه بر امن نمودن فضا به بالا رفتن احساس امنیت ساکنین در فضا نیز کمک نمایند.

واژگان کلیدی: امنیت، منظر شهری، همبستگی اجتماعی

۱. دانشجوی کارشناس ارشد برنامه ریزی شهری دانشگاه بین المللی امام خمینی(ره)

۲. زینب عادل، دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری دانشگاه بین المللی امام خمینی(ره)

بررسی تأثیرات احداث فضاهای زیرسطحی بر منظر شهری

مصطفی عباس زادگان^۱، سارا فرزانه^۲

حیات شهری به صورت مجموعه‌ای از تعاملات و روابط رودرروی مردم با محیط پیرامونی و با یکدیگر، در ارتباط با فضای شهری شکل می‌گیرد. لذا اولین و مهم ترین گام در راستای دستیابی به حیات شهری فعال و سرزنده، ارتقاء کیفیت فضاهای شهری است. ایجاد کیفیت مطلوب محیطی یکی از وظایف اصلی طراحی شهری و عاملی مهم جهت تحقق حیات شهری می‌باشد. امروزه رشد و توسعه سریع شهرها، سبب خدشه دار شدن پایداری آنها شده و کیفیت لازم در فضاهای شهری را از بین برده است. به همین سبب حیات شهری در بسیاری از شهرهای جهان از جمله تهران به مخاطره افکنده شده و دغدغه‌هایی جدی برای مردم، مسئولان و مدیران شهری بوجود آورده است. در این میان به منظور حل برخی از این معضلات و دستیابی به راهکارهای منطقی، بادوام، کارآمد و انعطاف‌پذیر در زمینه توسعه شهری، تهیه طرح‌هایی مانند استفاده از فضاهای زیرسطحی، از اهمیت فراوانی برخوردار می‌باشند. شهر زیرزمینی و یا توسعه در سطوح زیرین شهر، توانائی کشف نشده‌ای است که اگر به خوبی مدیریت و طرح‌ریزی شود، می‌تواند به عنوان راهکاری جدید، افزون بر برآوردن نیازهای شهروندان و خواسته‌های مدیریت شهری، تأثیر بسیار زیادی بر توسعه پایدار شهر داشته باشد. همچنین با دارا بودن قابلیت‌ها و ظرفیت‌های متعدد از جمله کاهش تراکم در سطح و جبران کمبود فضا، کاهش آلودگی‌های بصری در سطح، کمک به رفع کمبود فضاهای سبز و باز شهری، جداسازی عملکردها و کاربری‌های ناسازگار... به ارتقاء کیفیت محیط شهری کمک نماید و تاثیر بسزایی در بهبود منظر آن برجای گذارد. در این مقاله ابعاد مختلف احداث فضاهای زیرسطحی بررسی و به نحوه تاثیرگذاری آنها بر منظر شهری اشاره خواهد شد. چالش پیش روی این نوع توسعه شهری ارتباط با مناظر شهری هم سطح است که به این مهم نیز پرداخته می‌شود. در پایان، این مقاله استنتاج نموده است که در شرایطی می‌توان از طریق توسعه شهری در فضاهای زیرسطحی برخی از ناکارآمدی‌های مراکز شهری را کاهش داد و هم زمان سبب ارتقاء کیفیت منظر شهری آنها گردید.

واژگان کلیدی: کیفیت فضاهای شهری، ترازهای زیرسطحی، حیات شهری، منظر شهری

۱. دکترای طراحی شهری، استادیار گروه شهرسازی دانشگاه علم و صنعت، مدیر گروه شهرسازی دانشگاه علم و

صنعت، مدیر گروه شهرسازی مهندسين مشاور فجر توسعه

۲. کارشناس ارشد معماری و شهرسازی، کارشناس ارشد طراحی شهری مهندسين مشاور فجر توسعه

بررسی تطبیقی مدل‌های برنامه‌ریزی فضای باز با تاکید بر وضعیت شهر تبریز

رحمت الله محمد زاده^۱

امروزه، نقش و اهمیت فضاهای باز در محیط زیست و کیفیت زندگی بطور فزاینده‌ای در حال افزایش است؛ چرا که فضاهای باز علاوه بر فراهم نمودن نور، هوا و کلا تنفس شهر، بیش از اجزا و عناصر دیگر در فرم دهی و ارتباط نواحی و مناظر مختلف و نیز اجراء پروژه های شهری ایفای نقش می‌کنند. همچنین در شکل‌گیری چشم اندازها، خوشایند بودن فضاها، درک شهروندان از شهر و توسعه فضاهای تفریحی و گردشگری بسیار موثر می‌باشند. حتی امروزه ثابت شده است که فضاهای باز در تسهیل امداد رسانی، اسکان اضطراری، مداوای مجروحان و مصدومان و همچنین کاهش آسیب‌پذیری مالی و جانی شهروندان نقش تعیین کننده دارند.

با وجود اینکه، فضاهای باز جزء لاینفک تصمیمات برنامه‌ریزی کاربری زمین به‌شمار می‌آیند؛ لیکن به شکل علمی مدل‌های برنامه‌ریزی فضاهای باز تبیین نشده و در تعیین معیار برنامه‌ریزی مطلوب مانند میزان فضای مورد نیاز، محل قرارگیری فضاهای باز و نحوه کاربرد آنها توافق مشترکی نیز وجود ندارد. در ضمن تا بحال مقایسه سیستماتیک ارزشمندی نیز بین این مدل‌ها صورت نگرفته است. مقاله حاضر با چنین درکی بر آن است تا با بکارگیری یک چارچوب تطبیقی، برخی از مدل‌های مفهومی متداول در برنامه‌ریزی، فضای باز را با تاکید بر وضعیت شهر تبریز مورد تحلیل و بررسی قرار دهد. طبیعی است با این بحث علاوه بر شناخت انواع مدل‌های فضاهای باز و تبیین مزایا و محدودیت‌های ناشی از آنها، می‌توان به نوبه خود به الگوی توسعه منطقی شهر تبریز کمک نمود.

واژگان کلیدی: فضای باز، برنامه‌ریزی کاربری اراضی، مدل‌های فضای باز، برنامه‌ریزی محیطی

بررسی تطبیقی بین کارکردهای جدید میدان‌های ساعت (مطالعه موردی شهرهای ساری و تبریز)

فرشته رضایی^۱، محمود عیوضلو^۲، زیبا شیرخانی^۳، داود عیوضلو^۴، حامد احمدی^۵

میدان‌های شهری از دیر باز یکی از اجزای اصلی فرهنگی و اجتماعی شهرها و از ارکان اساسی شکل‌گیری و تکامل شهرهای ایران بوده‌اند. این فضاها در طول تاریخ تکامل شهرسازی و نسبت به ضرورت‌های موجود زمان و مکان شکل‌گیری، کاربری‌های متفاوتی داشته‌اند. در گذشته بیشتر فعالیت‌های اقتصادی و عملکردهای گوناگون حکومتی و اجتماعی در این فضای روباز انجام می‌گرفته است، حال آن‌که فضاهایی که هم اکنون با عنوان میدان از آنها یاد می‌شود، تنها کاربرد دسترسی را در نظر گرفته و مجالی را برای فعالیت‌های اجتماعی - اقتصادی باقی نگذاشته‌اند. با توجه به این که میدان نیز هم چون دیگر اندام‌های موثر و کارکردی، در حیات جاری شهر، حضوری موثر و فعال دارد، در این پژوهش کارکردهای قدیم و جدید میدان‌های ساعت در شهرهای ساری و تبریز مورد بررسی قرار گرفته است.

این پژوهش به صورت توصیفی - تحلیلی به سامان رسیده و به لحاظ ماهیت نظری - کاربردی مباحث مطرح شده، از روش مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی و همچنین مطالعات میدانی استفاده شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که این میدان‌ها، عملکردهای گوناگون دوران گذشته خود را از دست داده و از لحاظ کارکرد و کاربری‌های اطراف، تغییرات محسوس و مختلفی را داشته‌اند. در این مقاله ضمن شناخت مشکلات وضع موجود در جهت استفاده مطلوب و بهینه از میادین، راهکارهایی موثر در زمینه برنامه‌ریزی و طراحی میادین شهری ارائه می‌گردد.

واژگان کلیدی: میدان ساعت، فضای شهری، طراحی بهینه، تبریز و ساری

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری پیام نور ساری
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری پیام نور ساری
۳. مدرس دانشگاه پیام نور ساری
۴. دانشجوی کارشناسی جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تهران
۵. دانشجوی کارشناسی جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تبریز

بررسی و مقایسه تطبیقی کیفیت مناظر شهری در سکونت‌گاه‌های خودرو (با تأکید بر فضاهای عمومی)

(مطالعه موردی محلات اسلام آباد و ده‌ونک تهران)

مجتبی آراسته^۱، امیر مسعود فریدی زاد^۲

به دنبال تغییر در شرایط شهرنشینی و عوامل موثر بر گسترش و توسعه شهری در ایران، بخصوص از دهه ۱۳۴۰ به بعد، سکونت‌گاه‌های خودرو، نقش عمده‌ای در توسعه کمی وسعت و جمعیت کلان شهرها داشته‌اند. در حالی که مقوله سکونت‌گاه‌های خودرو، بخش عمده‌ای از ادبیات شهرسازی را در سال‌های اخیر به خود اختصاص داده است، پرداختن به ویژگی‌ها و معیارهای مختلف این سکونت‌گاه‌ها، نیازمند تحقیق و پژوهش فراوان است. یکی از مباحث مهم در علم و هنر شهرسازی، پرداختن به فضاهای عمومی است. فضاهایی که می‌توانند نقش عمده‌ای را در تعامل بخشی، اجتماع پذیری، شادابی و سرزندگی بخشی به یک محله ایفا کرده و مناظر شهری آن محلات را شکل دهند. این فضاها، در سکونت‌گاه‌های خودرو نیز همان نقشی را برعهده دارند که در فضاهای عمومی بافت‌های مرسوم شهری، بر عهده آنهاست. دو سکونت‌گاه خودروی اسلام آباد و ده‌ونک، همچون لکه‌ای در دل شهر تهران هستند که فضاهای عمومی کم و بیش پررونقی دارند. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد، که کیفیت فضاهای عمومی محله ده‌ونک بسیار بیشتر از اسلام آباد است، اما در کل بیشتر فضاهای عمومی هر دو محله از کاستی مؤلفه اجتماع پذیری نسبت به مؤلفه فعالیت در فضاهای عمومی رنج می‌برند. با توجه به اینکه یکی از معیارهای اساسی اجرای طرح‌های توانمندسازی، مشارکت مردمی است و از سوی دیگر، یکی از اصول تحقق مشارکت، افزایش اجتماع پذیری فضاهای عمومی است، تقویت مؤلفه اجتماع‌پذیری این فضاها، می‌تواند شرط مهمی در تقویت و تشویق مشارکت ساکنان آن باشد. بدین ترتیب، علاوه بر اصول و معیارهای معمول در طراحی فضاهای عمومی، سکونت‌گاه‌های خودرو و اصل اجتماع‌پذیری نیز باید مورد توجه جدی برنامه‌ریزان قرار گیرد. از این طریق، اجرای طرح‌های توانمندسازی که همانا مشارکت ساکنان این سکونت‌گاه‌ها، تضمین شده و فرایند خود باوری، هویت دهی و جلب اعتماد ساکنان نیز افزایش خواهد یافت.

واژگان کلیدی: سکونت‌گاه خودرو، فضای عمومی، مؤلفه اجتماعی، مؤلفه فعالیت، ده‌ونک، اسلام آباد.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد شهرسازی، پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی صنعتی، پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران

تحلیل فضاهای بازی محله‌ای و تاثیر آن در سیما و منظر شهری (مطالعه موردی فضاهای بازی شهر اصفهان)

مهین نسترن^۱، علیرضا نوروزی^۲

بازی و فضاهای بازی یکی از ضرورت‌های شهرهای کودک ستیز معاصر است. در شهر سنتی کوچه و بازار، دشت‌ها، حیاط‌های مرکزی و تقریباً هر مکانی، فضایی امن برای بازی کودکان بود، اما در شهرهای امروزی این گونه فضاها، امنیت لازم برای بازی کودکان را ندارد. از طرف دیگر در شهر مدرن به دلایل وجود ویژگی‌هایی مانند کوچک سازی در بخش مسکن (آپارتمان سازی) و تراکم بالای ساختمان و جمعیت، در دسترس نبودن فضاهای بازی در نزدیکی محل سکونت کودکان و تغییر سبک زندگی و مشارکت مادران در اجتماع و... شهرها خصوصیتی کودک ستیز پیدا کرده‌اند. به دلیل وجود و رشد این گونه مسائل، برنامه‌ریزی فضاهای بازی امری اجتناب ناپذیر شده است؛ جستاری که در ادبیات شهرسازی چند دهه اخیر کشورمان نقشی کمرنگ در سیما، منظر و فضاهای شهری داشته است.

فضاهای بازی کودکان، از جمله فضاهای فراموش شده شهرهای امروز است که بی توجهی به آن و سرانه‌های پیشنهادی، خاصیت کودک ستیزی شهرها را روز به روز بیشتر می‌کند. جنبش فضاهای بازی نیازمند راهبردها و معیارهایی اندیشمندانه است تا با تکیه بر آن بتواند سیما و منظر محله‌ای را متحول کند. برخی از این معیارها عبارتند از: تبیین و تدوین سرانه‌های فضاهای بازی، رعایت مسائل ایمنی در برنامه‌ریزی و طراحی فضاهای بازی، دسته بندی بازی‌ها و مطرح شدن زون‌های بازی جهت سامان دادن به انواع مختلف بازی با توجه به سن، جنس و علائق کودکان، شعاع دسترسی مناسب برای فضاهای بازی کوی و محله، پیشنهادات طراحی منظر پارک‌های بازی و....

تحلیل فضاهای بازی محله‌ای شهر اصفهان در سلسله مراتب فضایی، سرانه‌ها، ایمنی و منظر سازی و.. نمونه موردی این مقاله است که با مدل *SWOT* ارائه شده است.

واژگان کلیدی: فضای شهری، کودکان، فضای بازی، معیارهای طراحی و برنامه‌ریزی، سیما و منظر شهری، اصفهان

۱. عضو هیئت علمی دانشکده ی معماری و شهرسازی دانشگاه هنر اصفهان

۲. کارشناس معماری منظر و فضای سبز و کارشناس ارشد شهرسازی

منظر شهری و تعاملات اجتماعی

موسی شاکری^۱

عبور رودخانه‌ها از داخل شهر، منظره خاصی را در شهرها ایجاد کرده که می‌تواند خاطره‌ای ماندگار در ذهن ساکنین و رهگذران ایجاد نموده و در جهت تقویت هویت شهری موثر واقع گردد. البته بی توجهی به بستر رودها و مسیل‌ها در داخل شهرها و نگاه به آنها به عنوان محور عبور سیلاب، نه تنها باعث نادیده گرفتن پتانسیل‌های بالقوه این عناصر طبیعی در ایجاد یک منظر شهری جذاب و زیبا شده، بلکه اغتشاش و آشفتگی بوجود آمده در این لبه‌های شهری، به از هم گسیختگی بافت شهری در دو طرف رودخانه افزوده است. نمونه مورد مطالعه، بستر رودخانه بیدواز اسفراین می‌باشد که از داخل این شهر عبور کرده و در منطقه نیمه خشک واقع شده است. اساس مطالعه در چگونگی ساماندهی منظر شهری لبه رودخانه بر نظرسنجی از شهروندان و متخصصین در این رشته استوار بوده و مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی تکمیل کننده بحث خواهد بود. در این مقاله سعی بر این بوده تا عبور رودخانه‌ها از داخل شهرها را که به عنوان یک عامل محدود کننده محسوب می‌گردند، به یک عامل امکان دهنده و رشددهنده تبدیل کند. به طوریکه این بستر طبیعی به عنوان یک منظر ویژه شهری (لبه شهری) بتواند امکانات مناسبی را جهت ایجاد چشم انداز و ارتقاء کیفیت محیط فراهم نموده و در بوجود آمدن تعاملات اجتماعی نقش ویژه‌ای داشته باشد.

واژگان کلیدی: رودخانه بیدواز، منظر شهری، ماندگاری، تعاملات اجتماعی

منظر شهری و خاطرات جمعی شهروندان

سیدعبدالهادی دانشپور^۱، مریم روستا^۲

منظر شهری از آن جهت که سطح تماس انسان با پدیده شهر است، بخش قابل توجهی از دانش و عواطف محیطی شهروندان را تحت تأثیر خود شکل می‌دهد. شاید از همین روست که برخی، معتقدند که: طراحی شهری، مدیریت منظر شهری است. امروزه تلقی از منظر شهری، در فرآیندی که روندی تکاملی را طی نموده است، از یک نقش آرایشی و تزیینی، بسیار فراتر رفته و با ابعاد عملکردی، ادراکی و پایداری شهر در ارتباط تنگاتنگ و دوسویه قرار دارد. یکی از مهم‌ترین نقش‌هایی که می‌توان به منظر شهری نسبت داد، حفظ و به نمایش گزاردن خاطرات جمعی شهروندان به عنوان بخشی از حافظه تاریخی آن شهر است. منظر شهری باید قادر به واگویی و بازتاب خاطرات و رویدادهای تاریخی شهر و در واقع خاطرات جمعی مشترک شهروندان باشد. بازتاب خاطره جمعی مشترک در منظر شهری، در واقع یک تصویر ذهنی- زمانی روشن از شهر و فضاهای شهری به دست می‌دهد که به تقویت حس مکان، هویت مکان و نیز تعلق مکانی خواهد انجامید.

این نوشتار در پی آن است که ضمن بررسی و جمع‌بندی ادبیات در باب منظر شهری و خاطرات جمعی مشترک، اهمیت نقش و جایگاه منظر شهری را در حفظ و تقویت حافظه تاریخی شهر و خاطره جمعی شهروندان، تبیین نموده و راه‌کارهایی را به منظور حفظ و تقویت خاطرات جمعی مشترک در فرآیندهای طراحی و سامان‌دهی منظرشهری فراروی شهرسازان قرار دهد.

واژگان کلیدی: منظر شهری، خاطرات جمعی مشترک، حافظه تاریخی شهر، فضای شهری

۱. دکتری شهرسازی و عضو هیئت علمی دانشگاه علم و صنعت ایران

۲. دانشجوی دکتری شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران

۲. تجربه‌های خارجی و داخلی منظر شهری



۱-۲. نوسازی شهری

۲-۲. منظر طبیعی شهر

۳-۲. تجهیزات شهر و منظر

۴-۲. فضای جمعی و منظر شهری

۲-۵. برنامه‌ریزی و مدیریت منظر

۶-۲. منظر راه و خیابان

۷-۲. گردشگری و منظر شهری

آسیب شناسی منظر شهری استانبول

مریم رضایی^۱

استانبول بزرگ‌ترین شهر کشور ترکیه در کنار تنگه بسفر و دریای مرمره، در نقطه اتصال اروپا و آسیا با قدمت شهرنشینی سه هزار ساله است. این شهر تنها شهر در جهان است که میان دو قاره قرار دارد. شهر استانبول با تجربه هزار و ششصد سال پایتختی در سه امپراطوری رم، بیزانس و عثمانی، در طی سالیان متمادی مردمانی با فرهنگ‌ها و ادیان مختلف را در خود جای داده است. با تمامی این فراز و نشیب‌های تاریخی، بافت این شهر کاملاً منسجم و هماهنگ بوده و منظر زیبا در تعامل با طبیعت دارد که معرف این شهر در سراسر دنیا است.

بافت اصلی شهر را ساختمان‌های کم ارتفاع (اغلب سه تا پنج طبقه) با سقف‌های شیب‌دار در رنگ‌های سفید و قرمز و در ترکیب با پوشش گیاهی تشکیل می‌دهند که در شیب ملایم رو به دریا به صورت منسجم در کنار هم قرار گرفته‌اند. در کنار این ساختمان‌ها بناهایی نیز در سراسر شهر پراکنده شده‌اند که عناصر نشانه‌ای به حساب آمده که همانا مساجد تاریخی استانبول هستند. این مساجد با فرم و رنگ متفاوت خود (رنگ خاکستری و گنبد و مناره‌های بلندشان) از دیگر بناها در شهر متمایز گشته‌اند. منظر تاریخی استانبول در ترکیب این عناصر قدیمی و آشنا برای مردم شهر است.

در چند دهه اخیر به دلیل رشد روز افزون جمعیت در این کلان شهر، خساراتی نیز بدان وارد آمده است. ساخت برج‌های بسیار بلند در جای جای این شهر به شدت به خط آسمان یکنواخت و منظر بافت قدیمی این شهر آسیب زده است. اگر ساخت این بناها هم چنان ادامه یابد، دیگر منظر از شهر زیبای استانبول باقی نمی‌ماند که بتوان از فراز برج‌ها آن را نظاره‌گر بود.

از آن جا که مشابه این اتفاق هم اکنون در بسیاری از شهرهای تاریخی کشورمان نیز در حال وقوع است؛ لازم به نظر می‌رسد که با بررسی نمونه‌های توسعه موفق و ناموفق شهرهای تاریخی جهان از تجارب آنان برای رشد شهرهای تاریخی ایران استفاده شود. در این مقاله منظر شهر تاریخی استانبول و تغییرات اخیر در آن مورد بررسی قرار می‌گیرد و به دنبال بررسی یک نمونه (استانبول) در راستای تحقق این هدف است.

واژگان کلیدی: منظر شهری، شهرهای تاریخی جهان، استانبول

ارائه شاخص رضایت شهروندان با استفاده از شکاف انتظارات و ادراکات و اندازه‌گیری آن (با توجه به اهمیت رنگ در منظر شهری)

نیره صالح نیا^۱، منیره صالح نیا^۲، صالحه صالح نیا^۳

رنگ یکی از جنبه‌های مهم زندگی شهری و یکی از ویژگی‌های جدایی‌ناپذیر در محیط شهرهاست. در همه جای شهرها رنگ وجود دارد، بدنه و نمای ساختمان‌ها، پوشش بام، کف‌پوش خیابان‌ها، مبلمان شهری، فضای سبز، حتی شب‌ها هم در شهرها رنگ دارند. همه موارد فوق، نقش مهمی در تعیین چهره رنگی شهر دارند. این مساله که به نوعی شناسنامه شهرها و مردم جوامع به حساب می‌آید، از دیرباز در میان جوامع مختلف به چشم می‌خورده است.

پژوهش حاضر پس از بررسی مبانی نظری در باب روانشناسی رنگ‌ها، به بررسی انتظارات و ادراکات مشتریان از رنگ‌های استفاده شده در محیط شهری پرداخته است. در این راستا با سنجش انتظارات و ادراکات مشتریان از رنگ‌های استفاده شده در منظر شهری به تفکیک کاربری آنها، شکاف بین انتظارات و ادراکات به عنوان شاخص رضایت شهروندان از رنگ‌های مورد استفاده در منظر شهری اندازه‌گیری شده است. نمونه‌گیری به صورت خوشه‌ای (مرکز شهرستان‌های خراسان جنوبی) و طبقه‌ای متناسب (تفکیک مناطق شهری) صورت گرفته است. داده‌های گردآوری شده با استفاده از نرم افزارهای *SPSS* و *TOPSIS* مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. در پایان پژوهش، میزان محاسبه شده شاخص رضایت برای شهرها و مناطق مختلف با یکدیگر مقایسه گردیده و در ادامه نیز با استفاده از روش آنالیز و تکنیک تاپسیس، به رتبه‌بندی شهرها بر این اساس پرداخته شده است. در پایان با توجه به انتظارات و ادراکات آنچه باید مورد توجه قرار گیرد و تغییراتی که باید ایجاد شود، پیشنهادهای ارائه می‌گردد.

طراحان و معماران فضای شهری با استفاده مناسب از رنگ به عنوان یکی از عناصری که در کنار نور، بافت و شکل به محیط، معنا می‌دهد، می‌توانند بیشترین تاثیر را بر ادراک بصری و روحی افراد ایجاد کرده و بدین وسیله کیفیت زندگی شهروندان را بهبود بخشند.

واژگان کلیدی: رضایت شهروندی، فضای شهری، روان‌شناسی رنگ‌ها

۱. کارشناس و مسئول واحد فضای سبز، شهرداری فردوس
۲. دانشجوی دکتری مدیریت، دانشگاه فردوسی مشهد
۳. دانشجوی مهندسی بهداشت محیط، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد

بررسی و تحلیل الگوی مناظر شهری و تأثیرات محیطی آن با استفاده از روش‌های سنجش از دور (مطالعه موردی شهر تبریز)

اسماعیل داودی^۱، حسین کرمی^۲

رشد سریع پدیده شهرنشینی در دهه‌های اخیر، بویژه در کشورهای در حال توسعه، چشم‌اندازهای شهری را به شدت توسعه و تغییر داده است. لزوم آگاهی از چگونگی این تغییرات بوسیله فن‌آوری و دانش امروزی جهت برنامه‌ریزی و مدیریت صحیح منابع، ضروری است. در این تحقیق با استفاده از تصاویر *TM* و *ETM+* ماهواره *LANDSAT*، اطلاعات مربوط به مناظر شهر تبریز با استفاده از روش‌های سنجش از دور براساس خصوصیات طیفی، بافت و شکل، استخراج و طبقه‌بندی می‌گردد. در ادامه با استفاده از اطلاعات حاصل و تصاویر طبقه‌بندی شده، الگوی مناظر شهری بر مبنای ماتریس تحول، استانداردها و معیارهای الگوی مناظر شهری، مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت.

در انتها براساس نتایج حاصل از تحلیل‌های مرحله قبل، تأثیرات محیطی الگوی مناظر، از سه دیدگاه؛ غیریکنواختی (*heterogeneity*)، قطعه قطعه شدن (*fragmentation*) و تأثیرات حاشیه‌ای (*edge effect*)، مورد ارزیابی کیفی قرار می‌گیرد. مقایسه نتایج حاصل از روش مورد استفاده در این تحقیق، با سایر داده‌های موثق نشان داد که روش طبقه‌بندی مذکور جهت استفاده در ارزیابی و تحلیل الگوهای مناظر شهری از دقت قابل قبولی برخوردار است. نتایج حاصل از این طبقه‌بندی، سطح قطعه‌قطعه شدگی (*level of fragmentation*) و تنوع (*diversity*) مناظر بیشتری را برای سال‌های اخیر نشان می‌دهد.

واژگان کلیدی: سنجش از دور، الگوی مناظر شهری، *TM/ETM+*، تبریز

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته سنجش از دور و GIS دانشگاه تبریز

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته سنجش از دور و GIS دانشگاه تبریز

تأثیر منظر شهری در زندگی سالمندان

راضیه زندیه^۱

کشور ایران به ویژه پس از انقلاب اسلامی با رشد فزاینده جمعیت و گسترش و توسعه شهری روبرو بوده است، به طوری که کمبود مدارس ابتدایی و به دنبال آن مشکلات مقطع متوسطه و متعاقب آن فشار جوانان برای ورود به دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی مشهود بوده است. هم اکنون نسل جوان ابتدای انقلاب، به مرحله بازنشستگی رسیده و دوران میانسالی را تجربه می‌کند. در چنین شرایطی که حدود ۶۰٪ جمعیت کشور را شهروندان تشکیل می‌دهند، قسم عمده این قشر شامل جوانان می‌شود. جوانانی که اینک به دنبال شغل، مسکن و تشکیل خانواده هستند. بدیهی است این سیر صعودی و روند جمعیتی طی سال‌هایی نه چندان دور به میانسالی نزدیک شده و به مرور به کهولت سن خواهد رسید. لذا طبیعی است که مسئولین امر از هم اکنون به فکر راهکارهایی در شهرها برای آینده این نسل و دوران سالمندی شهروندان باشند.

کشورهای پیشرفته از جمله کشورهای اروپایی و اسکانداوی که رشد جمعیتی ناچیزی داشته و عمده جمعیت آنان در سنین بالا قرار دارد، برنامه‌های مشخصی برای سالمندان در شهر دارند. این برنامه‌ها شامل امکاناتی است که حضور این قشر را در سطح شهرها در بر می‌گیرد. راهکارها، طرح‌های شهری و امکانات موجود، تماماً هماهنگ با منظر شهری و نیازهای شهروندان می‌باشد. اکنون زمان آن است که با تبیین برنامه‌های منسجم و تدوین اهداف مشخص، به فکر آینده‌ای نه چندان دور و سال‌هایی باشیم که این جمعیت جوان و میانسال به مرز سالمندی برسند. این مقاله سعی دارد به تأثیر منظر شهری در زندگی سالمندان بپردازد.

واژگان کلیدی: سالمندان، منظر شهر، امکانات، شهروندان، مشارکت مردمی

۱. کارشناس ارشد طراحی شهری، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی تهران

تبیین کیفیت زندگی شهری با تاکید بر بعد منظر شهری با استفاده از مدل AHP

لیلا حبیبی^۱، مریم جعفری مهرآبادی^۲، معصومه نوروزی^۳

کیفیت زندگی شهری از ابعاد مختلف تبدیل به دغدغه بسیاری از متولیان امور شهری و مردم ساکن در شهرها شده است. از این رو با توجه به چند بعدی بودن مقوله کیفیت زندگی شهری، پژوهش حاضر در صدد است تا از بعد منظر شهری به تبیین این مقوله با استفاده از مدل فرایند تحلیل سلسله مراتبی (AHP) بپردازد. پیوند دو مقوله کیفیت زندگی در شهر و منظر شهری از این نظر مورد تاکید است که پیوند میان انسان و محیط پیرامون وی را به بحث گذاشته و گاهی به چالش و می دارد، چراکه به طور مستقیم و غیر مستقیم بر کیفیت زندگی انسان‌ها تاثیر گذار خواهد بود. استفاده از تمام ظرفیت‌های محیطی از جمله منظر شهری در جهت ارتقاء کیفیت زندگی شهروندان چیزی جز پیشبرد امور شهری به سمت توسعه پایدار نخواهد بود. از این رو به نظر می‌رسد، قابلیت‌های جالب توجه مدل مذکور بتواند در جهت پیوند این دو مقوله موثر واقع گردد.

در جهت دستیابی به این هدف، استفاده از ابعاد عینی (objective) و ذهنی (subjective) کیفیت زندگی در مبحث منظر شهری اجتناب ناپذیر می باشد. در نتیجه ساختار سلسله مراتبی روش AHP به صورت تعیین اهداف و انتخاب معیارها، زیر معیارها و گزینه‌های احتمالی برای سنجش کیفیت منظر شهری، پژوهش حاضر را به سمت هدف مورد نظر سوق خواهد داد.

واژگان کلیدی: منظر شهری، محیط شهری، کیفیت زندگی، فرایند تحلیل سلسله مراتبی

۱. دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران

۲. دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران

۳. کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تربیت معلم تهران

تراکم و چشم‌انداز شهری پایدار (کنگاشی در جهت ارتقای کیفی محیط‌های شهری در رهیافت معماری اکولوژیک و شهرسازی پایدار)

محمد حسین پور^۱

شهرها به عنوان عرصه فعالیت و حیات انسانی، در دهه‌های گذشته به شدت تحت تاثیر تکنولوژی جدید و فرایند صنعتی شدن بخش مسکن و ساختمان سازی، دچار تغییر و تحولات شگفت‌انگیز و گاه ناسنجیده شده‌اند. تحولات تیپومورفولوژی شهرها به خصوص در یک نگاه تطبیقی بین نواحی مرکزی شهرها و حومه‌های آن گواهی بر این ادعاست.

در یک نگاه کلی و عمیق، بررسی چشم‌انداز شهری به نوعی به ساختار شهر، سیمای شهر و نمای ساختمان‌ها ارتباط دارد. بدین معنی که چشم‌انداز شهری و زیبایی‌شناسی شهری، مفاهیمی هستند که رابطه مستقیمی با مورفولوژی و پیکره شهر، حجم ساختمان‌ها و فرم معماری آنها دارند. فضای سبز و سرسبزی چه به صورت افقی در قالب پارک‌ها و باندهای فضای سبز و چه به صورت عمودی در قالب بدنه و نمای ساختمان‌ها، می‌توانند نقش کلیدی و مثبتی را در فرایند پایداری شهری بازی کنند. تراکم و بلندمرتبه‌سازی می‌تواند از یک جهت ساختاری را به همراه داشته باشد که پوشش‌دهنده برخی از معیارها و شاخص‌های شهرسازی پایدار از جمله صرفه‌جویی در مصرف زمین است و از جهت دیگر ارتقای کیفی - بصری بدنه شهری را در پی داشته باشد.

این مقاله با بررسی متن و ساخت شهر، رابطه و تاثیر تراکم و تیپومورفولوژی شهری بر چشم‌انداز شهری در رهیافت شهرسازی پایدار و معماری اکولوژیک را بررسی می‌کند. این پژوهش با تاکید بر مفهوم اکولوژی شهری به نوعی به دنبال تلفیق محیط مصنوع با طبیعت و سرسبزی در بدنه‌ها و نمای ساختمان‌ها و به عبارتی در پی طراحی شهری همراه با طبیعت است.

واژگان کلیدی: تراکم، پایدار، چشم‌انداز، اکولوژی، کیفیت محیط

تکه انکاری یا "کلاژ"، روشی در طراحی منظر شهری

علی اصغر ادیبی^۱

روش طراحی "کلاژ" واژه‌ای برگرفته از واژه فرانسوی (*Coller*) به معنای چسباندن است. "پیکاسو" نقاش کوبیست اسپانیایی، اولین کسی بود که از تکنیک "کلاژ" برای نقاشی‌های رنگ و روغن استفاده کرد. کاربرد این تکنیک توسط هنرمندان سورئالیست ادامه پیدا کرد. لوکوربوزیه نیز در معماری از روشی نزدیک به "کلاژ" بهره برد.

کلاژ به عنوان یک مفهوم نظری، تنها پس از انتشار "شهر کلاژ" (*Collage City*) توسط "کالین رو" و "فرد کوآتر" در ۱۹۷۸ مطرح شد. این نویسندگان از احساس مصور "کلاژ" حمایت نکردند و حتی در فروپاشی معنایی که در کلاژ رخ می‌داد "کلاژ"ی انجام ندادند. اما "کلاژ" را با عقیده‌های غیر خطی‌اش در تاریخ، در مواجهه با یکسانی مدرنیسم به عنوان ابزاری برای دمیدن روحی تازه به روند طراحی به کار بستند. این امر هم بافت‌های تاریخی شهری را در برگرفت و هم با مطالعه آن، طراحان امیدوار بودند راهی برای بهتر عمل کردن بیابند.

"کالین رو" یکی از اعضای گروهی از معماران بود که در دانشگاه تکراس با این روش تدریس می‌کردند. از دیگر اعضای این گروه "برنارد هرسل" معماری سوئیسی بود که کار خود را ادامه داد تا آنجا که به استادی نامی در دانشگاه زوریخ تبدیل شد. در سال ۱۹۶۸ پس از انقلاب فرهنگی فرانسه و استقلال سیاست‌گذاری دانشکده‌ها، گروهی از استادان معماری شهر رن (*Rennes*) به سرپرستی "لویی بونچه" کانادایی و "ترز رونیه" فرانسوی روش کلاژ را به عنوان بخشی از فرآیند طراحی در فضای شهری بنیان نهادند.

روش کلاژ در طراحی بر اساس کشف خاطره‌های پنهان ذهن بنیان گذاشته شده است. در این روش طراح با مهارت‌هایی که طی مراحل طولانی آموزشی بدست می‌آورد، به بازسازی خاطره‌های خود از فضا می‌پردازد. بدین ترتیب فضای طراحی شده برای او به طرزی ناشناخته، آشنا نشان داده می‌شود. با توجه به پیچیدگی فضاهای شهری و رواج این اندیشه که شهر را باید براساس خاطره‌های شهروندان طراحی کرد، کلاژ را می‌توان پاسخ شایسته‌ای به آن دانست.

این مقاله با ارائه نمونه‌ای از روش طراحی پروژه اینجانب در شهر رن فرانسه، به تشریح ویژگی‌های کلاژ در طراحی منظر شهری با بهره‌گیری از خاطرات جمعی شهروندان می‌پردازد.

واژگان کلیدی: کلاژ، خاطره‌های پنهان، طراحی منظر شهری، خاطرات جمعی

۱. استادیار گروه معماری منظر، دانشگاه تهران

توپوگرافی در منظر شهری

جعفر میرکتولی^۱، مصطفی رستگار^۲، محمود عیوضلو^۳، مصطفی محمودی^۴، رضا شریفی زاده^۵

عامل ویژگی‌های طبیعی به ویژه توپوگرافی (ناهمواری) از مهم‌ترین عوامل در مکان‌یابی و توزیع جغرافیایی شهرهای کشورمان است. هر یک از نواحی جغرافیایی در ارتباط با عامل توپوگرافی، شرایط اکولوژیکی و زیستی خاصی را ارائه می‌دهند که مختص همان ناحیه جغرافیایی است. توپوگرافی از عوامل طبیعی، تعیین‌کننده در منظر و دورنمای شهری با محیط پیرامون است که باید برای تعریف منظر شهری و اعمال شاخص‌های زیباشناسی مورد توجه قرار گیرد. توپوگرافی در نواحی جغرافیایی مختلف ممکن است کوهستانی، تپه ماهوری، هموار و جلگه‌ای، ساحلی و یا کوهپایه‌ای باشد. با توجه به نوع توپوگرافی ناحیه مکان‌گزینی شهر، می‌توان مناظر شهری متناسبی را مثلاً برای شهرهای کوهستانی، شهرهای ساحلی و... طراحی کرد و از منابع طبیعی در جهت منظرسازی و افزایش زیبایی محیطی در شهر بهره‌برداری بهینه را برد. این مقاله با هدف بررسی میزان تاثیر عامل طبیعی توپوگرافی در منظرسازی و زیبایی منظر در محیط شهرهای کوهستانی انجام گرفته است. این تحقیق با روش تحلیلی-توصیفی و مطالعات اسنادی انجام شده است. نتایج تحقیق گویای این است که مدیریت خردمندان و بهره‌برداری بهینه از منابع طبیعی به ویژه عامل توپوگرافی در منظرسازی شهری باعث جذاب شدن این شهرها شده است.

واژگان کلیدی: توپوگرافی، منظر شهری، شهرهای کوهستانی

-
۱. عضو هیات علمی گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه گلستان
 ۲. دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری
 ۳. دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری
 ۴. دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری
 ۵. دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری

چالش‌های در حال ظهور معماری منظر در برنامه ریزی‌های شهری برای جهانی شدن

فرشاد کازرونی^۱، شهاب میرزاییان^۲

معماری منظر یک دانش درگیر با برنامه ریزی، طراحی و مدیریت از جنبه‌های طبیعی و فرهنگی است و به عنوان یک نظم و انضباط، ترکیبی از مناظر (چشم‌اندازهای در ارتباط با طبیعت) و معماری (در ارتباط با شهر) است.

در حال حاضر، نگرانی رو به رشد در اکثر کشورهای مدرن، مشکلات ناشی از تخریب محیط زیست، کاهش منابع طبیعی و از دست دادن هویت فرهنگی است. به نظر می‌رسد. با وجود اختلاف در میان رهبران سیاسی جهان در کنفرانس کپنهاک؛ جامعه بشر مجبور به تغییر برخورد با مسائل زیست محیطی است.

به دنبال روند جهانی شدن کنونی، در کشورهای در حال توسعه نیز عواملی چون درآمد اقتصادی ناشی از بخش صنعت، روند مدرنیزاسیون و به تبع آن شهرنشینی شتابان، سبب عدم تعلق عمیق فرهنگی و همچنین بیگانگی انسان در محیط شهری شده است. در چنین شرایطی است که معماری منظر به عنوان یک راهبرد میان رشته‌ای بین محیط زیست، طراحی شهری و معماری می‌تواند نقش مهمی در توسعه پایدار شهری در زمینه فرهنگی و اکولوژیکی ایفا نماید.

در این مقاله به بررسی گرایش‌های جدید در معماری منظر با تکیه بر کاربرد آن به عنوان سنتز فرهنگ شهری پرداخته می‌شود؛ نگاه کلی در این مقاله بر تغییر رویکرد پایداری در معماری منظر است. رویکرد اخیر به جای تکیه بر مسائل زیبایی‌شناسی صرف بر مباحث زیرساختی چون تولید غذا، آب، انرژی، بهداشت و عدالت زندگی شهری قرار داده شده است. فرض این نوشتار با توجه به شواهد و مطالعات بر تجارب شکل‌گیری منظر در کشور ایران بر این است که این مناظر تنها به بخشی از نیازهای جامعه شهرنشینی پاسخ داده است. لذا بازنگری در شیوه برنامه ریزی و طراحی منظر شهری با توجه به رویکرد پایداری ذکر شده برای رسیدن به الگوی جهانی ضروری است.

واژگان کلیدی: منظر شهری، جهانی شدن، توسعه پایدار شهر

۱. کارشناس ارشد معماری منظر، مدرس معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

۲. کارشناس ارشد معماری منظر، مدرس معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

روش‌های کاربردی در آسیب‌شناسی منظر شهری

زهرا سادات سعیده زرآبادی^۱، سارا امینی لاری^۲

امروزه توجه به مفهوم منظر شهری و بازیابی روش‌های کاربردی در سنجش وضعیت و آسیب‌شناسی آن، به عنوان یکی از اولویت‌های حرفه‌مندان و تئوری‌پردازان شهری تبدیل شده است. تعامل انسان و پدیده شهر از طریق منظر شهری شکل گرفته و جایگاه منظر شهری در ارتباط چندسویه انسان - محیط بسیار حائز اهمیت است. ویژگی‌های محیط شهری بخش قابل تأملی از دانش و عواطف محیطی شهروندان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و ادراک، شناخت و شیوه‌های ارزیابی افراد نیز از محیط به صور متعددی صورت می‌گیرد.

در نوشتار حاضر ابتدا ملاحظات نظری در حوزه منظر شهری از دیدگاه نظریه پردازان در قالب دو رویکرد سنتی و مشارکتی بررسی گردیده و شاخص‌شناسی از ویژگی‌های منظر شهری مطلوب بر طبق رویکردهای فوق‌الذکر تدوین می‌گردد. سپس مقایسه محتوایی از پارادایم‌هایی که در روند تکاملی مفاهیم منظر شهری مؤثرند و بستر نظری روش‌های کاربردی در آسیب‌شناسی منظر را فراهم می‌نمایند، به اختصار مورد اشاره قرار می‌گیرد.

هدف از این مقاله، تبیین تکنیک‌های کاربردی در آسیب‌شناسی منظر شهری و معرفی مراحل اجرای این روش‌ها در مصادیق عینی و تجربیات جهانی است. بدین منظور پس از طبقه‌بندی تکنیک‌ها بر اساس ماهیت نظری آنها، کارایی این روش‌ها در سنجش وضعیت مناظر شهری مورد توجه قرار گرفت. نتایج پژوهش حاضر بر پایه اسناد تحلیلی و تجارب کاربردی، نشان می‌دهد که با بهره‌گیری از این روش‌ها در آسیب‌شناسی منظر شهری، می‌توان به ارائه پیشنهادات و راهنمایی‌هایی در طراحی منظر دست یافت که مبنایی علمی داشته و بر پشتوانه‌های نظری مستدل استوار است.

واژگان کلیدی: منظر شهری، آسیب‌شناسی، رویکرد سنتی، رویکرد مشارکتی، تکنیک

۱. دکتری شهرسازی و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری دانشگاه هنر اصفهان

سیمای شهری کودک

سپیده هوشمندفر، چیا رحیم زاده، مهدی شکوهی تبار

ارتباط کودکان با محیط اطراف و در واقع جغرافیای محیطی کودکان از جمله موضوعاتی است که تا به حال بسیار کم به آن توجه شده است. با توجه به اینکه ذهنیت کودک از شهر و در واقع سیمای شهری شکل گرفته برای کودک، متاثر از درک وی نسبت به محیط اطراف خانه، مدرسه و محل بازی وی می باشد؛ لذا هرگونه مداخله در حوزه یاد شده، تاثیر قابل توجهی در شکل گیری سیمای شهری در ذهن کودک به همراه دارد.

مطالعات و پژوهش‌ها در این زمینه بیانگر این نکته می‌باشند که فراهم آوردن زمینه‌هایی به منظور حضور و مشارکت کودکان به عنوان عضوی از اجتماع، نقش قابل توجهی در شکل دهی به سیمای شهری کودک ایفا می‌نماید.

در این مقاله با تحلیل و بررسی نحوه ارتباط کودک و درک و تجربه او از محیط اطرافش، به ارائه راهبردهایی جهت ارتقاء کیفیت این ارتباط پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: سیمای شهری کودکان، مشارکت کودکان، ارزش‌های محیطی، حقوق کودک

ضوابط، ملاحظات و استانداردها در طراحی، ساخت، مکان‌یابی و نصب کفپوش‌ها در منظر شهری

محمد رضا پورمحمدی^۱، ابوالفضل قنبری^۲

شهرها پدیده‌ای جدایی ناپذیر از زندگی انسان است که هزار چندگانه‌ی مورد بی توجهی قرار گرفته‌اند. در چنین محیط پیچیده‌ای که در اثر ساخت و ساز و دخل و تصرف انسانی بوجود می‌آید، عوامل محیطی - فرهنگی و جزو آن از ضروری ترین عواملی هستند که ارتباط انسان و محیط طبیعی را برقرار ساخته و نیاز حیاتی بشر را برای بهره‌گیری از محیط فراهم می‌نماید. تجهیزات مورد استفاده در خیابان‌های شهری یا اصطلاحاً مبلمان شهری، از اجزایی ضروری و جدایی ناپذیر جوامع به شمار می‌روند که در سال‌های اخیر تعداد و تنوع آنها افزایش چشم‌گیری داشته است. این تجهیزات در صورتی که با توجه به فاکتورهای هر ناحیه طراحی شوند، می‌توانند علاوه بر کاربرد اصلی خود، موجب حفظ هویت ویژه هر ناحیه شده و به شهر انسجام و یکپارچگی بخشند. در این مقاله سعی شده است که انواع کفپوش‌های مورد استفاده، مزایا و معایب هر یک از آنها و همچنین ملاحظات و فاکتورهای مهم در طراحی، ساخت، مکان‌یابی و نصب کفپوش‌ها با توجه به ویژگی‌های زمانی - مکانی و فرهنگی خاص، مورد بحث قرار گیرند.

واژگان کلیدی: منظر شهری، مبلمان شهری، کفپوش

۱. استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تبریز

۲. استادیار گروه پژوهش‌های جغرافیای دانشگاه تبریز

طراحی میان افزای هماهنگ در راستای ایجاد منظر شهری مطلوب

محمد رضا پورجعفر^۱، مسعود خادمی^۲، روجا علی پور^۳

طراحی و توسعه میان افزا، طراحی و توسعه زمین های خالی و بلااستفاده در نواحی درون شهری است که از پراکنش شهری جلوگیری کرده و می تواند در احیای اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی یک شهر موثر واقع شود. ساختن مکان های جدید در میان شهر و احیای ساختمان های قدیمی موجود که در خور انسان و زندگی او در شهر باشد، از موارد قابل توجه در پروژه های میان افزایی شهری است.

در این میان توجه به محدوده پیرامونی یک پروژه میان افزا در راستای هماهنگی و سازگاری طرح با محدوده از جمله مواردی است که باید مورد توجه قرار گیرد. یکی از اهداف توسعه میان افزا در حوزه های درون شهری، احیا و نوآفرینی این حوزه هاست که به صورت مثبتی در نواحی مجاور خود تاثیر گذار است. در حقیقت توسعه میان افزای موفق، پروژه های جدید را به زمینه شهر پیوند می دهد، ساختمان های مسکونی و خدمات مورد نیاز را به شهر اضافه می کند و تلاش می کند تا نیازهای آنچه موجود است و آنچه قادر است ساخته شود را با هم در نظر بگیرد.

در این مقاله سعی بر آن شده تا به روش توصیفی - تحلیلی و با تاکید بر محدوده های پیرامونی پروژه های میان افزا، به شناسایی عوامل موثر در ارتقای کیفیت منظر شهری پرداخته شود. در این راستا پروژه های میان افزا به عنوان یکی از عوامل موثر در این امر معرفی می گردند. به این ترتیب راهکارهایی برای بهبود طرح های میان افزا در راستای هماهنگی با محدوده پیرامونی خود ارائه می گردد تا در ایجاد مکانی در خور زندگی مطلوب و با هویتی شاخص برای شهر و همچنین ایجاد منظر شهری مطلوب تاثیر گذار باشد.

واژگان کلیدی: طراحی میان افزا، منظر شهری، نوآفرینی حوزه های درون شهری

۱. دانشیار دانشگاه تربیت مدرس

۲. کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه تربیت مدرس

۳. کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه علم و صنعت ایران

طراحی منظر تپه‌های درون شهری به کمک GIS (مطالعه موردی تپه گرده داغ زنجان)

علی شکوهی^۱، سولماز احمدی باروق^۲، فاطمه پیری^۳

منظر کوهستان و بخصوص تپه‌های درون شهری یکی از فرصت‌های بی‌نظیر برای طراحی سیمای شهرهاست. ارتفاع و حجم این عناصر در کنار حضور عناصری طبیعی نظیر آب و گیا، این قابلیت را فراهم آورده که این عناصر بتوانند کل یا بخش‌های بزرگی از شهرها را به لحاظ بصری پوشش دهند. بارزه‌های آشکاری همچون برف و سبزه بر روی این تپه‌ها، گذر ایام و فصول را برای همه شهروندان به تصویر می‌کشند. تأثیر طراحی تپه‌های درون شهری در منظرآرایی سیمای شهر تا حدی است که مهندسان چشم‌انداز را واداشته تا به ساخت تپه‌های مصنوعی در میان شهرها دست یازند (نظیر برلین).

از سوی دیگر ابداع ابزارهای پشتیبان طراحی نظیر GIS، این امکان را برای مهندسان منظر فراهم ساخته تا بسترهای لازم برای طراحی را بسیار دقیق‌تر و آسان‌تر فراهم سازند. در مقاله حاضر که حاصل یک طرح پژوهشی در این زمینه است، نتایج بکارگیری تحلیل‌گر سه‌بعدی ArcGIS در طراحی منظر تپه گرده داغ زنجان مورد بررسی قرار گرفته است. این تپه که در قسمت شمال در میان شهر زنجان واقع گردیده است از قابلیت‌های بالقوه منظرآرایی شهری برخوردار بوده و به همین دلیل، طراحی آن در دستور کار مسئولان عمرانی شهر قرار گرفته است. نتایج بررسی‌ها نشان داد که ابزارهای کمک طراحی نظیر GIS می‌توانند نقش موثری در انجام تحلیل‌های دقیق و پیچیده نظیر تحلیل شیب، جهت شیب، نورگیری، سایه اندازی، دیدهای متقابل در پهنه‌های بصری این تپه‌ها داشته و طراح منظر را در انتخاب و جانمایی دقیق و خلاقانه عناصر طبیعی و مصنوعی یاری رسانند.

واژگان کلیدی: تپه‌های درون شهری، سیستم‌های اطلاعات جغرافیایی، منظر شهری، GIS

۱. عضو هیأت علمی گروه مهندسی شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان و عضو شورای مرکز پژوهش‌های شهری جهاد دانشگاهی زنجان

۲. کارشناس ارشد معماری منظر از دانشگاه شهید بهشتی و مدرس گروه معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان

۳. دانش‌آموخته رشته مهندسی شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان

فقدان شناوری میان حداکثر تراکم، تعداد طبقات، و سطح اشغال زمین مجاز و تبعات آن در منظر شهری ایران

مروارید قاسمی اصفهانی^۱

منظر شهری علی‌رغم اهمیتی که در ابعاد مختلف زندگی شهروندان دارد، پدیده‌ای نیست که به صورت مستقل و قائم به ذات قابل مدیریت و طراحی باشد و همواره تالی سایر مداخلات شهری است. چنانچه این مداخلات نسبت به تبعات خود بی‌تفاوت باشند و صرفاً اهداف محدود و مشخص را مد نظر داشته باشند، اغتشاش در منظر شهری اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.

در فرآیند رفت و برگشتی میان جزء و کل در تغییرات محیط شهری، منظر شهری نیز به طور پیوسته دستخوش تغییر است و در غیاب نظام‌های فرادست هدایت و کنترل سه بعدی در شهرهای ایران، سکان‌داری ایجاد آن حداقل در بافت‌های مسکونی که بخش وسیعی از شهرها را شامل می‌شوند، به دست ساخت و سازهای منفرد و پراکنده در قطعات زمین شهری افتاده است. از این‌رو انعطاف‌ناپذیری و نقص ضوابط ساخت و ساز شهری تکثیر یافته در تمام ایران، منظر شهری همه شهرها را به شکلی مشابه به سوی اغتشاشی سوق می‌دهد که نه تنها به نامطلوبی کیفی عرصه همگانی انجامیده، بلکه بروز بحران هویت شهری در آن نیز شتابی مضاعف بخشیده است.

در شرایطی که مالکیت خصوصی بر زمین و منطق سود بازار ایجاب می‌کند که سرمایه‌گذاران خرد و کلان در پی حداکثر استفاده از حقوق شهروندی خود، برای ساخت و ساز باشند و از کمترین سطح ساخته شده به نفع مصالح عمومی صرف نظر نکنند.

رابطه میان این سه عامل به شکل یک معادله ساده ریاضی صورت‌بندی شده است که اعمال دو ضابطه به صورت خودکار اعمال ضابطه سوم را نتیجه می‌دهد و لذا جواب‌های متنوعی برای پاکت‌های حجمی توده‌های ساختمانی یافت نمی‌شود و به دنبال آن ابزاری برای تعریف فضاهای باز شهری تعریف‌پذیر در دست نیست. چنین به نظر می‌رسد که تبدیل معادله مذکور به تابعی کارآمد، نیازمند نظام هدایت و کنترلی است که بتواند دامنه پاسخ‌های این تابع را تعریف و پاسخ‌ها را با یکدیگر هماهنگ سازد. کم و کیف و ساز و کار این نظام موضوعی است که در این مقاله مورد تأمل قرار خواهد گرفت.

واژگان کلیدی: تراکم ساختمانی، درصد اشغال زمین، حداکثر تعداد طبقات، رابطه توده و فضا، نظام هدایت و کنترل

کدهای فرم‌پایه

(رویکردی نوین به ضوابط و مقررات، در جهت ارتقاء منظر شهری)

الناز امیرهدائی^۱

بدیهی است که کنترل و هدایت منظر شهری در طی توسعه شهر، زمینه‌های تحقق منظر شهری «خوب» را موجب می‌شود. کنترل و هدایت شهر در دوره‌های مختلف توسط ابزار سیاست‌های شهری، همواره در جریان بوده است. با وجود ضعف شدید و گاهاً فقدان ضوابط و مقررات کنترل و هدایت منظر شهری به عنوان ابزار سیاست‌های شهری در ایران، تأثیرات ضوابط مربوط به زمینه‌های دیگر، مانند فروش تراکم، کاملاً در منظر بی‌هویت و آشفته شهرهای ایران مشهود است.

این مقاله سعی دارد تا در مسیر شناسایی اجزاء و عناصر کالبدی و غیرکالبدی منظر شهری، نحوه کنترل و هدایت منظر شهری را از طریق این اجزاء و به‌وسیله ابزار سیاست‌های شهری، مشخص کند. همچنین در این مقاله، کدهای فرم-پایه^۲ به عنوان رویکردی نوین به ضوابط و مقررات شهری که مناسب رویکرد معاصر به منظر شهری - منظر شهری پایدار / هوشمند- می‌باشد، معرفی می‌گردد.

از آنجایی که فرم شهری ماندگارترین و کاربری زمین، متغیرترین عنصر شهری در طول زمان می‌باشند، تأکید این شناسه‌ها به منظور قانونمند ساختن شهر، در درجه اول معطوف به فرم شهری و در درجات بعدی مربوط به کاربری می‌باشد. از طرف دیگر، به علت ارتباط متقابل فرم و منظر شهری، کدهای فرم-پایه به عنوان جایگزین مناسب ضوابط و مقررات شهری مرسوم - با کمترین حساسیت نسبت به فرم و منظر شهری - مطرح می‌باشند. همچنین این مقاله سعی دارد، ضمن معرفی ابعاد ماهوی منظر شهری که هدایت و کنترل آنها، دستیابی به منظر شهری «خوب» را موجب می‌شود، رویه‌ای مناسب جهت هدایت و کنترل منظر شهری در راستای این هدف را، پیشنهاد دهد.

واژگان کلیدی: عناصر منظر شهری، هدایت و کنترل منظر شهری، ضوابط و مقررات شهری، کدهای فرم پایه، کدهای هوشمند.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه علم و صنعت ایران

۲. Form-based code

کودک و جایگاه موثر او در طراحی منظر شهری

مریم آزموده^۱

در مبانی طراحی شهری، همواره به کودک به عنوان یکی از عوامل تاثیرگذار نگریسته می‌شود. این حقیقت آن جا نمود پیدا می‌کند که اصلی‌ترین مراکز در تقسیمات شهری که مبنای بسیاری از تعاریف قرار می‌گیرند، عناوینی چون کودکستان، دبستان، پارک و خانه کودک را دارا می‌باشند. اما علی‌رغم این توجه، وقتی مدافعان همین مبانی پا به عرصه طراحی می‌گذارند، کودکان را از یاد برده و تقریباً هیچ توجهی به آنان نمی‌کنند. نتیجه این بی‌توجهی، شهری افسرده و ملال‌آور برای ساکنان کوچک شهرهاست.

کودکان، نیازمند محیط‌هایی هستند که آنان را مخاطب قرار دهد و به چالش وا دارد. این محیط‌ها علاوه بر جذابیت باید کودکان را به مشارکت نیز فرا خوانند. نکته مهم دیگر این است که محیط‌های بیرونی علاوه بر ایجاد تجربه‌ای خوشایند برای کودکان، می‌توانند حامل معنا نیز بوده و آنها را با آداب و رسوم، فرهنگ، مذهب یا به عبارتی هویت جمعی خویش آشنا نمایند.

این مقاله در تلاش است تا ویژگی‌های فضاهای شهری متناسب با روحیات و نیازهای کودکان را بیان نموده و از این رهگذر معایب موجود در شهرهای کنونی ما که احساس بیگانگی، گم‌گشتگی، افسردگی و... را برای کودکان به همراه دارد، آشکار نماید.

در پایان با معرفی نمونه‌هایی در این زمینه از جمله شهرهای دوست‌دار کودک، این نتیجه حاصل می‌شود که می‌توان فضاهایی طراحی کرد که انتظارات کودکی کودکان را برآورده سازد و در یک ارتباط منطقی با کودک و شرایط به نیازهای او پاسخ دهد. در این محیط‌های پاسخ‌ده به نیازهای کودکان، خلا بین طرح‌های تفضیلی (و مبانی موجود در آن) و طرح‌های اجرایی پر شده و محصول نهایی به کیفیتی قابل قبول دست یافته است.

واژگان کلیدی: کودک، شهرسازی، نیاز، هویت جمعی، طراحی

مدل‌های مدیریت منظر شهری و چگونگی هدایت راهبردی

فرانک فرزانه^۱، سامان معتمدی^۲

منظر شهری ابزاری است که به واسطه آن ارزش‌های تصویری و ذهنی شهر در معرض نمایش و ادراک شهروندان قرار می‌گیرد. این گالری شهری با نمایش هرروزه ارزش‌های مختلف فرهنگی، دانشی، مدیریتی و کالبدی شهر، حس زیبایی‌شناسی، ادراکی و در نهایت عملکردی، بازدیدکنندگان شهری را به طور مستقیم تحت تأثیر قرار می‌دهد. از طرفی امروزه اهمیت توانایی وجود منظر شهری خوانا و ویژه در ارتقاء توان رقابت شهرها در جذب سرمایه و توجه بین‌المللی و همچنین بهبود کیفیت زندگی شهروندان و عملکرد آنان نادیده گرفته می‌شود.

هدف از این نوشتار این است که با تکیه بر اهمیت سازماندهی درک محیط شهری در چارچوب یک تصویر ذهنی پیوسته، الزام و چگونگی هدایت منطقی و طولانی‌مدت فرم کالبدی سبب‌دهی شهر را متذکر شود. برای این منظور برخی اسناد و مدل‌های برنامه‌ریزی و مدیریت منظر شهری در مقیاس کلان از تجارب کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه (از جمله چارچوب استراتژیک مدیریت منظر شهری لندن، سند طراحی سانفرانسیسکو و سند طراحی ساختاری کوالالمپور ۲۰۲۰)، به لحاظ ساختاری و محتوایی معرفی و بررسی می‌شوند. برنامه‌ها و نحوه برخورد آنها در رابطه با موضوع حفظ و ایجاد تصویر ویژه شهری، همچنین روش‌های نوین شناسایی و حفظ کیفیت‌های بصری استخراج و همزمان مقایسه‌ای اجمالی نیز با شرایط کنونی کلان‌شهر تهران صورت می‌گیرد.

یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که تقریباً تمامی پایتخت‌ها و شهرهای مهم، دارای ویژگی مشترکی به نام "تصویر ذهنی شاخص" هستند. در این میان تهران نیز با واقع شدن در منطقه‌ای که از نظر استقرار طبیعت نسبت به بسیاری از شهرهای جهان موقعیت برتری دارد، از امکانات و فرصتهایی برخوردار است که بالقوه می‌توانند برای آن تصویری منحصر بفرد و چشم‌گیر بیافرینند. آیا چنین منظر شهری از کلان‌شهری که جهانی شدن را دنبال می‌کند، می‌تواند هدایت‌گر چنین چشم‌اندازی باشد؟ روشن است که تنها مدیریت مناسب منظر شهری مبتنی بر چشم‌اندازی روشن از آینده شهر و متکی بر مدل‌ها و دانش به‌روز که آگاه از فرصت‌های منحصر بفرد هر نقطه زیستی می‌باشد، می‌تواند چشم‌انداز آینده متصور برای شهرهای با عظمت در قالب شهری پایدار، جهانی و بهره‌مند از هویت را تحقق بخشد.

واژگان کلیدی: منظر شهری، تصویر ذهنی، تصویر عینی، مدیریت استراتژیک مناظر شهری

۱. کارشناس ارشد معماری و طراحی شهری و مدیر دپارتمان شهرسازی مهندسان مشاور پارس پژوهاک

۲. کارشناس ارشد معماری

مدیریت اطلاعات بصری در منظر شهری (تحلیل اطلاعات بصری منظر و ضرورت ارزیابی این اطلاعات در جهت ساماندهی وضعیت کنونی منظر شهری در ایران)

نگین شکیبی^۱ و شقایق ملکی^۲

امروزه حفاظت و احیای مناظر طبیعی و انسانی تبدیل به دغدغه اصلی ملت ها شده است و شاهد انواع ناهنجاری ها و نابسامانی های بصری در گوشه و کنار مناظر شهری خود و تخریب قسمت هایی از مناظر طبیعی هستیم. این وضعیت بیانگر عدم حکم فرمایی ضوابط طراحی و نظارتی متناسب با هویت و ارزش های زیبایی شناختی بر مناظر شهری می باشد.

این مقاله تلاشی است برای رسیدن به الگویی جامع و کارآمد در زمینه مدیریت اطلاعات بصری محیط و شناسایی عوامل موثر بر ادراک بصری منظر شهری. نتایج حاصل از این تحقیق ما را در ایجاد ضوابطی نوین برای بهبود هر چه بهتر وضعیت مدیریت و برنامه ریزی منظر شهری یاری می کند. این ضوابط می توانند به عنوان روشی در جهت پیشگیری از دخالت نادرست در مناظر دست نخورده و احیا و بهبود وضعیت مناظر آسیب دیده عمل کند.

در این مقاله تعریفی جامع از مدیریت بصری، ارایه و عوامل موثر بر ادراک بصری معرفی می شود. سپس روش شناسی و فرآیند ارزیابی اثرات بصری منظر عنوان می گردد. نتایج این روش شناسی در مطالعه موردی محله باغ شاطر بررسی خواهد شد. در این مطالعه موردی سعی بر آن است که عوامل موثر بر دیدهای موجود از جوانب مختلف مورد ارزیابی قرار گیرند. نهایتاً این مطالعه ضوابط طراحی برای حفظ دیدهای ارزشمند و ساماندهی دیدهای آسیب دیده را بر اساس ارزیابی تاثیر بصری ارایه خواهد داد.

واژگان کلیدی: مدیریت اطلاعات بصری، ادراک بصری، ارزیابی بصری، آسیب شناسی منظر شهری، محله باغ شاطر تهران

۱. کارشناس ارشد معماری منظر دانشگاه شهید بهشتی

۲. کارشناس ارشد معماری منظر دانشگاه شهید بهشتی

مدیریت منظر شهری

کامران ذکاوت^۱

شهرها به لحاظ بستر تاریخی، فرهنگی، سیمای طبیعی و ویژگی‌های محیط مصنوع دارای هویت و تشخص منحصر به خود می‌باشند. ارزش‌های بصری مهم‌ترین بخش از کیفیت‌های محیطی محسوب می‌گردد و عامل کلیدی در تقویت و یا تضعیف تعلق خاطر افراد به محیط زیست خود است.

از سوی دیگر شهر پدیده‌ای زنده و پویا و در حال تغییر و تحول می‌باشد. روند تحول شهر اجتناب‌ناپذیر است، لیکن در فقدان مدیریت و راهبری علمی، کلیه ابعاد کیفی و ماهوی منظر شهری و شناسنامه بصری و سیمای شهری، می‌تواند به‌گونه‌ای تدریجی از صحنه قابل رویت محو شوند. حتی رشد بی‌رویه پوشش گیاهی می‌تواند ارتباط و رویت منظر شهری را تحت شعاع قرار دهد.

مدیریت بصری شهر باید به‌گونه‌ای عمل کند که ضمن حفظ هویت اولیه، تحولات جدید را در جهت ارتقاء ارزش‌های کیفی آن راهبری نماید.

سیما و منظر شهری پدیده‌ای ماهوی است که از جوهره و ذات موجودیت شهر نشات گرفته و در فرهنگ و ادراک مردم ریشه دارد. ابعاد ذهنی منظر شهر یا آنچه که افراد در مواجهه با منظر شهری از آن ادراک می‌کنند، بخش مهمی از محتوای منظر را تشکیل می‌دهد. انسجام این بعد از منظر شهری با ابعاد عینی است که به شکل‌گیری هویت بصری شهر منجر شده و به آن معنا می‌بخشد. به همین لحاظ لازم است برجسته‌سازی^۲ ابعاد ماهوی شهر که موجب تشخص بصری آن می‌گردد، مورد تأیید عموم قرار گیرد و اهمیت حفظ و ارتقاء آن برای شهروندان روشن و مسجل باشد. این موضوع نیازمند یک چارچوب مدیریتی جامع و فراگیر برای جهت‌دهی و کنترل نظام منظر شهر است.

بحث مدیریت منظر شهری در قالب ابزار راهبری، محتوی می‌یابد و حاوی دو بخش ذیل است:

۱. نظام تشکیلاتی کنترل و راهبری (تحت عنوان کمیته‌های بازنگر^۳)

۲. اسناد کنترل و راهبری تحت عنوان "چارچوب مدیریت منظر شهری"^۴

در این مقاله ضمن معرفی ابعاد ماهوی و رویه‌ای این تکنیک، یک نمونه موردی از این اسناد نیز معرفی شده‌است.

واژگان کلیدی: منظر شهری، شناسنامه بصری، هویت بصری، کنترل نظام منظر

۱. دکتری طراحی شهری و عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی

2. Appraisal

3. Review Board

4. View Management Framework

۲. تجربه‌های خارجی و داخلی منظر شهری



۱-۲. نوسازی شهری

۲-۲. منظر طبیعی شهر

۳-۲. تجهیزات شهر و منظر

۴-۲. فضای جمعی و منظر شهری

۵-۲. برنامه‌ریزی و مدیریت منظر

۶-۲. منظر راه و خیابان

۷-۲. گردشگری و منظر شهری

از بازار تا خیابان

(پتانسیل‌های بالقوه منظر شهری خیابان‌های تهران در ایفای نقش مرکز محله)

(نمونه موردی بافت فرسوده نظام آباد)

امید ریسمانچیان^۱

منظر شهری برای اولین بار در سازمان نوسازی در طرح ویژه نوسازی به عنوان یکی از اهداف اصلی پروژه‌های نوسازی مطرح گردید. با در نظر داشتن این مهم که منظر شهری به واسطه حرکت، به ویژه حرکت عابر پیاده، در فضاهای باز عمومی قابل ادراک است، منظر خیابان در ارتقاء سطح کیفی منظر شهری و منظر روزانه نقش ویژه‌ای به خود می‌گیرد. این مطلب با توجه به اینکه خیابان‌ها بیشترین سطح فضاهای باز عمومی را در یک شهر به خود اختصاص می‌دهند از اهمیت دوچندان برخوردار می‌شود.

در شهر تهران مقوله حرکت و توسعه شبکه معابر شهری به منظور تسهیل دسترسی به بافت فرسوده در چند سال گذشته از طرف مسئولین مورد توجه بسیار قرار گرفته است، اما علیرغم همه این تلاش‌ها به دلیل عدم وجود یک برخورد روشمند (متدولوژیکال) که از پشتوانه نظری قوی‌ای برخوردار باشد و نیز به دلیل گرت‌برداری و کپی کردن استانداردهای لازم برای توسعه شبکه معابر از کشورهای غربی، اکثر فعالیت‌های سازمان‌های دولتی در بهترین حالت به تغییر کفسازی پیاده‌روها محدود شده است. این در حالی است که با بررسی عمیق‌تر طرح ویژه نوسازی، می‌توان پروژه‌های نوسازی از قبیل توسعه شبکه معابر را به صورتی بهینه انجام داد. دو مورد ذکر شده در این سند مد نظر این مقاله می‌باشد که عبارتند از توسعه شبکه معابر و بهبود دسترسی و نیز توسعه مراکز محله‌ای به منظور محرک‌های احیاگر اقتصادی - اجتماعی.

این مقاله با اشاره به تئوری شهرسازی جدید، بیان می‌دارد که خیابان‌های شهر تهران دارای پتانسیل‌های بالایی برای ایفای نقش مراکز محله‌ای خطی می‌باشند؛ پتانسیل‌هایی که با بکارگیری روشی هدفمند در توسعه معابر شهری می‌توانند به بهره‌وری برسند. به این ترتیب نه تنها امکان ارتقاء دسترسی به وجود می‌آید، بلکه امکان تبدیل بعضی از خیابان‌های محلی به مراکز محله و بهینه سازی پروژه‌های نوسازی نیز ایجاد خواهد شد.

برای این منظور، حرکت عابر پیاده و مشکل دسترسی به درون بافت فرسوده در سطح برنامه‌ریزی با تکیه بر "پیکره‌بندی فضایی" و با استفاده از روش "سینتکس فضا" برای محله نظام آباد مورد بررسی قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: بافت فرسوده، منظر شهری، محله نظام آباد، مرکز محله

۱. دانشجوی دکتری معماری و شهرسازی، دانشگاه ادینبورگ انگلستان

بازشناسی کیفیت‌های بصری منتج از تغییر محصوریت در معابر تاریخی شهر یزد

سیدعبدالهادی دانشپور^۱، محمدرضایی ندوشن^۲

کیفیت‌بخشی به فضاهای شهری یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های طراحی شهری است. یکی از مسائل همیشگی این حرفه ایجاد معیارهای مناسب برای خلق فضاهایی با کیفیت‌های مطلوب بصری می‌باشد. یکی از روش‌های دستیابی به این معیارها، کنکاش در ویژگی‌های فضاهای مطلوب است. از دید عموم کارشناسان طراحی محیطی، مجموعه‌های شهری تاریخی کشور ما دارای فضاهای شهری مطلوبی از نظر بصری می‌باشند. در این راستا این مقاله به بازشناسی کیفیت‌های بصری فضاهای شهری مجموعه‌های شهری تاریخی پرداخته و هدف شناسایی کیفیت‌هایی است که در حین حرکت در فضاهای پیاپی با تغییر در محصوریت معابر ایجاد می‌گردند. البته در این مقاله، تنها معابر تاریخی بررسی شده و سایر فضاهای شهری، در امتداد و اتصال با معابر در نظر گرفته می‌شوند. از آنجا که شهر یزد یکی از وسیع‌ترین و دست‌نخورده‌ترین مجموعه‌های شهری تاریخی را دارد، این مقاله در معابر آن به دنبال کیفیت‌های بصری فضا می‌گردد. به نظر می‌رسد شناخت اندکی از کیفیت‌های بصری معابر تاریخی وجود دارد، از این رو ابتدا چارچوبی نظری، برای تعریف محصوریت و کیفیت‌هایی که به واسطه تغییر در محصوریت معابر به وجود می‌آیند، ارائه می‌شود. سپس به شناسایی هر یک از کیفیت‌ها با ارائه مثال‌هایی از بافت تاریخی شهر یزد پرداخته شده است. از آنجا که این بررسی‌ها به وسیله برداشت‌های میدانی گسترده، در معابر تاریخی یزد حاصل شده‌اند، امید است با بازشناسی بخشی از کیفیت‌های بصری معابر تاریخی، بتوان در مرمت فضاهای شهری تاریخی از این کیفیت‌ها استفاده نمود و در خلق بهتر فضاهای شهری کنونی به کار بست.

واژگان کلیدی: کیفیت فضا، محصوریت، معابر تاریخی و شهر یزد

۱. استادیار گروه آموزشی شهرسازی دانشکده‌ی معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران

۲. کارشناس ارشد طراحی شهری، دانشگاه علم و صنعت ایران

بررسی تأثیرات روحی و روانی بدنه‌های شهری بر شهروندان

سمیه بیکی^۱، محمدرضا پورجعفر^۲، محسن ایمانی نائینی^۳

در سال‌های اخیر پس از مطرح شدن دوباره اهمیت فضاهای عمومی، نماهای ساختمانی نقش و اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده‌اند. اگر نگاهی گذرا به وضعیت معماری سیما و منظر شهرهای ما در چند دهه اخیر داشته باشیم، متوجه بی‌نظمی و آشفتگی در ساخت‌وسازها خواهیم شد. در شهرهای ما زبان مشترکی بین نماها وجود ندارد. نه فرهنگ مشترکی برای بیان دارند، نه مصالح یکسانی به کار گرفته‌اند و نه سبک مشخصی را دنبال می‌کنند. این ناهماهنگی باعث ایجاد سرگشتگی و بی‌هویتی در آن‌ها شده است. این بی‌هویتی در بناها، نه تنها به اغتشاشات بصری می‌انجامد، بلکه در درازمدت بر روح و روان شهروندان اثر منفی می‌گذارد. منظر یک محیط شهری مجموعه‌ای از محرک‌های محیطی می‌باشد. این محرک‌ها اطلاعاتی را برای ما می‌فرستند که ادراک فضا را در ذهن مان مقدور می‌سازد. این ادراک بر احوال و احساسات ما تاثیر گذاشته، رضایت و عدم رضایت را در ما بوجود می‌آورند. از آنجا که جداره خیابان‌ها، نخستین جلوه از شهر است که در ذهن و حافظه شهروندان باقی می‌ماند، ضرورت توجه به ابعاد طراحی آنها در جهت پاسخگویی به نیازهای روحی و روانی شهروندان در محیط‌های شهری بیش از گذشته به نظر می‌رسد. هدف از تدوین این مقاله بررسی اغتشاشات کالبدی نماهای شهری و تاثیر آن‌ها بر استفاده کنندگان از فضاهای شهری می‌باشد. این مقاله در ابتدا ادراک محیطی و عوامل موثر در آن را مورد بررسی قرار داده و در ادامه به بررسی نماهای شهری و اجزاء آن‌ها و در نهایت به تأثیرات هیجانی نماها بر شهروندان و دلایل کالبدی آن‌ها می‌پردازد.

واژگان کلیدی: ادراک محیطی، نماهای شهری، اغتشاشات نما، تأثیرات روحی نماها

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری دانشگاه تربیت مدرس

۲. عضو هیئت علمی دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس

۳. عضو هیئت علمی دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس

بررسی کیفیت سیمای راه‌ها در شهر (نمونه مورد مطالعه، شهر بابلسر)

غلامرضا ملکشاهی^۱، هادی پندار^۲، سید سحر محمدی^۳

یکی از عوامل سازنده تصویر ذهنی از شهر راه است که حرکت به واسطه آن میسر می‌گردد. راه‌ها یکی از عناصر درک ما از شهرها می‌باشند. اگر راه‌ها نتوانند سیمای شهر را برای ناظر بطور مطلوب شکل دهند، شهرها دچار نوعی بی‌هویتی می‌گردند. تمامی عناصر تشکیل دهنده سازمان فضایی شهر، بر ذهن ناظر اثر گذاشته و در ایجاد تصویر در ذهن وی موثراند. راه‌ها در ایجاد سیمای شهر نقش موثری ایفا نموده و عاملی مهم در نظم بخشیدن به شهرها محسوب می‌گردند و رابطه‌ای نزدیک نیز با سایر عوامل شهر دارند.

سوال اصلی که این مقاله به دنبال پاسخ آن است به صورت زیر مطرح می‌گردد:
چگونه سیمای شبکه خیابان‌های شهر در ذهن بیننده، زمینه‌ای را برای جلب توجه او به شهر فراهم می‌آورد؟

هدف این مقاله، بررسی چگونگی تصویر ذهنی ایجاد شده نزد ناظران تازه وارد به شهر و سیمای شکل گرفته از آن شهر بر حسب عناصر سازمانی موجود در آن‌ها (با تاکید بر راه) می‌باشد. تصویر ذهنی از شهر، کلیه برداشت‌ها، باورها و دانسته‌هایی است که فرد از محیط پیرامون خود دارد و پس از ترک محیط نیز در خاطرش خواهد ماند. محیطی که ناظرین در طول شبانه روز و سفرهای روزانه با آن روبرو هستند، در بستر خیابان جاریست. راه‌ها به عنوان یکی از عناصر تشکیل دهنده تصویر ذهنی ناظر از سیمای شهر، عاملی موثر در بازتاب نظام ارتباطی شهر، به حساب می‌آیند که توسط شهروندان تجربه می‌گردند. این پژوهش با فرض اینکه به نظر می‌رسد سیمای راه‌های شهر بابلسر در اذهان شهروندان و ناظرین تازه وارد، آن طور که شایسته نقش‌های بندری، توریستی و دانشگاهی این شهر است، نبوده، به انجام رسیده است. نتایج کسب شده در این تحقیق که از روش‌های تحقیق میدانی، توصیفی-تحلیلی و توزیع پرسشنامه در چند نمونه از شبکه راه‌ها در طول شهر بهره برده است، نشانگر این مساله است که با وجود نقش‌های متعدد یاد شده بابلسر، عناصر شاخص سازمان فضایی در مسیرهای اصلی و فرعی راه‌ها نتوانسته‌اند سیمایی برجسته‌ای را در اذهان عمومی شکل دهند.

واژگان کلیدی: شهر، منظر، سیما، راه، بابلسر

۱. عضو هیئت علمی گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه مازندران

۲. معمار و طراح شهری و مدرس دانشگاه مازندران

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه مازندران

بزرگراه‌ها، گستره‌ها شده در منظر شهری

نیلوفر سیفی^۱

مسیرها یکی از عناصر اصلی و زیربنایی‌ترین عنصر در ساختار ذهنی از یک شهر هستند و در عینیت به صورت انواع خیابان‌ها، کوچه‌ها، بن‌بست‌ها و بزرگراه‌ها و... خود را نشان می‌دهند. این فضاها جمعی و حاوی ارزش‌های فرهنگی و محیطی‌اند که طی دوران مختلف جهت دسترسی و زندگی اجتماعی شکل گرفته‌اند.

با ورود اتومبیل به شهرها و در پی آن تعریض خیابان‌ها و ساخت بزرگراه‌ها، این عناصر به مثابه گستره‌ای در اختیار اتومبیل‌ها در شهر تغییر نقش دادند. به جرات می‌توان اذعان نمود که امروزه مسیرهای حرکتی اتومبیل‌ها بالاخص بزرگراه‌ها که مساحت زیادی در شهرهای بزرگ را در بر می‌گیرند، به علت سرعت بالای حرکت، از لحاظ ادراکی در ذهن مردم جایگاهی ندارند. از سویی دیگر از دید گوردون کالن، منظر شهری، هنر یکپارچگی بصری و ساختاری مجموعه ساختمان‌ها، خیابان‌ها و مکان‌هایی است که محیط شهر را می‌سازند و در واقع هنر چگونگی ارتباط بین اجزای مختلف سازنده است.

با بهره‌گیری از منظر شهری، می‌توان گسست‌های بوجود آمده در این محدوده‌های گسترده از شهرها را از بین برد. بر این اساس، این مقاله بر آن است تا نقش منظر شهری را در احیا و زنده نمودن این گستره، در شهرها به بحث بگذارد و چگونگی ایجاد یکپارچگی در گسست‌های بوجود آمده را مورد بررسی قرار دهد.

واژگان کلیدی: منظر شهری، بزرگراه، یکپارچگی، ادراک

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه علم و صنعت ایران

بررسی تطبیقی تغییرات کیفیت مبادی ورودی شهری شهر بابلسر در دو مقطع زمانی پنج ساله

مصطفی قدمی^۱، سید سحر محمدی^۲

مبادی ورودی شهر به عنوان یکی از اصلی‌ترین اجزاء ساختار کالبدی و فضایی شهر، نقش موثری در کیفیت منظر شهری ایفا می‌نماید. ورودی شهر در برگرفته یک مسیر حرکتی است که جریان ورود به شهر از طریق آن میسر گشته و به عنوان محل اتصال تمدن داخل شهر با جامعه فراتر و بستر طبیعی بیرون آن نقش آفرینی می‌کند. این مهم مستلزم برقراری ارتباطی منطقی بین دو فضای مذکور می‌باشد، به گونه‌ای که مبین فرهنگ و هویت کنونی و گذشته شهر باشد. چگونگی کیفیت و ارزش‌های بصری ورودی‌ها از عوامل تاثیرگذار در ادراک و خوانایی این فضاها و ایجاد حس مکان در شهروندان تلقی می‌گردد. در حالی که امروزه این فضاهای پراهمیت شهری از جمله فضاهای مسئله دار و فراموش شده‌ای است که زمینه‌ساز بروز برخی از نابسامانی‌ها و مشکلات در زمینه منظر شهری محسوب می‌گردد. این نابسامانی‌ها تا بدان حد عمومیت یافته است که حتی عرصه‌های مذکور را نمی‌توان واجد "حداقل" شرایط تلقی شدن به عنوان یک فضای شهری مطلوب دانست. علی‌رغم اهمیت مبادی ورودی در ایجاد هویت بخشی فضا و بهبود کیفیت محیط، در اجرای طرح‌های ساماندهی مبادی ورودی شهر بابلسر هیچ نوع پیمایشی از نقطه نظر مردم صورت نگرفت و اقدامات صورت گرفته، جدای از سلايق و علايق شهروندان بوده است.

هدف از این تحقیق، بررسی تطبیقی کیفیت مبادی ورودی شهر بابلسر در دو مقطع قبل از اجرای طرح عمرانی و بعد از آن می‌باشد. فرضیه مورد سنجش در این پژوهش عبارت است از این‌که: تغییرات عمرانی ایجاد شده در ورودی شهر توریستی بابلسر در چند سال اخیر فاقد بار معنایی لازم می‌باشد. روش این تحقیق از نوع پیمایشی مبتنی بر استفاده از پرسشنامه است. برای تدوین پرسشنامه، ابتدا شاخص‌ها و معیارهای استاندارد جهت ایجاد محیطی به سامان برای ورودی‌ها، استخراج و در نهایت در قالب پرسشنامه از جامعه آماری (جمعی از شهروندان بابلسری) مورد بررسی قرار گرفت. به منظور تجزیه و تحلیل از روش‌های آماری توصیفی مثل میانگین و واریانس و روش آمار استنباطی استفاده شده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که علی‌رغم اعمال تغییرات کالبدی مبادی ورودی مورد مطالعه بر اساس طرح عمرانی، کیفیت کالبدی و کارکردی حوزه مذکور با دوره قبل از اجرای طرح، تفاوت معنی‌داری را نشان نمی‌دهد و مردم از این تغییرات جهت توسعه منظر شهر بابلسر، رضایت چندانی مطلوبی نداشتند.

واژگان کلیدی: شهر، ورودی، کیفیت کالبدی، منظر، بابلسر

۱. عضو هیئت علمی جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه مازندران

۲. دانشجوی کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه مازندران

تحلیل منظرین از روند تحولات نقش خیابان در تهران دوره پهلوی اول

محمد آتشین بار^۱، آیدا آل‌هاشمی^۲، یاسر جعفری^۳

منظرشهری به عنوان پدیده‌ای عینی-ذهنی، حاصل ادراک محسوس و نامحسوس شهروندان از شهر است. هر چه این ادراک با الگوهای ذهنی شهروندان منطبق تر باشد، شهری زنده‌تر و پویاتر خواهیم داشت.

شهرسازی دوره قاجار و خیابان کشی‌های آن دوره را می‌توان به نوعی تداوم سنت ایرانی دانست که در آن رویکردهای جدید و التقاطی مشهود است. خیابان کشی‌های دوره رضاخان، از مهم‌ترین عوامل تغییردهنده منظرشهری تهران و شهرهای بزرگ ایران بود و باعث شد، پدیده خیابان به مفهوم امروزی آن در این دوره رواج یابد. اما به دلیل نزدیکی با دوره سنتی شکل‌گیری شهر ایرانی، خیابان‌های این دوران ترکیبی از مدرنیسم برآمده از منشور آتن و جزئیات معماری ایرانی و بعضاً زیبایی‌شناسی آن بود.

ورود ماشین و تکنولوژی از غرب نیز عناصری هستند که نقش خیابان را تحت تاثیر قرار دادند. از یک طرف استفاده از علوم و اختراعات روز دنیا با سرعت زیاد و دقت کم مورد توجه بود و از طرف دیگر به دلیل عدم پیش‌بینی زیرساخت‌های لازم، هیچ‌گاه بستر مناسبی برای ورود، استفاده و هم‌آهنگ کردن آنها با زندگی و سنت ایرانیان فراهم نشد. به نظر می‌رسد خیابان‌های دوره پهلوی اول از قواعد سیاستی حاکمیت پیروی می‌نمودند و نیروهای موجود در اجتماع نقشی در پدید آمدن آن نداشتند. این در حالی است که خیابان در دنیای امروز، تنها فضای حرکت و رفتن از نقطه-ای به نقطه دیگر نیست. خیابان، محل کار، تفریح و بازی، مواجهه، گذران وقت، دیدن غریبه‌ها و ملاقات با آشنایان، گرهایی‌ها، مراسم آیینی و رویدادهای اجتماعی دیگر است.

در این تحقیق با توجه به نقش محوری خیابان در ادراک شهروندان از شهر، مبانی نظری مرتبط با موضوع خیابان مورد بررسی قرار گرفته و به معرفی نگرش‌های مطرح از دید معماری منظر پرداخته می‌شود. در نهایت علل تغییر الگوهای شکل‌گیری خیابان در دوره پهلوی اول در دو بخش نظری و کارکردی ارائه می‌گردد.

واژگان کلیدی: منظرشهری، خیابان، پهلوی اول، عینی-ذهنی.

۱. پژوهشگر دوره دکتری معماری، دانشگاه تهران

۲. فارغ التحصیل معماری منظر، دانشگاه تهران

۳. دانشجوی معماری منظر، دانشگاه تهران

پدیده خیابان و منظر شهری در بافت‌های تاریخی

احمد دانائی نیا^۱

در گذر تاریخ و با مشق معماری از آثار گذشتگان، پیوند متقابل مسکن و محیط بعنوان دو فرایند مکمل، حائز اهمیت می‌شود. از این‌رو سواد بصری نسل‌های پیشین از منظر محلی و شهری بسیار قوی و قابل تامل بوده است، چرا که حتی با ترک یک مکان قدیمی از سوی ساکنین آن، هنوز هم هویت گمشده خود را در آن محله قدیمی جستجو می‌کنند.

در دوران معاصر مواجهه با پدیده نو شدن بافت‌های تاریخی باعث شده تا رفع فرسودگی از چهره شهر، روند ساماندهی را به ساختمان‌سازی بدل نماید. در پی چنین بحرانی، خاطره‌های جمعی در هر کوی و برزن به عناصر ناخوانائی تبدیل گشته و نشانه‌شناسی محیط شهری که تا دیروز بر اساس شکل و فرم و نقش تعریف شده بود، جای خود را به شماره و عدد داده است. این نوع نگاه، هر گونه برخورد کیفی با موضوع را به بن بست کشانده و پرداختن به مفاهیم منظر شهری را در مقیاس نظری وا نهاده است.

در این مقاله ابتدا ضمن تحلیل ویژگی‌های منظر شهری در بافت‌های تاریخی، پدیده خیابان و بحران خدشه‌دار شدن منظر شهری مورد بررسی قرار گرفته و آنگاه راهکارهای لازم در خصوص چگونگی ساماندهی سیمای عمومی بافت‌های تاریخی ارائه خواهد شد.

واژگان کلیدی: بافت تاریخی، خیابان کشی، منظر شهری، هویت بخشی

خوانایی خیابان، رهنمودی به منظر شهری مطلوب (مطالعه موردی خیابان قیام شهرداری)

علی اکبر کوششگران^۱، فاطمه دهقان^۲، مرجان منتظری^۳

اولین تصویر ذهنی از یک شهر، منظر خیابان‌های آن است که اساساً مبین سطح تماس "انسان" و "پدیده شهر" بوده و بخش قابل توجهی از دانش و عواطف محیطی شهروندان را شکل می‌دهد. خیابان‌های شهری (نماد هویت و تبلور زندگی مدنی یک شهر در طول زمان) در گذشته نماد ارزش‌ها و فرهنگ یک ملت بودند که با وقوع انقلاب صنعتی و ورود اتومبیل و غلبه آن بر ساختار شهرها، معنا و نقش گذشته خود را از دست داده و به فضایی با سواره رو و پیاده روهای مجزا و در عین حال همراه با ازدحام و اختلاط پیاده و سواره، ترافیک و آلودگی تبدیل شدند. این تغییر، مترادف با بی نظمی، اغتشاش و از همه مهم‌تر سردرگمی و گم گشتی بوده و امکان درک شایسته خیابان شهری را از میان برده است. همچنین سبب شکل‌گیری چهره‌ای ناهنجار از مهم‌ترین مکان حیات مدنی در ذهن شهروندان شده است که نهایتاً منجر به خدشه دار شدن منظر عمومی شهری می‌شود.

در این نوشتار نخست با توجه به سیمای نامناسب و تامل برانگیز اکثریت خیابان‌های شهری، از طریق پژوهش اکتشافی به بررسی مباحث نظری مرتبط و تبیین اهمیت منظر شهری مطلوب و جایگاه خیابان شهری در آن و نقش خوانایی در تعامل انسان با آن پرداخته شده است. سپس به منظور درک بهتر مسأله و شناسایی زوایای ناشناخته، این کیفیت فضایی در خیابان قیام (محور رستش به مرکز تاریخی شهر در میان شاهراه‌های منتهی به مرکز شهر) مورد بررسی و کنکاش قرار گرفته و در نهایت با اذعان بر جایگاه منظر خیابان شهری در منظر عمومی شهر، نتایج حاصل از این بررسی، در چارچوب راهکارهای پیشنهادی جهت ارتقاء خوانایی در منظر خیابان‌های شهری ارائه شده است.

واژگان کلیدی: منظر شهری، مطلوبیت، خوانایی، خیابان شهری، خیابان قیام یزد

۱. عضو هیات علمی (استادیار) دانشکده هنر و معماری، دانشگاه یزد

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه یزد

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین

در آمدی بر مطلوبیت منظر خیابان‌های شهری

روجا علی پور^۱، گلسا صدیقی^۲، مسعود خادمی^۳

خیابان‌های شهری همواره محل بروز رویدادهای متنوع شهر از قبیل رفت و آمد، داد و ستد، تبادلات فرهنگی، انجام مراسم مذهبی، پرسه زدن و... بوده‌اند. بواسطه وسعت به کارگیری خیابان‌ها، شهروندان همواره با آن در ارتباط بوده و شروع و خاتمه زندگی شهری آنها از طریق این فضاهاست. بنابراین راه‌ها یکی از زیربنایی‌ترین عناصر در ساختار ذهنی از یک شهر هستند. از این حیث بیشترین سهم را نسبت به سایر فضاهای شهری دارا بوده و از جمله مهم‌ترین فضاهای عمومی شهری محسوب می‌شوند. اما آنچه امروزه به عنوان خیابان مورد توجه قرار می‌گیرد، اغلب بدون چارچوب مفهومی واضح و استواری به نظر رسیده و در قدم اول نقش بارز تردد و جابه‌جایی یا یک راه عبوری را تداعی می‌کند. این در حالی است که مطلوبیت این فضاها عاملی تاثیرگذار در حضورپذیری افراد و جریان زندگی جمعی پویا در آن بوده و بر کارکرد مناسب سایر فضاها و مکان‌های شهری نیز موثر است.

در این مقاله سعی بر آن است تا با تاکید بر ویژگی‌های منظر خیابان به روش توصیفی، عوامل موثر بر کیفیت خیابان‌های شهری شناسایی گردد. در این راستا معیارهای سرزندگی، انعطاف، خاطره‌انگیزی، ایمنی و تناسبات فضایی به عنوان معیارهای ارزش‌گذاری بر کیفیت خیابان‌های شهری معرفی شده و چگونگی تاثیر این معیارها بر منظر خیابان و در نهایت بر ساختار ذهنی افراد مشخص می‌گردد.

واژگان کلیدی: خیابان، ساختار ذهنی، منظر شهری، مطلوبیت فضا

۱. کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه علم و صنعت ایران

۲. کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه علم و صنعت ایران

۳. کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه تربیت مدرس

طراحی ایده (کانسپت) محور خیابان‌ها و بدنه‌های شهری (آسیب‌شناسی و چاره‌جویی در باب لجام گسیختگی بصری در شهرهای معاصر ایران)

محسن اکبرزاده^۱، ملیحه تقی پور^۲

فشرده‌گی بافت شهری و تداخل صورت‌ها در چهره شهر سبب کاهش "خوانایی مکان" می‌شود. امروزه افزوده شدن مولفه سرعت و تقلیل خیابان از مکان به مسیر، "حس مکان" را کاهش داده است. هر دو این فرآیندها با کاهش "فضای ادراکی"، رابطه انسان و مکان را فرو کاهیده و کیفیت زیستی آدمی را حداقلی می‌کنند.

بنابراین برای غلبه بر این تکثر باید دست به دامان وحدت شد. استفاده از "عناصر مشترک" بصری و کالبدی، می‌تواند خوانایی و حس مکان را افزایش داده و سبب رشد فضای ادراکی شود. طراحی ایده محور، امکانی برای نگاه به کلیت خیابان به مثابه یک اثر معماری است. در نظر گرفتن ایده و کانسپت اولیه برای هر خیابان سبب می‌شود آن روح واحد و عناصر مشترک، تامین شده و ساختمان‌ها از اغتشاشی لجام گسیخته بدل به سمفونی نظام‌مندی با سازبندی متناسب شوند. در حقیقت معمار با توجه به کانسپت اصلی خیابان به عنوان یک پیش فرض دست به خلاقیت می‌زند که نتیجه کار ساختمان‌هایی متفاوت و در عین حال مشابه‌اند. رنگ‌ها، شکل‌ها، ارجاعات نشانگانی تاریخی و مفهومی و حتی ضرورت‌های کالبدی می‌توانند عناصر شکل دهنده به کانسپت اولیه خیابان باشند. خیابانی سفید، خیابانی آجری یا خیابانی با طاق نماهای ایرانی، می‌توانند به عنوان کلیتی ایده محور در دست معماران خلاق به وحدتی در عین کثرت منجر شوند. کانسپت و ایده اصلی هر خیابان وابسته به تعیین نقش آن خیابان در محله و بافت کلی شهر است و لاجرم از طرح‌های بالادستی تبعیت می‌کند. این طرح‌ها و ضوابط را به امکانات و ضروریات معمارانه ترجمه کرده و در حقیقت حلقه گمشده ضابطه‌های متنی طرح‌های بالادستی و خطوط کالبدی طرح‌های معماری است. هدف اصلی در این مقاله بررسی چند مصداق از طراحی ایده محور در سطح جهان و مرور نظام شکل‌گیری این طرح‌ها در بستر مدیریت شهری است.

واژگان کلیدی: حس مکان، فضای ادراکی، کانسپت، سینوگرافی، ضابطه شهری

۱. عضو گروه پژوهشی مؤسسه صنعتی علی پور

۲. کارشناسی ارشد معماری، عضو گروه پژوهشی مؤسسه صنعتی علی پور

طراحی و ساماندهی بدنه شهری در قدیمی‌ترین خیابان ایران

پریسا پروینیان^۱، پویا خزائلی^۲

خیابان سپه یا خیابان دولتی قزوین که قدیم‌ترین خیابان ایران است، مجموعه‌ای از بناهای با ارزش را که متعلق به دوره‌های مختلف تاریخی است، در خود جای داده است. این بناها شامل مسجد جامع عتیق (در قرن پنجم این مسجد عروس مساجد ایران بوده است)، سردرب عالی قاپو، مسجد - مدرسه شیخ الاسلام، بازارچه سپه، گرمابه سپه، امامزاده اسماعیل، آب انبار سپه، کاروانسرای سعدالسلطنه و مقبره احمد غزالی است. وجود تمامی بناهای تاریخی فوق‌ما را بر آن داشت تا این خیابان را به عنوان موضوعی بس مهم تلقی کرده و هر چه سریع‌تر به منظور باززنده سازی و حذف هرگونه الحاقات و بهبود منظر شهری، آن را ساماندهی نماییم.

در تحقیق ارائه شده سعی نمودیم ابتدا وضعیت موجود خیابان را مانند وضعیت بدنه‌ها، وضعیت کفسازی، وضعیت تاسیسات و تجهیزات، وضعیت مبلمان شهری، وضعیت فضای سبز حاشیه خیابان، وضعیت نورپردازی خیابان، ورودی‌ها به بافت مسکونی، مراکز تجاری و تابلوها و بررسی کنیم.

در مرحله بعدی جایگاه خیابان نسبت به خیابان‌های اطراف مورد بررسی قرار می‌گیرد تا در رابطه با پیاده رو یا سواره رو بودن کل خیابان به نتیجه نهایی برسیم. در مرحله سوم بررسی فعالیت‌های انجام شده روی بدنه خیابان مورد بازنگری قرار خواهد گرفت و بناهای مرمت شده دسته بندی خواند شد. در مرحله چهارم طرح کفسازی معابر و رفوژ میانی به همراه نورپردازی خیابان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در نهایت فعالیت‌های پیش بینی شده جهت ساماندهی بدنه خیابان که شامل موارد ذیل است، یکی پس از دیگری به مرحله اجرا در خواهد آمد:

۱. حذف الحاقات از بدنه (حذف کانال‌های کولر، حذف سایبان‌ها، انتقال دادن کرکره‌ها از نما به فضای داخل مغازه، نمایان ساختن نمای واقعی بدنه، هماهنگ سازی تابلوها، رنگ کردن بدنه‌های مورد نیاز رنگ آمیزی و شیروانی‌ها)

۲. اجرای رفوژ وسط

۳. پوشاندن جوی‌های آب

۴. تهیه طرح جهت بدنه و ساماندهی به فضای سبز

واژگان کلیدی: بناهای تاریخی، مرمت، باززنده سازی، منظر شهری

۱. کارشناس ارشد معماری، دانشگاه آزاد قزوین

۲. کارشناس ارشد معماری، دانشگاه آزاد تبریز

نقش ساماندهی فضایی و ادراکی در احساس امنیت

عابرین در منظر خیابان

(شهر تبریز)

لیلا رحیمی^۱

امنیت در زمره مهم‌ترین نیازهای بشر به شمار می‌آید، به گونه‌ای که مقدم و زمینه ساز بسیاری از نیازهای دیگر انسان مانند رشد شخصیت، شکوفایی، ... شناخته شده است. امنیت از شاخصه‌های کیفی زندگی در شهرها بوده و در حال حاضر نیز توجه به نیازهای اساسی شهروندان در محیط‌های شهری و توجه به برطرف نمودن مشکلات و معضلات شهری به منظور کاهش نابهنجاری و افزایش امنیت در فضاهای عمومی، از مهم‌ترین مسائلی است که همواره مورد توجه مدیران، برنامه‌ریزان و طراحان شهری بوده است. شناخت فعالیت‌های جاری در محیط‌های شهری و جایگزینی و تناسب آنها با کالبدشان می‌تواند در بهبود شرایط محیط برای برقراری امنیت موثر باشد.

در این تحقیق برآنیم تا عوامل مؤثر بر امنیت و مواردی چون رابطه امنیت با فضای کالبدی را مورد بررسی قرار داده و آن را در زندگی جاری در یک فضای خیابان تبیین نماییم. به عبارت دیگر در این تحقیق تلاش خواهد شد، به اشکالی از امنیت پرداخته شود که به طور مستقیم تحت تأثیر فضای کالبدی قرار گرفته و بر احساس امنیت مؤثرند. فرضیه تحقیق، اثبات این موضوع است که سازمان فضایی و عوامل ادراکی در ایجاد حس امنیت عابرین خیابان مؤثر بوده و نقش عامل کیفیات سازمان فضایی نسبت به عوامل ادراکی پررنگ‌تر می‌باشد. با توجه به اهمیت امنیت در شهر و وجود فضاهای ناامن شهری، هدف تحقیق بیشتر برای ایجاد و افزایش حس امنیت در فضاها، توجه بیشتر به عوامل ادراکی و سازمان فضایی شهری است.

مقاله طبق روال پژوهش آزمون نظریه، نخست به بیان نظریه‌های معتبر پرداخته و سپس در راستای نظریات گفته شده، فرضیه اصلی پژوهش را تدوین می‌نماید و در نهایت، به روش کمی و با استفاده از آزمون‌های آماری به رد یا قبول فرضیه می‌پردازد. بنابراین برای آزمون این نظریه، سه خیابان متفاوت در شهر تبریز انتخاب گردیده و ارتباط آنها با عوامل ادراکی و سازمان فضایی و نیز عوامل زمینه‌ای، هم به روش کمی یعنی پرسشنامه (به صورت نمونه‌گیری از حدود ۸۰ نفر از دانشجویان) و هم به صورت کیفی (بررسی عناصر و کیفیات سازمان فضایی و عوامل ادراکی سه خیابان توسط نگارنده به همراه تصاویر) مورد سنجش و بررسی قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: سازمان فضایی، ادراک عابرین، امنیت، خیابان

۱. دانشجوی دکتری شهرسازی اسلامی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز و مدرس دانشگاه تبریز و هنر اسلامی

۲. تجربه‌های خارجی و داخلی منظر شهری



۱-۲. نوسازی شهری

۲-۲. منظر طبیعی شهر

۳-۲. تجهیزات شهر و منظر

۴-۲. فضای جمعی و منظر شهری

۵-۲. برنامه‌ریزی و مدیریت منظر

۶-۲. منظر راه و خیابان

۷-۲. گردشگری و منظر شهری

اصول طراحی منظر شهری در ورودی شهرها

مهدی ساشورپور^۱، عاطفه مجتبی زاده^۲، الهام بیات^۳

ورودی هر شهر به عنوان حد فاصل درون و بیرون مهم‌ترین عنصر القا کننده حس ورود به آن شهر می باشد و با توجه به آنکه به عنوان اولین عنصر قابل رویت از کالبد هر شهر است، تبیین کننده ویژگی‌های کالبدی و منظر شهر و حتی ویژگی‌های اجتماعی یک شهر نیز بوده و به عنوان شاخص قضاوت بینندگان از شهر اهمیت ویژه‌ای می یابد.

منظر در ورودی ها تلفیقی از منظر مصنوع و طبیعی است و از آن جا که در ورودی ها آداب ورود ، ویژگی های شهرها و کارکردهای آن مشخص می شود، تلفیق این دو عامل باید به گونه ای باشد که واجد کیفیت زیبایی شناسی در منظرشهری گردد .

در این مقاله تلاش گردیده است ضمن مطالعه و بررسی دو ورودی اصلی شهر زنجان که واجد مشخصه های متفاوتی از یکدیگر می باشند، به تدوین اصول مناسب در طراحی منظر ورودی شهر دست یافته و با توجه به فرصت ها و تهدید های موجود، پیشنهادات و معیارهایی برای ساماندهی منظر در ورودی های شهر با رویکرد هویت بخشی به این فضاها و ایجاد منظری مناسب ارائه گردد.

کلمات کلیدی: منظر شهری، ورودی شهر، اصول طراحی، هویت شهر

۱ عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی زنجان

۲ دانشجوی کارشناسی مهندسی شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی زنجان

۳ دانشجوی کارشناسی مهندسی شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی زنجان

بررسی کیفیت مبادی ورودی شهرهای توریستی با تاکید بر جامعه گردشگران (مطالعه موردی شهر بابلسر)

مصطفی قدمی^۱، طاهره غلامیان آقا محلی^۲

فعالیت شهرهای توریستی در فضای رقابتی مبتنی بر مزیت‌های نسبی محیطی و کالبدی تحت تاثیر واکنش‌ها و حساسیت‌های محیطی جامعه محلی و گردشگران قرار دارد. در این رابطه یکی از مولفه‌های کلیدی موثر بر عملکرد یک شهر توریستی، کیفیت کالبدی و کارکردی فضاها و شهرهای آن است. در این رابطه مبادی ورودی شهری به عنوان بخشی از ساختار فضایی شهر، می‌تواند در شکل دهی یک تجربه ارزشمند و تصویر ذهنی برای گردشگران شهری نقش آفرینی کند. علی‌رغم اهمیتی که مبادی ورودی در هویت بخشی کل فضای شهری به عهده دارد، بسیاری از شهرهای توریستی کشور از این حیث با ضعف‌ها و کاستی‌های متعددی روبرو هستند. جانمایی کاربری‌های ناهمگن و ناسازگار، آلودگی بصری و محیطی و غیره از جمله مصادیق این امر است. هدف این تحقیق، بررسی کیفیت مبادی ورودی شهر بابلسر به عنوان شهری توریستی است و روش تحقیق نیز از نوع پیمایشی مبتنی بر پرسشنامه است. نتایج نشان می‌دهد که مبادی ورودی شهر مورد مطالعه از نظر جامعه گردشگران فاقد کیفیت بصری مطلوب می‌باشد.

واژگان کلیدی: مبادی ورودی شهر، گردشگری، بابلسر

۱. هیات علمی گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه مازندران

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه مازندران

توان سنجی محیطی - گردشگری (مطالعه موردی شهر خرم آباد)

صفر قائدرحمتی^۱، احسان شیخ الاسلامی^۲

میل به سفر و گردش یکی از نیازهای فطری بشر است که از دیر باز مورد تاکید بوده است. از نظر جامعه شناسی، جهانگردی؛ پدیده‌ای اجتماعی- فرهنگی است که در روابط بین جوامع موثر می‌باشد. گردشگری صنعتی درآمدزا است که منجر به رشد و توسعه همه جانبه می‌گردد. رشد سریع و چشمگیر این صنعت در سه دهه اخیر بیانگر اهمیت انکار ناپذیر نقش وجایگاه آن در روند توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ملل جهان می‌باشد. کشور ایران جزء ده کشور برتر جهان از نظر قابلیت‌های ممتاز در جذب توریسم است. در این میان استان زیبا و چهار فصل لرستان دارای جاذبه‌های فراوانی است که در نوع خود کم نظیر و در مواردی چند منحصر بفرد می‌باشد. علاوه بر وجود هزاران نوع از اشیاء مفرغی، پل‌های تاریخی و نیز بنای عظیم قلعه تنها بخشی از آثار به جای مانده از نیاکان خردمند این سرزمین به شمار می‌آید. از سوی دیگر وجود صدها چشمه و سراب دایمی بیانگر اهمیت و نقش لرستان از منظر جاذبه‌های طبیعی می‌باشد. هدف این پژوهش بررسی و شناسایی وضع موجود امکانات و خدمات گردشگری با توجه به توانایی‌های موجود در سطح منطقه و همچنین مطابقت آنها با استانداردهای روز می‌باشد.

روش این پژوهش براساس هدف کاربردی، و بر اساس روش توصیفی-موردی بوده و روش‌های جمع‌آوری اطلاعات شامل مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی می‌باشد. نتایج حاصله نشان می‌دهد که برای پیشرفت در زمینه گردشگری با توجه به پتانسیل‌های تاریخی و طبیعی منطقه، باید به تدوین یک برنامه‌ریزی علمی پرداخته و همچنین بسترهای محیطی لازم برای این امر در نظر گرفته شود.

واژگان کلیدی: گردشگر، توسعه توریسم، پتانسیل‌ها، راه حل‌ها

۱. دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری و عضو هیات علمی دانشگاه یزد

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری و دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد

توسعه گردشگری، گامی موثر در جهت احیاء بافت‌های فرسوده شمال شهر تهران

مریم لسان^۱، امیر مسعود علیرضایی^۲، پروانه غضنفری^۳

محدوده شمال شهر تهران از حدود دهه ۴۰ تاکنون یکی از بخش‌های مهم شهر تهران بشمار می‌آمده است. وجود باغات، دره‌ها، و نزدیکی به کوهپایه باعث مطرح شدن این منطقه از دیرباز به عنوان ییلاقات تهران شده است. منطقه یک شهرداری تهران و ناحیه شمیران جزو مطلوب‌ترین مناطق تهران به جهت دارا بودن منابع طبیعی و میراث فرهنگی و تاریخی به شمار می‌آید. این منطقه به جهت دسترسی به طبیعت بکر، دره‌های متعدد کوهستان، فضای سبز مطلوب، آب‌های روان و چشم‌اندازهای زیبا موجب جذب جمعیت بسیار زیادی از مردم تهران شده است. نوسازی بافت‌های فرسوده شهری یکی از چالش‌های مدیریت شهری دهه اخیر ایران است. طبق معیارهای مصوب شورای عالی شهرسازی در کل کشور، حدود ۵۵۰۰۰ هکتار بافت فرسوده شناسایی شده است. بافت‌های فرسوده پایتخت از لحاظ خصوصیات و مسائل مربوط به خود، دارای تنوع زیادی بوده و لاجرم الگوهای مداخله جهت نوسازی این بافت‌ها نیز متفاوت خواهد بود. در این میان دو قطبی بودن شهر تهران و تفاوت اساسی در توزیع امکانات و ثروت‌های شهری در مناطق شمالی و جنوبی، بافت‌های فرسوده واقع در نیمه شمالی را در دسته‌ای کاملاً متمایز قرار داده است. طبق شاخص‌های مصوب شورای عالی شهرسازی، بافت فرسوده منطقه یک شهرداری تهران حدوداً ۶۴ هکتار از ۳۲۶۸ هکتار، وسعت پهنه‌های واجد سه شرط فرسودگی (ناپایداری، نفوذناپذیری و ریزدانی) کل شهر تهران را به خود اختصاص داده است. بسیاری از این بافت‌ها، موقعیت‌های ویژه‌ای را به لحاظ همجواری با عناصر طبیعی همچون کوه، رود، دره‌ها، باغات و... دارا می‌باشند. اما متأسفانه به دلیل مدیریت شهری نادرست، این پتانسیل‌ها تاکنون نادیده گرفته شده و منظر شهری نامناسبی را در این محدوده‌ها ایجاد نموده است. در صورتی که موقعیت‌های ویژه و منحصر بفرد گردشگری در محدوده شمالی شهر تهران، می‌تواند مهم‌ترین فرصت را برای بازسازی و نوسازی این بافت‌ها بوجود آورد.

واژگان کلیدی: تهران، شمیرانات، بافت فرسوده، احیاء، توسعه گردشگری.

۱. کارشناس ارشد معماری منظر

۲. کارشناس ارشد معماری

۳. کارشناس ارشد معماری منظر

منظر شهری ساحلی

پونه و کیلیان، آرش سجادی

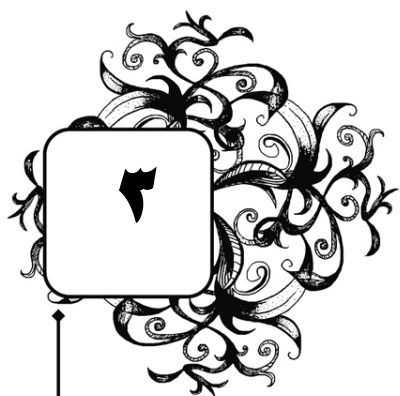
نوارهای ساحلی مرزی مابین ساختار سخت شهری و ساختار نرم آب بوده و این عرصه فضایی انعطاف پذیر، از یک سو با جریان آب و از سوی دیگر با جریان زندگی شهری در تماس است. طبیعت اکولوژیک عنصر آب و ویژگی منحصر به فرد همجواری شهرها در امتداد دریاچه‌ها، رودخانه‌ها، اقیانوس‌ها و خلیج‌ها، موقعیتی استثنایی برای آنها به ارمغان می‌آورد.

شهرهای ساحلی دارای پتانسیل ویژه و فرصت‌های بیشماری در خلق فضاهای جذاب و چشم اندازهای خاطره انگیز و ارتقای سیمای بصری و کیفیت محیطی شهرها می‌باشند. مناظر ساحلی دروازه بصری جذابی برای شهرها و پنجره‌ای به سوی فضاهای دارای معانی پر رمز و راز به شمار می‌روند. مناظر ساحلی، نه تنها در ارتقای سیمای محیطی عاملی اثرگذار هستند، بلکه متضمن ارتقای کیفیت زندگی اجتماعی شهروندان و ایجاد حسی از سلامت و رفاه برای آنها می‌باشند. همچنین در توسعه اقتصادی شهر همچون افزایش درآمد و منفعت‌های شهر، تولید شغل و سرمایه‌گذاری‌های جدید نقش به‌سزایی ایفا می‌کنند.

هسته برنامه‌ریزی بر اساس اهداف کلانی همچون احداث شبکه‌ای بهم پیوسته پارک‌ها و فضاهای سبز _ باز، ارتقای منظر شهری و محیطی پاکیزه و ایجاد جوامع پر جنب و جوش و پویا در امتداد ساحل شکل می‌گیرد. اصولی که در لایه‌های تصمیم‌گیری برنامه‌ریزی قرار دارند، تعیین کننده چگونگی ترکیب ساختارهای خیابان، فضاهای باز و پوشش گیاهی، محل استقرار ابنیه و تراکم و تناسب ارتفاعی و ابعاد و طرح معماری آنها در نوارهای ساحلی و با هدف ایجاد منظری حامل معنا و نمادی از فرهنگ و تاریخ شهر می‌باشند.

ارائه چارچوبی از سیاست‌ها، راهبردها و توصیه‌های طراحی، زمینه‌ای را فراهم می‌سازد که الگوهایی قابل تعمیم در جهت نیل به هدف ارتقای منظر شهری _ ساحلی، برای برنامه‌ریزی، طراحی و ساماندهی مناسب اینگونه فضاها حاصل شود.

واژگان کلیدی: طبیعت، فضای باز، توسعه، مناظر ساحلی، ساماندهی، مناظر شهری



مدیریت منظر شهری در شهرهای ایران

۱-۳. قوانین و مقررات منظر

۲-۳. منظر شهری تهران

۳-۳. منظر شهرهای ایران

۳. مدیریت منظر شهری در شهرهای ایران



۳-۱. قوانین و مقررات منظر

۳-۲. منظر شهری تهران

۳-۳. منظر شهرهای ایران

ارزیابی جایگاه سیما و منظر شهری در اسناد توسعه شهری

محمد صالح شکوهی بیدهندي^۱، حمیدرضا محملي ابیانه^۲

رویکردهای مختلفی در خصوص مفاهیم سیما و منظر شهری وجود دارد که ماهیت مفهوم منظر را گاه تا حد زیباسازی تنزل داده و گاه آن را معادل هرگونه ارتباط و تعامل انسان و محیط و حتی عامل هویت بخشی به آن‌ها دانسته‌اند. تبعات مختلفی در نتیجه هر تعریف از منظر شهری برای برنامه‌ریزی و مدیریت آن به وجود می‌آید. برآستی در یک گونه‌بندی عمومی، چگونه می‌توان طرح‌های توسعه شهری را بر مبنای رویکرد آن‌ها نسبت به موضوع برنامه‌ریزی و مدیریت منظر شهری دسته‌بندی کرد؟

بدین منظور، این مقاله تجارب جهانی و داخلی تهیه طرح‌های توسعه شهری را مورد بررسی قرار می‌دهد. بدین ترتیب که در چارچوب تجارب جهانی و به عنوان نمونه‌های مطالعاتی، طرح‌های توسعه شهری لندن (به عنوان نمونه‌ای از مدیریت و برنامه‌ریزی منظر در کشورهای توسعه یافته) و جده (به عنوان نمونه‌ای از کشورهای در حال توسعه با شرایط فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مشابه ایران) مورد بررسی قرار می‌گیرند، سپس به بررسی روند طرح‌های جامع تهران (در سه طرح جامع تهیه شده توسط فرمانفرمائیان، آتک و بوم‌سازگان) می‌پردازد. روش بررسی، روش تحلیل محتوای است که عمدتاً برای بازخوانی متون مورد استفاده و استناد قرار می‌گیرد.

بر این اساس، یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که اگرچه روند تکمیل اسناد توسعه شهری در گذر زمان در جهت ارتقاء جایگاه مفهوم منظر شهری است، اما هنوز راه‌های عملیاتی موثری در جهت پیاده‌سازی آرمان‌های تصویر شده در این اسناد، طراحی و تدوین نشده است.

واژگان کلیدی: منظر شهری، طرح‌های توسعه شهری، طرح جامع تهران، طرح راهبردی لندن، طرح راهبردی جده

۱. پژوهشگری دکترای شهرسازی دانشگاه تهران

۲. کارشناس ارشد مدیریت شهری دانشگاه علامه طباطبایی

بررسی اثرات عدم رعایت تراکم ارتفاعی در منظر شهری با تأکید بر اثرات سوء روانی (مطالعه موردی شهر مشهد)

اسد... دیوسالار^۱، رضا شریفی زاده^۲، محمود عیوضلو^۳، مصطفی محمودی^۴، مصطفی رستگار^۵

در دهه‌های اخیر کشور ما با افزایش روند شهرنشینی روبرو بوده که متاثر از دو عامل مهاجرت و تمرکز صنعتی در شهر می‌باشد. در گذشته، بلند مرتبه‌سازی در مراکز شهری بیشتر جهت انجام فعالیت‌های تجاری ایجاد می‌شد، ولی این جریان امروزه به تمام نقاط شهر و سایر کاربری‌های شهری هویدا گشته است. کمبود زمین شهری و قدرت اقتصادی افراد از مهم‌ترین عوامل بلند مرتبه‌سازی در شهرها می‌باشد که باعث ایجاد مشکلاتی از قبیل ازدحام جمعیت، آلودگی‌های زیست محیطی، ترافیک سنگین در شهر، دریافت نور و اثرات سوء روانی شده است. در این مطالعه سعی بر آن است به بررسی اثرات سوء روانی بلند مرتبه‌سازی بر شهروندان در شهر مشهد پرداخته شود. روش تحقیق این مقاله توصیفی-تحلیلی بوده و از ابزار پرسشنامه به روش تصادفی ساده جهت جمع آوری اطلاعات در مورد نظرات شهروندان استفاده شده است. نتایج تحقیق با استفاده از رویکردهای روان شناختی مورد استفاده در این تحقیق نشان دهنده این است که اثرات منفی عدم رعایت تراکم ارتفاعی در منظر شهری بر نحوه نگرش ساکنین و میزان مشارکت آنها در امور شهری و حتی در امور روزمره آنان تاثیر گذار بوده است.

واژگان کلیدی: تراکم ارتفاعی، منظر شهری، آثار سوء روانی، شهر مشهد

-
- ۱- عضو هیئت علمی گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری پیام نور ساری
 - ۲- دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری پیام نور ساری
 - ۳- دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری پیام نور ساری
 - ۴- دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری پیام نور ساری
 - ۵- دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری پیام نور ساری

بررسی تأثیر ضوابط پهن‌بندی طرح تفصیلی تهران بر منظر شهری محلات بافت فرسوده (نمونه موردی محله خزانه بخارایی منطقه ۱۶ تهران)

پیام محمودی کردستانی^۱، مریم ذبیحی^۲، مریم صادقی^۳

تدوین ضوابط و مقررات یک پارچه در قالب طرح‌های جامع و تفصیلی برای پهنه‌های شهری در راستای پاسخ‌گویی به ماهیت تأثیرگذار طرح‌ها و برنامه‌های شهری در مقیاس گسترده، شکل گرفته است. در این میان ضوابط مربوط به پهنه‌بندی تراکم ساختمانی بر مبنای حداقل اندازه قطعات و عرض معبر به طور عمده بر مبنای اصول برنامه‌ریزی و معیارهای کمی تدوین گردیده و آنچه مربوط به کیفیات بصری منظر شهری می‌گردد، به مطالعات طرح‌های موضعی و موضوعی موکول شده است. تأثیر کم رنگ عوامل سیما و منظر شهری در تدوین ضوابط و مقررات مربوط به تراکم ساختمانی طرح‌های تفصیلی و نگاه زینتی به این دیسپلین در طرح‌های موضعی و موضوعی، آسیب‌های جبران‌ناپذیری بر پیکره منظر شهرها وارد آورده است؛ به گونه‌ای که شکل‌گیری و ترکیب فرم کالبدی محلات به طور عمده تابعی از ضوابط ریاضی حاکم بر بافت می‌باشد تا بر اساس اصول مترتب بر سیما و منظر شهری. در نظام شهری ایران، محلات بافت فرسوده (به واسطه ریزدانی و معابر کم‌عرض) به عنوان آسیب پذیرترین اجزایی که در معرض تهدیدات جدی‌تر ناشی از این رویکرد می‌باشند، توجهی دوچندان را می‌طلبند.

مقاله حاضر در جستجوی یافتن راهکاری در دخالت دادن هر چه بیشتر معیارهای زیبایی‌شناسی منظر شهری در تدوین مقررات و ضوابط تعیین تراکم ساختمانی در پهنه‌بندی‌های طرح تفصیلی، به ویژه در بافت‌های فرسوده شهر تهران برآمده است. محله خزانه بخارایی واقع در منطقه ۱۶ شهرداری تهران به عنوان نمونه موردی، مطالعه و بررسی گردیده است. در این راستا نظام جداره‌ها و کلیت سه بعدی محله در قالب گزینه‌های جداگانه‌ای (بر اساس ضوابط طرح تفصیلی و اصول طراحی منظر شهری) ارائه گردیده و مورد تحلیل و اولویت بندی قرار گرفته است. در نهایت و به عنوان نتیجه مطالعات، ضوابط تکمیلی پهنه‌بندی طرح تفصیلی در محدوده مورد مطالعه پیشنهاد گردیده و امکان تعمیم آن در بافت‌های فرسوده مشابه در شهر تهران ارزیابی شده است.

واژگان کلیدی: پهنه‌بندی طرح تفصیلی، تراکم ساختمانی، منظر شهری، بافت فرسوده

-
- ۱- کارشناس ارشد طراحی شهری، دانشگاه علم و صنعت ایران
 - ۲- کارشناس ارشد برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه علم و صنعت ایران
 - ۳- کارشناس ارشد معماری منظر، دانشگاه یو.پی. ام. مالزی

بررسی تأثیر ویژگی‌های قطعه‌بندی اراضی مسکونی بر منظر شهری

بهناز گنجعلی‌زاده^۱

منظر شهری از مباحث پیچیده‌ی شهری است که برای بهبود مدیریت و برنامه‌ریزی آن، لزوم مطالعات میان‌رشته‌ای احساس می‌شود. از جمله تخصص‌های مرتبط با منظر شهری می‌توان به معماری و شهرسازی اشاره کرد. از زمانی که شهرساز اقدام به قطعه‌بندی زمین می‌کند تا زمانی که نمای ساختمان توسط معمار طراحی می‌شود، منظر شهری در حال شکل‌گیری است.

منظر شهری از ساخت و در کنار هم قرار گرفتن عناصر یک شهر شکل می‌گیرد که در کنار توجه به کارایی و پاسخ‌گویی این عناصر به نیازهای شهروندان، مباحث زیباشناختی و کیفیت بصری آنها نیز باید مدنظر قرار گیرد. امروزه واحدهای مسکونی مهم‌ترین اجزای سازنده شهر هستند که در کنار سایر اجزا و عناصر شهری، کلیت شهر را به وجود می‌آورند. در سال‌های اخیر به دنبال کمبود مسکن و گرانی آن به‌خصوص در کلان‌شهرها گرایش به کوچک‌سازی واحدهای مسکونی را شاهد هستیم که تفکیک اراضی مسکونی به قطعات کوچک را به همراه داشته است. این قطعات کوچک و فشرده به‌خصوص در بافت‌های نوساز، نابسامانی و زشتی منظر شهرها را تشدید کرده است، چرا که هر چه تعداد قطعات بیشتر و فشرده‌تر می‌شود، تأثیر ویژگی‌های قطعه‌بندی زمین بر منظر شهری نیز پررنگ‌تر می‌شود.

ابعاد و جهت‌گیری قطعات، موقعیت استقرار بنا در قطعه زمین، سطح اشغال، ارتفاع ساختمان-ها، میزان پیش‌آمدگی‌ها یا تورفتگی‌ها و ... هر یک به نوعی در منظر شهرها تأثیر می‌گذارند. به هنگام تصمیم‌گیری‌ها برای قطعه‌بندی زمین و نحوه استقرار بنا در زمین، علاوه بر در نظر گرفتن مسائل کمی و کیفی مربوط به واحدهای مسکونی، باید به تأثیر این عوامل بر سیما و منظر شهری نیز توجه شود. قطعه‌بندی زمین، به عنوان مقدمه کار ساختمانی نقش زیادی در منظر شهری دارد و بسیاری از عوامل دخیل در منظر شهری را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. از این‌رو هدف اصلی این مقاله شناخت تأثیر ویژگی‌های قطعه‌بندی اراضی مسکونی بر منظر شهری است. با توجه به نابسامانی سیما و منظر شهری در بافت‌های نوساز، نتایج حاصل از این طرح پژوهشی می‌تواند در طرح‌های آماده‌سازی اراضی در توسعه‌های جدید شهری مورد استفاده قرار بگیرد.

واژگان کلیدی: منظر شهری، اراضی مسکونی، قطعه بندی، واحد مسکونی

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای دانشگاه هنر اصفهان

بررسی تطبیقی حقوق و قوانین شهری با فرایند تهیه طرح های منظر شهری در ایران

حمید فتحی^۱، پیام انصافیان^۲، امین ماهان^۳، فرشید عشق آبادی^۴

قوانین، مقررات و ضوابط شهرسازی در کشورهای در حال توسعه بسیار جوان بوده و غالباً متعلق به قرن بیستم و مخصوصاً از اواسط قرن بیستم به بعد می باشند. کشور ایران نیز از این امر مستثنی نیست و شاید بتوان گفت، اولین قانون تدوین شده در ارتباط با مسائل شهرسازی، قانون احداث و توسعه معابر و خیابان‌ها در آبان ماه ۱۳۱۲ تصویب شده است. در عین حال دیده می شود که اقدامات عمده‌ای که منجر به تحقق قوانین بوده است، عمدتاً از سال ۱۳۴۵ در ایران برقرار شده است. از آن پس نیز قوانین و آیین نامه‌های متعددی در جهت تکامل ضوابط و مقررات شهرسازی از تصویب گذشته است که در هر یک دامنه گسترده‌ای از مقیاس‌های ملی، منطقه‌ای، شهری و سطوح مختلفی از جمله سطوح برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، طراحی شهری، معماری و معماری منظر را شامل می شود. در این میان، با مرور ادبیات ضوابط و مقررات شهرسازی ایران، دیده می شود که منظر شهری - به مثابه پدیده‌ای است که سطح تماس انسان و پدیده شهر را مشخص کرده، کلیت شهر را به مثابه یک متن آشکار ساخته و امکان قرائت و خوانش آن را برای شهروندان فراهم می‌آورد. به نسبت سایر طرح های شهری نیز از پیشینه کمتری برخوردار است. این نوشتار در پی آن است تا با مطالعه و بررسی تطبیقی فرایند تهیه طرح‌های منظر شهری در ایران و جهان و آن دسته از ضوابط و مقررات، آیین نامه‌ها و مصوبات مرتبط با طرح های مذکور، جایگاه آن را از دیدگاه حقوقی و قوانین شهری مورد شناسایی قرار داده و با بهره‌گیری از فن تحلیل محتوا، نقاط قوت و ضعف پیش روی آن را مشخص نموده و پیشنهادهای در جهت کاستی‌های موجود تهیه طرح های منظر شهری در ایران ارائه دهد.

واژگان کلیدی: منظر شهری، حقوق و قوانین شهری، فن تحلیل محتوا

۱. کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، دانشگاه شهید بهشتی
۲. کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه شهید بهشتی
۳. کارشناسی ارشد معماری منظر، دانشگاه شهید بهشتی
۴. دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران

بررسی جایگاه منظر شهری در طرح های توسعه شهری (مطالعه موردی کلان شهر تهران)

لیلا آقایی^۱

منظر شهری نمادی از مظاهر فرهنگی، تمدن و هویت شهرها و تبلور عینیت یافته زیست و معیشت شهروندان آن می باشد. در واقع منظر شهری، چشم اندازی است که شهرها به بینندگان القا می کنند. متأسفانه کلان شهر تهران از زاویه منظر، شهری بی هویت است؛ چراکه در روند برنامه ریزی شهری در ایران و به تاسی از آن در تهران، طرح های توسعه شهری توسط گروهی از مهندسان و برنامه ریزان تهیه می شود که از جایگاه منظری شهری در این طرح ها و اهمیت آن مطلع نبودند. همچنین در طرح جامع قدیم تهران، موضوع سیمای بصری و نمای شهری به صورت کلی و کلان در شهرسازی مطرح شده بود که این مهم موجب آشفتگی، اغتشاش، نارضایتی از سیمای شهر و حس بیگانگی شده است.

هدف این مقاله، بررسی جایگاه منظر شهری در طرح های توسعه شهری با توجه به روند تهیه انواع طرح های متنوع در کلان شهر تهران می باشد. نوع تحقیق ((کاربردی)) و روش گردآوری اطلاعات بصورت کتابخانه ای و میدانی است.

در نهایت بر اساس یافته های این تحقیق و مطالعات طرح جامع، طرح تفصیلی و سایر طرح ها در محدوده مورد مطالعه مشخص گردید. علی رغم تهیه طرح های متنوع مقوله منظر شهری، بصورت کلی و بدون در نظر گرفتن با سایر اجزای سیستم شهر منظور شده است. البته در طرح جامع جدید تهران (طرح ساختاری - راهبردی) به سیما و منظر شهری توجه ویژه ای شده است و یکی از تفاوت های این طرح با طرح جامع گذشته نیز در همین موضوع است. در طرح جامع تهران، راهبردهای نوین برای سیما و عناصر بصری شهر تعیین شده است که مدیریت شهری آن را دنبال می کند و ساز و کارهایی نیز برای آن تعریف شده تا قابلیت اجرایی داشته باشد. لیکن جهت ارتقای منظر شهری و نظم بخشیدن به آن، بایستی در راهبردها و سیاست های برنامه ریزی شهری با بکارگیری اصول توسعه پایدار و مشارکت همه جانبه مردم تحول ایجاد کرد و پیش زمینه ها و پیش شرط های تحقق طرح های ساختاری و راهبردی را فراهم نمود.

واژگان کلیدی: منظر شهری، طرح جامع، طرح تفصیلی، طرح ساختاری - راهبردی

۱. کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری و کارشناس معاونت شهرسازی و معماری شهرداری تهران

بررسی نقش مکان‌یابی در توسعه علمی منظر شهری با تأکید بر GIS

هادی صادقیان^۱

امروزه با توجه به تولید، توسعه و گسترش تکنولوژی‌های برتر در زمینه برنامه‌ریزی‌های جغرافیایی و محیطی، متخصصان علم برنامه‌ریزی محیطی به دنبال بهره‌گیری و ترکیب دانش روز و تجارب عملی و انطباق آن با شرایط مکانی و محیطی جهت برنامه‌ریزی‌های صحیح، دقیق و کارآمدی باشند تا بتوانند با شناخت و تحلیل نیازها و توانمندی‌های انسان و محیط، در جهت هدایت و جهت دهی به این نیازها اقدامات مؤثری انجام دهند. در این راستا دانش GIS این مکان را برای کاربران فراهم آورده که با مدل‌سازی از نیازها و شرایط موجود و تلفیق و تحلیل توانمندی‌ها، مناسبترین مدل جهت دستیابی به توسعه در کوتاه‌ترین زمان در اختیار برنامه‌ریزان قرار گیرد. در این مقاله با جمع‌آوری و تحلیل آمار و مدل‌سازی از این اطلاعات و بر مبنای نقشه و قومی شهر تهران، نقاط علمی و موثر شهر شناسایی و در جهت ساماندهی مناظر شهر که حاصل شناخت محیطی و مکان‌یابی صحیح و موثر است، اقدام و نقشه مربوطه ترسیم گردد.

واژگان کلیدی: توزیع مکانی، مدل‌سازی اطلاعات، توسعه پایدار، GIS

تفکیک اراضی و منظر شهری (تحلیل بر فرآیند و فرم در شهرسازی ایران)

علی حیدری^۱

از سال ۱۳۴۵ تا به امروز بیش از چهار دهه است که قوانین مرتبط با تفکیک اراضی در طرح‌های توسعه شهری ایران راه یافته و هم اکنون نیز بخش قابل توجهی از مسائل طرح‌های توسعه شهری را به خود اختصاص می‌دهد. اگرچه تفکیک اراضی به طور مستقیم یک فعالیت فیزیکی و ساختمانی نیست، اما از آنجایی که مقدمه ساخت وسازه‌های آتی بوده و هدایت طراحی قطعات زمین رابرعده دارد و بر مواردی همچون پراکندگی کاربری‌ها و خدمات، اندازه و شکل قطعات زمین و طول و عرض آنها تأثیر می‌گذارد، باید مورد توجه قرار گیرد. علاوه بر آن، با توجه به این نکته که مورفولوژی معابر و طول و عرض آنها از تفکیک اراضی تأثیر می‌پذیرد، شایسته است موضوع تفکیک اراضی مورد توجه قرار گیرد. به بیان دیگر تفکیک اراضی به عنوان فرایند و یا مجموعه عملکردهایی است که در نهایت ایجاد یک فرم ویژه از منظر شهری را در پی دارد. به نظر می‌رسد که منظر شهری در بسیاری از شهرهای کنونی کشور به مقدار زیادی ناشی از فرایندهای تفکیک اراضی بوده است.

با توجه به این که قوانین مرتبط با تفکیک اراضی وسیله‌ای جهت بهسازی محیط شهری و اعتلای کیفیت آن در ابعاد مختلف و از جمله منظر شهری می‌باشد، در این مقاله موضوع تفکیک اراضی در چهاردهه اخیر با روش تحلیلی مورد کنکاش قرار گرفته و تأثیرات آن بر منظر و مورفولوژی شهری بررسی و پیشنهادات لازم ارائه می‌گردد.

واژگان کلیدی: تفکیک اراضی، منظر شهری، شهرسازی

سیما و منظر شهری در حوزه وظایف شهرداری ها

ابراهیم جمشیدزاده^۱، حسین کلانتری خلیل آباد^۲

منظر شهری مجموعه ای از عوامل طبیعی و مصنوع است که تحت تاثیر ویژگی های طبیعی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی یک شهر شکل گرفته و یا می گیرند. منظر شهری یک از عوامل کیفی و مطلوبیت شهرها، واقعی و عینی بوده و حاصل مشاهده و درک مظاهر گوناگون و ملموس شهر اعم از بناها، فضاها، فعالیتها، صداها، بوها و... هنگام مواجه شهروند با پدیده شهر (در مقیاسهای مختلف، اعم از دیدن شهر از دور دست یا هنگام قرار گرفتن در شهر و یا حتی استقرار در بناها) است. منظر شهری صرفا دربر دارنده نمای ساختمانها و عناصر قابل رؤیت نیست؛ بلکه صداها، بوها، انواع عناصر طبیعی و مصنوع، خواه ثابت و خواه متحرک را در بر گرفته و شامل تمام آن چیزهایی است که توسط حواس انسان قابل درک است. در مقاله حاضر ضمن بررسی مفاهیم و معیارهای منظر شهری، در خصوص مدیریت منظر شهری در حوزه وظایف شهرداری ها از منظر قانونی بحث می شود.

واژگان کلیدی: شهر، منظر شهری، شهرداری، قوانین و مقررات

۱. پژوهشگر در حوزه شهرسازی

۲. عضو هیئت علمی پژوهشکده فرهنگ و هنر جهاد دانشگاهی

طراحی باروی تاریخی شهر تبریز از دیدگاه منظر شهری

لیدا بلیلان اصل^۱، داریوش ستارزاده^۲

کشور ایران به لحاظ سابقه تاریخی و موقعیت جغرافیایی ویژه، دارای شهرهای تاریخی زیادی با بافت‌های ارزشمند است. بافت تاریخی شهر تبریز از جمله بافت‌های با ارزش و منحصر به فردی است که با توجه به عوامل شکل دهنده آن، دارای ویژگی‌های برجسته‌ای از لحاظ سیما و منظر شهری می‌باشد.

برج و باروی تاریخی شهر تبریز از جمله عناصری است که به عنوان گنجینه‌ای از خاطرات جمعی، نقش تأثیرگذاری در احیاء ارزش‌های بصری و هویتی شهر دارد. در گذشته این بارو و خندق اطراف آن به همراه هشت دروازه همچون کمربندی گرداگرد قطب سیاسی-حکومتی، اقتصادی و اجتماعی شهر را فراگرفته بود که در حال حاضر به جزء محدوده‌های فیزیکی در قالب دسترسی‌های ایجاد شده در طرفین آن و یا تصویری ذهنی به دلیل وجود آثاری از چند دروازه، چیزی از آن بر جای نمانده است. بنابر ادعای این مقاله ویژگی‌های فیزیکی و پتانسیل تاریخی برج و باروی قدیمی، در حقیقت مزایایی هستند که با استفاده صحیح از آنها می‌توان علاوه بر رفع تنش‌های داخل محدوده تاریخی و انتقال برخی کاربری‌های شهری به داخل این محدوده و در نتیجه بهبودی وضع موجود، بارو و خندق اطراف آن را تبدیل به عنصری با هویت از دیدگاه منظر شهری نمود.

این اهداف با طراحی سیستمی متشکل از عناصر معماری و شهری در بخشی از بارو و خندق شهر تبریز، نتایجی نظیر ارتقاء کیفیت کالبدی و رونق اقتصادی بافت، خلق فضاهایی نوین در تناسب با شرایط زندگی معاصر، افزایش تعاملات مدنی و اجتماعی، توسعه فضای سبز شهری و احیای خاطره از دست رفته حصار تاریخی را در بر خواهند داشت.

در یک نگاه کلی به مقاله، نوع تحقیق کاربردی بوده و در جمع آوری داده‌ها از روش تاریخی-اسنادی و در تحلیل آنها از روش‌های قیاسی و استقرائی استفاده شده است.

واژگان کلیدی: بارو، بافت تاریخی، شهر تبریز، منظر شهری، عناصر معماری، عناصر شهری

۱. استادیار گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

۲. استادیار گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

کار بست سواد زبان بصری سیمای شهری نراق برای بازیابی یک فضای شهری فراموش شده

راضیه رضازاده^۱، صدیقه صفری^۲

اصولا نخستین برخورد دو نفر به عنوان مهم‌ترین و تأثیرگذارترین مواجهه آنها شناخته می‌شود. اولین دیدار، اولین دوست، اولین روز، اولین سال، اولین خاطره، اولین نگاه و هزاران اولین دیگر حجم زیادی از خاطرات ذهن ما را تشکیل می‌دهند. ورودی به عنوان یکی از نمادها و نشانه‌های شهر، نمایانگر فرهنگ و هویت شهر در ذهن بازدیدکنندگان و ساکنین آن است (داود پور و دیگران، ۱۳۸۸: ۷۶)

امروزه، کیفیت فعلی مبادی ورودی اکثر شهرها، تصاویر مناسبی از شهر را در منظر ذهنی مخاطبان ایجاد نمی‌نماید، در حالی که ورودی شهر به عنوان سرآغاز و سرانجام یک سفر می‌بایست به نحو مضاعفی نمودار زیبایی، فرهنگ، ذوق هنری و هویت شهر بوده و به عنصر شناسایی شهر بدل گردد.

این نوشتار درصدد تدوین الگوی ساماندهی ورودی شهر نراق از طریق جستجو و کشف معانی تاریخی، رمزهای فرهنگی و واژگان معمارانه بومی در سیمای شهری نراق و جسمیت بخشیدن به آنها در قالب‌های کالبدی و بصری مبادی ورودی آن شهر است.

واژگان کلیدی: ورودی شهر، سیمای شهر، فضای شهری، الگو، نراق.

۱. دکتری طراحی شهری و استادیار دانشگاه علم و صنعت ایران

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه علم و صنعت ایران

کوشک‌های برون‌گرا - کوشک‌های درون‌گرا

حشمت اله متدین^۱

پیوستگی، تداخل، تلفیق و بی‌مرزی فضای باغ ایرانی در شهر، به واسطه رابطه بصری، حسی و اصولاً ویژگی کالبدی باغ و قرارگیری بناهای رابط باغ و شهر، ایجاد می‌شوند. در این حالت فضاهای مرزی باغ و شهر، محل تعاملات اجتماعی و اتصال حکومت و جامعه خواهد بود. حضور اسلام و عناصری از قبیل مسجد در شهرها، میادین و فضاهای باز شهری را دارای اهمیت بیشتری می‌نماید. به همین دلیل فضاهایی که از یک طرف به مسجد جامع و از طرف دیگر به بازار و قصر مسلط شهر تعلق دارند، محلی برای حضور قدرت حکومت می‌گردند. با توجه به شرایط سیاسی، اجتماعی و مذهبی، گاهی این کوشک‌های حاشیه‌ای محلی برای حل مشکلات مردم نیز هستند. زمانی فضایی مسلط بر شهر و میدان و خیابان را پدید می‌آورند و زمانی دیگر محل تعاملات مردمی و شاید رویارویی حکومت و مردم هستند. از جهت تاریخی، در دوره‌های اولیه اسلام، در دیوان عام قصرهای اموی بخش مسلط بر فضای شهری وجود داشت تا محل حضور سلطان و قاضی او در حل مشکلات مردم باشد. اما در ایران، وجود چنین بخشی که از یک سو به شهر و از سوی دیگر به باغ حرم نظر داشته باشد را به قصر ملک‌شاه سلجوقی در میدان کهن اصفهان نسبت می‌دهند. بایستی منتظر عهد صفوی و سبک اصفهان بود تا نمود این حضور با قدرت کوشک‌ها و سردرب‌های عظیم شهری را در صحنه سیاسی- اجتماعی این خطه شاهد باشیم. سردرب‌های باشکوه کوشک‌ها از این دوره به بعد عامل تعاملات اجتماعی دولت- مردم هستند تا فضای درون و برون را به یکدیگر متصل نمایند. در این مقاله علل مختلف قرارگیری این عنصر واسطه باغ‌های شهری مورد تحلیل قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: باغ ایرانی، کوشک، تعاملات اجتماعی

گونه‌شناسی منظر شهری در سکونت‌گاه‌های غیررسمی ایران

محمد میره^۱

همان گونه که پرچم، نماد هر کشور و لباس، جلوه‌گاه شخصیت و فرهنگ هر فرد است؛ منظر شهری نیز، تبلور و عینیت فرهنگ، نحوه زیست و معیشت شهروندان، حیات مدنی، سلطه نهادها و ارزش‌ها، سلايق زیباشناختی خرده فرهنگ‌ها، عمق تاریخی شهر، میزان ایمنی و امنیت جامعه، قراردادهای اجتماعی و به طور خلاصه صورت بندی ذهنیت جامعه تلقی می‌شود.

امروزه منظر شهری هم به عنوان یک رشته آکادمیک و هم به عنوان بخشی از یک پدیده مهم و اثرگذار در عرصه زندگی شهری محسوب میشود. با این وجود، اهمیت و جایگاه این پدیده در نظام برنامه ریزی و مدیریت شهری ایران در دهه های گذشته مغفول مانده است. به طوری که امروزه نابسامانی و اغتشاش در سیما و منظر شهرهای ایران واقعیتی پذیرفته شده است.

باتوجه به مطالب مطرح شده، تلاش این مقاله بر اینست که به بررسی و گونه شناسی منظر شهری سکونت‌گاه‌های غیررسمی ایران بپردازد. در این راستا، به منظور جمع‌آوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. ضمن اینکه روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش، ترکیبی از مطالعات تطبیقی و روش توصیفی-تحلیلی است.

نتایج مطالعات حاکی از آن است که هر روز بر حجم و وسعت اسکان غیررسمی در ایران افزوده می‌شود و یکی از مهم ترین چالش‌های شهرنشینی پایدار در ایران، مسأله سکونت‌گاههای غیررسمی است. این شرایط علاوه بر اینکه موجب مغفول ماندن منظرشهری در نظام برنامه‌ریزی شهری ایران شده است، شکل‌گیری سکونتگاههای غیررسمی در سطح شهرها شده و ایجاد نوعی ناهنجاری منظر شهری در سطح کشور را نیز در پی داشته است.

همچنین منظر شهری سکونتگاه‌های غیررسمی در شهرهای ایران در سه گونه روستاهای درون شهری، حلبی آبادها و سکونتگاههای خودرو قابل تبیین است که در این مقاله با توجه به اهداف سه گانه منظر شهری (زیبایی شناختی- هویتی- عملکردی) این گونه‌ها مورد بحث و بررسی قرار گرفته اند.

واژگان کلیدی: منظر شهری، اسکان غیررسمی، شهرهای ایران، مسکن

معرفی اصول و قواعد حاکم بر شکل شهرهای تاریخی در ایران

مصطفی بهزادفر^۱، مریم صانعی^۲

شکل شهر که رکن اساسی طراحی شهری به حساب می آید، در حقیقت ظرفی است که امکان می دهد فعالیت‌های شهری در آن به وقوع بپیوندد. اهمیت شکل شهر به خاطر عملکردهای متعددی نظیر ایجاد تصور ذهنی از شهر در مردم، ایجاد حس جهت یابی در شهر، بالا بردن راندمان و کارایی شهر، ایجاد حس ایمنی، امنیت و شادی در مردم و تحت تاثیر قرار دادن سایر عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی شهر است که می‌تواند برای ساکنین یک شهر انجام دهد. مواد خامی که طراح شهر از آن‌ها به منظور شکل دادن به شهر استفاده می‌کند عبارتند از: فضا، فعالیت‌های مرئی، توالی، ارتباطات، سطوح، عناصر طبیعی، گیاهان و جزئیات.

تئوری عمومی شکل شهر باید رابطه و برخورد بین شکل شهر و رفتار انسانی را مورد مطالعه قرار دهد. بدین معنی که بررسی کند که چگونه شهر تحت تاثیر عوامل مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی شکل گرفته و چگونه عوامل مذکور بر یکدیگر اثر گذاشته و بطور مداوم تبدیل و تغییراتی را در یکدیگر ایجاد می‌کند.

بهره‌گیری از نمونه‌های شهرهای تاریخی برای استخراج قواعد ترکیب در طراحی شهری، همواره مورد تأکید بوده و با شناخت ویژگی‌های اصول و قواعد شهرهای تاریخی، می‌توان توسعه آینده را به نحو بهتری بازسازی و وحدت شهر سنتی را بازآفرینی کرد. طراحی در شهرهای ایران اعم از طراحی در بخش قدیمی و بخش جدید شهرهای موجود و یا طراحی شهرهای جدید باید بر اساس شناسایی اصول طراحی بافت‌های قدیمی و توجه به خصوصیات کالبدی آن‌ها و ویژگی‌های فضای شهر ایرانی و بهره‌گیری منطقی از اصول گذشته انجام شود.

پیرنیا در مورد قواعدی که بر شکل شهرهای گذشته حاکم بوده است، پنج اصل عام در معماری سنتی یا به بیان دیگر معماری سازمند را که تبعیت از آن خود عامل ایجاد وحدت در ساخت و سازها بوده معرفی می‌کند. توسلی نیز در مطالعات خود ویژگی‌های سازماندهی فضاها را در شهرهای کویری را در هشت اصل بیان می‌کند.

این پژوهش، شکل شناسی شهرهای ایران را با دو مسئله عمده مواجه می‌بیند: ۱. تقابل ویژگی‌های شکل شهر سنتی با توسعه جدید، ۲. فقدان روش یا رویکردی هماهنگ نسبت به انسجام شکل کالبدی شهرهای کنونی.

واژگان کلیدی: اصول، قواعد، شکل شهر، شهرهای تاریخی، فضای شهری

۱. دانشیار طراحی شهری دانشگاه علم و صنعت ایران

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه علم و صنعت ایران

منظر شهری و ضرورت توجه به آن در برنامه‌ریزی شهری

محمد حسین سرائی^۱، سعیده مؤیدفر^۲

شهرها تبلور عینیت یافته زیست و معیشت بشری هستند و به همین دلیل خاستگاه تمدن‌ها نیز به شمار می‌روند. مدنیت، تمدن و آنچه که در زبان‌های فرنگی *civilization* گفته می‌شود، همراه با فرهنگ در شهرها شکل گرفته و تکامل می‌یابند. منظر شهری را می‌توان نمادی از مظاهر فرهنگی و تمدن شهرها و متناسب با آن کشورها و اقوام و ملل مختلف دانست. زمانی برای تعریف هویت شهرها از بناهای نمادین مانند برج، مجسمه، ستون، میدان و مانند اینها استفاده می‌شد، که برج ایفل، مجسمه آزادی، ستون پیروزی در برلین، میدان آزادی در تهران، سی و سه پل در اصفهان و مجسمه امیر اسماعیل سامانی در دوشنبه، پایتخت تاجیکستان از نمونه‌های بارز آن هستند.

بکارگیری عناصر زیبایی‌شناسانه در معماری و شهرسازی سابقه‌ای دراز در تاریخ شهر و شهرنشینی، از جمله در ایران دارد. معماری‌های گوتیک، باروک و الزام در رعایت ارتفاع یکسان و ابعاد پنجره‌ها در اروپا، همچنین ساخت خیابان‌های درخت‌کاری شده، بلوار و چهارباغ از جمله کوشش‌هایی هستند که برای ارائه یک منظر شهری اثرگذار در بیننده انجام گرفته است.

متأسفانه نظام برنامه‌ریزی شهری طی پنجاه سال تجربه در ایران، از این امر مهم غافل مانده و آن‌را همچون اقدامی غیر ضروری، خواسته یا ناخواسته کنار گذاشته است. این مقاله کوشش دارد که بحث منظر شهری و ضرورت توجه به اهمیت آن را در برنامه‌ریزی شهری، برای مسئولان و مدیران شهری، از جمله شوراهای شهری و شهرداری‌ها یادآور شده و بر این نکته تأکید ورزد که مقوله منظر شهری باید در شرح خدمات طرح‌های شهری گنجانده شده و جایگاهی در خور پیدا نماید.

واژگان کلیدی: منظر شهری، برنامه‌ریزی شهری، شهر، ضرورت برنامه‌ریزی.

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه یزد

۲. دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری

نقش قوانین و ضوابط معماری و شهرسازی حاکم بر نظام شهرداری در کیفیت منظر شهری کلان‌شهر تهران

مهدی فاطمی^۱

ارتقاء کیفیت سیمای شهری کلان‌شهر تهران به عنوان یکی از دغدغه‌های جدی شهرداری تهران مطرح می‌باشد. در واقع بسیاری از صاحب‌نظران، شهر تهران را فاقد هویت و عنصر شاخص دانسته و بهبود منظر شهری و ایجاد خاطره ذهنی قوی را برای درک هر چه بیشتر این کلان‌شهر ضروری بر می‌شمرند.

در شهرهای سنتی، با قرارگرفتن ارگانیک دانه‌های یک بافت، سیما و منظر آن نیز به صورت ارگانیک در طول زمان شکل می‌گرفت و سبب ایجاد هویت یگانه برای آن بافت می‌شد. اما بعد از تاسیس بلدیة و تصویب قوانین، رویه تولید سیما و منظر یک بافت دچار دگرگونی‌های جدی شد.

از طرفی نماها و جلوه بیرونی ساختمان‌های شهر یکی از عوامل ایجاد تصویر ذهنی برای شهروندان می‌باشد. نماها و سیمای امروزی شهرها در کشور را می‌توان حاصل سیاست‌ها و قوانین حاکم بر نظام شهرداری‌ها تاکنون دانست و با تامل بر سیر ناماسازی ساختمان‌ها در بازه‌های زمانی خاص، می‌توان تاثیر قوانین بر نماها را درک کرد. در این میان، نقش شهرداری تهران به عنوان یگانه متولی نظارت بر ساخت و ساز بیش از پیش آشکار می‌گردد.

این مقاله سعی دارد تا با بررسی قوانین معماری و شهرسازی حاکم بر شهرداری تهران از یک سو و بررسی سیر تحول نماهای شهری در معماری معاصر آن بعد از انقلاب، نقش مفید یا مخرب این قوانین را باز شناسد و به ارائه راهکارهایی عملی در این زمینه نائل آید.

واژگان کلیدی: ضوابط معماری و شهرسازی، شهرداری، کیفیت منظر شهری، نما، مصالح

نمادها و سمبل‌ها در منظر شهرهای ایران

انسویه قوام پور^۱

تصویر ذهنی مشترک، غالباً ساختار باورها را به عنوان یک اجتماع، درباره گذشته، اهداف، آرمان‌ها و آینده شکل داده و خاطره جمعی می‌سازد. بر این اساس می‌تواند به عنوان یک عنصر بنیادی برای شکل دادن به هویت ملی، محلی، مدنی و مشترک در نظر گرفته شود. دریافتن ارزش خاطره مشترک از طریق یادمان‌های گذشته، شناسایی عناصر گذشته و رشته خاطره‌ای آنها، میان سیمای کالبدی شهر و ساختار ذهنی ساکنان آن، رابطه‌ای بسیار مستقیم و قوی برقرار می‌کند. مبادلات نمادین، بین اعضا جامعه تصویر ذهنی مشترک ساخته و هویت جمعی را منجر می‌شود. تصویر ذهنی روشن که سبب شکل‌گیری هویت می‌گردد، در گرو داشتن مکان‌هایی با معناست که در ارتباط با مفاهیم و نمادهای آشنا شکل می‌گیرند. به این ترتیب که استفاده از نمادها، اساطیرو نشانه‌های خاطره‌انگیز یا کهن که ریشه در فرهنگ و معیشت هر قوم دارد، در ادراک و فهم انسان از فضا موثر است.

نمادها و نشانه‌ها در ایران به سبب اعتقادات خاص ایرانیان نقشی به سزایی در شکل‌گیری شهرها و منظر شهرهای آنان بر جای گذاشته‌اند. حضور و نفوذ آنها در شهرها، به حدی است که گاهی عناصر نمادین به صورت جز لاینفک فضا در می‌آیند. از میان این نمادها و نشانه‌ها، نشانه‌ها و عناصر طبیعی به لحاظ نوع ارتباط ایرانیان با طبیعت، نقش عمده‌ای در هویت بخشی به فضاهای شهری ایرانیان بازی می‌کند. امری که نادیده گرفتن آن در چند دهه اخیر، شهرهای ایرانیان را به شهرهایی بی کیفیت، بی هویت، بدون تنوع و بی رمز و راز تبدیل کرده است. شناخت تاریخی چگونگی تاثیرگذاری آنها در سیمای شهرهای امروز روشن‌تر می‌نماید.

واژگان کلیدی: هویت، شهر، سیمای شهر، خاطره جمعی، نماد، طبیعت

۳. مدیریت منظر شهری در شهرهای ایران



۳-۱. قوانین و مقررات منظر

۳-۲. منظر شهری تهران

۳-۳. منظر شهرهای ایران

آزمون نظریه توزیع اندازه‌ها در مطلوبیت منظر شهری امروز تهران

حامد زرین کمری^۱، مریم معیری نیا^۲، میثم مهدیزاده^۳

نظریه توزیع اندازه‌ها از جمله نظریات جدیدی است که در زمینه زیبایی شناسی مطرح شده و بر اساس اصولی مدون و قابل ارزیابی در مورد مطلوبیت فضاها دستورالعمل‌هایی ارائه می‌نماید. از آنجایی که اکثر مطالعات و مداخلات امروز ما در منظر شهری، همچنان مبتنی بر نظریات مدرنیستی و پست مدرنیستی با قدمتی طولانی است، در این نوشتار سعی خواهد شد برای یکی از مناظر شهری تهران، براساس اصول بیان شده در قانون توزیع اندازه‌ها، ابتدا نقدی بر وضع موجود نوشته شده و سپس توصیه‌هایی در جهت بهبود ارائه گردد.

از جدیدترین نظریات ارائه شده در مبحث مطلوبیت فضاهای معماری و شهرسازی، می‌توان به دو کتاب اخیر پروفسور نیکاس سالینگاروس با نام‌های "یک نظریه معماری" و "۱۲ سخنرانی پیرامون معماری"، اشاره کرد. قانون توزیع اندازه‌ها که از مطالعات کریستوفر الکساندر نیز بی بهره نیست، با استفاده از قوانین ریاضیات پیشرفته و فراکتال‌ها، نسبت‌های معینی را میان مقیاس‌های مختلف موجود در یک سایت و تعداد آنها تعیین کرده و چنین استدلال می‌کند که با رعایت این تناسبات، انسجام در میان سلسله مراتب مقیاسی پروژه حاصل شده و ساختاری طبیعی در کلیت آن نمود خواهد کرد.

از منظرهای شهری قابل توجه در تهران، می‌توان به مجموعه پل‌های فجر اشاره کرد که از یک سو مهم‌ترین عناصر زندگی شهری است (مانند بزرگراه‌ها، ساختمان‌های بلندمرتبه، تبلیغات، فناوری‌های نو و فضای سبز) و از سوی دیگر از جمله مناظر شهری کارشده و مورد توجه دو گروه مسوولین و مردم بوده است. لذا به عنوان منظر منتخب برای آزمون تئوری یاد شده تقریباً از هر حیث مناسب بشمار می‌رود.

در نهایت، از آنجایی که پروژه یادشده به زبانی علمی و ریاضی مورد تحلیل قرار می‌گیرد، در صورت وجود هرگونه نقصی، از طریق یک فرآیند ریاضی و مدل تحلیلی آشکار، بیان خواهد شد.

واژگان کلیدی: نقد منظر شهری، قانون توزیع اندازه‌ها، پل‌های فجر تهران، نیکاس سالینگاروس

۱. کارشناس ارشد معماری، رییس هیئت مدیره شرکت پالایال

۲. دانشجوی دکترای معماری و شهرسازی - حفاظت از بنا و منظر، دانشگاه پلی تکنیک میلان، ایتالیا

۳. کارشناس ارشد معماری، عضو هیئت علمی دانشگاه صنعتی شاهرود

ارتقای کیفیت فضاهای شهری در روستاهای مجاور شهرها

با تکیه بر هویت تاریخی - طبیعی

(تجربه ای در روستای کن)

داود زادمهر^۱، تینا مختاری^۲

برای حفظ هویت و کیفیت منظر شهری یک بافت، علاوه بر حفظ و بازسازی عناصر منظر شهری، شناسایی دلایل شکل‌گیری چنین مناظری ضروری است. این دلایل می‌تواند منشاء اجتماعی-اقلیمی-اقتصادی و... داشته باشد.

امروزه هویت روستاها بخصوص روستاهای چسبیده به شهرهای کلان، در معرض تهدید و از بین رفتن است. در راستای زنده نگهداشتن هویت چنین روستاهایی، می‌بایست تدابیری اندیشید تا ویژگی‌های کمی و کیفی شناخته شده و با تفکری دوباره سیما و منظر شهری-روستایی بتواند در عین نمایش طراوت و شادابی جوانی، قدمت کهن خود را نمایان سازد.

روستای کن، روستایی زیبا و تاریخی است که همراه با باغستان‌هایی زیبا در شمال غربی تهران در مجاورت رودخانه کن واقع شده است. این روستا هنوز برخی نشانه‌ها و ویژگی‌های هویت ساز خود را نگه داشته، ولی به ناچار اسیر ذائقه‌های جدید شهری و شهرنشینی شده و توسعه‌های جدید شهری، منظر نابسامان برای روستا ایجاد کرده است. از سوی دیگر عناصر منظر تاریخی-کالبدی روستا نیز در پس ساخت و سازهای بی تدبیر و سریع محو شده است. شایسته است ارتباط بین باغستان‌ها و بافت مسکونی روستا شناخته شده، عناصر مصنوع و طبیعی منظر گذشته روستا بازیابی شده و با انعطاف‌پذیری در مناظر جدید شهری، هویت تاریخی خود را به نمایش بگذارند. روستای کن در بررسی‌ها و طراحی‌ها در سه سطح، کلان(فراتر از روستا)، میانی(محدوده روستا) و خرد(محل‌های) مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. علاوه بر طراحی گذرها و محله‌ها، طراحی ورودی‌ها و حاشیه روستا به عنوان لایه‌های اولیه طراحی، معرف جلوه‌های بصری روستا هستند و لبه‌های طراحی منظر، از نابود شدن بافت قدیمی بر اثر توسعه شهر جلوگیری می‌کند.

واژگان کلیدی: روستاهای مجاور شهر، طبیعت، منظر روستایی، حس تعلق، روستای کن

۱. کارشناسی ارشد معماری منظر، دانشگاه شهید بهشتی

۲. کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه هنر اصفهان

ارزیابی میزان سرزندگی در محلات شهر تهران (نمونه موردی، محله چیدر)

سمیه علیخانی^۱، بهرام ولی محمدی^۲، حمید رضا مظاهری^۳، شهرزاد فریادی^۴

امروزه انواع فشارها و تنش‌های محیطی، اقتصادی، اجتماعی، تفاوت ارزش‌ها و ... که در اثر توسعه بی رویه شهرها و گسترش روند شهرنشینی به تمامی شهروندان با هر پیشینه و سطح اجتماعی و اقتصادی وارد می‌شود، کاهش میزان سرزندگی و نشاط را به یکی از چالش‌های مهم و اساسی شهرهای بزرگ تبدیل کرده است. عامل سرزندگی و نشاط از جمله پارامترهای کلیدی در راستای رسیدن به شهری سالم و پایدار محسوب می‌شود؛ چرا که ایجاد سرزندگی شهری را می‌توان به مثابه یکی از آرمان‌ها و اهداف اصلی در بسیاری از اسناد و چشم‌اندازهای توسعه شهری مشاهده نمود. این پژوهش در پی تبیین مبانی و معیارهایی برای طراحی منظر شهری برای ایجاد ارتقاء سرزندگی در شهر است. در ابتدا تعاریف، اصول و معیارهای معتبر جهانی برای ایجاد سرزندگی از طریق طراحی منظر شهری استخراج شده، سپس با توجه به فرهنگ رایج و بومی، در محله چیدر شهر تهران به بررسی و آزمون این اصول پرداخته شده است. در انتها نیز راهکارهایی برای ایجاد، حفظ و ارتقا سرزندگی و در نهایت افزایش کیفیت زندگی شهری و تعمیم آن به محلات مختلف ارائه گردیده است.

واژگان کلیدی: سرزندگی و نشاط، کیفیت زندگی شهری، منظر شهری، چیدر

۱. کارشناس ارشد مهندسی طراحی محیط دانشکده محیط زیست، دانشگاه تهران

۲. کارشناس ارشد برنامه‌ریزی و مدیریت محیط زیست دانشکده محیط زیست، دانشگاه تهران

۳. کارشناس ارشد مهندسی طراحی محیط دانشکده محیط زیست، دانشگاه تهران

۴. دکتری شهرسازی و استادیار گروه برنامه‌ریزی و مدیریت محیط زیست، دانشگاه تهران

انطباق و پیوستگی شبکه نقاط عطف شهری با بستر طبیعی

گامی به سوی خوانایی منظر شهر

(مطالعه موردی نقش رود دره‌های شهر تهران در ساماندهی شبکه نقاط عطف یکپارچه در تهران)

آیدا آل‌هاشمی^۱، بهار مجتهدی^۲

منظر شهری کیفیتی است حاصل درک و فهم شهروندان از شهر که بواسطه عوامل کمی ایجاد و کنترل می‌شود. از مهم‌ترین عناصر کمی تأثیرگذار بر این کیفیت، نقاط عطف شهری است که نه تنها بواسطه کیفیات کالبدی و سیمای شاخص، بلکه به دلیل اینکه تجسم فرهنگ، سرگذشت و هویت یک اجتماع به شمار می‌روند و محملی برای شکل‌گیری خاطره جمعی می‌سازند، واجد اهمیت می‌باشند.

امروز فقدان شبکه قوی و سازمان یافته‌ای از عناصر شاخص شهری که قابلیت ظهور در نقش - نشانه و نقطه عطف شهری را داشته‌باشد، در کنار توسعه بی‌رویه و ناپایدار شهر که به بهای نابودی زیرساخت‌های طبیعی آن صورت می‌گیرد، منجر به نوعی سردرگمی، اغتشاش و عدم خوانایی در منظر شهر تهران شده‌است. این بی‌تفاوتی در سازماندهی و نقش‌دهی به شبکه نقاط عطف شهر تهران اصلی‌ترین عامل بی‌هویتی و فقدان تشخیص بافت در عرصه گسترده و پراکنده شهر تهران بشمار می‌رود.

در این نوشتار تلاش می‌شود با شناسایی و بررسی انواع نقاط عطف عینی و ذهنی شهر تهران، نظمی برای پیوند میان طیف نشانه‌های کلان مقیاس شهر ایجاد شده، ساختاری یکپارچه حاصل شود تا عناصر تشکیل‌دهنده این سامانه و هر موجودیت شاخصی را که به اقتضای برنامه‌ریزی شهری به این شبکه نقاط عطف افزوده می‌گردد، ملزم به انطباق با این نظم برگرفته از زیرساخت طبیعی، تاریخی و هویتی شهر نماید. در این راستا رود-دره‌های طبیعی شهر که سهم عمده‌ای از زیرساخت طبیعی شهر دارند به مثابه نقاط عطف و مهم‌ترین پتانسیل در جهت افزایش خوانایی از جنوب تا شمال شهر، به عنوان مبنایی برای به نظم درآوردن و انطباق نشانه‌ها و نقاط عطف شهری با بستر شهر در نظر گرفته شد تا با تأکید بر این محورهای مغفول طبیعی و احیای نقش سابق آنها در کنترل منظر شهری، گامی در جهت افزایش خوانایی شهر و احساس تعلق شهروندان برداشته شود.

واژگان کلیدی: منظر شهری، نقاط عطف، خوانایی شهر، تهران، رود دره‌ها

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری منظر، دانشگاه تهران

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری منظر، دانشگاه تهران

بررسی تأثیر خطوط انتقال نیرو بر سیما و منظر شهری

مطالعه موردی: شهر تهران

فاطمه مقیمی^۱

منظر یک فضای شهری، شامل کلیه اطلاعات موجود از آن فضا است که توسط حواس دریافت شده و در فرآیند ادراک پردازش می‌گردد. در واقع منظر، دریافت و تفسیر ما از واقعیتی است که در بیرون وجود دارد و تکنولوژی به عنوان یکی از ارکان جدایی ناپذیر زندگی امروز، تغییرات عمیقی را در جوامع بشری و به تبع آن، در ساختار فضایی کالبدی - اجتماعی شهرها ایجاد کرده است. در پی این تغییر و تحولات، در ساختار ادراکی انسان ها نیز تغییراتی صورت گرفته است.

برق به عنوان یکی از پر اهمیت‌ترین منابع انرژی، نقش مهمی در تامین آسایش و راحتی زندگی و پیشرفت و توسعه جامعه شهری دارد. استفاده از این انرژی، احداث زیرساخت‌های شهری را امری لازم و ضروری ساخته و تامین آن، به عنوان یکی از نیازهای اولیه برای اسکان جمعیت محسوب می‌گردد. حضور خطوط انتقال نیرو که در سیما و منظر شهری، سال‌ها با شکل و هیئت دکل‌های فولادی و با اندازه‌های گوناگون، به چشم می‌آید، هر چند که در یک نگاه سطحی امری اجتناب ناپذیر می‌نماید، اما زمانی که برای جلوگیری از تشعشعات، خسارات جانی و مالی و آثار زیست محیطی و همچنین حفظ سلامت انسان‌ها، ضوابط و قوانین و حریم‌هایی تعریف و اجرا می‌شود، چرا مسئله تامین آسایش روانی شهروندان و تأثیر این سیمای ناهمگون بر ادراک ذهنی آنان مطرح نمی‌گردد.

براین اساس و از آنجا که محیط و منظر شهری، محیطی عینی و ذهنی برای شهروندان می‌باشد و ما این منظر را در کاوش‌های احساسی و شناختی خود درک و دریافت می‌کنیم، در این مقاله، با تشریح ویژگی‌ها و انواع خطوط انتقال نیرو در معابر و فضاهای عمومی شهر تهران، به بررسی تأثیر آن‌ها هم از بعد کالبدی و هم از بعد ذهنی - روانی بر سیما و منظر شهری پرداخته‌هاست. در انتها ضوابط و راهکارهایی برای به حداقل رساندن آثار منفی این معضل، ارائه می‌گردد تا به کمک آن ضرورت توجه جامعه حرفه‌ای را به این مقوله جلب نموده و نگرش‌های حاکم را، به سمت یک طراحی ضابطه مدار کمی و کیفی هدایت نماید.

واژگان کلیدی: منظر شهری، خطوط انتقال نیرو، ادراک بصری، ادراک ذهنی

۱. کارشناس ارشد طراحی شهری دانشگاه علم و صنعت

بررسی تطبیقی جایگاه آثار معماری شاخص دهه ۴۰ تهران ، به مثابه نمادهای ماندگار شهری

مجیر جلیلیان^۱

امروزه بحث نمادسازی و طراحی یادمان‌های شهری بعنوان یکی از مهم‌ترین مباحث در حیطه شهرسازی مطرح است.

اهمیت مسأله از آنجا احساس می شود که چهره کنونی شهرهای معاصر ، بدلیل ساخت و سازهای سریع و صنعتی و عدم توجه به کیفیت ساخت ، دچار نوعی یکنواختی گردیده و فقدان هویت و عدم وجود یادمان‌های شهری، بعنوان یکی از مهم‌ترین چالش‌ها فراروی شهرهای معاصر مطرح است .

در این میان شهر تهران، بخصوص از اوایل دهه ۴۰، شاهد پیدایش تعدادی از شاخص‌ترین بناهایی بود که گذشته از اهمیت معماری این آثار ، امروزه و با گذشت سال‌ها از ساخته شدن آنها ، با حسی نوستالژیک برای اکثریت ساکنان تهران آمیخته شده و به نوعی نقشی نمادین در هویت بخشی و ارتباط با گذشته و تاریخ این شهر ایفا می کنند .

در این پژوهش سعی بر آن است تا با بررسی تطبیقی چند بنای شاخص این دوره (بناهای برج آزادی ، تئاتر شهر و موزه هنرهای معاصر)، به نقش نمادین این بناها در ایجاد هویت شهری ، باززنده سازی و تبلور تاریخی شهر و جایگاه آنها در حافظه جمعی مردم تهران پرداخته شود .

واژگان کلیدی: نمادهای ماندگار، معماری شاخص، یادمان های شهری، شهر تهران

بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری نماهای شهری

فرانک عطارد^۱، سینا بلندین^۲

در نگاهی کلی به ساختار شهرها، دو عنصر اصلی شبکه و توده بافت مشاهده می‌گردد که هر کدام دیگری را شکل می‌دهند. شبکه خیابان‌ها بوسیله جداره ساختمان‌ها و کالبد مصنوع و بافت شهری بوسیله حرکت شبکه معابر در درون شهر شکل می‌گیرد. فصل مشترک این دو عنصر، جداره و سطوح بیرونی ساختمان‌ها است که به شبکه خیابان‌ها هویت می‌بخشد و ملموس‌ترین بخش فضای شهری در مقیاس انسانی است. به همین دلیل این سطوح می‌بایست بر اساس اصول زیباشناختی و تجارب حسی شهروندان طراحی گردند.

با توسعه سریع شهرنشینی و افزایش افسارگسیخته ساخت و ساز در چند دهه اخیر، شاهد تغییرات اساسی در منظر شهری می‌باشیم که شهرها محل قدرت نمایی و فخر فروشی هر یک از تک بناها در ارتفاع، رنگ، نوع مصالح و... در جداره ممتد خیابان‌ها شده‌اند. در این بحبوحه، مدیران و مسئولین شهر با تصویب و لازم‌الاجرا کردن قوانین و آئین‌نامه‌های مختلف سعی در تحت کنترل درآوردن شرایط نامناسب این دوره داشته‌اند. تصویب قانون شتابزده‌تر از رشد شتابان ساختمان‌سازی، خود منجر به افزوده شدن دردی بر دردهای گذشته شد و نتوانست راهگشای مشکلات باشد.

هدف از این نوشتار یافتن علل ناکامی قوانین و مقررات مربوط به نمای شهری در کشور می‌باشد. بر این اساس ابتدا به تبیین اصول ساختاری شکل نمای ساختمان پرداخته، سپس برخی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری نمای ساختمان‌ها ارائه شده است، بعد از آن ۲ قانون مربوط به نمای شهری در قالب آئین‌نامه‌هایی چون پیش‌آمدگی ساختمان‌ها در گذرها (مصوب سال ۱۳۱۸) و آئین‌نامه ساختمانی شهر تهران (مصوب سال ۱۳۲۱) مورد بررسی، تحلیل و مقایسه با برخی مصوبات شهرسازی کنونی قرار گرفته است. در نهایت، نتیجه مقایسه و ارزیابی قوانین گذشته و حال و همچنین مقایسه اصول طراحی نما با قوانین امروزی ارائه و برخی راهکارها جهت تدوین مقرراتی اجرایی‌تر بیان می‌شود.

واژگان کلیدی: زیبایی‌شناسی نمای شهری، قوانین و آیین‌نامه‌های نمای شهری، کلیات و جزئیات در قوانین شهرسازی

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری

تأثیر آثار و مظاهر فرهنگی بافت‌های تاریخی در منظر شهری

(نمونه موردی محله سیروس)

حسین کلانتری خلیل‌آباد^۱، طاهر ابوبکری^۲

بافت تاریخی شهرها دارای منظر خاصی می‌باشند که بر اساس اثرگذاری عوامل مختلف در طی زمان شکل و قوام یافته است. منظر شهری این بافت‌ها از سه جنبه عملکردی، زیباشناختی و هویتی - فرهنگی دارای اهمیت است که با رسوخ فرهنگ و ارزش‌های غربی، هویت خود را ازدست داده‌اند.

وضع نابسامان بافت تاریخی پایتخت ۲۰۰ ساله کشور که گسترش سریع شهر، موضوع «تاریخی بودن» آن را تحت الشعاع قرار داده است و هم‌اینک نه با آثار تاریخی شاخص و نه با محلات تاریخی و معتبر خود، که با برج‌های مسکونی، تجاری و شهرک‌های پیرامونی شناخته می‌شود، هویت تاریخی خود را به عقب می‌راند.

در این تحقیق با مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی نابسامانی منظر شهری محله سیروس بررسی شده و تأثیر آثار و ابنیه فرهنگی در منظر تحلیل گردیده که نتایج نتایج این تحقیق نشان می‌دهد سیمای کالبدی نامطلوب محله سیروس، ناشی از وجود مشکلات اقتصادی، مشکلات کالبدی، مشکلات اجتماعی، مشکلات زیست محیطی و ضعف‌های مدیریتی است که بافت را با بحران مواجه ساخته است. مصادیق هریک از مشکلات در مطالعه نشان داده شده است.

واژگان کلیدی: مظاهر فرهنگی، بافت‌های تاریخی، منظر شهری، محله سیروس

۱. دکتر برنامه‌ریزی شهری و عضو هیأت علمی پژوهشکده فرهنگ و هنر جهاد دانشگاهی

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران

تجاری در منظر شهری

از محله سیروس در تهران تا محله ق-اونیون و بل-ویل در پاریس

مینا سعیدی^۱، لیلا کریمی فرد^۲

بحث منظر شهری یکی از مهم‌ترین موضوعات مرتبط با شهر است که در اکثر کشورها به آن توجه ویژه‌ای می‌شود. متخصصین و مسئولین ایران نیز در سال‌های اخیر بیش از پیش به این موضوع توجه کرده‌اند، ولی با وجود این که این موضوع بسیار گسترده و چند بعدی است، متأسفانه تاکنون در این زمینه تحقیقات پایه‌ای زیادی انجام نگرفته و رفرنس‌های زیادی موجود نمی‌باشد و بسیار سطحی به آن نگاه شده است. شاید بتوان گفت این سطحی نگری بیشتر معلول نگاه صرف کالبدی برخی از متخصصین به موضوع، کم‌رنگ دیدن فرد و اجتماع و جایگاه آن در این منظر و در نهایت عدم توجه عمیق به چند وجهی بودن بحث منظر شهری می‌باشد.

منظر شهری تمامی مسائل اجتماعی، کالبدی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اقلیمی، احساسی و ... را توأمأ بر در دارد. نادیده گرفتن هر کدام از این عوامل خود آسیبی عمیق را در منظر شهری به دنبال خواهد داشت.

تجارب جهانی و به خصوص تجارب کشورهای اروپایی نظیر فرانسه که پیشرو در مسائل شهری می‌باشند نشان داده است که تحقیقات در رابطه با شهرسازی و منظر شهری نمی‌تواند تک رشته‌ای عمل کند. وجود متخصصین شهرساز، معمار، منظر شهری، اقتصاددان، جامعه‌شناس، انسان‌شناس، و حتی در برخی موارد به نسبت زون‌ها و محلات خاص نیاز به اقلیم‌شناسی، باستان‌شناسی و خیلی رشته‌های دیگر دیده می‌شود. رویکرد و شناخت چند وجهی از موضوع منجر به آسیب‌شناسی ژرف و در نهایت ارائه پیشنهادات دقیق‌تری خواهد شد که در اکثر کشورهای موفق این روش تیمی و گروهی چند رشته‌ای، به صورتی بارز و آشکار در روند تغییرات منظر شهری‌شان نمایان‌گر می‌باشد.

حال با توجه به این مقدمه، مقاله حاضر سعی بر آن دارد مقایسه عمیق و چندبعدی را در رابطه با منظر شهری بین محله سیروس در منطقه ۱۲ تهران و محله ق-اونیون و بل-ویل در منطقه ۲۰ پاریس انجام دهد. مقایسه این محلات از جوانب گوناگون، شناخت رویکردها و آسیب‌شناسی، آنالیز مداخلات انجام شده در آنها، و در نهایت بازبینی دگرگونی‌های مثبت و منفی که در منظر هر کدام از این محلات ایجاد شده که می‌تواند نوع نگرش و بینش متخصصین آن را مشخص نماید، پتانسیل‌ها و ضعف‌های آن را آشکار نماید، و در نهایت با آنالیز و مطالعه دقیق به عمل آمده در این روند، قضاوتی عادلانه را ارائه نموده و جستجو را برای نگرش‌های صحیح و رسیدن به مناسب‌ترین راه کارها و روش‌ها آغاز نماید.

واژگان کلیدی: منظر، اجتماع، محله، تجربه، مقایسه

۱. معمار و شهرشناس

۲. معمار و شهرساز

خیابان هنر، تجربه ای نو در منظر شهری (اصول و معیارهای مکان یابی و ساماندهی خیابان هنر) (مطالعه موردی خیابان هنر خوشنویسی قزوین)

نوید سعیدی رضوانی^۱، احسان نورانی^۲، حمیدرضا دانش پور^۳

هنرهای عمومی و تأثیرات آن، جایگاه ویژه‌ای را در هنر معاصر جهان داشته است. بسیاری از هنرمندان به جای پرداختن به مخاطبین خاص خود در موزه‌ها و نگارخانه‌ها به ارتباطی گسترده‌تر روی آوردند که در آن نه تنها مخاطبین افرادی دعوت شده به یک نمایشگاه نبودند، بلکه در بسیاری موارد اثر هنری با مشارکت آنها تعریف و تکمیل می‌شد.

چند سالی می‌شود که ایده‌ای نو، به نام خیابان هنر (*Art Street*) در بسیاری از نقاط جهان به این منظور به اجرا در آمده است. خیابان هنر، مجموعه‌ای است از نوآوری‌ها و نقش‌آفرینی‌های هنرمندان است که با هدف اصلی ایجاد ارتباط میان شهروندان فعال می‌شود. این خیابان مختص هنرمند محلی است تا هنر با وسعت دوست‌داشتنی خود، جادوی کنجکاوی انسان را در میان دغدغه‌های زندگی شهری برانگیزد. هنرمند محلی رغبت، انگیزه و فرصت عرضه هنری که برای آموختن آن وقت و انرژی صرف کرده است را در یک محیط مناسب شهری به دست می‌آورد. این‌گونه می‌شود که هنر ایرانی و جلوه‌هایی از هنر جهانی به بطن زندگی شهروندان سرک می‌کشد. طراحی این خیابان، علاوه بر رونق اقتصادی، فضایی پویا و فعال با تعاملات اجتماعی بالا پدید می‌آورد که سرزندگی و احیاء هویت در زندگی شهری از پیامدهای مثبت آن می‌باشد.

این مقاله ضمن معرفی این ایده نو در صدد پاسخ به این سوال است که چگونه می‌توان با ساماندهی مجدد خیابان، زمینه ارتقا منظر شهری را فراهم نمود، بگونه‌ای که نوعی وحدت میان عملکرد تمامی عناصر آن پدید آید. در این راستا اصول و معیارهایی جهت مکان یابی خیابان هنر و عناصر مورد نیاز آن تعریف شده است.

در این پژوهش، شهر قزوین با توجه به پیشینه فرهنگی، هنری و هنر خوشنویسی نیز بواسطه آثار هنری فراوان بخصوص کتیبه‌های خطی و دیوار نگاره‌های بی نظیر به عنوان بستر پژوهش مورد مطالعه قرار گرفته است. به این منظور از روش اسنادی، مصاحبه با گروه‌های مختلف مردم در قالب گروه‌های کانونی (*Focus Group*) و مصاحبه با متخصصین (روش دلفی) استفاده شده است.

واژگان کلیدی: خیابان هنر، منظر شهری، هنر خوشنویسی، مکان یابی، ساماندهی

۱. دکتری شهرسازی و استادیار دانشگاه آزاد اسلامی قزوین

۲. کارشناس ارشد طراحی و برنامه ریزی شهری و منطقه‌ای

۳. کارشناس ارشد طراحی و برنامه ریزی شهری و منطقه ای

خیلی دور خیلی نزدیک، تاملی بر فضاهای جمعی پایتخت (فضاهای جمعی پایتخت چه هستند و چه باید باشند)

مجتبی قدیری^۱، فاطمه مقیمی^۲

تداوم بقاء انسان در گرو زندگی و تعاملات اجتماعی بوده و شهر به عنوان بستر زیست آدمی می‌بایست سرشار از عرصه‌های جمعی برای این تعاملات باشد. آنچه از شهر در ذهن ما باقی مانده و ادراک می‌شود، مجموعه‌ای از عرصه‌ها و فضاهای جمعی با مقیاس‌ها و عملکردهای مختلف به هم پیوسته است که ساختار فضایی شهر را شکل داده و با توجه به اقتضای هر دوره نقشی را ایفا می‌کنند. مسکن عرصه تعاملات کوچک‌ترین واحد اجتماعی (خانواده) بوده و فضاهای جمعی شهر عرصه تعاملات اجتماعی شهروندان و گذران اوقات فراغت می‌باشد. حال چرا برخی از شهرها با اینکه مملو از فضاهای جمعی سازمان یافته هستند، باز هم با احساس کمبود فضاهای جمعی روبرو می‌باشند؟

این مقاله بر آن است تا با بررسی بخش‌های ذیل، در نهایت مهم‌ترین دلایل فقدان فضاهای شهری مناسب در شهر تهران و عوامل و ریشه‌های عدم شکل‌گیری آن را بررسی کند.

- تعریف فضاهای جمعی و نقش آن در شهر
- ضرورت توجه به فضاهای جمعی
- ریشه‌های و عوامل شکل‌گیری فضاهای جمعی شهر
- ارکان فضاهای جمعی با توجه به عملکرد و مقیاس آنها
- بررسی فضاهای جمعی تهران بر اساس نقش آن و ریشه‌های شکل‌گیری آن

واژگان کلیدی: فضاهای جمعی، تعامل اجتماعی، اوقات فراغت، فرهنگ، ساختار فضایی

۱. کارشناس ارشد طراحی شهری هنرهای زیبای دانشگاه تهران

۲. کارشناس ارشد طراحی شهری دانشگاه علم و صنعت

شناخت منظر شهری تهران و جهت‌گیری برای آینده

حمید محبی^۱

کالبد شهر در هر دوره دارای ویژگی‌های مختص به خود بوده و علاوه بر پیوستگی با معماری گذشته پیوستگی عمیقی با روحیات و شاخصه‌های فرهنگی مردم عصر خود نیز داشته است. امروزه با توجه به جهش علمی دهه‌های اخیر در حیطه فن ساختمان و مصالح ساختمانی، گسست عمیقی با فرهنگ و معماری گذشته به وجود آمده است. در واقع نوشته‌ها و مقالات ارائه شده در خصوص منظر شهری غالباً توسط نظریه‌پردازان اروپایی و آمریکایی همچون کالن و لینچ به صورت عام بوده و کمتر به ویژگی‌های بومی پرداخته است. همچنین از آنجایی که یکی از شاخصه‌های اصلی منظر شهری ایده‌آل، ارتباط عمیق ذهنی و فرهنگی با مردم است، شناخت و پژوهش در خصوص منظر شهری معاصر ایران بیش از پیش ضروری به نظر می‌رسد.

در این راستا با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و مشاهدات میدانی، سعی در ریخت‌شناسی و دسته‌بندی الگوهای منظر شهری حال حاضر تهران به عمل آمده که تا حد زیادی قابل بسط به بقیه نقاط ایران نیز می‌باشد. در ادامه تا حد امکان سعی شده برای بهبود منظر شهری هر کدام از الگوها، با توجه به عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و تجربه‌های موفق گذشته، به ارائه راهکار پرداخته شود.

واژگان کلیدی: منظر شهری تهران، منظر شهری معاصر ایران، سبیل‌شناسی در معماری ایران، هویت شهری، نشانه شهری، بازسازی منظر شهری، فرهنگ ایرانی

۱. دانشجوی معماری منظر دانشگاه شهیدبهشتی و کارشناس اداره زیباسازی شهرداری منطقه ۱۷

مناسبات اجتماعی و فرهنگی موجود در بافت فرسوده شهری تهران، زمینه‌ای بالقوه برای ایجاد سیمای شهری با هویت محله‌ای

مهدی فاطمی^۱

بافت فرسوده شهر تهران، شاید در ظاهر اولیه خود کالبدی ناپایدار، با سرانه خدماتی پایین به نظر رسد، اما در پس این ظاهر مایوس کننده، ساختار اجتماعی بسیار قوی وجود دارد. این ساختار اجتماعی که در اکثر بافت‌های فرسوده شهر تهران دارای پایه و اساس اشتراکات قومی است، می‌تواند به عنوان یک پتانسیل در ایجاد منظر شهری دارای هویت قومی مشخص ایفای نقش نماید. در اغلب کشورهای ساکنین آن را عمدتاً مهاجرین تشکیل می‌دهند، محلات منصوب به هر قومیت یا نژاد دارای هویت، سیما و منظر شهری خاص خود است که با آن شناخته می‌شود. شهر تهران نیز پس از شروع مهاجرت، شاهد ایجاد بافت‌های حاشیه شهری بود که بعدها این بافت‌ها به علت فقر، به بافت‌های فرسوده فعلی شهر تبدیل شده‌اند. اغلب ساکنین این بافت‌ها که به طور همزمان به تهران مهاجرت کرده‌اند، دارای اشتراکات فرهنگی و قومی نزدیکی بودند. هرچند در بسیاری از موارد، این نیروی عظیم وابستگی‌های قومیتی سبب کند شدن روند نوسازی شده است، اما با اتخاذ راهکارهایی می‌توان از این نیروی خفته در این محلات برای ایجاد سیما و منظر شهری خاص آن قوم به راحتی بهره برد. این مقاله سعی دارد با شناخت فاکتورهای تاثیرگذار فرهنگ بر کالبد سیما و منظر شهری به تبیین جایگاه و تاثیر هر کدام بر ایجاد هویت محله‌ای بپردازد. در ادامه با تاکید بر لزوم تغییر در سیاست‌های نوسازی بافت‌های فرسوده شهر تهران، به ارائه یک سیاست کل نگر در جهت ایجاد هویت محله‌ای و منظر شهری مطلوب خواهد پرداخت.

واژگان کلیدی: نوسازی، بافت فرسوده، اشتراکات قومی، هویت محله‌ای، فرهنگ

۳. مدیریت منظر شهری در شهرهای ایران



۱-۳. قوانین و مقررات منظر

۲-۳. منظر شهری تهران

۳-۳. منظر شهرهای ایران

ارزیابی و آسیب‌شناسی سیما و منظر بافت‌های جدید شهری

(مطالعه موردی شهرک سعدی شهر سنندج)

کیومرث حبیبی^۱، ابوالفضل مشکینی^۲، امین امینی^۳ و وحید محکی^۴

طرح‌های تفکیکی و آماده‌سازی، به عنوان یکی از زیرمجموعه‌های طرح‌های توسعه شهری محسوب می‌شوند که در آن، کاربری زمین و شبکه ارتباطی به موازات طراحی جزئیات شهری و نیز سیما و منظر بافت، در شکل دهی فضای شهری مؤثر است. دید و منظر شهری به عنوان پوسته بیرونی فرم‌های کالبدی و عناصر طبیعی همچون کوه و رودخانه، نیز به عنوان هنر محیطی در نظر گرفته می‌شود. حفاظت و بهسازی این عناصر، نقش مهمی در ارتقا کیفیت محیطی و حس دل‌انگیزی مکان‌های شهری ایفا می‌کند. شهرک سعدی شهر سنندج به عنوان یکی از شهرک‌های پیرامونی در دامنه ارتفاعات زیبای آبدرد در اواخر دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ ساخته شد. اما با گذشت دو دهه از ساخت شهرک، بسیاری از توان‌های محیطی و چشم‌اندازهای شهرک، مرعوب اقتصاد بازار و بورس‌بازی زمین شده است. دست‌یازی به این اراضی و چشم‌اندازها در دراز مدت، نه تنها باعث کاهش کیفیت محیطی، کمبود سرانه‌های شهری، افزایش ناامنی و اغتشاش بصری در این مکان شده، بلکه دید و منظر مهم‌ترین نشانه طبیعی این شهر، یعنی ارتفاعات آبدرد را نیز مخدوش کرده است. این در حالی است که احداث و توسعه فرم‌ها و لفاف‌های فضایی بی‌ارتباط با ساختار توپوگرافیکی، هر روز بیش از دیروز، به این امر دامن می‌زند.

در این مقاله ضمن بررسی و آسیب‌شناسی سازمان و سیمای محله، تغییرات کاربری اراضی و مطلوبیت مکانی نمونه مورد مطالعه، راهکارهایی جهت ساماندهی فضایی - مکانی و بهبود بخشی به سیما و منظر شهری، ارائه خواهد شد.

واژگان کلیدی: سازمان فضایی، سیما و منظر شهری، ساماندهی فضایی مکانی، شهرک سعدی

۱. عضو هیأت علمی شهرسازی دانشگاه کردستان

۲. عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، دانشگاه کردستان

۴. دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، دانشگاه کردستان

بازشناسی مفهوم پایداری و توسعه پایدار در منظر شهرهای سنتی ایران

احمد پورمختار^۱

توسعه پایدار، مقوله‌ای است که در اواخر قرن بیستم مطرح شده و امروزه به یکی از اساسی‌ترین دغدغه‌های بشر تبدیل شده است. مفهوم توسعه در حوزه‌های گوناگونی دارای اهمیت است و معمولاً در سه حوزه کلی توسعه اجتماعی، توسعه اقتصادی و توسعه محیط زیست طبقه‌بندی می‌شود. همزمان با این حوزه‌ها، مفهوم پایداری در معماری و شهرسازی نیز از اهمیت و اولویت زیادی برخوردار بوده است. بنابراین شایسته است، با نگاهی عمیق، این مقوله حیاتی در بستر تاریخی، فرهنگی و طبیعی ایران، تبیین شده و با الهام از آموزه‌های گرانبهایی که در تاریخ کهن معماری و شهرسازی ایران وجود دارد، مفهوم پایداری و توسعه پایدار را با رویکرد احیای ارزش‌های کهن معماری، شهرسازی و منظر شهری سنتی ایران بررسی نمود. با توجه به اینکه بسیاری از مفاهیم توسعه پایدار (به عنوان یک مفهوم نوین جهانی) در معماری، شهرها و سیمای شهرهای سنتی ایران نهفته است، می‌توان با الهام از این ارزش‌های پایدار، شهر و منظر شهری پایدار ایرانی را برای جامعه ایرانی معاصر تعریف نمود.

در این پژوهش، پس از تبیین مفاهیم اساسی در ارتباط با توسعه پایدار، معماری و شهرسازی پایدار و تعاریف بنیادین در زمینه منظر شهری، به بازشناسی مفاهیم و ویژگی‌های پایدار شهر و سیمای شهرهای سنتی ایران، پرداخته شده و سپس با نگاهی مقایسه‌جویانه، این مفهوم نوین جهانی (توسعه پایدار و معماری و شهرسازی پایدار) را با آن ارزش‌های پایدار و کهن (شهر و سیمای شهرهای سنتی ایران) مقایسه نموده است. همچنین در این مقاله به طور موردی بر سیما و منظر شهرهای مناطق گرم و خشک و کویری فلات مرکزی ایران (مانند: یزد، اصفهان، کاشان و...) تاکید شده است. حاصل این بررسی تطبیقی، دستیابی به مفاهیم و ویژگی‌های مشترکی است که در پایان با تکیه بر آنها به نتایج و راهبردهای نظری اشاره شده که هم ریشه در ارزش‌های پایدار و کهن معماری، شهرسازی و منظر شهری سنتی ایران داشته و هم از تجربیات نوین علمی جهان در مقوله توسعه پایدار و معماری پایدار بهره برده است.

واژگان کلیدی: توسعه، منظر شهری، گرم و خشک، سیمای شهر، شهر پایدار

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه هنر اصفهان، گرایش مطالعات معماری

بررسی اغتشاشات بصری آلوده‌کننده منظر شهری بلوارهای شهر یزد

محمود قدیری^۱، محمدحسن زاده^۲

در طراحی و فرآیند بهبود کیفیت محیط، ارتقا کیفیت بصری عرصه های عمومی شهر، بمنظور ارتقای کیفیت حضور مردم از جایگاه والایی برخوردار است، چراکه شکل و منظر شهرها در معرض دید مستمر مردم قرار دارند و بیش از هر چیز دیگر از طریق دید بر روحیه مردم تأثیر می‌گذارد. این شکل می‌تواند همانند هنر موسیقی، ادبیات و نقاشی کاملاً موزون و یا با اغتشاش همراه بوده و ضمن آلوده نمودن بصری منظر شهری، بر رفتارها، فعالیت‌ها و ارتباطات شهری تأثیری نامطلوب برجای گذارد. لذا ارتقای کیفیت محیط و منظر شهرها، نیازمند شناخت طبقه‌بندی شده اغتشاشات و آلودگی‌های بصری و ساماندهی آنهاست.

در این ارتباط، شهر یزد، بعنوان شهری تاریخی و با انبوهی از بناهای خشتی و معماری اسلامی، همانند دیگر شهرهای کشور، گسترش فیزیکی زیاد و فاقد برنامه منسجمی را تجربه کرده است که آثار آن در قالب افزایش آلاینده‌های مختلف از جمله بصری نمایان است. لذا با تمرکز بر بلوارهای شهری و انتخاب بلوار شهید صدوقی و بلوار جمهوری شهر یزد که در دو بخش متفاوت از شهر از نظر زمان توسعه و نیز موقعیت قرار دارند؛ این پژوهش بدنبال پاسخ به این سوال است که وضعیت آلودگی بصری بلوار صدوقی و بلوار جمهوری شهر یزد چگونه است؟

این مقاله جهت بررسی و پاسخ به سوال فوق، با اتخاذ روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و میدانی، با تعریف مفهومی و نظری آلودگی بصری و شناسایی شاخص‌ها و نماگرهای مناسب، به بررسی و شناخت وضعیت آلودگی بصری بلوارهای مذکور در شهر یزد خواهد پرداخت. نتایج تحقیق، ضمن شناسایی کمی و کیفی انواع عمده آلودگی‌های بصری بلوارهای یزد و توزیع فضایی آنها، معیارهایی را به‌منظور ساماندهی آلودگی‌ها و ارتقای منظر شهری ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی: منظر شهری، آلودگی بصری، بلوارهای شهر یزد

۱. استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه پیام نور اردکان یزد

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری، کارشناس شهرداری یزد

بررسی پارامترهای مؤثر در مکان‌یابی فضای سبز شهر ساری

زهره هادیانی^۱، حیدر نگهدار^۲، زهره حمیدی^۳

فضای سبز شهری از دیدگاه برنامه‌ریزی شهری، در برگیرنده بخشی از سیمای شهر است که از انواع پوشش‌های گیاهی تشکیل شده و به عنوان یک عامل زنده و حیاتی در کنار کالبد بی‌جان شهر، تعیین‌کننده ساخت مرفولوژیک شهر است. یکی از وظایف عمده شهرداری‌ها اقدام جهت حل مسایل زیست محیطی و تبدیل هرچه بهتر ساختن محیط شهری به محلی قابل زیست برای ساکنان است، به طوری که بعد از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۹ لایحه قانونی "حفظ و گسترش فضاهای سبز در شهرها" تصویب رسید. در این تحقیق سعی شده در ابتدا ضرورت وجود فضای سبز (پارک‌ها) در شهرها بررسی شود و چگونگی مکان‌یابی و بهره‌برداری صحیح از فضای سبز درون شهری نظیر پارک‌ها بررسی و با مطالعه وضعیت فضای سبز و پارک‌های شهر ساری به بررسی پارامترهای مؤثر در مکان‌یابی فضای سبز در شهر ساری پرداخته شود. اهداف این تحقیق به طور کلی ارائه الگوی مناسب جهت افزایش کارکرد اکولوژیکی پارک‌های شهر ساری، بررسی نقاط ضعف در مکان‌یابی پارک‌های موجود و رفع آن در مکان‌یابی فضای سبز آتی در کنار اماکن تاریخی، جهت حفظ میراث باستانی در کنار میراث طبیعی باشد. نتایج تحقیق بیان می‌دارد که وسعت ۳۴ هکتاری فضای سبز شهر ساری و سرانه ۱/۳۲ متر مربعی آن با استاندارد کشور (۱۲-۷ متر مربع برای هر نفر) فاصله زیادی داشته و در عین حال نسبت به سایر کاربری‌ها در مکان مطلوبی قرار نگرفته‌اند. حال با توجه به مسائل مطروحه فوق جهت ساماندهی مناسب فضای سبز شهری ساری و ایجاد یک فضای سبز پایدار شهری، سوال اساسی زیر مطرح می‌شود "چگونه می‌توان با توجه به پارامترهای حقوقی، اقتصادی و اجتماعی، الگوی بهینه‌ای را برای ساماندهی فضای سبز شهر ساری ارائه داد؟"

روش تحقیق در این مقاله توصیفی - تحلیلی می‌باشد و برای جمع‌آوری اطلاعات و داده‌های مورد نیازی از روش‌های زیر استفاده شده است: الف) اسنادی (ب) مشاهده و برداشت‌های میدانی (ج) بعد از جمع‌آوری اطلاعات و تکمیل آنها برای تجزیه و تحلیل، اقدام به طبقه‌بندی اطلاعات نموده که در این مرحله از نرم‌افزارهای GIS استفاده شده است.

واژگان کلیدی: فضای سبز، مکان‌یابی حقوقی، مکان‌یابی اقتصادی - اجتماعی، مکان‌یابی اکولوژیکی

۱. مدیرگروه برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه سیستان و بلوچستان

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه سیستان و بلوچستان

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه ساری

بررسی و ارزیابی ریخت شناسی (مورفولوژی) شهر فیروزکوه در سه مقیاس (کل شهر، محله و فضای شهری)

مصطفی بهزادفر^۱، مریم صانعی^۲

کیفیت حالتی از مطلوبیت‌ها و پاسخ دهندگی یک چیز، اعم از شیء، فضا، روابط و نظیر آن است که آن را خارج از سنج‌ها یا معرف‌های کمیتی آن عرضه می‌دارد. وجه کیفی محیط مبین حال و هوا، جانمایه‌ها، بار و متغیرهایی هستند که مستقیماً قابل اندازه‌گیری نبوده، اما انسان آن را حس و درک کرده و به آن دل می‌سپارد. برای فهم بار کیفی محیط باید نمایانگرها، حامل‌ها یا مرکب‌های کیفیات را شناخت. برخی متخصصان به ذکر ابعاد/بسترها/حامل‌ها و به زبان بهتر نمایانگرهایی پرداخته‌اند که هنجارهای کیفی را آشکار می‌سازند.

اهمیت دادن به ریخت شهر به خاطر نقشی است که می‌تواند در تحقق اهداف یک شهر داشته باشد. مسائل زیست محیطی، رفتاری، هویت، تنوع، خوانایی، معنی، ادراک و محدودیت‌های مختلف فضایی، اقتصادی، اجتماعی، فنی و فرهنگی عواملی هستند که باید در فرآیند شکل‌دهی به محیط مورد توجه قرار گرفته و شکل حاصله متناسب و در رابطه با مسائل و اهداف فوق باشد. اصول طراحی و هنجارهای کیفی مرتبط با بعد ریخت شناسی شامل: نفوذ پذیری شفاف در طرح‌ها و پلان‌ها، فضای شهری، ارتباط و اتصال، سلسله مراتب، شبکه‌ها و فضاها و فرم‌ها، تعریف بهینه فضاهای خصوصی، منظر شهری یکپارچه، دلپذیر و جالب می‌باشد.

در این مقاله پس از معرفی مفاهیم به مثابه هنجارهایی که وجودشان در هر محیط مبین مطلوبیت، پاسخ دهندگی و توسعه کیفی آن محیط است، به فهم ساماندهی کیفی محیط پرداخته و با معرفی چگونگی ارتباط نمایانگرهای کیفیات محیطی با هنجارهای کیفی محیط به تمرکز بر نمایانگر ریخت تأکید کرده است. در این راستا ریخت شناسی شهر فیروزکوه به عنوان یک فرصت که ضرورتاً دو گونه سیستم فضای شهری در قالب «سنتی» و «مدرنیستی» را در آن می‌توان به وضوح یافت، به عنوان هدف این مقاله مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: نمایانگرهای کیفیات محیطی، ریخت شناسی، فضای شهری سنتی - مدرنیستی.

۱. دانشیار طراحی شهری، گروه شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه علم و صنعت ایران

تحلیل ساختاری شهر جدید شوشتر از منظر شهری

حافظه پور دهقان، وحید پرهوده

شهرها بستر فرهنگ‌سازی هستند که در تعامل با اتفاقات و حضور ساکنین خود حیات می‌یابند. شهر و انسان در این تعامل دو سویه، پیوسته از هم تأثیر گرفته و برهم تأثیر گذارند. علم شهرسازی و هنر معماری در این میان، به عنوان کاراترین ابزارهای شناخت و تکامل این فرایند سعی بر آن دارند، این تعامل را در زنجیره تمدن و فرهنگ خودی و غیرخودی، بازشناسی کرده و سازوکار رشد و پویایی آن‌را به نحوی مطلوب در بستر توسعه و حیات کنونی شهرها تداوم بخشد. از همین رو برای داشتن معماری اصیل و به تبع آن شهر با هویت، ناگزیر از دانستن و آگاهی عمیق از عوامل و نیروهای تأثیرگذار فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، اقلیمی، زیست محیطی و هر آنچه در شکل‌گیری این ارتباط نظامند میان شهر و جامعه دخیل است، می‌باشیم. در این راستا بازبینی و بازشناسی تجارب عملی که با این رویکرد برنامه‌ریزی شده و اتفاق افتاده‌اند، کمک شایانی در وصول به این هدف ارزشی است. در فرایند پژوهشی پیش‌رو، سعی بر آن است که مجموعه شهر جدید شوشتر نو به عنوان نمونه‌ای از معماری و شهرسازی معاصر ایران از این دریچه، موضوع شناخت بوده و مورد آسیب‌شناسی قرار گیرد. در واقع این اثر، اگرچه با نگاه ویژه و توجه خاص طراح آن به مسائل اجتماعی، فرهنگی، اقلیمی، الگوهای بومی و... نظام یافته و به عنوان یکی از طرح‌های برگزیده شهری، جایزه معتبر آغاخان را نیز به خود اختصاص داده است؛ اما در تداوم حیات و فرایند رشد خود از آسیب‌ها و زشتی‌های بسیاری در عرصه حیات و سیمای شهری رنج می‌برد!

چارچوب نظری پژوهش بر مبنای ادبیات تخصصی معماری معاصر و با استناد به مبانی و آرای معماران و اندیشمندان مطرح، بر مبنای چارچوب تحلیل کالبدی - محتوایی تنظیم شده است. به طور یقین همگنی و همخوانی ظرف و مظهر، شهر و جامعه، در این مسیر، مقوله‌ای است که از برآیند همه عوامل ساختاری مرتبط با بستر شهر و مخاطب آن، در مقیاس خرد و کلان، حاصل می‌شود. شهری که مدت زمان زیادی از طراحی و اجرای بخشی از آن نمی‌گذرد، تجربه‌ای است گرانبها که بیش از پیش ما را به ارتباط بین مسائل زیرساختی و ریشه‌ای یک جامعه با معماری و منظر شهری به وجود آمده آن و چگونگی سامان یافتن خواستگاه‌های زیستی حال و آینده رهنمون می‌سازد.

واژگان کلیدی: شهر، شهرسازی، سیمای شهری، شوشتر نو

تعریف رویکرد مداخله بر مبنای توسعه میان‌افزا در ساماندهی بافت فرسوده شهر گنبد کاووس

سعید رفیع پور^۱، مریم رحمانی^۲، محمدجعفر جمال^۳

شهرها محیط‌های انسان ساختی هستند که با توجه به ویژگی‌های ذاتی انسان، دارای ابعاد و ویژگی‌های پیچیده‌ای بوده و هر بخش از فضاهاى شهری با توجه به عملکردها و کارکردهای مختلف، ویژگی‌های مختص خود را دارا می‌باشند. این امر لزوم تدقیق مطالعات شهری در ابعاد و جنبه‌های مختلف فضاهاى شهری را به ویژه در محدوده مورد مطالعه که بخشی از مرکز تجاری شهر (CBD) و بافت فرسوده شهر گنبد کاووس است، جهت شناسایی مسائل توسعه و راه حل‌یابی مطرح می‌کند. CBD مخفف *Central Business District* است که در مفهوم عملکردی خود شامل هسته تجاری یا بازار شهر است که به مرور زمان از تجمع خرده فروشی‌ها شکل می‌گیرد. بازخوانی اسناد فرادست توسعه‌ای، بیانگر آن است که احیاء حیات اقتصادی و اجتماعی مرکز شهر گنبد کاووس و ساماندهی بافت‌های فرسوده به عنوان یکی از سیاست‌های توسعه درونی شهر، اصل اساسی در هدایت توسعه شهر بر مبنای طرح جامع شناخته شده است، اما بازشناسی ویژگی‌های درونی بافت مرکزی شهر نشان می‌دهد که اینگونه طرح‌ها با توجه به ساختار کلی خود و عدم تمرکز کافی به حل مشکلات مراکز تجاری، هیچ‌گاه پاسخ‌گوی نیاز ساماندهی مراکز تجاری نبوده‌اند. در واقع برخی از فضاهاى موجود در محدوده مورد مطالعه، بویژه در حوزه درونی بلوک‌ها، به سبب عوامل عدیده‌ای چون عدم برنامه‌ریزی صحیح کاربری زمین، عدم وجود ضوابط شهرسازی صحیح و مدون متناسب با شرایط خاص این فضاها مثل خرده فروشی‌ها، عدم هماهنگی با نیازهای امروزین شهروندان و مشکلات مربوط به نحوه مالکیت و ... نتوانسته‌اند همگام با سایر فضاهاى مجاور که شرایط مشابهی با آنها دارند توسعه یابند و از جریان توسعه عقب مانده‌اند. بر این اساس جهت ظرفیت‌سازی توسعه درونی شهر و مداخله در محدوده بافت فرسوده، رویکرد توسعه میان‌افزا (*Infill Development*) در فضاهاىی که در طی دوران گسترش پیوسته شهر از فرایند توسعه بازمانده‌اند، اتخاذ گردید. توسعه میان‌افزا یا توسعه مجدد از درون، شکلی از توسعه شهری است که بر روی زمین‌های متروکه، رها شده و بلااستفاده داخل محدوده بافت موجود شهرها و عمدتاً در زمین‌های با قابلیت توسعه مجدد شکل می‌گیرد و زمینه‌های صرفه‌جویی در مصرف زمین، استفاده بهینه از زیرساخت‌ها و تاسیسات موجود شهری و فهم منظر شهری را فراهم می‌آورد.

واژگان کلیدی: بافت فرسوده، توسعه میان‌افزا، مرکز تجاری شهر (CBD)، رویکرد مداخله

۱. کارشناس ارشد برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، دانشگاه تربیت مدرس

۲. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان

۳. کارشناس ارشد معماری

سنجش رشد درونی شهرها با استفاده از شاخص‌های کمی و کیفی و تأثیر آنها بر خوانایی سیما و منظر محلات شهری

صدیقه لطفی^۱، حسین جباری^۲، مهناز کوشکی^۳

امروزه توسعه شهرها با روندی سریع‌تر از سیاست‌های توسعه شهری کشورهای در حال توسعه در حال رخ دادن است که خود ناشی از برنامه ریزی شهری آتن-محورمی‌باشد. این امر در حالی است که کشورهای پیشرفته برای توسعه شهری از سیاست‌های سیال و راهبردی، مانند سیاست توسعه درونی بهره می‌گیرند. در واقع برنامه‌ریزی برای توسعه درونی شهر، یکی از سیاست‌های سه‌گانه توسعه شهری است که به جای گسترش افقی، به صورت عمودی گسترش می‌یابد. توسعه درونی شهر برخلاف سایر سیاست‌های توسعه شهری، با توجه به اینکه در بستر شهر و با حضور ساکنان، شهروندان و واحدهای همسایگی صورت می‌پذیرد، موضوعی پیچیده، چند وجهی، میان بخشی و حتی فرابخشی است که نه تنها یک کار فیزیکی، کالبدی و شهرسازی است، بلکه دارای ابعاد قوی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و زیست محیطی و تأثیر گذار در مناظر شهری نیز می‌باشد. امروزه شهرهای شمال ایران در معرض توسعه فیزیکی تهدید کننده‌ای قرار دارند، بطوری‌که بخش اعظم اراضی مستعد و ارزشمند کشاورزی در مقابل هجوم بی‌امان بی‌رویه شهر توانایی مقاومت ندارند. فرض مهم مطالعه حاضر این است که جهت‌گرای از رشد افقی شهر، باید قطعات خالی درونی اشغال شود تا فضاهای پیرامونی حفظ شده و بر خوانایی و تأثیر آن در افزایش ادراک بصری ناشی از نما و ظاهر یعنی کیفیت احساسی محیط محلات افزوده شود. لذا سوال اساسی تحقیق مبتنی بر چگونگی وضعیت شاخص‌های توسعه درونی محله بازار بابلسر است. در این مقاله با تکیه بر منابع و مطالعات اسنادی با روش توصیفی-تحلیلی سعی در بازشناسی و تحلیل وضعیت موجود شده است. نتایج تحقیق، معرف وجود قابلیت‌های بالقوه برای توسعه درونی محلات به همراه افزایش کیفیت زندگی به دلیل برخورداری از خوانایی و احساس تعلق ساکنین نسبت به سیما و منظر محلات است، در حالی است که شرایط فعلی با سطح توسعه یافتگی فاصله زیادی دارد.

واژگان کلیدی: توسعه شهری، توسعه درونی، سیما و منظر شهری، شاخص‌های توسعه درونی، محله بازار

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه مازندران

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه مازندران

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه مازندران

سیر تحول سیما و منظر شهری شهر بیرجند در دوره معاصر (با تاکید بر عناصر شاخص و سازمان فضایی)

مهدی فاطمی^۱، محمدرضا مهربانی گلزار^۲

شهر بیرجند که به عنوان مرکز استان خراسان جنوبی شناخته می‌شود، در دوره‌های مختلف تاریخی دارای تغییراتی در ساختار شهری و همچنین منظر شهر خود بوده است. این تغییرات در عصر حاضر به حدی زیاد بوده که تصویر ذهنی ساکنین قدیمی شهر را دچار خدشه کرده است. کالبد شهری بیرجند به راحتی روند توسعه شهر را نشان می‌دهد و در این ساختار سه بافت متمایز از هم به راحتی قابل تشخیص است. هر کدام از این سه نوع بافت دارای خصوصیات منحصر به فرد و همچنین تصویر ذهنی خاص خود هستند، به طوری که ورود و خروج به هر یک از این بافت‌ها محسوس است.

سازمان فضایی یک شهر، مفهومی تازه در عرصه شهرسازی و معماری کشور است. این مفهوم که عده‌ای آن را معادل استخوان بندی و ساختار شهر می‌دانند، دارای تعریف مدون و ثابتی نیست. سازمان فضایی را می‌توان مفهومی دانست که در ایران، در مراحل شکل‌گیری و رسیدن به بلوغ است. سازمان فضایی، علاوه بر ادراکی کلی که از یک شهر فراهم می‌سازد، به نوعی شاه کلید شناسایی ریشه و نحوه شکل‌گیری آن است.

نکته قابل توجه در این میان ثابت بودن عناصر مهم و شاخص شهری - که به نوعی عناصر هویتی شهر به حساب می‌آیند و شهر بیرجند به واسطه آنها در ذهن بسیاری نقش بسته است - می‌باشد. این مقاله ضمن بررسی و مقایسه این سه نوع بافت و نقش عناصر شاخص در حفظ پیوستگی و ایجاد انسجام بین آنها به دنبال پاسخ این سوال خواهد بود که آیا با ثابت نگه داشتن سازمان فضایی یک شهر، می‌توان منظر یا تصویر ذهنی آن را حفظ نمود؟

واژگان کلیدی: بیرجند، توسعه کالبدی، سازمان فضایی، سیما و منظر شهری، عناصر شاخص شهری

۱. دانشجوی دکتری معماری، دانشگاه تربیت مدرس

۲. دانشجوی دکتری معماری، دانشگاه پلی تکنیک نانسی فرانسه

شناخت عناصر بومی و فرهنگی در ساختار منظر محلات قدیمی شهر تبریز (نمونه موردی محله تاریخی مقصودیه)

لیلا مدقالچی^۱

در سال‌های اخیر مفاهیمی چون بومی‌سازی، بوم‌گرایی و نگرش بومی - منطقه ای در تمام علوم و گرایش‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. در این میان معماری منظر و به تبع آن منظر شهری در دنیا، به جهت تلاش در تأمین نیازهای بهره‌وران خود، از این حیطة غافل نبوده و شناخت عوامل و عناصر بومی‌سازی منظر شهری را از اولویت‌های خود برای طراحی بهتر و شایسته قرار داده‌اند. به رغم تمام این تلاش‌ها در ایران، متأسفانه با وجود بافت تاریخی غنی و در خور توجه، طراحی‌های صورت گرفته در حوزه شهری؛ نمایشی از کمترین توجه به مقوله بومی‌سازی است. ریشه‌یابی چنین مشکلاتی نیازمند مطالعات وسیعی است که باید در تمامی حوزه‌های اثرگذار صورت پذیرد.

با توجه به چنین مشکلاتی، شناخت عناصر منظر بومی و فرهنگی هر منطقه و نیز کارایی آن در عصر حاضر با توجه به تغییر عملکردها و پیچیده شدن نیازهای بشری، می‌تواند به عنوان راهکاری برای استفاده صحیح از این عناصر باشد. از این رو این مقاله در تلاش است تا با تبیین عناصر بومی و فرهنگی در محله تاریخی مقصودیه تبریز که در قسمت‌هایی دچار مداخلات شهری شده است، عناصر بومی را مورد شناسایی قرار داده و آثار ناشی از مداخله را با بیان اثرات سوء آن مورد تحلیل قرار دهد.

با توجه به اهمیت موضوع، این مقاله در تلاش است تا با استفاده از روش تحقیق تاریخی - تحلیلی، به تبیین عناصر منظر شهری بومی پرداخته و با کمک از شیوه مشاهده و مصاحبه به تحلیل نمونه موردی بپردازد.

واژگان کلیدی: منظر بومی، منظر شهری، فرهنگ، محلات قدیمی، محله مقصودیه تبریز

عدم تعادل‌های فضایی و تاثیر آن بر منظر شهری

(نمونه شهر مذهبی - توریستی مشهد)

معصومه توانگر^۱

شهر اسلامی ترکیب پیچیده‌ای از عوامل انسانی، اجتماعی و کالبدی است که در آن ویژگی‌های طبیعی مکان در راستای رفع نیازهای اجتماعی انسان مهار شده و هویت خاصی را به کالبد شهر بخشیده است. توسعه علم و تکنولوژی و تحولات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی دهه‌های اخیر، برنامه‌ریزی شهری کشورهای اسلامی را تحت تاثیر فرهنگ غربی قرار داده، به طوری که حتی منظر شهرهای مذهبی نیز نشان دهنده هویت مذهبی و اسلامی آن نبوده و ادراک ویژه یک شهر مذهبی را در ذهن متبادر نمی‌سازد. مهم‌ترین عوامل پیدایش چنین بی‌هویتی، تغییر نقش و کارکرد شهر و دور شدن از ساختار شهر اسلامی ناشی از سیستم برنامه‌ریزی کلان کشور و بروز عدم تعادل‌های فضایی در مناطق است. تحقیق حاضر بر آن است تا نقش عدم تعادل‌های فضایی را بر بعد کالبدی منظر شهری شهر مشهد بررسی کند؛ چرا که کلان‌شهر مذهبی - توریستی مشهد، علی‌رغم پذیرش نقش دومین کلان‌شهر مذهبی جهان در ابعاد کالبدی و انسانی منظر شهری، نمایانگر هویت تاریخی و مذهبی خود نمی‌باشد.

تحقیق بر این فرض استوار است که توزیع خدمات آموزشی - فرهنگی و بهداشتی در سطح شهرستان‌های استان خراسان رضوی متعادل نیست و این عدم تعادل باعث توزیع نامتعادل جمعیت و تمرکز جمعیت در شهرهای بزرگ استان و به ویژه شهر مشهد، گسترش ناموزون شهرها، حاشیه نشینی، افزایش هزینه‌های توسعه شهری و ناتوانی مدیریت شهری در تامین زیرساخت‌ها و ساماندهی شهری و نهایتاً آشفتگی منظر شهری شده است. روش مطالعه، اسنادی بوده و به منظور اثبات فرضیه فوق، شهرستان‌های استان به کمک مدل کلاستر در محیط نرم افزار SPSS به لحاظ قدرت جذب جمعیت و تعیین میزان تمرکز، خوشه‌بندی شده و مورد تحلیل قرار گرفته است. نتایج تحقیق، فرضیه مذکور را اثبات کرده است.

واژگان کلیدی: شهر مشهد، عدم تعادل‌های فضایی، منظر شهری، مدل کلاستر

منظر دوگانه شهری در روستا - شهرهای زلزله زده

(مطالعه موردی شهر آب بر)

علیرضا شمس اسفندآبادی^۱، ایرج قاسمی^۲، علی سلطانی^۳، محمدرضا بابامحمدی^۴

امروزه نابسامانی و اغتشاش در سیما و منظر در روستا و شهرهای ایران، واقعیتی پذیرفته شده توسط مسئولین، صاحب نظران و عامه مردم است. گوردن کالن (*Gordon Cullen*) طراحی منظر شهر را هنر یکپارچگی بخشیدن بصری و ساختاری به مجموعه ساختمان‌ها و مکان‌هایی می‌داند که محیط شهر را می‌سازند و همچنین هنر چگونگی برقراری ارتباط بین اجزای مختلف سازنده کالبد شهر بیان می‌کند.

از آنجا که جنبه عینی ماهیت منظر شهری بر ویژگی ذهنی آن غالب است، لذا به کمک حواس انسان خصوصاً حس بینایی قابل ادراک می‌باشد؛ چرا که منظر شهر عینیت قابل ادراک و فضایی خوانا از واقعیت موجود شهر پیرامونی است. اهمیت منظر شهری از آن روست که کلیت شهر را به مثابه یک متن آشکار ساخته و امکان قرائت و خوانش این متن را فراهم می‌آورد. لزوم این پیوستگی منظر شهری، حرکت تدریجی در بعد زمان می‌باشد؛ اما در مقاطعی به واسطه اتفاقاتی ممکن است این حرکت دستخوش تغییرات اساسی شود، ورود مصالح جدید، تغییر تکنولوژی ساخت، وقایع تاریخی و طبیعی و ... ممکن است بطور واضحی بر منظر شهر تأثیر بگذارد. در این مطالعه، شهر آب بر، از توابع استان زنجان مورد بررسی قرار گرفته است. زلزله سال ۱۳۶۹ از جمله مواردی است که در مقطعی موجب دگرگونی سیما و منظر شهر شده است. یافته‌های تحقیق در بخش‌های قدیمی شهر، ساختمان‌های بانماهای خشت و گل، کوچه‌ها و معابر خاکی با عرض کم، ساختمان‌های یک طبقه و وجود باغ و مزارع و دام و طیور، تصویر ذهنی از یک روستا را در ذهن ناظر پدیدار می‌کند و در طرف دیگر در بخش‌های توسعه یافته پس از زلزله، شبکه شطرنجی، خط آسمان و دید یکنواخت و تغییر عمده در مصالح و نوع ساخت و ساز، نوع دیگری از منظر شهری را تداعی می‌کند. در این مطالعه تلاش می‌شود تا منظر شهری در این بافت دوگانه شهری، بررسی و آسیب‌شناسی شده و تأثیر حوادث طبیعی از قبیل زلزله، بر منظر شهری مورد بررسی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: منظر دوگانه شهری، زلزله، آب بر

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد شهرسازی - برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای دانشگاه شیراز
۲. عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاددانشگاهی
۳. استادیار گروه شهرسازی دانشگاه شیراز
۴. دانشجوی کارشناسی ارشد شهرسازی - برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

واکاوی منظرین کلان شهر تبریز (رویکردی آسیب شناسانه)

بهادر زمانی^۱

منظر شهری بی روح و نامطلوب بسیاری از شهرهای ایران و تصویر ناواضح و مغشوش ذهنی از آنها که معلول بی توجهی به ویژگی‌های طبیعی، اقلیمی و فرهنگی هر منطقه و نگاه کمی و توجه صرف به جنبه‌های عملکردی شهر در نازل‌ترین شرایط می‌باشد، بخشی از چالش‌های پیش‌روی بسیاری از سکونت‌گاه‌های شهری معاصر است. اگرچه صرف داشتن نگاه و قرائت منظرین از شهر پاسخ‌گوی مسائل پیچیده شهری نخواهد بود، لیکن توجه به منظر به عنوان ابزار پایه و لازم (و نه کافی) برای قرائت متن شهر در راستای پاسخ‌گویی به بخشی از مسائل شهری و حقوق شهروندی ضرورت می‌یابد. هدف نوشتار حاضر بازشناسی و آسیب شناسی منظر شهری کلان شهر تبریز در چارچوب استراتژی مدیریت بصری شهر است. جهت نیل به این هدف این نوشتار ضمن بازشناسی مولفه‌های سازمان بصری (طبیعی و مصنوع) شهر تبریز در مقیاس کلان و خرد (شهر و فضاهای شهری)، به برداشت نقشه ذهنی و ارزیابی شهروندان از شدت و ضعف این مولفه‌ها پرداخته است. در انجام این تحقیق، از روش مطالعه نمونه موردی و در گردآوری اطلاعات، از شیوه برداشت نقشه ذهنی و پرسشنامه بهره‌گرفته شده است.

نتایج حاصل از این تحقیق مبین این است که کلان شهر تبریز به رغم برخورداری از استعدادها و ارزش‌های نهفته طبیعی، تاریخی، فرهنگی و اقتصادی آن از وجود منظر شهری در خور، مناسب و تأثیرگذار بر چشم، ذهن و ضمیر مخاطبان محروم بوده است. به همین دلیل لزوم ترسیم و تصویر چشم اندازی شفاف و نقشه ذهنی روشن، مبتنی بر روش‌های علمی در مقیاس شهر (نشانه‌های شهر، چشم‌اندازهای طبیعی، تاریخی و...) و فضاهای شهری (ورودی‌ها، جداره‌ها، لبه‌ها، مبلمان شهری و...) احساس می‌شود. اگرچه فرایند ساماندهی منظر شهری این کلان شهر، امری زود بازده نیست، اما تبیین چنین چشم اندازی می‌تواند مبنای اصولی و محکمی برای تعدیل ناهنجاری‌های منظر وضع موجود شهر و جهت‌دهی به مداخلات آینده در شهر قرار گرفته و از این رهگذر سازمان بصری شهر و مولفه تجربی - زیباشناختی آن به عنوان یکی از سازمان‌ها و مولفه‌های کیفیت بخشی در طراحی شهر تحت هدایت و کنترل قرار گیرد.

واژگان کلیدی: منظر شهری، مدیریت بصری شهر، نقشه ذهنی، تبریز

۱. استادیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز